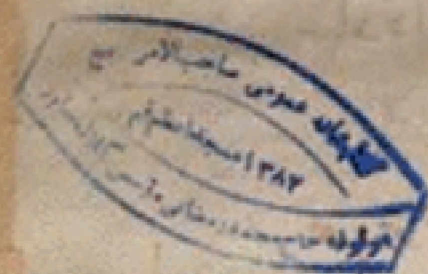


یا متنعم اند یا معذب تا بعد از انقضاء ایام مدت دنیا که علام الغیوب داناست عالم خراب میشود چنانکه کلام
ربانی مکرر بر آن ناطق است و افراد انسانی دفعةً واحده متوجه دار فنا میکردند و مخلوقی که مسافر راه عدم گشته اند
کاکان قدم در بزم وجود گذاشته و کسوت وجود خواهند پوشید پس قطار کتب و میزان و صراط و بهشت و دوزخ
حق است و خدای عالم و قادر بر وقوع آنها خبر داده و احادیث مخبر صادق در آن باب وارد است که
عرصات نامه اعمال که در زمان حیات کسب کرده اند در دان شود و آن روز را روز اکر گویند که اعمال بر ابابخر
عزت عرض میکنند هر کدام مقبول بارگاه احدیت شده عامل آن را بجنت اعلی میبرند
و هر چه مردود جناب الهی گشت صاحبش را روانه سجن میکنند و جمله
سرایر در آن روز آشکار میگردد **مثنوی** چون
قیامت روز عرض اکبر است عرض آن خواهد که یارب
فرست هر که چون هندوی بسجود آمده است
روز عرضش نوبت رسوائیست
هر چه پنهان باشدت پیدا
شود هر که او خائن
بود رسوا شود
وصلی

علی محمد و آله الطاهرین بر ضمیر اصحاب دانش مخفی و مستور نخواهد بود که جامع این اوراق اکثر بلاد
و قرای عالم و آفاق را گردیده و بسیاری از بقاع و مشاهد و قبور را دیده بعضی را کاملاً اطلاع و اطمینان
بصحت اسم و رسم و نسب و منتهی الیه و تاریخ ایشان نداشت از قید تحریر انداخت و بذکر امامزاده های
اکثر دیار پرداخت آنچه در کتب مورخین ثبت و ضبط بود
قلیلی از کثیر آن بوجه اختصار معروض گردید تا موجب
تطویل کلام نگشته تا از شرح حال و تاریخ
عموم بزرگان عالم مطلع گردند
ربنا فاغفر لنا ذنوبنا وکفر عنا سیئاتنا وتوفنا مع الابرار بحرمت الاطهار الاخیار



جلد چهارم
از کتاب جغرافی المشاهد
در ذکر جغرافیای اسلام و فواید سافر و حاجی و زایر و فضایل ذریه رسول الله و شرح حال مؤلف روسیاه و مشتمل بر چهار آثار است

بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله الذی من علینا بدین الاسلام وجنبنا عبادة الاوثان حمداً اسرمداً وشکراً واصباً وهدانا بنبوة خاتم النبیین وبولایة امیر المؤمنین وذریته المعصومین صلی الله علیهم اجمعین **وبعد** چنین گوید فقیر در روسیاه دعای السید محمد باقر درا غط بن مرتضی بن باقر الحسینی الخلخالی بمفاد آیه شریفه ان الدین عند الله الاسلام یعنی ای لا دین عند الله مرضی سواه یعنی بجز دین اسلام دینی نیست که خداوند از او راضی بوده باشد بایست دعای ما اهالی اسلام بوجود مسعود سلاطین روی زمین که در دین قویم و صراط مستقیم حضرت سید المرسلین هستند زیرا که بنا بمصداق الناس علی دین ملوکهم قدرت حکام سلاطین سلیمان جهان و قوام ملت و دولت ایشان را ابد الدهر طالب بوده باشیم خصوصاً که دولت علیه ایران اشرف دول روی زمین است و سلطانش اجل واکمل سلاطین است چه حقیقه شریعت محمدی و منهاج شریفه ذریه احمدی ببرکت وجود مسعود آن شاهنشاه مقتدر در ممالک ایران شایع و ظاهر است بلکه از اثر و ثمر سلطنت قاهره اش در جمیع ممالک و اقطار ارض فرقه ناجیه اثنی عشریه مباهی و سفخر و معزز و مکرمند و ذلک فضل الله یؤتیه من یشاء پس که العیاذ بالله احدی از احاد ناس قوام این دولت را طالب نباشد همانا طالب اهم اساس شریعت سید المرسلین خواهد بود

آثار اول در جغرافیای ممالک اسلام

بدانکه علمای جغرافیا در روی کره ارض ادیان مخلوق را چهار ربع ملت تقسیم کرده اند مسلمان عیسوی یهودی مشرک و مسلمان عبارت است از اشخاصیکه حضرت

در بیان مشاهد منوره قم

ریان بن شبیب خال معتصم عباسی از ثقات اصحاب بود و او جمع نمود مسائل صباح بن نصر هندی را که از حضرت امام رضا سؤال نموده بود و آخر در قم ساکن شد و در آنجا مدفون است **محمد بن الحسن** کنیت او ابو جعفر شیخ نجاشی گفته که او شیخ اهل قم و فقیه و ثقه و مقدم ایشان بود و از مصنفات او کتاب تفسیر قرآن و کتاب جامع حدیث است و وفات او در سال سیصد و چهل اتفاق افتاد **حسین بن بسطام** صاحب طب الائمه **ابی جریر** زکریا بن ادریس **آدم** بن اسحق **محمد** بن قولویه **الحاج شیخ احمد** بن اسحق الاشعری از وکلای حسن عسکری علیه السلام بود **میرزا حسن** بن عبد الرزاق لاهیجی و مولانا **آقا سید عبد الله** برادرزاده آنجناب **میرزا ابوطالب** والسید الجلیل المتقی **آقا سید علی** در دار الحفاظ مدفون است **و حسن بن محمد** بن حسن صاحب کتاب تاریخ قم **و سید ابو الحسن الرضا** مدفون است در مزار بوریان شهر قم **میرزا محمد باقر** بن محمد ابراهیم الرضوی القمی اصلا والمشهدی انی مسکنا و مولدا توفی فی الثامن عشر من شهر صفر ثمان عشرة ومائتین بعد الالف باصفهان ونقل الی قم المبارکة ودفن بدار الحفاظ **السید ابو الخیر** بن مهدی بن علی بن محمد مقیم بن رفیع بن محمد زکی بن میر المرحوم میر محمد رضا الحسینی الخلخالی آنجناب قبل از بلوغ باستفاده علوم در قصبه هراباد مشغول گشت بعد وارد شهر طهران شد و بجهة علم معقول از فقه و اصول بدرس آقا میرزا عبد الرحیم نهاوندی و حاجی میرزا حسن آشتیانی حاضر شد و برای تحصیل کلام و حکمت و ریاضی بدرس آقا علی حکیم و میرزای جلوه و آقا میرزا حیدر یزدی میرفت بعد از آنکه فارغ التحصیل شد خواست بوطن خود مراجعت نماید سنه هزار و سیصد و ... از دبای عراق در منزل یکی امام وفات یافت در آن امام زاده مدفون گشت بعد برادر عالیمقدارش میرزا ادریس صدر العلماء از آنمقام حمل بقم نموده در جوار حضرت فاطمه علیها السلام مدفون کرد **بالجمله** بسیاری از امام زاده و علماء و مجتهدین و اصحاب و مشایخ و عرفا و شعرا و سلاطین عموماً واجب الزیاره اند در قم مبارکه مدفونند لیکن حقیر بهمین قدر اکتفا نموده بتطویل نپرداختم **و از سلاطین** که در جوار حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها هستند **شاه عباس ثانی** مدت شانزده سال سلطنت کرد سنه هزار و هفتاد و هشت وفات یافت **فتحعلیشاه الملقب بخاقان مغفور** مدت سی و شش سال و پنجاه سلطنت کرد سنه هزار و دویست و پنجاه در اصفهان از مرض سینه وفات یافت عمرش شصت و چهار سال و چهار ماه بود در قم مبارکه مدفون گشت **محمد شاه** بعد از مدت چهارده سال سلطنت سنه هزار و دویست و شصت و چهار در شمیران رحلت یافت عمرش چهل و یکسال و یازده ماه بود در قم مدفون گشت

بهشت دوم در شرح شاهد ری

بدانکه ری دار الملک ولایت عراق عجم و شهری بوده
معظم و در زمان قدیم آن ولایت را راز میگفتند در جزو عراق و مشهور آفاق بود و بنا بیکه رازی ری هر دو
بیک لایت منسوب بری را رازی میگفتند اکنون خرابه و در اراضی اش بلاد جدیده احداث کرده اند از قبیل
دار الخلافه طهران و بلده حضرت عبد العظیم و غیره بنا کرده اند بالجمله در شأن شهر ری حدیثی از حضرت
جعفر صادق روایت نموده اند الری والقزوین والساوه ملعونات و مشومات در وقتیکه
عبیدالله زیاد ملعون حکومت ری را نامزد عمر بن سعد وقاص نمود که لشکر برداشته بقتال حضرت حسین علیه السلام
بکربلا رود عمر بن سعد متردد بود که آیا مرتکب قتل امام علیه السلام باشد یا نه این ابیات را بر زبان میراند شعر
ءاترك ملك الري والري منيتي ام ارجع مأثوما بقتل حسين وفي قتله النار التي ليس دونها
حجاب وملك الري قرة عيني آخر الامر حب دنیا و ریاست ری بر او غالب شده حکومت اختیار قتل
جگر گوشه خاتم الانبیاء اختیار نمود چنانکه ناظم بنظم آورده شعر بشرب یاد در خت بتمیز خاک شام بطحا خراب شد
بتمنای ملک ری باقی حال ری مدینه مشهوره بود روزگار چنان خراب نمود که اکنون جز از خرابه چند
و آثاری و بلند علامتی ندارد و از آن ولایات اصحاب حال و ارباب کمال بسیار ظهور کرده اند منجمله
از عرفا یحیی بن معاذ و شیخ یوسف بن حسین و شیخ نجم الدین صاحب مرصاد العباد و از علمای شیعه سید مرتضی
مؤلف تبصرة العوام و محمد بن عبد الرحمن صاحب کتاب انصاف و محمد بن یحیی صاحب کافی و از علمای اهل سنت
محمد بن زکریا امام فخر الدین صاحب تفسیر کبیر و از حکماء احمد بن محمد ابو علی مسکویه و مولانا قطب الدین محمد
و از وزرا آصف الملک و امثال اینها لا تعد ولا تحصی از آنجا بوده اند بعد از آنکه مزار فایض الانوار حضرت عبد العظیم
در حوالی ری واقع شد بلده باسم آنحضرت آباد و مسمی گردید و طهران نیز در زمان قدیم قصبه بود که ده راز یا ده ری
میگفتند بعد از آن تختگاه ملوک قاجاریه گردید از همت ایشان بر عمارات آن افزودند اکنون شهر معظمی
دار الملک مملکت ایران است و اطراف شهر را خندق و حصار کشیده اند از میدان مشق و توپخانه و زرگرخانه
مدارس و مساجد و تکایا نقص و قصوری ندارد و الحال مسکن ارباب دولت و مأمن اصحاب حشمت و محل
ازدحام و جمعیت است عمارات نیکو و باغات چون مینو و خیابانهای دلگشا و سبزه زارهای بهجت فزا
و اصطخرهای بسیار با صفا طرح انداخته اند جنة عالية تسكن فيها الابرار بلدة طيبة
تنزل فيها السادات تحتها بحر عينا وتلذ الاعين فوقها روضة رضوان باعلى درجات
دل ربا ساخته زبیده چو رخساره حور من نبات حسن انتهيها منبع نبات ازبتان تکی در لب آب زرش

دلها

ذکر شاهد ری و دروازه

ولها ملح اجاج ولها عذب فرات همه سکنش خط و سیمین بدن و غنچه دهن همه گلچهره و شکرلب و شیرین حرکات
و علمای جغرافی نفوس و جمعیت طهران را ششصد و شصت هزار نوشته اند و نفوس حضرت عبد العظیم ده هزار تخمین کرده اند
که کلیه چهار صد هزار بوده باشد و دار الخلافه طهران سیزده باب دروازه دارد ۱ دروازه یوسف آباد ۲ دروازه
شمیران ۳ دروازه دولت این سه دروازه در سمت شمال طهران واقع اند ۴ دروازه دوشان تپه
۵ دروازه دولاب ۶ دروازه خراسان در سمت مشرق واقع اند ۷ دروازه راه آهن ۸ دروازه
حضرت عبد العظیم ۹ دروازه غار ۱۰ دروازه خانی آباد در طرف جنوب شهر واقع اند ۱۱ دروازه گمرک
۱۲ دروازه قزوین ۱۳ دروازه باغ شاه در سمت مغرب شهر واقع اند و مسافت از طهران الی خرابهای
ری دو میل الی قصبه حضرت شاهزاده عبد العظیم قریب یک فرسخ میشود و مورخین در شرح حال امام زاده واجب التعظیم
علیه السلام نوشته اند که آن بزرگوار از اکابر محدثین و از اصحاب حضرت امامین محمد تقی و علی النقی علیهما السلام بود
و از جور خلفای عباسی بری تشریف آورده مخفی شد در سردابی در خانه مردی از دوستان اهل بیت در سکة الموالی
عبادت میکرد روزها روزه میداشت و شبها بنماز مشغول بود و در پنهانی بیرون آمده قبری را زیارت میکرد
و میفرمود که این قبر از فرزندان حضرت موسی بن جعفر علیه السلام است تا اینکه مردم ری آنحضرت را شناختند تا روزی که
بوفات آنجناب شخصی رسول خدا را در خواب دید که آنحضرت فرمود مردی از فرزندان من در سکة الموالی وفات یابد دفن
کنید او را در نزد درخت سیب در باغ عبد الجبار بن عبد الوهاب سپس اشاره فرمود بهمان مکانیکه در آنجا مدفون گشت
پس آن شخص رفت آن مکان را از صاحب باغ بخرد صاحب باغ سبب ابتیاع باغ را پرسید آن شخص خواب خود را نقل کرد صاحب
باغ گفت من نیز این خواب را دیده ام بهر حال باغ را بر آن سید بزرگوار وقف کردند بعد از چندی حضرت
عبد العظیم بیمار شد و برحمت ایزدی واصل گردید در هنگام غسل از جیبش رقعه پیدا کردند که نسب خود را در آن نوشته بود
که انا عبد العظيم بن عبد الله بن علي بن حسن بن زيد بن حسن بن علي بن ابي طالب عليه السلام

امام زاده واجب التکریم السید الشاه عبد العظیم

کنیته ابو القاسم وكان عالما عابدا
ورعا ومحترما عند الامامين الجواد والهادي عليهما السلام وكان ابا بحانه حبا شديدا وقد
عرض دينه الحق على سيدنا الامام علي الهادي وقد ورد في فضل زيارته من زار قبره وجبت
له الجنة وقال شيخنا الشهيد الثاني رحمه الله في تعليقه على الخلاصة هو عبد العظيم المدفون بمسجد الشجرة
بالري وقبره يزار وقد نص على زيارته الامام علي بن موسى الرضا قال من زار قبره وجبت له الجنة
روى الشيخنا الصدوق معنعنا عن يحيى العطار قال دخل على ابي الحسن العسكري من اهل الري فقال

بهشت دوم در ذکر مشاهد

این کنت قلت بزیارت الحسین قال اما انک لو زرت عبد العظیم عندکم لکنت کمن زار قبر الحسین
یعنی مردی از اهل ری بحضرت حضرت امام ابی الحسن العسکری مشرف شد امام از وی پرسید که کجا بودی عرض کرد
بزیارت حسین بن علی رفته بودم فرمود اگر زیارت میکردی قبر حضرت عبد العظیم را که در نزد شماست هر آینه مثل
کسی بودی که زیارت جدم حسین را کرده باشد و فرمود من زار عبد العظیم بالری کان کمن زار الحسین
وا ولد عبد العظیم محمد بن عبد العظیم وکان زاهداً کبیراً وانقرض عبد العظیم فلا عقب له

محل نقشه صحن و سرا و گنبد و بارگاه حضرت شاه عبد العظیم را از جهة
تیمن و تبرک در این ورقه کشیده شده نمره ده

قال شیخ ... عبد العظیم ... من الطالبین ... الحسنی بالری

بنیان گنبد و تعمیر روضه مطهره حضرت عبد العظیم علیه السلام

اولین بنا را مجد الملک راد ستانی کرد و بنیان رواق و ایوان از مرحوم شاه طهماسب بن شاه اسمعیل است
ضریح نقره و آینه بزرگ از مرحوم فتحعلی شاه است و خارج گنبد را ناصر الدین شاه طلا کرده و بزرگ
سبز گرفته و با تمام رسانید و نقاشی ایوان مبارک از آثار خیریه میرزا آقاخان نوری است
باقی تعمیرات از رواق و ایوان و چراغها و غیره با مر ناصر الدین شاه رضوان جایگاه اتمام پذیرفت
الحق آن پادشاه مغفور این عمارات را ذخیره روز رستاخیز قرار داد و در حیاتش غالب اوقات بزیارتش
مشرف میشد تا روز جمعه وقت زوال هفدهم ذی قعدة الحرام در سال هزار و سیصد و سیزده
در حرم مطهر حضرت عبد العظیم بدست میرزا رضای کرمانی بخدمت اولیای دین واصل شد و در بهشت
عنبر سرشت مخلد گردید و در جوار حضرت عبد العظیم قریب بقبر شریف حاجی ملا علی کنی اعلی الله مقامه
مدفون گردید با مر مرحوم مظفر الدین شاه گنبد و ضریح جداگانه بر سر مزارش برافراختند ثم ان باراضی
الری وجبالها العالیة من مقابر اولاد الائمة جم غفیر در زمین ری مزار امام زاده
بسیار است بعضی از ایشان مخفی و برخی در ظاهر و اشتهار است

منجمله

قصبه حضرت عبد العظیم و شهر طهران

منجمله مزار فایض الانوار حضرت حمزة بن موسی الکاظم علیه السلام وکان فی
مقابل قبر حضرة عبد العظیم قبر الامام زاده حمزة بن موسی بن جعفر المدفون بالری وهو
ایضاً هنالک مزار معروف الی زماننا هذا این بزرگوار با امام زاده احمد مشهور بشاه چراغ و با امام زاده
محمد بن موسی الکاظم برادر اعیانی است و اما اکثر علمای رجال فرموده اند و بحر العلوم از شیخ نجاشی روایت کرده
که هو فی حمزة بن الامام موسی علیه السلام در بین النهرین در قریه که بقریة الحمزه مشهور است واقع است
در جزیرة العرب در جنوب حله مابین دجله و فرات آن قریه با قریه مزیدیه قرب جوار قرار صد و پنجاه
هزار خانوار است مزار حمزة بن موسی در آن دیار بغایت شهارت و بقعه است ظاهر و شایع برای
زیارت آنجا بشد رحال میکنند از مکانهای دور و حضرت صاحب الامر علیه السلام بجهة بعضی از علمای
دین و فقهای مؤمنین ظاهر گشته و فرموده است اینکه گویند حمزة بن امام موسی در ری مدفون است
بمقادیر مشهور لا اصل له است با خبرهائیکه شهرت کرده واصلی ندارد بلکه در ری

مزار فیض آثار حضرت ابی یعلی حمزة بن قاسم بن علی بن حمزة بن
حسن بن عبد الله بن عباس بن امیر المؤمنین علی علیهم السلام است شیخ نجاشی گفته
ابو یعلی حمزة بن قاسم ثقة جلیل القدر و فقیه العصر است از اصحاب حدیث و از علمای غیبت صغرا
و معاصر علی بن بابویه والد صدوق است العلم عند الله و قبر منور امام زاده طاهر
بن محمد بن محمد بن حسن بن حسین بن عیسی بن یحیی بن حسین ذی الدمعة
بن زین العابدین علی بن الحسین علیهم السلام در جوار حضرت عبد العظیم است قبر مقدس
امام زاده عبد الله ابیض بن عباس بن محمد بن عبد الله الشهید بن حسن افطس بن علی بن ابی طالب
نزدیک بمزار حضرت عبد العظیم است امام زاده عبد الله در سال سیصد و نوزده برحمت ایزدی پیوست
مرقد منور امام زاده زید از اولاد جعفر بن حسن مثنی بن حسن المجتبی علیهم السلام در وسط شهر طهران واقع است
و در جوار آنحضرت مقبره ایست مشهور بسید ولی الدین و بقعه متبرکه امام زاده یحیی بن حسین
ذی الدمعة بن زید بن علی بن الحسین این بزرگوار غیر از یحیی بن زید است زیرا که یحیی بن زید در خراسان
شهید شد چنانکه در این کتاب در محل خود شرح حالش مسطور گشته است ان یحیی بن الحسین ذی العبرة

قال النجاشی ان عبد الله الابیض مات بالری سنة تسع عشرة وثلث مأة وقبره ظاهر ... انقرض عقبه

بهشت دوم در ذکر

فعقبه من سبعة القاسم والحسن الزاهد وحمزة وهم مقلون ومحمد الاصغر وعیسی ویحیی بن یحیی وعمر
وهؤلاء مکثرون وینتهی نسب هذا الفقیر المؤلف العاصی الی یحیی بن یحیی ولا عقب لیحیی بن زید
ومضجع امام زاده ناصر الدین بن محمد بن احمد بن ابی القاسم حمزة بن عبد الله الباهر
بن علی بن الحسین ع در وسط شهر طهران واقع است وقبر مطهر امام زاده معصوم
ابن محمد بن ابراهیم ابو اسحق بن ابو عبد الله الحسین شیخ المحدثین و رئیس بغداد بن النبیل
احمد بن موسی الثانی ابن الامیر ابراهیم المرتضی ابن الامام موسی الکاظم ع ومرقد منور
امام زاده حسن امیر بن ابی عبد الله محمد عزیز بن احمد الخطیبی ابن حسن بن جعفر
بن هارون بن اسحق الکوکبی ابن حسن امیر بن زید بن حسن بن علی بن ابی طالب علیه السلام
در سمت غربی طهران بمسافت یک میل واقع است وامام زاده های که در قراء شمیران در سمت شمال طهران در دو فرسخی
در سه فرسخی آن واقع اند مزار امام زاده قاسم بن امیر حسن بن زید حسن بن علی بن
ابی طالب است عوام گویند که سر مبارک شاهزاده قاسم بن حسن را حسین بن نمیر کندی بری آورده
چوگان بازی کردند ودر دربند شمیران در موضع رود بار علیا دفن نموده اند غلط است اصلی ندارد
همانجا مدفون همین امام زاده قاسم بن حسن که مورد عرض گردید میباشد وبقدر نیم فرسخ بالاتر از آن مدفن
شریف امام زاده داود بن سلیمان بن عبد الله بن موسی الجون بن عبد الله المحض
بن الحسن المثنی بن زید بن الحسن المجتبی علیهم السلام وبقعه منور امام زاده صالح
بن ابو الفاتک عبد الله بن امام زاده داود مزبور است در قریه تجریش شمیران مزارش انور
مزار بی بی شهربانو در جبل ری واقع است حضرت شهربانو مادر حضرت زین العابدین در مدینه
در ایام نفاس وفات یافت وقبرش در بقیع است یحتمل آن خاتون نامادری وخاله آنحضرت وزن
محمد ابن ابی بکر بود بعد از شهادت محمد در مصر حضرت حسین او را عقد کرد اسمش شاه زنان هر دو خواهر
دختران پادشاه عجم یزدجرد بودند واین شاه زنان در کربلا با اسرا بود ونام آنخاتون مشهور شهربانو گشته
بود چنان که رقیه بنت الحسین که در خرابه وفات یافت مشهور بسکینه گشته اما صاحب ناسخ التواریخ نوشته
اینکه در کوه ری است شهربانو نیست بلکه از عترت طاهره سایر ائمه علیهم السلام میباشد بقعه شریفه
بی بی زبیده مشهور بعروس قاسم بن حسن ع گویند شهربانو با خود بری آورد بلکه آنخاتون هم یکی از زنان اهلبیت است

دراطراف

مشاهد منوره ملک ری

در اطراف شهر طهران وحوالی خرابه های ری وجبال آن از قبور امام زاده های عظام وعلمای ذوی العز والاحترام
واولیای کرام مملو ومشحون است منجمله امام زاده علی وسیده ملیکه خواتون چون در
کتب انساب ورجال وتواریخ هر کدام بنظر فقیر رسیده واغلب را کشف کشته آبا الواح داشته باید شنید
دار اولاد کدام امام است ونسبش بکه منتهی میشود معلوم نیست لهذا به تحریرش نپرداخت از امام زاده های
معظم محترم که در زمین ری مدفون است در قریه ونک که نزدیک طهران است مزار فیض آثار
امام زاده قاضی وصابر ابو القاسم علی علیه السلام در آنجا زیارت آنجناب بچند
واسطه بحسین الاصغر بن امام زین العابدین علیه السلام میرسد آنجناب بسیار سید جلیل القدر وفاضل وفقیه ومحدث
وعالم وخبیر بود نسب باهره اش ابو القاسم علی بن محمد بن نصر بن مهدی بن محمد بن
علی بن عبد الله بن عیسی بن حسین الاصغر بن الامام زین العابدین علیه السلام مقابر
ارکان علمای دین وفضلای ملت در اراضی ری میباشد
مولانا شیخ صدوق ابو جعفر محمد بن علی بن الحسین بن موسی بن بابویه القمی شیخ نجاشی
گفته که آنجناب در اوایل سفارت حسین بن روح از مادر متولد شده که او شیخ ما وفقیه خراسان بود در سال سیصد
پنجاه وپنج در عنفوان جوانی ببغداد آمد وشیوخ طایفه از او استماع حدیث نمودند وشیخ طوسی در کتاب فهرست
گفته که ابو جعفر بن بابویه شیخ جلیل القدر حافظ احادیث بصیرت بحال رجال وناقد آن اخبار بود در میان
علمای قم مانند او در حفظ وکثرت علم پیدا نشده وقریب سیصد تصنیف دارد آخر بالتماس شیعه ری
در آنجا اقامت فرمود بتعلیم مسائل ایشان مشغول بود وشیعه خراسان را نیز بفتوای او رجوع داشتند واز عمرش
هفتاد سال گذشت سال سیصد وشصت ویک در خطه ری وفات کرد قریب بمضجع حضرت عبد العظیم وطریق زوار
آن بزرگوار مزارش در کمال اشتهار است مزار شیخ یعقوب پدر شیخ محمد کلینی نیز
در مقابر ری واقع است (کلین) در زمان قدیم قریه بود در نزدیک شهر ری ودیگر
قدوة المفسرین الشیخ ابو الفتوح حسین بن علی الرازی از علمای اعلام
واز عظمای ادبای انام از اولاد بدیل بن ورقاء الخزاعی بود وشیخ عبد الجلیل رازی گفته که خواجه امام
ابو الفتوح رازی مصنف بیست مجلد است از تفسیر قرآن قبر شریف آنجناب در صحن امام زاده
حمزه است والواحی از کاشی که زرد ملمع باید بر آن نصب شده است که اسم آن مرحوم در آن منقوش
ومکتوب است برحسب وصیت در جوار حضرت عبد العظیم وامام زاده حمزه مدفون گردید اما صاحب

بهشت دوم در شرح ...

مجالس المؤمنین در محل مدفن آنجناب اشتباه فرموده نوشته است از بعضی ثقات مسموع شد که قبرش در صفهان واقع است اقول ان قبر الشیخ ابو الفتوح الرازی الخزاعی الشیعی المفسر المشهور واقع بالری فی جوار الشاه عبد العظیم واما الشیخ ابو الفتوح منتجب الدین العجلی الفقیه الشافعی الاصفهانی کان من کبار مشایخ الصوفیة المشهور قبره الی الآن باصفهان **ابو جعفر محمد بن عبد الرحمن مشهور بابن قبة الرازی** شیخ نجاشی گفته که او متکلم عظیم القدر نیکو عقیده ماهر در علم کلام بود در مبادی حال مذهب معتزله داشت و آخر بمذهب حق امامیه رجوع نمود و کتاب الانصاف در امامت از تصنیفات اوست نوشته اند پنجاه حج پیاده گذارده بود رحمة الله علیه در ری مدفون است الفقیه المجتهد **ابو علی محمد المشتهر بابن الجنید الاسکافی** ان یکون ابن الجنید من رجال غیبة الصغری معاصر السفراء نقل السید العلامة عن کتاب الانساب انه من اهل اصفهان کانت فی مدینة الری من دیار عراق العجم فی سنة احدی وثمانین وثلثمائة فیکون وفاته وفات الصدوق معا فی الری ودفنا فی مقبرة واحدة **علی بن احمد** بن علی الرازی از مشاهیر فضلای ری بود در مقابر ری مدفون است ودر زبدة العلماء الانجاب قدوة الحکماء الاقطاب ومصدر اولی الالباب ومنبع الخلق والشیم والآداب **میرزا باقر نواب** وهو محمد بن محمد اللاهجی الاصفهانی وکان له تالیفات جمیلة وهو شارح نهج البلاغة باشارة السلطان الخاقان فتحعلی شاه قاجار توفی فی بلدة طهران ودفن فی الری **واحمد بن فارس زکریا الرازی** اللغوی استاد صاحب بن عباد توفی احمد الوزیر الفاضل سنة تسعین وثلثمائة بالری ودفن مقابل مشهد **القاضی علی بن عبد العزیز** وعلی بن حمزة الکوفی **مشهور بابو الحسن الکسائی القاری** استاد نحو ولغت وتجوید وقرائت بود گویند پسر هارون الرشید را معلم بود وبا سیبویه معاصر است در اردوی هارون الرشید بخراسان میرفت در قریه زنبویه که از قرای ری است از ناخوشی وفات یافت وفاتش سنه یکصد وهشتاد ونه هجری در ملک ری در قریه زنبویه مدفون گشت **ومحمد بن الحسن** نیز آن روز وفات یافت هر دو را در آن قریه دفن کردند المولی الفاضل المتبحر

مولینا

بقاع متبرکه اراضی ری

مولینا **الحاج ملا علی کنی** عالم نحریر وفقیه بی نظیر ومجتهد مسلم واز تلامذه شیخ محمد حسن صاحب جواهر بود آنجناب تعلیقات ورسائل وتالیف در فقه ودرایه دارد مزارش در جوار حضرت عبد العظیم در کمال اشتهار است **وآقا سید محمد صادق طباطبائی** از قبیله مرحوم بحر العلوم وحید دهر وسلمان عصر بود واز تلامذه صاحب فصول واز ارباب علم فقه واصول سرآمد فحول بود اهل ری از نفس قدسیه آن مرحوم مستفیض وبهره مند بودند مزارش در غایت اشتهار است ونیز در طهران **بقعه شریفه سید المجتهدین میر ابو القاسم امام جمعه طاب ثراه** که در السنه وافواه مقبره آقا مشهور است بعد از وفات آن مرحوم ولد ارشدش الحاج امام جمعه اعلی الله مقامه بقعه وگنبد عالی بر مزارش برافراشت وخود **الحاج میرزا زین العابدین امام جمعه** نیز در جوار پدر مدفون گردید **نسب باهره وشجره جلیله اش** السید محمد بن امیر زین العابدین بن میر ابو القاسم بن میر محمد حسین بن میر محمد صالح بن میر عبد الواسع بن محمد صالح بن میر اسمعیل بن میر عماد بن میر حسن بن سید جلال الدین بن سید مرتضی بن امیر محمد حسین بن سید شرف الدین محمد حسین بن عماد الشرف بن میر عباد بن میر محمد حسین بن حسن بن افطس حسن المثنی بن حسن المجتبی بن علی المرتضی علیهم السلام السید الاعلم الافقه الاورع الانجب **آقا سید صالح عرب** الشیخ الفاضل المتهجد **آقا شیخ محمود مجتهد** العالم الفقیه والحبر الاکبر **آقا سید علی اکبر تفرشی** العالم الربانی والفاضل الصمدانی **الحاج میرزا ابو الفضل طهرانی** الشیخ الاعلم الامجد والفاضل الاوحد **آقا میرزا محمد** نواده مرحوم حاجی کرباسی صدر الحکماء والمتکلمین فخر الفضلاء والمتالهین **میرزا ابو الحسن مشهور بجلوه** نیز در قرب مزار حضرت عبد العظیم برخی در جوار ابن بابویه مدفون است **امیر قوامی رازی رحمه الله** از فصحای شعرای ری وفضلای مؤمنان فرخنده پی بود وقصاید واشعار بسیار در توحید ونعت ومنقبت اهل بیت گفته وملک السادات والعلماء سید شرف الدین مرتضی قمی را مدح کرده این یک بیت از اشعار اوست **شعر** تا صاحب الزمان برسیدن بکام دین اولیترین کسی شرف الدین مرتضی است در جوار ابن بابویه مدفون است **حکیم قاآنی میرزا حبیب شیرازی** مرحومی در مشهد مقدس از قواعد منطق وحکمت الهیه وکلام وهندسه وهیئت وحساب ونجوم وسایر علوم بمقامات ...

بهشت دوم

علیه رسیده از حیث فصاحت و بلاغتش حسان العجم لقب یافت در سنه یکهزار و دویست و هفتاد و دو هجری
در دار الخلافه طهران درگذشت حمل بحضرت عبد العظیم کردند و در جوار آن بزرگواران مدفون گردید رحمه الله
قدوة العرفا مرحوم حاجی میرزا صفا از اهل سوادکوه من اعمال طبرستان بود مدتی
در خدمت مرحوم شیخ محمد حسن صاحب جواهر الکلام و در نزد سایر علمای نجف تحصیل کرده مدتها ممالک روی
زمین را سیاحت کرد و در تمام عمر نا اهل نفر بود و مجرد براه رفت و هفتاد و نه سال عمر گرانمایه را در طلب
مرضات حق و ارشاد سالکین طریقت صرف نمود و پایان حال بدار الخلافه طهران آمد بالاخره در سال
هزار و دویست و نود و یک هجری روز نهم شهر رمضان برحمت ایزدی پیوست در قرب چشمه علی ری
مقبره امام زاده هادی آن مرحوم را دفن کردند و مقبره عالی و صحن وسیعی بر سر قبر او
بنا کردند و موسوم بصفائیه داشتند بالفعل خانقاه درویش و فقرا جمله عرفا و زمره متصوفه است
وملا عباسعلی سوادکوهی الاشتی اعلم علما و افضل فضلا در عهد آقا محمد شاه
طاب ثراه بود در اوایل سلطنت خاقان مغفور آن مرحوم در سعلی خود در وقت صبح وفات یافت
در جوار امام زاده حمزه حضرت عبد العظیم در باغی که اکنون صورت مدرسه یافته بخاک رفت عمرش
چهل و پنج سال و اولادی نداشته زیرا که متاهل نگشته بود **عبد الله بن جعفر بن موسی
بن جعفر بن محمد دوربستی** و دوربست از جمله قریه های ری است (در اثنت ری
هم میگویند از آنجا فحول علما و متبحرین فضلا ظهور کرده اند عبد الله بن جعفر مذکور که از اولاد
حذیفة بن الیمان بود از فقهای شیعه امامیه است و در سال پانصد و شصت و شش ببغداد
رفت و مدتی در آنجا اقامت نمود و از احادیث ائمه علیهم السلام که از جد خود محمد بن
موسی فرا گرفته بود در آنجا روایت نمود و بعد از آن بوطن اصلی مراجعت کرد و بعد از سال
ششصد باندک زمانی وفات یافت **مولانا سید محمد نوربخش** در تاریخ هشتصد و نه
در قریه سولغانی که از دهات شهریار ری است وفات یافت مزارش در قریه مزبور واقع است
امام زاده جمشید بن حسن مثنی **و امام زاده محمد** بن طیب بن موسی الکاظم ع
در سوهانک از توابع شمیران ری مقتول و مدفون میباشند **امام زاده شعیب**
از اولاد موسی الکاظم ع در قریه کن از دهات ری است در باغ حیات مدفون است

سادات

ولایت ری

سادات که از نسل امام زادگان بولایت ری و طهران منتشر شدند
از نسل تاج الدین ابو الفضل محمد الحسینی الافطسی الشهید نقیب النقبا **اولاد** حضرت حسین
الاصغر بن زین العابدین ع عموماً محدث و عالم و فاضل بودند در ولایت ری قضاوت و صدارت
داشته اند و علی بن محمد السلیق که منتهی میشود به ابو محمد حسن بن حسین الاصغر اولاد و احفاد
وی در ملک ری بسیار است **و ذریه** حمزة بن عبد الله بن اسمعیل بن محمد ارقط بن
امام محمد باقر علیه السلام **اعقاب** حسن مثلث نیز در ری بسیار است **اما از
سلاطین دفین خاک ری اند طغرل شاه سلجوقی** قبرش
در برج معروف ری که برج طغرل گویند میباشد در سنه ۴۵۵ کشته شد و در آن برج مدفون
گشت و سه نفر از سلاطین قاجار در جوار حضرت عبد العظیم مدفونند چون ابنیه عمارات
و آبادی آن ولایات از همت ملوک قاجاریه است و تختگاه ایشان است بنابراین بتحریر
مختصر تاریخ ایشان پرداختم **سلسله ملوک قاجاریه** ۱ **فتحعلیخان**
ولادتش سنه ۱۰۹۷ جلوسش سنه ۱۱۳۲ مدت سلطنتش شش سال رحلتش سنه ۱۱۳۹ عمرش چهل و دو سال در خواجه ربیع مدفون گشت
۲ **محمد حسن شاه** ولادتش سنه ۱۱۲۶ جلوسش سنه ۱۱۶۴ سلطنتش شش سال رحلتش سنه ۱۱۷۲ عمرش چهل
و شش سال مدفنش حضرت عبد العظیم ۳ **حسینقلی شاه** ملقب بجهانسوز ولادتش سنه ۱۱۶۴ سلطنتش هفت سال جلوسش
سنه ۱۱۸۴ رحلتش سنه ۱۱۹۱ عمرش بیست و هفت سال مدفنش استراباد ۴ **آقا محمد شاه** ولادتش سنه ۱۱۵۵ جلوسش
در طهران سنه ۱۱۹۳ رحلتش سنه ۱۲۱۱ در قلعه شوشی قراباغ بدست سه نفر از خدام خود مقتول گردید عمرش
پنجاه و شش سال بود در نجف مدفون گشت ۵ **فتحعلیشاه** ولادتش سنه ۱۱۸۵ جلوسش در طهران سنه ۱۲۱۲
مدت سلطنتش سی و شش سال و پنجاه روز رحلتش در اصفهان سنه ۱۲۵۰ عمرش شصت و چهار سال و چهار ماه
مدفنش در قم ۶ **عباس میرزا** نایب السلطنه ولادتش سنه ۱۲۰۳ رحلتش در خراسان سنه ۱۲۴۹ عمرش
چهل و پنج سال و شش ماه در مشهد مقدس مدفون گشت ۷ **محمد شاه** ولادتش سنه ۱۲۲۲ جلوسش سنه ۱۲۵۰
سلطنتش چهارده سال و سه ماه رحلتش سنه ۱۲۶۴ در شمیران عمرش چهل و یکسال یازده ماه مدفنش در قم بوقوع پیوست
۸ **ناصر الدین شاه** ولادتش سنه ۱۲۴۷ جلوسش سنه ۱۲۶۴ سلطنتش چهل و نه سال رحلتش سنه ۱۳۱۳ مدت
عمرش شصت و شش سال مدفنش حضرت عبد العظیم ۹ **مظفر الدین شاه** تولدش سنه ۱۲۶۹ جلوسش
سنه ۱۳۱۳ رحلتش سنه ۱۳۲۴ مدت عمرش پنجاه و پنج سال مدفنش حضرت عبد العظیم علیه التحیة و التعظیم

تاریخ سلاطین قاجار

بهشت بیستم در بیان مشاهد اصفهان و شرح حال مدفونین آنجا

اصفهان از بناهای اسکندر ذو القرنین است اسم اصلیش را بلفظ عجم سپاهان میگفتند چون مجمع
اکاسره بوده باین اسم مسمی گشته آب و هوایش خوش و مردمانش زیرک و صاحب هنر و فضل و کمال اند خاکش خاصیتی
دارد اجسام و اجساد در آن ضایع میشوند بعضی جسدهای متعلق بهزار سال قبل را در آنجا بی عیب پیدا کرده اند رود بزرگی
که زاینده رود گویند چندین پل معتبر بر روی آن بنا شده و سرچشمه آن از کوههای بختیاری است اصفهان در
قدیم الزمان شهر معظم و آباد بود اکنون بیست و هفت هزار خانه در اوست و نفوس جمعیت آنجا را هفتاد هزار نوشته اند
و اهلش پیرو مذهب جعفری و امامیه اند قریب هزار باب خانه عیسوی در خارج شهر و در قریه جلفا و پانصد باب
خانه یهود در آنجا سکونت دارند و سایر ملل نیز در گوشه و کنار طریق ملت خویش بسیارند توصیف باغات
و بقعه نیز از حد بیرون که باغ فلاسان و باغ احمد سیاه و باغ کاران و باغ بکرات و تجدید قصور و خوانق
و مدارس و بقاع عش در السنه و افواه مشهور و تعریف بنیان مسجد جامع بزرگ قدیم و مسجد جامع کوچک جدید
معروف است و عمده تزیین آنجا عمارات سلطنتی است محیط آنجا قریب بیانکیفر سنگ است و در مدخل آنها از
دری است موسوم به اعلاقاپو دیگر از ابنیه عالیه قدیمه طالار طویله بوده و مسجد شاه که در ریش از نکه
نقره پوشانیده اند و پوشش دیوارها پس از کاشیهای قیمتی قدیم است و مسجد شیخ لطف الله و قلعه طبرک
و میدان شاه و بازار قیصریه و منار شاخ و غیره بعضی خرابه و در آن در برخی از آنها پایدار است اعلم
ان قبور المنورة التی دفنوا فی مسجد لسان الارض الذی هو واقع من مشرق مزارها
المعروف تخت فولاد قریبا من قبر الفاضل الهندی وفی قبلة ذلک المسجد صورة قبر
اشتهر کونها مرقد شعیا النبی الی طائفة الیهود الذین سکنوا تلک البلدة وفی وجه
تسمیة ذلک بلسان الارض انه تکلم مع الامام الحسن المجتبی ایام نزوله باصبهان مع عسکر
الاسلام وصلی هو فی ایام نزوله بها فی مسجدها المعروف بمسجد لبنان ودخل حمام الذی
بابه مقابل جامعها العتیق الکبیر قبور منوره مذکوره در مسجد لسان الارض واقع است در
شرق مزار کبیر معروف به تخت فولاد نزدیک بقبر فاضل هندی و در قبله این مسجد صورت قبری
است مشهور بمرقد شعیا پیغمبر که بطائفه یهود مبعوث شده است حضرت امام حسن بعد از فتوحات در مسجد
لبنان با لشکر اسلام نماز کرد و بحمامی تشریف بردند که درش مقابل مسجد بزرگ جامع و قدیم واقع بود ایضا
منارتین واقعتین علی طرفی طاقة رفیعة البنیان مبنیة علی مرقد بعض کبراء اهل العرفان

فی قریة قریبة من اصل البلدة تسمی بکارلادان و از بناهای عجیبه اش آنکه دو منار بلند و طاق رفیعه است مرقد بعض
از عرفا و بزرگان در آنجا است واقع است در قریه کارلادان و مناره مزبور را منار جنبان مینامند اگر شخصی یکی از منارها
حرکت دهد آن مناره دیگر و ایوان و سایر طاقها و بقعه با سطح زمین بلکه خود زمین کلیةً بحرکت آیند **و اما**
قبور مطهره امامزاده های آنجا قبر امامزاده احمد بن علی بن محمد الباقر ع باصبهان فی
محلة باغاتها التی هی جادة محلة خاجو **مزار فایض الانوار** امامزاده احمد بن علی بن محمد الباقر ع
در محله باغات نیکه در جاده محله خاجو واقع است و کذلک **قبر السید ابی الحسن الملقب بزین العابدین**
علی بن نظام الدین احمد الایج بن شمس الدین عیسی الملقب بالبروجی ابن جمال الدین محمد بن علی
العریضی بن جعفر بن محمد علیهما السلام مزار امامزاده زین العابدین در قبرستان جملان واقع است
وهو جد السادات الامامیة المعروفة باصبهان ولمرقده المطهر قبة عالیة وصحن وسیع فی
مزارها العتیق المعروف بقبرستان جملان واصله شنبلان والی هذا السید المکرم ینتهی نسب
السید الفاضل المعظم السید علی بن السید اسد الله الامامی الاصفهانی الذی هو من
تلامذة استاد الکل الخونساری وله من مؤلفات کتاب کبیر فی الفقه سماه الترجیح وکتاب
ترجمة الشفاء للشیخ الرئیس بالفارسیة کتبه کثیر **مرقد امامزاده هارون بن علی** از
اولاد امام علی النقی علیه السلام در میدان کهنه اصفهان واقع است **و شعیا بن راموسا**
کان من الرسل بعثه الله الی قوم الیهود فقتلوه فاهلکهم الله وقبره باصبهان
و مضجع حممة الدوسی صاحب رسول الله قلت وحممة رجل من اصحاب النبی
خرج الی اصفهان غازیا فی خلافة عمر بن الخطاب ومات باصفهان رحمة الله علیه الشیخ المحدث
المروج الصالح السدید **ابراهیم بن محمد من ولد سعید بن مسعود** الثقفی و مسعود عم المختار وولاه
امیر المؤمنین المدائن وهو الذی لجأ الیه الحسن یوم ساباط وکان الشیخ ابراهیم فی زمن غیبة الصغری
وله فی الحکم والتفسیر والتاریخ والحدیث والاخبار نحو من خمسین مؤلفا لطیفا انه کان زیدیا ثم
صار امامیا فانتقل من الکوفة الی اصفهان واقام بها وافاضوا جماعة من اعاظم الشیعة من
برکات انفاسه الشریفة حتی توفی رحمه الله فی حدود ثلاث وثمانین ومائتین من الهجرة
النبویة ودفن فیها **الفاضل الهندی والفقیه الاصفهانی** الشیخ
بهاء الدین محمد بن تاج الدین حسن کان من علماء اواخر الدولة الصفویة

واافضل عصره في العلوم الدينية وله كتب ورسائل وتعليقات في العلوم الادبية والاصولية
والفروعية وكان مولده سنة اثنين وستين بعد الالف وتوفي قدس سره باصبهان في الخامس والعشرين
من شهر رمضان سنة سبع وثلاثين ومائة بعد الالف من الهجرة ان مرقده واقع في
شرقي بقعة تخت فولاد باصفهان بجنب معبر القوافل الى الديار الفارسية ليس على
احد ساير مراقد علماء المتوفين في ذلك الزمان بل خال عن القبة والصحن والايوان
شیخ محمد حسن که مشهور بود بفاضل هندی عالم وعامل وفاضل وکامل ومحقق ومدقق وفقیه ومتکلم وحکیم
وجامع بود قبل از بلوغ بمرتبه اجتهاد رسید رسایل ومصنفاتش مبسوطات   وقبور اکثر علماء
ومجتهدین در مقبره تخت فولاد است وبعضی از ایشان در اطراف اصفهان مدفونند ودوازده نفر
از ایشان بنیان رفیعه دارند باقی از گنبد وصحن خالی است   العالم الفاضل المتكلم الحكيم
رفيع الدين سيد محمد المشتهر بميرزا رفيعا النائيني كان من اعاظم
العلماء الامامية وله تاليفات وتعليقات مفيدة توفي باصفهان في سابع شوال سنة
اثنين وثمانين بعد الالف وهو في سن خمس وثمانين سنة ودفن في مزارها الكبير
المعروف بتخت فولاد وقيل بارض بابا ركن الدين الفارسي من المزار المذكور وبنى بامر
الشاه سليمان الصفوي على مرقده الشريف قبة عالية هي الآن باقية **الحكيم ابو علي**
احمد بن محمد بن يعقوب مسكويه الرازي استاد فاضل وحکیم کامل ودر فنون
عقلیه وحکمت نظریه بحد کمال بود در اخلاق وحکمت بسیار تصنیف کرده ومعاصر شیخ الرئیس ورقیب او
بوده کتاب تجارب الامم در تاریخ وکتاب الطهاره او که خواجه نصیر طوسی در نوشتن اخلاق
ناصری بآن نظر داشته وجناب ختم المجتهدین الحاج میرزا ابو طالب زنجانی کتاب اخلاق
او را از عربی بفارسی ترجمه فرموده ومسمی بکیمیای السعاده اسم کتاب را قرار داده در سال
چهار صد وبیست در اصفهان وفات یافت در محله خاجو مدفون ومزارش معروف است
المولى محمد السراب بن عبد الفتاح التنكابني المازندراني كان من افاضل
وماهر في الفقه والاصول وعلم المناظرة وله من المصنفات المشهورة كتاب سفينة النجاة في اصول
الدين وله تاليفات وتعليقات واجازات كثيرة لا يعد ولا يحصى اتفق وفاة مولانا السراب كانت في
يوم الغدير المبارك من شهور سنة اربع وعشرين ومائة بعد الالف من الهجرة وقبره معروف ببلدة اصفهان

في اواخر خيابان محلة خاجو متصلاً بمقبرة تخت فولاد وله قبة عالية وبناء رفيع **الاقا محمد بيدابادي**
بن المولى محمد رفيع الجيلاني الاصفهاني كان من اعاظم الحكماء والمحققين اساتيد المعقول والمنقول
توفي قدس سره في سنة سبع وتسعين ومائة بعد الالف من الهجرة ودفن في مقبرة تخت فولاد
مولانا محمد باقر بن محمد تقي المجلسي اعلى الله مقامه ملجاء الخلائق باصفهان في
الباب القبلي من الابواب التسعة من جامعها الاعظم العتيق ومن المجربات لاهلها المشهورات
في جبلها وسهلها استجابة الدعاء واصابة الرجاء تحت قبته المنيفة وفوق تربته الشريفة
وقالوا في تاريخ وفاته بالفارسية   باقر علم روان شد بجنان   وفي تلك البقعة المباركة
ايضاً مقابر جماعة من الصالحين غيره منها قبر والده ١١١٠ **المولى الفاضل التقي المجلسي**
الواقع قبره في مقدم ذلك القبر المطهر بفاصلة قبر واحد من اخوته الاجلة المتوفين
قبله عقيب مرقد بعض الاعاظم العرفاء الزاهدين الواقع هنالك ايضاً كما يظهر من تراب
الواحهم المركوزة في نحو الجدار مما يلي الارجل والرؤس توفي محمد تقي المجلسي في سنة
سبعين والف وانشد وافي تاريخه   افسر شرع اوفتاد و بی سر و پا گشت فضل
ايضاً   مسجد ومنبر ز صفا افتاد   ايضاً   صاحب علم رفت از عالم   ومنها قبر صهرها الفاضل
الجليل **مولانا محمد صالح المازندراني** ابو الفضائل كان من العلماء المحدثين
والعرفاء المقدسين ماهراً في المعقول والمنقول جامعاً للفروع والاصول وله تصانيف كثيرة
توفي باصبهان سنة احدى وثمانين بعد الالف ودفن مما يلي رجل المجلسي في زاوية من
تلك البقعة ولها شباك من الحجر الاملس الى خارج الروضة ونظموا في تاريخ وفاته
بالفارسية كتب على لوح مزاره الشريف   صالح دين محمد شده فوت   وولده **الاقا هادي**
نحى اليه من فتنة افغان وكان موته في عين تلك النائرة العظمى ودفنه في تلك البقعة
ومنها قبر فاضل النحرير **محمد مهدي الهرندي** في الصندوق الواقع مما يلي باب الروضة
ومنها قبر الفاضل المحدث **محمد علي الاسترابادي** وقبره قبلة مولانا الصالح
ومنها قبر ابن اخيه وابن بنته المولى الجليل **ميرزا محمد تقي الالماسي** وقد
جربوا اسراراً من بلوغ المقصود من بركات تلك التربة المنورة والروضة المطهرة ويقصدها
الزايرون من الاطراف بحسب المقدور مع اصناف التحف والهدايا والنذور وينالون منها
الخير الموفور والسعي المشكور وعاجل السرور وعوائد المنظور   م

العالم الفاضل الجلیل مولینا اسمعیل بن محمد حسین المازندرانی المشهور بالخاجوئی
كان عالما بارعا حكیما جامعا محققا متبحرا من المتكلمین وله مصنفات كثیرة ومقامات فاخرة
وكرامات باهرة توفي في حادي عشر شعبان سنة ثلاث وسبعین بعد مائة والف ودفن في مزار
تخت فولاد مما یلي بابه الجنوبي المفتوح الی جهة الفارس المحمیة قریبا من قبر الفاضل الهندي
وتاریخ وفاته بحساب الجمل نور الله الجلیل مقبرته ورفع في الجنان منزلته وقول الشاعر
بالفارسیة خانهٔ علم منهدم گردید الشیخ سلیمان بن احمد الطبراني صاحب معجم
الكبیر مولده بطبریة الشام وسكن اصفهان الی ان توفي ودفن الی جانب حممة الدوسي صاحب
رسول الله صلعم المتبحر الكامل ابو المظفر الابیوردي اوحد عصره وفرید دهره
وله مصنفات مفیدة وذكر انه فوض الیه اشراف الممالك كلها واحضر عند السلطان
ابي شجاع بن ملكشاه بشخصه فارتعد ووقع میتا توفي مسموما في یوم الخمیس عشرین شهر
ربیع الاول سنة سبع وخمسمائة باصبهان ودفن فیها العالم العارف مولانا علي اكبر
بن محمد باقر الایجي الاصفهاني كان فاضلا فقیها متكلما توفي في حادي عشر
شوال سنة ۱۲۳۲ باصبهان ودفن في مزارها الكبیر المعروف بتخت فولاد قریبا من بقعة
لسان الارض المشهورة وقریبا بالمرقد مولینا اسمعیل الخاجوئي من جهة فوق الرأس ومنها
قبر السید العالم الفقیه امیر محمد حسین الحسیني الخاتون آبادي سبط علامة
المجلسي ومولانا میر ابو القاسم الفندرسكي الحكیم العارف المعروف المدفون
باصبهان في تكیة معروفة به مزار تخت فولاد وهو من قریة فندرسك التي هي من اعمال
استراباد انجاب در كمالات صوری و معنوی حكیم متجرد و موحد طریقت بوده و با شیخ بهائی معاصر و هم مشرب
او بود در سفر هندوستان علما و حكما را از خوان فضایل او دعوت نمود و در حكمت طبیعی و ریاضی مسلم بود
و قصیده اش در السنه و افواه مذكور و علو شأنش مشهور است و مطلع قصیده اش اینست نظم
چرخ با این اختران نغز و خوش و زیباستی صورتی در زیر دارد آنچه در بالاستی صورت زیرین اگر با نردبان
معرفت بر رود بالا همان با اصل خود یكتاستی این سخن را در نیابد هیچ وهم ظاهری گر ابو نصرستی و
گر بو علی سیناستی الشیخ لطف الله بن عبد الكریم بن ابراهیم العاملي
كان فاضلا ورعا تقیا عابدا زاهدا مقبول القول في عصره وقد بنی له السلطان شاه
عباس الماضي الصفوي المسجد والمدرسة المنتسبین الیه باصبهان في مقابلة عمارة علی قاپو

في میدان نقشها وكان هو وابنه الشیخ جعفر ووالده وجده الاعلی اعني الشیخ علي المیسي من
مشاهیر فقهاء الامامیة والذي یظهر من تاریخ عالم آرا ان وفاته كان باصبهان في اوایل
سنة اثنین وثلاثین والف ماده تاریخه بالفارسیة چون دو لام از نام او ساقط كنی سال
تاریخ وفاتش از آن شمار الشیخ ابو الفتوح منتجب الدین الفقیه الشافعي الاصفهاني
وكان من كبار مشایخ الصوفیة واجلاء رؤسائهم توفي في لیلة الثاني والعشرین من صفر سنة
ست مائة هجریة لعله الالف المشتهر قبره الی الآن في دار السلطنة اصفهان المولی الجلیل
الآقا حسین بن جمال الدین محمد الخونساري وكان عالما فاضلا حكیما متكلما محققا
مدققا ثقة جلیل القدر فرید العصر مولده القصبة الخونسار قد انتقل من قبل بلوغه الی
اصفهان لاستفادة العلوم واكتساب الحكم والمعارف حتی بلغ معارج العلم والیقین وكان صاحب
التصانیف والتلامیذ والاجلاء توفي باصبهان في آخر سنة تسع وتسعین بعد الالف من الهجرة
ودفن في مزارها الكبیر الواقع من وراء نهر زنده رود المعروف بتخت فولاد قریبا من بقعة
بابا ركن الدین العارف في مرقده السلطان شاه عباس الماضي بنا قبة عالیة علی مرقده الشریف وكان
لوح مزار الآقا حسین حجر من یشم مرتفع القیمة فكسرها الافاغنة في الثائرة ثم جدد علی قبره وقبر ولده
الآقا جمال حجران مرمران كتبوا تاریخ وفاتیهما بالفارسیة امروز هم ملائكه گفتند یا حسین
واما تاریخها العربیة فهو قوله تعالی ادخلي جنتي الآقا جمال الدین بن الآقا حسین
الخونساري الاصل اصفهاني المسكن كان عالما فاضلا مجتهدا اصولیا ومتكلما حكیما
وله مصنفات كثیرة وتعلیقات وفیرة توفي في السادس والعشرین من شهر رمضان سنة خمس
وعشرین ومائة بعد الالف بعد وفات والده المبرور بخمس وعشرین سنة تخمینا ودفن في مزار تخت
فولاد دار السلطنة اصفهان تحت قبة والده التي بناها السلطان شاه سلیمان الصفوي
الشیخ محمد تقي الرازي من قریة ایوان كیف وهو من افاضل علماء الاعیان
وله مصنفات مجملة ومفصلة وقد توفي عند الزوال الشمس من یوم الجمعة في شهر شوال سنة ثمان
واربعین ومائتین بعد الالف ودفن في یومه في مقبرة تخت فولاد في روضة عالیة بناها
احد ابناء السلطان لبعض من توفي منه من النسوان قدام مرقد تلك المخدرة وهي مما یلي خلف
الرأس من قبة مولانا الآقا حسین الخونساري العالم الرباني آقا حسین شارح الصحیفة
بن العلامة الفاضل مولانا حسن الدیلماني الجیلاني الشهیر باللبناني

بهشت سیّم

انه عالماً جامعاً حکیماً مجتهداً فقیهاً وله مصنفات کثیرة ارتحل ابیه المبرور من بلاد جیلان الی
اصفهان توفی سنة تسع وعشرین ومأة بعد الالف ودفن بالمقبرة التی قریباً من بقعة الآقا
حسین الخونساری المرحوم وقدام مسجدهم اللبنان المطلی المعلوم دیگر از اجلهٔ ارکان
ملت مولانا حاج سید محمد باقر حجة الاسلام رشتی و شفتی مولداً و اصفهانی
مسکناً و مدفناً آنجناب عالم و فاضل و زاهد و متقی و عاقل و در علوم معقول و منقول جامع و تدریس میفرمود
در سیاست عامه و خاصه دست و عبادت مبارکه حد شرعی اجرا میکرد و کتب زیاد تالیف و تصنیف نموده
در شبها تا صبح مشغول نوافل و تضرع و مناجات بود آنجناب نسب شریف خود را در کتاب مطالع الانوار
بدین طریق مرقوم داشته است یقول المستغرق فی بحار الجرائم والمعاصی والمنهمک
فی البوادی والملاهی محمد باقر بن محمد تقی بن محمد نقی بن محمد تقی بن شاه
قاسم بن شاه امیر بن سید هاشم بن سلطان علی بن محمد بن علی بن محمد بن موسی
بن جعفر بن اسمعیل بن احمد بن محمد بن ابو القاسم حمزة بن موسی الکاظم ع
و قتیکه وفات یافت ملا علی اکبر خونساری به تغسیل و تجهیزش پرداخت و حاجی کرباسی نماز
گذارد و در جنب مسجد خود جائی ساخته بود یعنی قبل از وفات مدفن خود را بنا فرموده
و بنی فیه قبة المدفن لنفسه فدفن بعد ثلاثة ایام من وفاته فی تلک القبة و هی
الی الآن بمنزلة مشهد من مشاهد الانبیاء والائمة مطاف الخلائق و ولده
الفاضل المحدث السید اسد الله لما توفی و دفن فی تلک البقعة فی جوار ابیه
الشیخ الفقیه المحدث ابو نعیم الاحمد توفی فی سنة سبع عشر و خمسمأة و کان عمره
سبعاً و سبعین سنة و مدفنه فی محلة خاجو من محلات اصفهان فی بقعة تعرف عند
العامة علی ما یحوین بکثرة استعمال بمقبرة شیخ سبنا و هو قبر الشیخ ابو القاسم
طبرانی او قبر شیخ ابو العباس ابن عقده و کان قبره معروف بمحلة
درب الشیخ ابی مسعود من محلات اصفهان فی مزارها الکبیر باب بخشان و مقبرة
الشیخ المذکور فی جوار ذلک المزار و عن مولانا نظام الدین القرشی من تلامذة
شیخنا البهائی قال و رأیت قبره فی اصفهان و کان مکتوباً علیه قال رسول الله
مکتوب علی ساق العرش لا اله الا الله وحده لا شریک له محمد بن عبد الله عبدی

و

اصفهان

رسول الله و ایدته بعلی بن ابی طالب حشرهم مع من تولاه من الائمة المعصومین و رفع فی اعلی علیین
درجتهم الشیخ محمد الحر فوشی الحریری العاملی الکرکی الشامی کان فاضلاً عالماً
ادیباً محققاً شاعراً انه توفی سنة تسع و خمسین و الف الحاج محمد ابراهیم بن محمد حسن
کرباسی فاضل و فقیه و عالم و عامل و حکیم کامل و مجتهد مسلم بود و در نزد آقای بهبهانی و بحر العلوم و میرزای قمی تلمذ کرده بود
سنه هزار و صد و هشتاد ولادت یافت و در مدت عمرش از او علوی تالیفات بسیار کرد مدت عمرش نود و پنج سال بود در سنه
هزار و دویست و شصت و دو بعالم بقا رحلت نمود (کلباسی اصلاً کرباسی است در مرات محله رنی از کرباس فروشی در محله
خوجی ساخت در ساکنین آنمحله وقف نمود مسمی بمحله کرباس گشت آنجناب اصلا از محله کرباس مرات است) العالم الربانی
والفاضل الصمدانی مولانا الحاج ملا حسینعلی بن نوروز علی الملایری التویسرکانی
الاصفهانی و توفی فی الیوم العاشر من صفر و حمل نعشه الشریف الی المقبرة تخت فولاد
فدفن هناک فی جهة قبلة من مرقدی المحققین الخونساریین من غیر معونة اعمال المعاول فی مقابلة
ذینک القبرین لما وجدها هناک من الحفیرة الممهدة لدفنه قاضی نظام الدین محمد بن
اسحق المطهر قاضی القضاة میر بهاء الدین سبزواری و میر شجاع الدین محمود
اصفهانی ابن میر سید علی خلیفه مازندرانی که در علوم معقول سرآمد بود و ابو الحسن علی بن
سهل در اواخر خیابان خاجو متصل بمقبره تخت فولاد واقع است بقعه عالیه و گنبد رفیعه دارد
حکیم شفائی و میر سید حسین مجتهد و صاحب بن عباد طالقانی که وزیر
فخر الدوله بود در فضایل و مکارم نادره عصر و اعجوبه دهر بود در فروع بمذهب شافعی و در اصول رئیس معتزله
بود نقل است در سفری چهار صد شتر کتب او را میکشید سنه سیصد و هشتاد و پنج در ری وفات یافت جنازه
او را باصفهان نقل کرده در باب دریه دفن کردند و خواجه نظام الملک ابو علی طوسی بسعی تاج الملک
و به تحریک حسن صباح در دست یکی از فدائیان در شهر بروجرد بزخم کارد سنه چهار صد و هشتاد و پنج شهید گشت
عمرش نود و سه بود جسدش را باصفهان نقل کرده در موضع شاب دفن کردند الفاضل المحدث آقا میرزا
محمد خونساری صاحب رجال مشهور که بسیار تالیف و تمارت که بتاریخ هزار و سیصد و شانزده
رحلت نمود در تخت فولاد مدفون گشت از فقراء مولانا فیضعلیشاه والد نور علیشاه مرحوم سید معصوم علی
درویش شاه معطر در تخت فولاد قبرش زیارتگاه عرفا و فقرا است و ناصر علی در جوار فیضعلی مدفون است
سادات اصفهان از نسل محمد بن حنفیه از اولاد ابراهیم عسکری از اعقاب حسین الاصغر از احفاد
امام علی النقی ع و از نسل اسمعیل بن ابراهیم طباطبا
و صلی الله علی محمد و آله

فرزند ارشد مرحوم میرزا عبد الحسین بن ملا محمد طبسی
الملقب بفیض علیشاه بسال هزار و یکصد و نود و
وفات یافت در قبرستان تخت فولاد در ایوان
بقعه فیض مدفون گردید و با کمال عزت
و زیارتگاه است

مولانا محمد حسن ازندی در سنه هزار و
دویست و الملقب بابا رکن الدین
در تخت فولاد مدفون است

عمده المحققین میرزا محمد الملقب بناصر علیشاه
در جوار فیضعلیشاه مدفون است

بهشت چهارم

بهشت چهارم در بیان مشاهد و بقاع شیراز و شرح حال مدفونین آنجا

شیراز دار الملک فارس از حیث آب و هوا و سبزه و صفا اول نقطهٔ مملکت ایران است در زمان سابق حصار رفیع گرداگرد شهر داشت اکنون آن باروی متین به حصار ویران است مساحت شیراز دور تا بدور قریب دو هزار قدم متوسط است که در این اوقات پیمایش شده و آبش از قنوات است بهترین آنها از کاریز رکن آباد است که رکن الدوله حسن بن بویه اخراج کرده در توصیف آن حافظ گفته خوشا شیراز و وضع بی‌مثالش خداوندا نگهدار از زوالش ز رکن آباد ما صد لوحش الله که عمر خضر می‌بخشد زلالش چند نهر دیگر در شیراز جاری است آب رکنی آباد آب سعدی و چشمه سارهای بسیار و آبشارهای بیشمار در اطراف شیراز است مانند چشمه چنار دو غاب و کو عون در رودخانه شیراز سیلابی است که در بهاران از کوه دراک سرازیر شده بقرب شهر میکذرد و داخل دریاچهٔ مهارلوی شود مخلوق شیراز تخمیناً در این اوقات شصت هزار نفر نفوس میباشد سابقاً شیراز نه دروازه داشت ولی اکنون شش دروازه است دروازهٔ اصفهان دروازهٔ باغ شاه دروازهٔ کازرون دروازهٔ شاه داعی دروازهٔ قصابخانه دروازهٔ سعدی و ده محله دارد محلهٔ میدان شاه محلهٔ سنگ سیاه محلهٔ سر باغ محلهٔ در مسجد محلهٔ بازار مرغ محلهٔ اسحاق بیک محلهٔ بالا کفت محلهٔ لب آب محلهٔ درک سبان و شسک سکینه محلهٔ در شاهزاده شصت و دو مسجد دارد در اکثر آن نماز جماعت خوانده میشود و چهارده مدرسه و یازده حسینیه و ده بازار و یازده کاروانسرای و چهل حمام و بیست باغ و مردمان فارس عاقل و دانا و با صحت مزاج و شمایل مطبوع دارند و اکثر فضلای صاحب تحقیق از آنجا برخاسته اند مثل ابو اسحق سید صدر الدین محمد و جلال الدین محمد دوانی و غیاث الدین سید منصور و امیر تقی الدین نسابه و میر جمال الدین مؤلف روضة الاحباب و مولانا صدر الدین مصنف اسفار و قطب الدین و غیره و مزارهای متبرکه و بقعه‌های منوره در آنجا بسیار است مسجد قدیم که عمرو بن لیث ساخته آنجام هرکز از اولیای دین و مرتاضین خالی نیست قرب پانصد بقعه و زاویه و خانقاه و باب البر در شیراز بوده بمرور روزگار خراب شده اکنون پانزده بقعه معمور و باقی خراب است

مشاهد منوره آنجا

مزار فیض آثار امامزاده واجب التکریم السید الطاهر النجیب **احمد بن الامام موسی الکاظم مشهور بشاه چراغ** وکان سیداً کریماً ورعاً جلیلاً فاضلاً من احب ابناء موسی الکاظم و اتقیهم بعد الرضا و انه مدفون بشیراز المسمی بسید السادات

وقد

وقد اشتهر بشاه چراغ و تواتر عن مرقده الطاهر هناک کرامات باهره آنحضرت در کرم و جود و قدر و زهد و عبادت از همه امتیاز داشت و هر شب تا صبح چندین بار بعبادت بر میخواست و در عمر خود غلام و بنده بسیار آزاد کرد و موسی بن جعفر علیه السلام او را بسیار دوست میداشت و باغستانی که در مدینه بیست هزار دینار خریده بود و بسیریه نام داشت بوی هبه کرده بود آن بزرگوار در عهد مامون با برادر و برادرزادگان اراده شیراز فرموده در دست مخالفین بدرجه شهادت رسید و بر مدفن آنحضرت کسی واقف نبود تا اینکه بتاریخ هفتصد و پنجاه هجری امیر مقرب الدین وزیر خواست در آنجا بنیاد عمارتی کند قبری ظاهر در آن قبر جسدی صحیح بدون تغییر و تبدیل و خاتمی در دست مبارک آن یافتند که بر آن نقش بود العزة لله احمد بن موسی صورت حال را با تابک ابوبکر که پادشاه آن عهد بود معروض داشتند قبه و صندوقی بر قبر آن بزرگوار بر آورد بعد ملکه تاشی خاتون کنبد عالی بر آن مشهد بر افراشت و مدرسه بنا کرد و مرقد خود را هم پای آن ساخت و در صحن و حرم آن امامزاده واجب التعظیم بسیاری از اولیاء و فضلاء مدفون اند بقعه متبرکه حضرت شاه چراغ اکنون در محلهٔ بازار مرغ واقع است

نقشهٔ صحن و سرای کنبد بارگاه حضرت امامزاده شاه چراغ احمد بن موسی الکاظم علیه السلام از جهة تیمن و تبرک در بین ورقه کشیده شده بنمره دوازده

مرقد منور امامزاده محمد بن الامام موسی الکاظم علیه السلام

اخو احمد و هو ایضاً اخی موسی علیه السلام ولد اقول و الیه ینسب الخانه المشهورة بشیراز و قد صرح صاحب تاریخ شیراز بکونه مدفوناً هناک قال صاحب الانوار وکان احمد بن موسی کریماً و محمد بن موسی صالحاً ورعاً و هما مدفونان فی شیراز و الشیعة تتبرک بقبورهما و تکثر زیارتهما و قد زرتهما کثیراً بقعه مطهره سید امیر محمد بن موسی بن جعفر با حضرت شاه چراغ از یکمادر بند و آنحضرت قائم اللیل و صائم النهار بوده و بقعه منوره اش مطاف زایرکاه و محل فیض است و بسیاری از سادات و اخیار و صلحا و ابرار در جوارش مدفونند در طرف دست چپ آنحضرت مرقد کوچکی و در آن لوحی که بر روی آن نقش است ابراهیم بن محمد بن موسی و میکویند فرزند آنحضرت است فقیر در بعضی از کتب دیده ام آنحضرت را فرزندی است معروف به ابراهیم المجاب مزارش در کربلا معلا معروف و مشهور است والله اعلم

بهشت چهارم

بقعهٔ منوره سید علاء الدین حسین او نیز فرزند موسی بن جعفر علیه السلام است در محله بالا کفت واقع است در باغ قتلغ خان او را شهید کرده اند آن باغ خراب شد جز نامی از آن باقی نمانده در زمان صفویه آن موضع را کافتند جسدی یافتند تازه در یک دست مصحف و در یک دست دیگر شمشیر برهنه داشت بعلامات یافتند که آنحضرت است میرزا علی نامی از اهل مدینه صاحب اموال کثیره بود بشیراز آمد بنائی بر آن قبر گذارده و املاک و بساتین بسیار بر آن بقعه وقف نموده و خود در آستانه آن دفن میگردد بعد سلطان خلیل از جانب شاه اسمعیل و مشیر الملک از گنبد و ایوان و رواق آیینه بندی پرداختند بقعهٔ امامزاده ابراهیم بعضی او را ولد صلبی حضرت امام موسی علیه السلام میدانند و گویند آن بزرگوار با امر زید بن علی بحکومت یمن مشغول بوده و این قول را ارباب رجال نسبت میدهند والله اعلم بقعهٔ آنجناب را [illegible] خراب نموده و بقعهٔ مستحکم و وسیع بنا نهاد بقعهٔ امامزاده شاه میر علی بن حمزه

بقعهٔ شریف در محلهٔ سر آب واقع گردیده ح

امام موسی الکاظم علیه السلام مضجع و مشهد آن بزرگوار است نوشته اند که بعد از پدر عالیمقدار با جمعی از اهل و عیال فرارا بشیراز آمده در کوه شمالی خارج شهر در مغاره منزل گزیده در ایام هفته هیزم جمع مینموده و بدر دروازه میآورده میفروخت و آذوقه هفته خود و عیال را برداشته مراجعت مینمود چون وکلای بنی عباس در قلع و قمع اولاد طاهرین امیر المؤمنین ساعی بودند روزی یکی از غلامان آنها آن بزرگوار را دیده و شناخت بضرب تیغ سرش را از بدن جدا ساخت گویند سید مظلوم سر خود را از زمین برداشت تا آن موضع که مدفن شریف اوست دوید و بر زمین افتاد و چون غلطید تا سه روز از حلقوم مبارکش ذکر لا اله الا الله استماع میشد بعضی میگویند سر انورش را برداشته به بغداد بردند و در آنجا دفن کردند خلاصه بقعه اش شریف واقع در خارج شهر نزدیک دروازه اصفهان و اطرافش قبرستان وقتی سید مرادخان زند آنرا مرمت نموده و بعدها محمد زکی خان و در این ازمنه مرحوم مؤید الدوله طهماسب میرزا نیز عمارت فرموده تولیت آن با جمعی از سادات حمزوی است بقعهٔ سید تاج الدین غریب اسم مبارکش جعفر بن فضل بن جعفر بن علی بن ابی طالب در محله سنگ سیاه واقع شده عوام الناس بغلط مشهور سید حاجی غریب میخوانند و آنرا

هم

هم دو نفر سید اند و میگویند در آن بقعه دو قبر است یکی دو قبر است که الآن در سردابه آنجا موجود است یکی سید جلیل مذکور است که گذشت از اینکه امامزاده است از اهل فضل و علم بوده با احکام رسول الله را همیشه بزرگ میشمرده در رفتار میبوده و تلاوت قرآن مینموده قبر دیگر از محمد بن حسن مثنی ابن حسن مجتبی علیه السلام میباشد بقعهٔ شریفه محل استجابت دعاست در دفع منازعه و مرافعه بدان تربت که رفته قسم میخورند طرف ناحق را دردی عارض میشود یا که هلاک میگردد و این مکرر را به تجربه رسیده بنای اول آن بقعه معلوم نیست که نموده ولی در وقتی مرحوم حاجی میرزا علی اکبر قوام الملک در صدد آبادی آن برآمد بقعهٔ علمدار که شیخ ابو سعید محمد بن الهیثم از اولیاء خدا بوده و از ابیرانی که در راه خدا جنگ مینموده و در حرمت مزارش تاکید است کرده اند و بمرور ایام شیخ علمدار بسید علمدار بغلط مشهور شده است بقعهٔ سید حسن کیا مابین مسجد وکیل و بازار وکیل واقع شده یعنی یک ضلع از دیوار بقعه متصل است ببازار بقعه کوچکی است گویند سیدی بزرگ و اخلاق پسندیده داشته وفاتش در حدود ششصد هجری است بقعهٔ سید ابو الوفاء شیرازی در سمت شمال غربی شیراز است خارج از شهر بمسافت یک میدان اسب آنجناب از اولیاء بوده مزارش موجب استجابت دعاست بقعهٔ بی بی دختران نامش بی بی خدیجه و کنیتش ام عبد الله سیده است فاضله از اولاد حسین بن علی بن حسین بن علی علیه السلام در محله میدان شاه واقع شده گویند بنیاد بقعه اش زنی از سلاطین نهاده بعد محمد قلیخان ایلخانی بتجدید عمارتش پرداخت و بقعهٔ عالی برفرازش ساخت صحنی بزرگ دارد که بقعهٔ مذکوره در وسط آن واقع است اطرافش همه قبرستان است در آن صحن بسمت شمال بقعه و مزار عبد الله مبارک واقع است عبد الله مبارک بحرانی عالمی بوده ربانی شیخی فاضل و عارفی کامل دارای فضایل ظاهری و باطنی سر مزارش محل استجابت دعاست که اکثر بتجربه رسیده است در سنه یکهزار و دویست و چهل و دو برحمت حق واصل گردید بقعهٔ خواتون قیامت در سمت جنوب شیراز بقلیل مسافتی دور از شهر واقع گردیده آن سیده مکرمه ام کلثوم بنت اسحق کوکبی ابن محمد بن زید بن حسن بن علی بن ابی طالب علیه السلام از تعدی بعضی خلفا بشیراز آمده از بیم قتل مذهب در خانه شیخ احمد بن حسین که از عباد شیراز بوده اقامت گزیده و مختفی گردیده چون قبل از ظهور حالش وقوف یافتند آن مظلومه بچاهی در افتاد و وفات یافت همان موضع مزار کثیر الانوارش شد و شیخ مذکور و پسرش حسین بن احمد از مشایخ کبار روزگار است و شیخ عبد الرحمن بن محمد الکلدی و شیخ ابو سعید ساوجی که عالمی متقی بوده

بهشت چهارم

وشیخ جمال الدین حسین بن ابوبکر پوشکانی که با شیخ احمد مذکور معاصر بوده و چند نفر دیگر از سادات که از اولاد زید بن حسن اند همه در جوار ام کلثوم سلام الله علیها مدفون‌اند **بقعهٔ منصوریه** در محلهٔ درک در مدرسهٔ منصوریه واقع است در آن بقعه دو مزار است از پدر و پسر یکی سید الحکماء **امیر صدر الدین محمد** شیرازی است کنیتش ابوالمعالی نسبش بچند واسطه بحضرت سید الشهدا علیه السلام میرسد نسب باهر ایشان را در ضمن حالات سید علی خان کبیر مندرج خواهیم نمود و صاحب تصانیف کثیره است و دیگری مولانا **خاتم الحکماء امیر غیاث الدین منصور** شیرازی ولد امیر صدر الدین تصنیفات او نیز بسیار است وفاتش در سنه نهصد و چهل و هشت بوده و در سنه نهصد هجری بدست فجرهٔ ترکمانیه شهید شد **وسید الکبیر سید علی خان شارح صحیفهٔ کامله** ولد بمدینة المبارکة سنة ۱۰۵۲ اثنین بعد الالف والخمسین ثم جاور المکة المعظمة ثم رحل الی حیدرآباد دکن من بلاد الهند بعد ذهاب ابیه الشریف الیها واقام بها مدة طویلة وکان من اعیان امرائها معظماً عند ملوکها ثم توجه الی ملک من ملوک الهند اورنگ زیب وصار من اعاظم امراء دولته ثم عاد الی مکة المعظمة ثم جاء الی ایران وارتحل الی دار السرور فی الشیراز بتاریخ ترس مقر شیراز سنه ۱۱۱۴ قال قدس سره فی کتاب سلوة الغریب عند بیان نسبه الشریف انا علی صدر الدین بن احمد نظام الدین بن محمد معصوم بن احمد نظام الدین بن ابراهیم بن سلام الله ابن مسعود عماد الدین ابن محمد صدر الدین ابن اسحق عز الدین ابن علی ضیاء الدین ابن عربشاه فخر الدین ابن امیرانبه عز الدین ابی المکارم ابن امیری خطیر الدین ابن الحسن شرف الدین ابی علی بن الحسین ابی جعفر العزیزی ابن علی ابی سعید النصیبی قال السید علیخان فی کتابه المذکور اول من جاء من اجدادنا الی الشیراز من النصیبین ابوسعید علی النصیبی النقیب فی حدود سنة الاربعمائة وبضع وهو ابن زید الاعثم ابی ابراهیم ابن علی ابی الشجاع الزاهد ابن محمد ابی جعفر ابن علی ابی الحسن ابن جعفر ابی عبدالله ابن احمد نصیر الدین السکین النقیب ابن جعفر ابی عبدالله الشاعر ابن محمد ابی جعفر بن محمد ابن زید الشهید ابن علی زین العابدین ابن الحسین ابی عبدالله سید الشهداء ابن علی ابی الحسن امیر المؤمنین ابن ابی طالب علیهم السلام **بقعهٔ دار الشفا** در محلهٔ لب آب است قبر **میر سید شریف** علامهٔ جرجانی است اسمش علی بن محمد الحسینی حکیم کامل و عالم فاضل بود شاگرد علامهٔ رازی و مرید خواجه علاء الدین نقشبند بوده و با سعد تفتازانی مباحثات نموده و فایق آمده در دار الشفا که شاه

شجاع

شجاع ساخته که اکمال مدفون است در آنجا درس میگفته در سنهٔ هشتصد و شانزده وفات کرده **مزار ابوعبدالله محمد حنیف معروف بشیخ کبیر** در محلهٔ درب شاهزاده نزدیک میدان نقاره خانه حالیه پشت بازار وکیل بقعهٔ کوچکی دارد و شیخ مذکور از اجلهٔ اهل تصوف شیرازی بوده شرح احوال او را در کتب نوشته اند لازم بذکر نیست و یکصد و ده سال عمر کرد تصنیفات بسیار دارد در سنهٔ سیصد و هفتاد و یک هجری وفات یافت و در جوار او بسیاری از مشایخ مدفون شده اند مثل **فضل بن محمد** خادم شیخ کبیر که وفاتش در سنهٔ سیصد و هفتاد و هفت بود **وحسن بن علی** شیرازی معروف بشیخ صغیر وفاتش در سنهٔ سیصد و هفتاد و پنج **وشیخ عبدالسلام** پسر شیخ کبیر در حیات پدر وفات یافت **وشیخ حسین** بن محمد بازیار وفاتش در سنهٔ سیصد و نود و یک که مصاحب و مجاور قبر شیخ کبیر بود **مزار شیخ فخر الدین احمد مشهور بشیخ بدل** مرد مرتاض و باورع بوده و تصنیفات بسیار دارد و آن مزار در وسط میدان نقاره خانه است تا قبر شیخ کبیر قریب چهل گام فاصله دارد **مزار روزبهان** در محلهٔ بالاکفت است بقعهٔ عالی بوده از سنگ و گچ آن بقعه ایوانها و صحنها داشته حال تمام را جماعتی متصرف شده ساکن اند بلکه محل گاو و گوسفند قرار داده اند کنیتش ابومحمد و پدرش ابونصر و خود شیخ شطاح معروف بوده مولدش فسا است مدت پنجاه سال در جامع عتیق شیراز وعظ مینمود و او را در علوم رتبهٔ بلند بوده و تصنیفات دارد در سنهٔ ششصد و شش هجری بعمر هشتاد سالگی وفات یافت این شعر از اوست **شعر**

بابا سخن ار گوئی از شعر سنائی گو / رو نظم نظامی را بر فرق فرزدق زن

مزار شیخ نوربخش در محلهٔ لب آب قریب بدروازهٔ شاه داعی است خانقاه عالی داشته موسوم بخانقاه نوریه و هو محمد بن یحیی بن علی الجیلانی اللاهجی نوربخشی مرید سید محمد نوربخش و سید محمد مرید شیخ علاء الدوله سمنانی بوده تصنیفات دارد و شرح گلشن راز از اوست **بیت**

علم چو نقش موج بحر وجود اوست / بود همه جهان بحقیقت نمود اوست

در سال نهصد و بیست و یک وفات یافته ولدش **احمد بن محمد اللاهجی** نیز در جوار پدر مدفون است **مزار شیخ ابوزرعه** در سمت جنوبی بیرون و متصل شهر است بقعهٔ کوچکی دارد و هو عبدالوهاب بن محمد بن ایوب الاردبیلی عالمی بوده و زاهد با شیخ کبیر همسفر حجاز در جامع عتیق شیراز خلق را وعظ میفرموده و مردم معتقد وی بودند در سنهٔ چهارصد و یازده هجری بجوار حق پیوسته

مزار شیخ سلم بن عبدالله صوفی کنیتش ابوذکریاست مزارش در بقعه کوچکی است بیرون دروازه
شاه داعی اول قبرستان دارالسلام و این قبرستان بسیار قدیمی است با وسعت و در گوشه از آن موسوم است بقعه
تربت گویند شخصی از عتبات عالیات تربت بار نموده بدانجا آورده بر قطعه از زمین گسترده و بر روی آن
مهتابی بسته که چون آنجا قبری حفر نمایند جسد میت بر روی تربت واقع میگردد آن زمین عرصه است
از بهشت برین بسیاری از اجساد پیغمبران و اولیای کرام و علمای عظام در آن مدفونند مزار شیخ
ابوسائب بن اسحق شامی مشهور به آبار رسول الله از اولیاء مقرب است مزارش در
دارالسلام است قریب به چهار طاق وفاتش در اوایل سلطنت امیر عضدالدوله در سنه سیصد و
چهل و شش بود مزار محمود دمدار نیز در دارالسلام است در علوم غریبه از جفر و اعداد و رمل و غیره
مسلط بوده و رساله دارد مسمی به مجمل مزار شاه منذر در محله درک واقع است بقعه دارد
مزار شیخ جنید در صحن مسجد حاجی باقر در محله درک در زاویه واقع است این سوای شیخ جنید
بغدادی است مخفی نماناد که سه شیخ جنید بوده یکی بغدادی است مدفن او بغداد است دیگر
شیخ جنید بن فضل الله ملقب به صدرالدین است که شیخ الاسلام بوده و مرشد انام چندی به زیارت مکه
و بلاد شام مسافرت نموده و تصانیف زیاد دارد وفاتش در سنه هفتصد و نود و یک سیمی شیخ جنید
ابوالقاسم شیرازی است که از مشایخ کبار و از معارف روزگار بوده روایت و اجازات در حدیث و تفسیر
و وعظ میکرده در سنه هشتصد و دو وفات یافته پس گویم مزار مذکور معلوم نیست که از کدام یک آن دو
جنید باشد زیرا که لوحش منمحی و متلاشی است بسا که از هیچکدام آن دو نفر نباشد مزار سیبویه
عمرو بن عثمان النحوی الشیرازی در محله سنگ سیاه واقع گردیده و لوح مزارش سنگ سیاه و شفاف
میباشد و آن محله را مزار سنگ سیاه خوانده اند بوسطه آن سنگ در سنه یکصد و نود و دو وفات نموده
و در شیراز دو قهوه است یکی را قهوه اولیاء و یکی قهوه قلندران گویند در آنها مزارات است در اینجا
مرقوم میگردد قهوه اولیاء در بازار مرغ واقع است سه مزار از اشخاص بزرگ آنجاست
یکی از آنها شیخی است ملقب به اولیاء در دالان سمت قبله آن مدفون است بر لوح مزارش چند شعر است

شعر آخر مشتمل بر تاریخ اوست این است شعر سنگ مغفره پیش از وفات اولیا خود شکفت حشر بود
بار رسول یکهزار و یکصد و نوزده میشود و دو مزار دیگر که صندوقی بر روی آنهاست معلوم نشد که کیستند اما
قهوه قلندران در محله درک واقع گردیده فضای کوچکی است در آن قبرستان و یک فرش طاق برای
نماز و در آن طاق دو سه لوح مزار کهنه است معلوم است که از مشایخ اند خطوط آنها خیلی محو شده در
خوانده نمیشود مگر این کلمات خوانده شده (قبور و مزار اینکه در تکایای شیراز واقع است) تکیه سعدیه
در سمت شرقی شیراز به مسافت یک میل تقریبا بالای که قلعه بندرش گویند قبر شیخ سعدی در عمارتی است که در زاویه
واقع شده شیخ سعدی مصلح الدین عبدالله خواهرزاده ملا قطب علامه شیرازی بود یکصد
دو سال عمر نموده سی سال به تحصیل علوم کرده مدت سی سال مشغول مسافرت بوده و چندین سفر حج پای پیاده
مشرف شده مدتی در بقعه مزبور خلوت داشته وفاتش در سنه ششصد و نود و یک نوشته اند
در مذهب و مشرب شیخ اختلاف کرده اند جمعی او را سنی و برخی شیعی دانند مثل قاضی نورالله شوشتری که جد
و جهدی دارد و پای میفشارد که شیخ شیعی است و اقوالش را حمل بر تقیه میداند فقیر مؤلف گوید که ما را بمذهب
آن کاری نیست نه سنی بودنش ما را مستحق عذاب میکند و نه شیعی بودنش ما را مستوجب ثواب سخن ما در کلمات
اوست که از توصیف و تعریف مستغنی است بالجمله از وی کرامات بسیار نوشته اند فقیر دیگر متعرض آنها
نشد در تذکرها ثبت است و بسیاری از فضلا و حکما در جوار شیخ سعدی مدفونند از جمله مرحوم
حکیم متأله ملا علی ملقب به قطب میرزا اعلا انصاری در تاریخ فوت حکیم ماده تاریخی
گفته بر لوح مزارش محکوک است از دایره قطب رفته بیرون یکهزار و دویست و نود و دو میشود اما
تکیه حافظیه در سمت شرقی شیراز است ولی چندان مسافتی با شهر ندارد و آن از جمله تکایای
معروف عالم است بنیادش از مرحوم کریمخان است و آن دو طرف است طرفی بسیار وسیع که ارضش
قبرستان است در وسط آن قبور مزار خواجه علیه الرحمه واقع شده لوح مزارش سنگ مرمر بسیار بزرگی
است بعضی اشعار او را بر آن حک کرده اند مجری از آهن دور آن است و بر آن مزار قبه نیست اما طرف
دیگر باغچه است که در آن است اشجار بسیار و انواع اثمار و در میان دو طرف حجره است در وسط
حجره تالاری است ملوکانه و سیاسی است بزرگانه در آن چهار ستون از سنگ بر پا است در جلوی آن تالار

دریاچه‌ای است از آب رکن آبادش جاری است و آب انباری نزد دروازه آنجاست الحق تکیه بدین بهاد رشک روضه است
از روضه‌های بهشت الحاصل **خواجه حافظ شمس الدین محمد** پدرش شیخ کمال الدین از اهل
تویسرکان بوده بشیراز آمده متوطن گردیده تولد خواجه در شیراز شده در آنجا تحصیل نموده چندی در حضرت
شمس الدین عبدالله شیرازی و چندی نزد میرزا سید شریف علامه استفاده علوم فرموده قرآن
مجید را تمام در حفظ داشته و سنش بچهل و شش رسیده در سنه هفتصد و نود و یک هجری وفات یافت
و خواجه را پسری بود مسمّی به **شاه نعمان** بهندوستان رفته در برهان پور وفات یافت و قبرش نزدیک
آنجاست در جوار خواجه بسیاری از فضلا و علما و حکما و عرفا مدفون است از جمله **مولانا
اهلی شیرازی** نامش محمد از جمله عرفای صاحب جاه بوده او را نیز دیوانی است قریب هشتاد سال عمر نموده در سنه
نهصد و چهل و دو هجری وفات یافته در طرف دست چپ خواجه مدفون است این یک فرد از اهلی شیرازی
تیمناً مرقوم میشود **شعر** چو یار رخت غربت من چکار کنم وداع عمر کنم یا وداع یار کنم از جمله
حاجی شیخ مهدی حجة الاسلام مجتهد که در سمت شمال شرقی تکیه مدفون است آنجناب صاحب
رساله بود در سال یکهزار و دویست و نود و سه هجری وفات فرمود از جمله سید سند عالم معتمد مولانا
میرزا محمد باقر الشهیر بملاباشی سید الشاهی بن حاجی میرزا سید محمد ملاباشی است وفاتش
سنه یکهزار و دویست و چهل بوده از جمله **حکیم متاله الحاج میرزا محمد رضا** بالای سر مرحوم
حجة الاسلام مذکور مدفون است وفاتش سنه یکهزار و دویست و نود و پنج وفات یافته از جمله مرحوم
میرزا عباس حکیم در طرف راست خواجه مدفون است وفاتش سنه یکهزار و سیصد مرحوم حکیم
میرزا زین العابدین جهرمی مردی بود شوخ طبع و خوش اخلاق در سنه یکهزار و سیصد و هفت
وفات یافت قریب بقبر خواجه دفن شده از جمله **میرزا نظام الدین** دست غیب از اجله فضلای
عصر خود بوده در سنه یکهزار و [illegible] برحمت پیوسته از جمله آغای **خواجه** در مسجد نو اعتکاف داشته
دارای انفاس قدسیه و صاحب مجالس ملکوتیه گردیده وفاتش سنه یکهزار و دویست و بیست و دو است
آقا سید علی اکبر مولوی متخلص بمولوی و کان عالماً فاضلاً عابداً زاهداً فقیهاً شاعراً
لغویاً نهایتاً علم قرائت را باعلی درجه رسانیده بود در سنه یکهزار و سیصد وفات نموده در تکیه حافظیه مدفون است

از جمله

امام جمعه شیراز
شیخ ابوتراب
که عالمی جلیل و فاضلی نبیل بود
و اوقات فرخنده ساعاتش
بهدایت کافه عباد مصروف و
مفید در سنه هزار و دویست و
[illegible] بجوار پاکان
ملاء اعلی شتافت

از جمله **آقا هاشم** ذهبی عارفی بود کامل و سالکی بود واصل سنه یکهزار و صد و نود و نه وفات نموده از جمله **میرزا
عبد النبی** سیدی است جلیل و موحدی است نبیل وفاتش سنه یکهزار و دویست و سی و یک بطرف غربی آن مرحوم
بخواجه مدفون است از جمله **میرزا محمد حسین یزدی** عالمی بود بصیر و فقیهی بود بی نظیر و متکلمی بود خوش تقریر
در خارج تکیه نزدیک بدر بست مدفون است در سنه یکهزار و سیصد و شش از این جهان درگذشت و قریب آن
مزار آقا سید احمد قزوینی نوربخشی که در سنه یکهزار و دویست و هشتاد و شش وفات یافته **اما تکیه
چهل تنان** در شمال شرقی حافظیه است بمسافت سیصد و پنجاه قدم چهل لوح مزار بقطار در آن فضا است
میگویند درویشانی بوده اند ولی حقیقت حال معلوم نیست وقتیکه بمیان تکیه داخل میشوند بطرف دست چپ مزاری است
معروف که آن قبر شیخ اعظم است اسمش **ابو اسحق احمد** و با شاه داعی الی الله معاصر بوده و در
معاشر بوده و در وفاتش مرثیه سروده وفاتش در حدود هشتصد و سی بوده **وصاف شرف
الدین عبدالله** بن فضل الله شیرازی نیز مزارش میان تکیه حافظیه و چهل تنان است کتاب تاریخ
وصاف از مصنفات اوست **تکیه هفت تنان** در دامنه کوه واقع شده بمقدار دویست قدم
با چهل تنان مسافت دارد قبور هفت تنان در وسط آن تکیه واقع است شش مزار بقطار و یکی در کنار
نوشته اند آن هفت نفر از ابدال بوده و در آن صحرا مشغول گشته هر کدام فوتش میرسیده باقی ماندگان
او را غسل داده و کفن نموده بخاک میسپردند چون یک نفر از آنها باقی ماند و اجلش نزدیک شد قبر خود را
حفر نموده بشهر آمده غسال را خبر کرد که فقیری فوت شده بیا باتفاق او را دفن کنیم آمده تا بدر صومعه که
رسیدند غسال را گوید در خارج در باش تا من داخل شوم چون صدای تکبیر مرا شنیدی داخل شو پس از
چند دقیقه صدای الله اکبر بلند شود غسال باندرون صومعه رود همان شخص وفات یافته
و جزو کتبی در سینه اش کاغذی در آن نوشته من قبر خود را حفر نموده ام الحال غسلم داده و کفن نما
و بخاک بسپار غسال بوصیت او عمل نموده و مراجعت بشهر کرد و بعضی از قبور عرفا در آن تکیه هست
از جمله **سید سلیمان** نامی از اهل مصر از جمله عرفا و سالکین طریقت بوده در سنه یکهزار و هشتاد
و چهار وفات یافته ایضاً **شیخ عبد الکریم** نامی از مشایخ کبار بود در سنه یکهزار و یکصد و نود
و یک فوت شده آن قبر در طرف اول نزدیک درب بسمت دست راست واقع شده است

وچهار طاق بر فراز کوه رو بتنگ الله اکبر واقع شده و چاه مرتضی علی بر قله کوه چهل مقام واقع است
آنجا قدمگاه علی گویند و تخت ضرابی تکیه است در کمر کوه بالای سر تکیه هفت تنان مذکور و از
پائین کوه تا بتخت مزبور بمقدار یکصد و هفتاد قدم است و تکیه مشرقی در آن کوه نزدیک بتنگ الله
اکبر است طاقی است در وسطش محجری است و آثار قبری و آن مزار عماد الدین محمود الحسنی
الحسینی است وفاتش در سنه هشتصد و بیست هجری است از تکیه مشرقی بمقدار هشتاد قدم
بلندتر مزاری سنگ بسیار بزرگی دارد نام صاحب قبر بر آن حک نشده مگر بخط ثلث نوشته اند
کل من علیها فان و یبقی وجه ربک ذو الجلال والاکرام مشهور است که آن قبر شیخ
یکی از مشایخ عرفاست اما صاحب تذکره و جماعت کثیر ذکر کرده اند و اعتقادشان اینست که باید
قبر خواجو کرمانی باشد خواجو کرمانی کنیتش اسمش محمود بن علی بن محمود مشتهر بخواجو صاحب فضل
و کمال بوده و شاعر فصیح و مرید علاء الدوله سمنانی بود وفاتش در سنه هفتصد و چهل و دو واقع بود
تکیه حسین آباد نزدیک بقبر خواجو است و تکیه باباکوهی در سمت تکیه مشرقی است
بمسافت بعیده از پائین کوه تا بآن تکیه قریب یکهزار قدم است چون شخص بالا رود که در آن قبر
باباکوهی است اسمش شیخ ابو عبد الله علی بن محمد شیرازی از قدمای مشایخ است با شیخ ابوسعید معاصر بود
و قریب یکصد سال عمر نموده و در سنه چهارصد و چهل و دو هجری وفات نموده و تخلص کوهی بوده و دیوانی
بزرگ دارد تکیه حسین آباد در دامنه کوه باباکوهی است و سطحی است در آن سمت انجار
قبرستان مصلی یکقد تکیه شاه داعی در سمت جنوب مایل بمغرب شیراز بمسافت شش صد
قدم دور از دروازه شاه داعی واقع است داعی الی الله از عرفای آفاق است مزارش در میان
رواق و لوح قبرش از یک پارچه سنگ ساق دو ذرع و نیم طولاً و نیم ذرع و یک گره عرضاً و نیم گره
ارتفاع دارد شاه داعی اسمش سید محمود نظام الدین الحسینی سیدی بود فاضل
و متعبدی کامل صاحب مقامات عالیه تصنیفاتش عربی و فارسی بسیار است مدت عمرش نزدیک بیکصد سال
بوده در سنه هشتصد و هفتاد هجری از دار فنا بعالم بقا توجه کرده چند نفر از بزرگان اولیاء الله در جوار

داعی

داعی الی الله مدفونند شیخ اقطع میر باب نیز خوانند اسمش سید مزارش در سمت جنوب غربی شیراز
بمسافت دو فرسنگ در دامنه کوهی تا مزار آن ربع فرسنگ است در دره وسیعی واقع شده مرقدی دارد
و شیخ دانیال در دهی است موسوم بجرسقان در سمت جنوبی شیراز بمسافت چهار میل و شیخ
شهریار در سمت جنوبی شرقی شیراز است بمسافت کمتر از فرسنگی در میان صحرا بقعه کوچکی دارد اطرافش
قبرستان است و در آن بقعه دو مزار است بر یکی از آنها نوشته صاحب النفس القدسیة والمقامات
العالیة شهریار بن احمد بن علی الفالی و تاریخش ششصد و شانزده است بر لوح دیگر نوشته
الشیخ الصالح العابد السالک جمال الدین حسین و شیخ علی چوپان در بلوک
شیراز است مرحوم سید اسد الله المتخلص بنوای شیرازی در سال یکهزار و دویست و نود وفات یافت
در دار السلام مدفون شد گویند سه ساعت قبل از فوتش تاریخ وفاتش را گفت و وصیت کرد که بر لوح
مزارش نقش نمایند پس شهادتین بزبان راند و جان بجان آفرین تسلیم کرد این است تاریخش شعر
چه شد سید اسد از دار دنیا خدا را بنده بود و مصطفی را پی تاریخ خود این فرد را گفت کم آمد
دو الف از نام عزا میرزای سکوت قدوه عارفین جهان و زبده سالکین زمان میرزا ابو القاسم
شیرازی است تاریخ فوتش هو الله الذی لا یموت یافته یکهزار و دویست و سی و نه است در حرم حضرت
شاه چراغ مدفون است از فحول علمای اعلام و فضلای کرام شیخ صالح بن عبد الکریم بحرانی در کازرون
از محال شیراز متولد و متوطن گردید بعد بامر شاه سلیمان صفوی متولی قضاوت و امر مرافعات شده و
تالیفاتش بسیار است در شیراز وفات یافت در جوار سید علاء الدین حسین مدفون گردید نجم
الدین عبد الرحمن شیخ عهد و مفتی عصر بود گویند در مسائل شرعیه بمذهب شیعی و سنی
هر دو فتوی میداد در سنه ششصد و سیزده وفات یافت در شیراز مدفون است ابو القاسم
فخر الدین محمد از افاضل روزگار بود در فارس قضاوت داشت در سنه ششصد و هفتاد و سه
در شیراز وفات یافت حاجی میرزا سلطانعلی ملقب بشاهد از سادات کرام و از
علمای اعلام است مردی مرتاض و در تفسیر و حدیث ربطی تمام داشته در سخن گفتن دلیر و حاضر جواب بود
و هم گاهی شعر میگفت و در سن شباب از داربجرد حرکت بسوی عتبات عالیات نمود پس در شیراز متوطن شد
در سنه یکهزار و دویست و نود و سه وفات یافت مدفنش در دار السلام شیراز است و دیگر

میرزا محمد شفیع وصال شیرازی مشهور بمیرزا کوچک بنده سالکین و قدوه عارفین بود دیوانش
مشهور تالیفاتش موفور در مرثیه سرائی هیچکس بپایه وی نرسیده در سنه یکهزار و دویست و شصت و دو وفات
یافت در بقعه حضرت شاه چراغ مدفون است **واز سلاطین مظفر شاه شجاع**
که بفضل و جود و عدل متصف بود در سه سالگی حفظ کلام الله مجید کرد در علم و دانش بمرتبه رسید علمای کبار
از لطایف خواطرش بهره مندی شدندی مدت بیست و شش سال پادشاهی کرد سال هفتصد و هشتاد
و شش بجوار رحمت ایزدی پیوست **حیف از شاه شجاع** تاریخ وفات اوست در نزد پدرش
قطب الدین شاه مدفون گردید و از سلاطین دیالمه ابو شجاع بهاء الدوله و عماد الدوله و سلطان الدوله
نیز در شیراز است **از وزراء میر غیاث الدین منصور** ابن امیر صدر الدین محمد
الحسینی الدشتکی الشیرازی وله تالیفات جمیله و تصنیفات جلیله وله کان منصب الصداره
لشاه طهماسب الصفوی ثم استعفی عن منصب الصداره وخرج الی بلدة شیراز المحروسة
فبقی هناك الی ان مات وکانت وفاته فی سنة ثمان واربعین وتسعمائه **و امیر**
تقی الدین محمد نسابه و میر ابو الولی و میر ابو المجد عموما در شیراز معمور و مدفون اند
اما سادات شیراز بسیار صحیح النسب اند و در صحت نسب ایشان شکی نیست منتهی میشوند
بقاسم الرسی بن حسن بن ابراهیم طباطبا حسنی و از اکابر متاخرین ایشان **میر شمس الدین**
اسد الله شوشتری **و میر شاه محمود** که شیخ الاسلامی فارس متعلق باو بود و سید فاضل
میر شاه ابو تراب اقضی القضاة مملکت فارس بود و مدتی هم از اجداد کان جد
مؤلف فقیر در فارس و شیراز نقیب و قاضی القضاة بود **و هو محمد بن زید بن القاسم**
بن یحیی بن حسین ذی العبرة بن زید بن علی بن الحسین علیه السلام
و مرقد ابو علی سید ماجد بن هاشم بن علی بن مرتضی الحسینی انه کان
عالما فاضلا شاعرا ادیبا وفاتش سنه هزار و بیست و هشت بود در بقعه شاه چراغ
مدفون است وصلی الله محمد و آله
الطاهرین

بهشت پنجم در بیان مشاهد و بقاع قزوین و شرح حال مدفونین آنجا

قزوین

قزوین از اقلیم چهارم است و شاپور ذو الاکتاف ساخته تاریخ بنای آن سنه ثلث وستین دار عمارة
اسکندری بوده چون سلاطین صفویه آنجا را دار الملک قرار دادند بدان سبب آبادی و کثرت در قزوین روی نمود
و هوایش معتدل است و آبش از قنوات و باغستان بسیار دارد و رود ابهر از نزدیک آن میگذرد و در سمت شمال آن
سلسله جبال کلقان ممتد است و گردنه خرزان معروف است اکنون عدد نفوس آنجا سی یک هزار نفر
علمای جغرافی تخمین کرده اند و در شرقی آن ولایت طالقان در کوهستان اتفاق افتاده جمعی از اکابر دین
از آنجا برخاسته اند و در فضیلت طالقان احادیث چند وارد است از کتاب کشف الغمه روی ابن اعثم الکوفی
فی کتاب الفتوح عن امیر المؤمنین انه قال ویحا للطالقان فان لله تعالی بها کنوزا لیست
من ذهب ولا من فضة ولکن بها رجال مؤمنون عرفوا الله حق معرفته وهم انصار المهدی
فی آخر الزمان دوازده نفر از آنجا در رکاب ظفر انتساب حضرت حجة الله صاحب الامر خواهند بود منجمله
شعیب بن صالح طالقانی امیر عسکر آنحضرت خواهد بود چنانکه یکی از شعرای اهل بیت گفته است **شعر**
یقود نواحیها شعیب بن صالح الی السید من آل هاشم ازهر و در حدیث ذکر ان لا آل محمد
بالطالقان لکنزا سیظهره الله اذا شاء دعاته حتی تقوم باذن الله فتدعو الی دین الله ایشان
در طالقان ظهور کردند و صدق حدیث بروز کرد **حسن بن زید** ملقب بداعی کبیر **و محمد بن زید**
ملقب بداعی صغیر **و حسن بن علی** ملقب بناصر کبیر و ناصر الحق از ابتدای دویست و پنجاه سال هجری
در طبرستان و مازندران سلطنت و حکمرانی کردند الحاصل **مزار فایض الانوار امام زاده**
حسین بن موسی بن جعفر علیه السلام که بشاهزاده حسین معروف است بقعه مطهره آن بزرگوار
در آنجا مطاف اهالی روزگار است والحسین بن موسی الکاظم المدفون فی القزوین فعقبه
مختلف فیه فمن قائل انه اولد بنین وبنات وانقرضوا ومن قائل انه ترك ولدا اسمه
السید عبد الله واعقابه فی صح ولیس لها الا البینة العادلة والادلة القاطعة
و همچنین اختلاف کرده اند در حق آنحضرت که دفین قزوین است بزعم حمد الله مستوفی انجاب ابن
حضرت رضا علیه السلام است و بعضی از علماء رجال و انساب و مورخین نوشته اند که صاحب آن بقعه
شریفه شاهزاده حسین بن احمد بن اسمعیل بن محمد بن الامام زین العابدین است

در قزوین مزارات بسیار است
و از علمای [illegible] از اصحاب [illegible]
خواجه [illegible] طالقانی و [illegible]
و ابراهیم [illegible] و علامه [illegible]
و ابن ناصر [illegible] و جلال الدین
قزوینی و نور الدین [illegible] و امام الدین رافعی
و غیره [illegible]

بهشت پنجم

درسال اصدی و مأتین خروج نمود قزوین و ابهر و زنجان را از دست کارکنان عباسیه بیرون آورد و ملقب
براعی الی الحق گردید و در قزوین وفات یافت اما اصح و اشهر در زعم مؤلف احقر آن است که او بالقطع و الیقین
قبر مطهر امامزاده حسین بن موسی بن جعفر است

و گنبد بارگاه شاهزاده حسین علیه السلام از جهه تعمیر ... کمینه

بنا و بقعه و گنبد و بارگاه آنحضرت را ابوالفضل مجد الملک براوستانی القمی که وزیر بالاستقلال سلطان ملکشاه
بود انجام داد بعد از سلاطین صفویه و ملوک قاجاریه تعمیرات آن بقاع را اقدام نمودند
اما سادات قزوین حضرت شاهزاده حسین بموجب فرموده ارباب رجال و انساب
بلاعقب بوده لکن **از نسل** برادر آنحضرت ابراهیم الکبیر ابراهیم المرتضی که در زمان قدیم قاضی و نقیب
قزوین بودند میباشد **و از ذریه** محمد بن الاکبر بن علی بن ابی طالب **و از نسل** حسن مثلث
و ابراهیم طباطبا و حسین الاصغر بن الامام زین العابدین علیهم السلام درآنجا بسیار و باطراف
و حوالی آن منتشرند **از بقاع و قبور علمای آنجا** مزار **امام الدین الرافعی**
کان من علماء عصر الظاهر بالله العباسی وله من المؤلفات محرر التدوین و کتابا
الشرح الکبیر والشرح الصغیر وکان مع مافیه من العلوم والکمالات ماهرا فی نظم الاشعار
الباهرة و توفی بمدینة قزوین فی سنة ثلاث و عشرین و ستمائة و دفن فیها مزار **مولانا**
نجم الدین علی کاشی الاصل و قزوینی المسکن حکیم متبحر بود و در حکمت شاگرد اثیر الدین ابهری
شرح ملخص و شرح محصل و شرح کشف و حکمة العین و رساله شمسیه و جامع الدقایق از مصنفات اوست
وفاتش در سنه خمس و سبعین و ستمائة بوده **ابن باجة الربعی** وهو ابو عبدالله محمد القزوینی
صاحب الصحاح وله ایضا کتاب فی التفسیر و کتاب فی التاریخ کبیر توفی بقزوین
سنه ۲۷۳ **و ابوالفرج شیخ احمد غزالی** برادر ابو حامد غزالی بود و دارای تصانیف بسیار
سنه پانصد و بیست وفات یافت قبرش در قزوین است **و حمدالله مستوفی** صاحب مؤلفات
جلیله در هفتصد و پنجاه وفات یافت مزارش در قزوین است شمس الملة والدین **قاضی شمس الدین**

در

قبر ابی عبدالله الحسین ... بقزوین وهو ابن داود بن ابی الکرام عبدالله بن محمد الناسک بن عبدالله بن عبدالله بن جعفر الطیار علیهم السلام

قال ابن طباطبا ان حمزة بن علی بن الحسین بن احمد بن محمد بن اسمعیل بن ابراهیم بن موسی الکاظم مات بقزوین و قبره بها و له اخوة ...

ذکر مشاهد قزوین

در زمان هلاکو خان قاضی القضاة بود **و قاضی جهان** سیفی حسینی مزارش در قزوین است **مولانا**
الحاج خلیل بن الغازی القزوینی ذکره شیخنا الحر العاملی فی تذکرته فقال
انه فاضل عالم علامة حکیم متکلم محقق فقیه محدث ثقة جامع للفضایل وله تصانیف
کثیرة جمیلة و تفاسیر و رسایل جلیلة رأیته بمکة فی الحجة الاولی وکان مجاورا بها
مشغولا بتألیف حاشیة مجمع البیان توفی سنة تسع و ثمانین بعد الالف وکان
مبلغ عمره الشریف ثمانا و ثمانین و قبره فی القزوین **و المولی الحاج حسین الیزدی**
شارح خلاصة الحساب وقد تکرم عند السلاطین الصفویة و متولیا للروضة مولانا
عبد العظیم بالری و مدة سنوات ثم عزل عنها و سافر الی مکة و جاورها فلما رجع منها
سکن قزوین حتی مات و دفن فیها **و مولا محمد رفیع المشتهر بالواعظ** القزوینی
انه فاضل عالم زاهد صالح واعظ بعد ابیه بجامع قزوین من جملة مؤلفاته کتاب
ابواب الجنان توفی فی شهر رمضان سنة تسع و ثمانین والف **آقا سید محمد باقر بن**
سید علی حسینی قزوینی از تلامذه شریف العلماء و شیخ علی بن جعفر بود در فقه و اصول کمال تسلط داشت
و خط خوشی داشت و صاحب اجازات بود و ریاست عامه قزوین باو منتهی گشت قریب هشتاد سال
عمر کرد و برادری داشت مسمی بحاجی میرزا رفیع مرد بسیار فاضل و محقق و عالم و عامل بود مدفن هر دو
برادر در قزوین است **جناب آقا سید تقی** سید عالم و زاهد و اورع و متقی مدفن و مزار او
قزوین است **الحاج ملا محمد تقی برغانی الشهیر بالشهید ثالث** علت وفات آن مرحوم
آن بود وقتیکه میرزا علی محمد شیرازی دعوی بابیت کرد و مردم باو گرویدند حاجی ملا محمد تقی بالای مسجد و منبر
از روی ... حال تحذیر آن طایفه را تکفیر مینمود تا در سنه هزار و دویست و شصت و چهار هجری در سحر
بمسجد رفت و مشغول مناجات و عبادات و تضرع بود بتحریک دختر برادر خود که قرة العین میگفتند
چند نفر از فرقه ضاله مضله بابیه بقدر سی زخم از گردن و ارد دهانش زدند انجناب را از جهت
رمقی داشت بخانه اش بردند دو روز زنده بود بعد از دو روز روحش بجانب جنان شتافت
و در قزوین در جوار شاهزاده حسین در مقبره منفرده که حاجی میرزا ابوالقاسم شیرازی برای خود تعمیر کرده
بود دفن نمودند بعد از چند سال برای تعمیر قبرش را شکافتند همان بدن مانند ایام زندگانی تر و تازه بود اکنون

دفن ...

خاتم العلماء خلیل قزوینی از فحول علما بود و جامع معقول و منقول و در ناحیه قزوین ... مزارش در قزوین است ... ملا سلیمان ... صاحب علم و فضل و کمالات و تالیفات است

قال ابو الفرج قتل بقزوین ابراهیم بن محمد بن عبدالله بن ... بن علی ... و امه ... الکعب ...

بهشت هشتم

مزارش زیارتگاه احباب آن بزرگوار است السید الامام العلامه الاقا سید حسین بن
بن سید ابراهیم القزوینی هو اعیان المجتهدین هذه الاواخر و فقهائهم
الفحول المتبحر لمراتب المعقول والمنقول وصاحب الکرامات والمقامات فی حیوته
بعد الممات و مرقده الشریف بقزوین کتربة واحدة من المعصومین تقبل الحوایج
المحتاجین رحمة الله علیه وعلی آبائه واتباعه واصحابه واجداده المعصومین

بهشت هشتم در بیان مقابر و مشاهد دمشق شام

دمشق دار الملک مملکت شامات است نمرود بن کنعان بنا کرد در نظارت و حسن
عمارت و وفور آب و اشجار و فواکه و اثمار جنت روی زمین است جمعیت دمشق اکنون بقدر
دویست هزار نفوس است و قرب پنجاه هزار ارباب خانه در او است و مردمش قوم عرب و اکثر
شافعی مذهب و دیگر نصاری و قلیلی یهودی و کمی شیعه امامیه و دیگر حنفی و دیگر مالکی
و سامری و زیدی و علی اللهی و یزیدی است و بقدر صد مناره و سیصد مسجد و صد مدرسه
و دویست حمام و دوازده هزار باغ دارد و چهار هزار دکان شعربافی در آن شهر است
و مسافت خطهٔ شامات طولا الی عرش و عرضا از طی الی البحر روم است **وهی الارض**
المقدسة التی بارک الله حولها وجعلها منزل الانبیاء والاولیاء
از عجایب دمشق **جامع اموية** مسجد جامعی است در وسط شهر واقع شده
ولید بن عبد الملک آنجا را بنا کرد خراج هفت ساله مملکت را بهمان مسجد خرج نمود
چهل ستون یکپارچه از سنگ رخام دارد و پنج مناره دارد و بقدر شش هزار قندیل
که تمام شب را میسوزد و در شش محل درس گفته میشود طول مسجد پانصد و چهل و هفت گام
عرضش صد و پنجاه گام و مداخل یومیه مسجد سیصد مثقال طلا میباشد و در آن جامع قرآنی
بخط حضرت امیر مؤمنان و قرآن دیگر بخط عثمان بن عفان است **جبل ربوه** در نزدیکی
دمشق است آیه و آوینا الی ربوة ذات قرار و معین در باب آنکوه نازل شده
و بر در آنکوه مسجدی است مشتمل بر کهفی گویند ولادت مسیح در آنکوه است

اما بقاع شریفه و مقامهای متبرکه آنجا

از جمله

ذکر مشاهد دمشق شام

مزار منور حضرت امام حسین انه فی دمشق و جعل راس الحسین فی خزانة یزید
فکنوه فدفنوه بدمشق بباب الفرادیس **مزار راس مبارک حضرت یحیی** بن زکریا
در سمت شرق مسجد جامع و در شبستان آن واقع است حضرت یحیی پسر زکریا بود و مادرش دختر
عمران خواهر حضرت مریم میباشد شش ماه از مادر متولد شد از اجله پیغمبران بنی اسرائیل است پادشاهی بود
همدوش نام حضرت یحیی او را از زنا کردن مانع شد اول بفتوای آن زن ملعونه یحیی را حبس کرد و ماند
الی روز جشن مستی هوش همدوش را از سر برده آن زن ملعونه استدعای قتل یحیی نمود آن ملعون فرمان
داد تا چند تن از زنازاده گان بمجلس رفته سر یحیی را از بدن جدا کردند و در طشتی نهادند بمجلس آوردند
پس از قتل آنحضرت اصحاب و شاگردانش جمع شده جسد مبارکش را از زندان برده دفن کردند
اما سر مبارکش در محل مزبور دفن کردید **باب جیران** نام محله ایست در دمشق همانجا یحیی را شهید
کردند سرش را از آن دروازه آویختند و در عهد یزید پلید سر مبارک حضرت حسین را در آنجا نصب کردند
بقعهٔ منوره حضرت رقیه خاتون دختر حضرت امام حسین که در خرابه شام وفات یافت
بقعتین شریفتین ام سلمه و ام حبیبه از زوجات طاهرات سید کاینات در آنجاست
اگر مزار ایشان در مدینه در قبرستان بقیع نوشته ایم لکن در شام هم زیارت میکنند امیر تیمور گورکانی
بر سر مزار آن دو خاتون دو گنبد عالی برافراشت **و مزار محمد معصوم بن جعفر صادق**
نیز در آنجاست **و مرقد عقیل بن ابی طالب** انه کان اسن من اخیه
جعفر بعشر سنین وکان اکثر الناس ذکرا المثالب قریش فعادوه لذلک وکان
وکان مما اغاظهم علیه فی ذلک مغاضبته لاخیه علی و خروجه الی معوية حتی
قال یوما بحضرته هذا ابو یزید لو لم یعلم بانی خیر له من اخیه لما اقام عندنا
و ترکه فقال عقیل اخی خیر لی فی دینی وانت خیر لی فی دنیای وقد اثرت دنیای
واسئل الله خاتمة الخیر توفی بالشام فی خلافة معوية **قبر محمد بن جعفر بن**
ابی الطیب در دمشق واقع است **و مضجع ابو محمد حسن** بن حسین الاحول بن عیسی بن یحیی
بن ذی الدمعة بن زید بن علی ابن الحسین که در دمشق قاضی القضاة بودند

بهشت ششم

مشهد زینب خاتون بنت یحیی المتوج بن الحسن الانور بن زید الابلج بن الحسن السبط بن علی بن ابی طالب ع در حوالی دمشق در قریه ضیعه واقع است این خاتون مشتبه بزینب خاتون بنت امیر المؤمنین ع شده است غلط و خلاف مشهور است از رای آنکه زینب کبری بنت امیر المؤمنین علیه السلام در مدینه در قبرستان بقیع مدفون است **مدفن جعفر بن ابی سفیان الهاشمی بن الحارث بن عبد المطلب** مادرش دختر حضرت ابو طالب بود در اکثر غزوات ملازم حضرت رسالت بوده تا در سال خمسین از هجرت گذشته در دمشق وفات یافت **عبد المطلب** بن ربیعة بن حارث بن عبد المطلب در کتاب اصابه مسطور است ثقه و راوی احادیث بود در زمان خلافت عمر بدمشق رفت و در سال شصت و دو از هجرت وفات یافت و محمد برادرش در آنجا قبر و شرف بسیار بهم رسید **مزار بلال بن حمام مؤذن رسول الله** ص واصله من الحبشة لما اتی الی النبی وانشده بلسان الحبشه **شعراً** اره بره کنکره کری کری منظره فقال ص لحسان اجعل معناه عربیا فقال حسان **شعراً** اذا المکارم فی آفاقنا ذکرت فانما بك فینا یضرب المثلا وشهد کل الغزوات مع رسول الله ولم یؤذن بعد النبی لاحد فیما روی الا مرة واحدة فی قدومه من دمشق الی المدینة لزیارة قبر رسول الله فاذن ولم یتم الاذان مات بدمشق بسنة عشرین بالطاعون وهو ابن بضع وستین سنة ودفن بباب الصغیر **سعد بن عباده الانصاری** سید انصار و کریم روزگار و اصحاب خاص رسول المختار و در اکثر غزوات حاضر و جان نثار و خدمتکار اهل بیت اطهار بود تا اینکه با ابی بکر بیعت نکرد او را اخراج بلد کردند از مدینه بجانب دمشق شام رفت بعد از مدتی در آنجا بتحریک یکی از عظما مقتول گشت **حارث بن هشام المخزومی** صاحب استیعاب گفته که او در سفر فتح مکه مسلمان شد و از فضلای صحابه و خیار ایشان بود در زمان خلیفه ثانی بشام رفت در نواحی شام بمراسم غزا اشتغال داشت تا در سال هیجدهم از هجرت در دمشق وفات یافت **محمد بن ابی حذیفة القرشی**

دمشق و شرح مشاهد آنجا

در دیار حبشه در زمان رسول خدا متولد شد از جانب حضرت امیر ع والی مصر بود بعد از آن معویه او را گرفته محبوس ساخت تا از محبت و نصرت علی دوری و بیزاری جوید بعد از کشته شدن عثمان آنقدر در زندان ماند تا رحمت ایزدی پیوست **و محمد حنفیه بن ابی بکر صدیق** در دمشق مزارش ظاهر **و عبد الملك بن ربیعة** الحارث **و ابو العباس سهل بن سعد و عبد الله** بن بسر در دمشق مدفونند **و دیگر از اصحاب** در موضع عذرا که در دو فرسخی دمشق واقع است **مزار و مقبره حجر بن عدی** واصحابش میباشد وقتی شهید ثانی ره قبر حجر بن عدی و صحابش را زیارت فرمود این بیت را بر سنگ قبر آنها نوشت **شعر** جماعة بعذرا اعزاء قد دفنوا لهم من الله اجلال واکرام **و مزار اکابر انبیاء و اولیاء** در خارج دمشق و بر آن مشرف است که **جبل قاسیون** گویند در آن غارهای زیاد است در الکهوف بسیاری از انبیا است از جمله در آنجا غاری است که مغارة الجوع گویند هفتاد نفر از انبیا در آنجا از گرسنگی مرده اند و در نیم فرسخی دمشق قریه است **صالحیه** میگویند متصل بجبل قاسیون است در آنجا غاری است **هابیل قابیل** را در آنجا شهید کرده هنوز اثر خونش در آن مکان باقی است **امام مزار اجله علما و افاضل حکمای آنجا** الشیخ الشهید السعید **ابو عبد الله شمس الدین محمد بن محمد المکی** وحید عصر بود معروف است بشهید اول در فضل و علم و زهد و فقاهت مانندش را در دایره وجود نگذشته فقاهتش از کتاب قواعدش ظاهر است از هزار نفر از فقهای عصر اجازه داشت نوشته اند کتاب لمعه دمشقیه را بمدت هفت روز در حبس خانه دمشق تألیف فرموده آخر بسبب بغض عماد بن جماعة القاضی الشافعی و برهان الدین المالکی الی هفتاد نفر فتوی قتلش را دادند در میدان قلعه دمشق در پهلوی بازار اسب فروشان سنه هفتصد و هشتاد و شش شهیدش کردند الاول حبس ثم صلب ثم رجم ثم احرق اعلی الله مقامه **مولانا قطب الدین محمد محقق رازی** مولدش دار المؤمنین ری بود در دوازدهم شهر ذی قعده سنه هفتصد و شصت و شش وفات یافت در فضای قلعه دمشق بوی نماز گذاردند و در صالحیه دفن کردند **المعلم الثانی و المقنن الباني الحکیم الالهی المنطقی الطبیعی ابو نصر الفارابی** صاحب التصانیف المشهوره

عبد الله بن حواله ازدی از قبیله بنی ازد است دو سال هشتادم ۸۰ در شام وفات نموده

عبد الله بن جابر المازنی بدری و قبیله باران الولاحیر نامدار کنیت است و در سال هشتاد و هشتم هجری در شام وفات نموده و این وقت نود و چهار سال داشت

عتبة بن المنذر نام او و قبیله عوار الولید عتبة فرمود و کنیت او ابو الولید است در سال هشتاد و هفتم هجری وفات یافت و این وقت نود و چهار سال داشت و اقعه گشت آخر کس است از اصحاب رسول خدا ص وفات

عفیر بن ابی عفیر الانصاری از جمله اصحاب است ساکن شام شده و در سال هفتاد و پنجم هجری در شام وفات نموده

فضاله مروی است از سوالی از رسول خدا در شام وفات نموده

سعد بن مرة البهری السلمی ساکن اردن بود از اراضی شام و در سال پنجاه و نه در شام وفات نموده

بهشت ششم

نشاء فی بلدة فاراب ثم انتقل الی بغداد ثم سافر الی دمشق الی آن قتل بایدی قطاع الطریق حین
خروجه الی سفر عسقلان سنة تسع وثلاثین وثلاثمائة بدمشق ودفن بخارج باب الصغیر
وصلی علیه سیف الدولة وقد ناهز ثمانین سنة ثم اخذوا بامر سیف الدولة قاتلیه
وصلبوا وقتلوا البتة العقوبة. ابو نصر اکمل فلاسفه سلمین بود و شیخ الرئیس از تصانیف وی انتفاع
برده اکثر کتب اسطو در حفظ داشته در محضر پادشاه در هر علوم بفضلا فایق آمده و تواختن قانون را
او مخترع شده و شرح آن در کتب تواریخ مسطور است از کلمات انجاب است اموات اولاد امراض
میباشند و امراض اولاد اخلاط و اخلاط اولاد اغذیه و اغذیه اولاد نبات و نبات اولاد زمین
پس هرچه از زمین بر میآید بزمین بر میرود قدوة العاشقین واسوة العارفین ابو عبد الله
محمد بن علی الحاتمی المغربی الطائی الاشبیلی الاندلسی ثم المکی ثم الدمشقی المشهور
محی الدین الاعرابی کان ارکان سلسلة العرفاء واقطاب ارباب المکاشفة
والصفا ومعاصر للشیخ عبد القادر جیلانی وتصنیفاته کثیرة وتحقیقاته معروفة عند
اهل البصیرة منها توفی لیلة الجمعة الثانی والعشرین من شهر ربیع الاول سنة ثمان
وثلاثین وستمائة وقبره بصالحیة دمشق مزار معروف وکانت له ید طولی فی علم الحروف
ومن استخراجه اذا دخل السین فی الشین ظهر قبر محی الدین یعنی لما دخل السلطان سلیم ثانی
تفحص عن قبره وعمره بعد الاندراس ومنه ما انشد فی ظهور القائم **شعر**
اذا دار الزمان علی حروف بسم الله فالمهدی قاما واذا دار الحروف عقیب صوم
فاقرؤا الفاطمی منی سلاما مذهب محی الدین وحدة وجودی بود و جبر الجمع عرفا نسبت داده
دشبستری در گلشن راز گفته است **نظم** هر آنکس را که مذهب غیر جبر است نبی گفتا که او مانند گبر است
وجمیع اشاعره واهل سنت جبری مذهب اند امام فخر الرازی در این مقام چه خوب گفته است **شعر**
اذا کانت الاشیاء من الله قدرت فقدتم عنه للروافض فی السب اذا کان
رب العرش فی حکمه قضی علیهم بهذا فالعتاب علی الرب **ابن عامر شامی**
یکی از قراء سبعه است اسمش عبد الله است در سنه صد و هیجده در دمشق وفات یافت
الخطیب الدمشقی قاضی القضاة جلال الدین محمد القزوینی الاصل المشهر بالخطیب الدمشقی
صاحب تلخیص المفتاح للامام السکاکی الذی کتب علیه علامة التفتازانی شرحیه المعروفین
بالمطول والمختصر فی العلم البیان والمعانی قدم دمشق من بلاده مع اخیه قاضی القضاة

امام

ذکر دمشق

امام الدین وناب فی القضاء عن اخیه ثم ولی خطابة دمشق ثم ولی قضاء القضاة بالدیار المصریة
ثم عزل عنها واعید الی قضاء الشام وتوفی بدمشق سنة تسع وثلثین وسبعمائة **الشیخ فخر الدین**
العراقی نامش ابراهیم کتاب لمعات از تصنیفات اوست مولدش همدان عارف بی نظیر بود قرآن را
از حفظ میخواند با شمس تبریزی در چله خانه ریاضتها کشیده ارادت بشیخ بهاء الدین زکریای ملتانی
نقشبندی داشته وفاتش سنه ششصد و هشتاد و هشت قبرش در دمشق نزدیک مقبره محی الدین اعرابی
پسرش **کبیر الدین** در نزد پدر مدفون است **شیخ عبد الغنی نابلوسی** شارح فصوص
وفتوحات در صالحیه در خارج باب الصغیر مدفون است **شیخ الفاضل تاج الدین ابو الحسن**
زید بن حسن المعروف بابی الیمن بغدادی در جبل قاسیون مدفون است شهاب الدین
محمد قاضی القضاة الخوبی الشافعی الشهیر **بابن الخوبی النحوی** ولد بدمشق سنة ۶۲۶
واشتغل فی صغر سنه فیتمیز وبرع فی الفقه والنحو والتفسیر والاصلین والمعانی والبیان
والفرائض والحساب والهندسة ولی القضاء القدس ثم ولی القضاء الشام الی ان مات
یوم الخمیس فی ۲۵ رمضان سنة ثلاث وتسعین وستمائة الشیخ العالم الزاهد
الکامل لسان العرب وترجمان الادب سید المتکلمین **ابی الفرج عبد الرحمن**
ابن الجوزی وسبطه الشیخ الامام العلامة الفاضل الفهامة وحید عصره وفرید دهره
جمال الدین والدنیا **شمس الدین ابی المظفر یوسف بن قزعلی الواعظ الشهیر**
الحنفی المذهب وله صیت وسمعة فی مجالس وعظه وقبولا عند الملوک وغیرهم وصنف
تفسیر القرآن الکبیر وتاریخا کبیرا قال ابن خلکان رایته بخطه فی اربعین مجلدا سماه
مرآة الزمان وتوفی لیلة الثلثا الحادی والعشرین من ذی الحجة سنة اربع وخمسین
وستمائة بدمشق بجبل قاسیون ودفن هناک وقال مولده فی سنة اثنین وثمانین
وخمسمائة کذا اخبرتنی امی وقال لخالی محی الدین مولدک فی سنة احدی وثمانین وخمسمائة
فانه ینسب الی جده لا الی ابیه الشیخ العالم **کمال الدین محمد بن طلحه** انه کان
شیخا مشهورا وفاضلا مذکورا مات رحمه الله سنة اربع وخمسین وستمائة وحاله
فی ترفعه وزهده وترکه وزارة الشام ورفضه الدنیا حال معلومة وفی انقطاعه
صنف کتاب مطالب السئول فی مناقب آل الرسول وکتاب الدائرة وکان شافعی المذهب

شرح مقابر

من اعیانهم و رؤسائهم نقل من کتاب کشف الغمة لعلی بن عیسی الاربلی رحمة الله علیه **مولانا**
سید نور الدین عاملی در صالحیه دمشق مدفون است صدر المحبین و فخر العاشقین
کثیر بن عبد الرحمن شاعر و عارف و عاشق مشهور بود و مذهبه حب اهل بیت
الرسول و منصبه مدح ذریة البتول المامات الی الباقر الی الجماعة و رفعها کثیر
رافضی بود و با خلفاء بنی امیه باطنا دشمن بود زنی داشت غرابه نام روزی هشام بکاتبش گفت
بر کثیر بنویس که زنش غرابه را طلاق گوید تا ما او را تزویج کنیم در این وقت کثیر در مکه بود عازم
دمشق گردید غرابه را دید که بالش افتاده است و فریاد میکند تا اینکه بدمشق رسید دید که بر
جنازه نماز میکنند آن هم با ایشان نماز کرد بعد از اتمام نماز خبر دادند که زنت غرابه است
که مرده و این جنازه اوست فلما سمع شهق شهقة و مات من ساعته و دفن مع
غرة فی یوم واحد و مات عکرمه مع کثیر فی یوم واحد و ذلک فی سنة خمس و مائة
ابی سعید محمد المسعودی الملقب تاج الدین الخراسانی المروزی الفقیه الشافعی
الصوفی قال ابن خلکان المورخ کان ابی سعید ادیبا فاضلا و صاحب المقامات الحریریة
وهو کتاب مشهور کثیر الوجوه بایدی الناس و کان مقیما بدمشق فی الخانقاه السمیساطیة
و توفی ۵۸۴ هـ بمدینة دمشق و دفن بسفح جبل قاسیون و وقف کتبه علی الخانقاه
المذکوره **شیخ ابو عمر حنابلی مقدسی** صاحب صالحیه در صالحیه مدفونند **صالحیه**
نزدیک بدمشق بدامنه کوه قاسیون و سبب اینکه آنرا صالحیه میگویند وقتی شیخ مذکور در
آنمکان مدرسه و دیر و حمام و منابر و مساجد بنا کرد خود و اصحابش اهل صلاح و اهل اسلام
بودند بدان سبب بصالحیه نامیده شد پس شیخ مزبور در سنه ششصد و هفت وفات کرد خود و صحابه
در آنجا مدفون گشتند و مما انشد فی مدحها بعض الفضلا **شعر** الصالحیة جنة
والصالحون بها اقاموا فعلی الدیار و اهلها منی تحیة و السلام **و ساداتیکه**
در دمشق و شامات اند اولاد محمد الدیباج بن جعفر الصادق علیه السلام معروف اند
به بنو الطیار و مشهورند به بنو الشیبه **و ذریه** امام علی النقی علیه السلام **نسل** ابو الحسن الناصر الحسینی
اعقاب قاسم النسابه در شامات و در قریه که اسم آن حران است بسیار اند **اما**
قبور خلفای بنی امیه و شرح حال ایشان

و من

دمشق

و من طرائف ما اورده فی نبش القبور قال عمرو بن الهانی الطائی بعثنی ابو غانم المروزی علی نبش
قبور بنی امیة فانتهیت الی قبر هشام فاستخرجته صحیحا و ما فقدت منه شیئا الا طرف انفه
الا انه کان کرمة فاحرقناه ثم استخرجنا سلیمان من ارض دابق فلم نجد الا صلبه و جمجمته
و اضلاعه و استخرجنا مسلمة فنبح جمجمته و کذلک کان عبد الملک و وجدنا معاویة کخط
اسود کانه رماد و لم یوجد فی قبر یزید الاعظم واحد و ما وجد من عظامهم حرق
در روضة الصفا مسطور است که بعد از قتل امیران بنی امیه عبد الله بن علی که عم سفاح بود فرمود
تا گور ملوک بنی امیه را بشکافند همه قبور را کندند آنچه یافتند بسوختند و بباد دادند و موضع قبور را تخم
زده مزروع ساختند عجب است از محبین ایشان بجای آن قبور علامتی نهادند تا الحال بزیارت
آنها همت میگمارند و از خدای تعالی توقع ثواب دارند و ملوک بنی امیه چهارده نفر بوده اند
و این رقم مشتمل بر اسامی ایشان است **شعر** بودند از سران امیه چهارده بگرفته اند جمله اورنگ ملک و شرق
سر بسر اول معاویه پس پسر چند بسوفا و زبعد او یزید جفاکار بدگهر آنکه معاویه بد و مروان بعد از او
عبد الملک و لید و سلیمان و پس عمر آنگه یزید باز هشام است پس ولید و زبعد او یزید و ابراهیم برادرش
مروان بن محمد که گشته لقب حمار بود آخرین نیست جز این چارده دگر و بنو امیة کانوا
علی مذهب الجبریة و الحجاج کانوا علی مذهبهم لما قتل اکابر السادات و اصحاب
علی و رمی الکعبة بالمنجنیق و قال هذا منه تعالی **معاویة بن ابی سفیان**
جنگ صفین با امیر المؤمنین علیه السلام کرد و در محاصره اسلام ... رانمود سال شصتم هجری وفات کرد قبرش مابین باب
و باب مغیره است و صاحب گنبد است **یزید بن معاویه** در سال شصت و چهار در حوالی حمص ...
چهار سال سلطنت کرد در آن مدت حضرت سید الشهدا را شهید کرد و مدینه را غارت نمود و منجنیق بر حرم
کعبه پرداخت قبرش در سمت باب الصغیر واقع از بسکه بر آن سنگ انداخته اند تل بزرگی شده **معاویة بن یزید**
بعد از چهل روز خود را از خلافت عزل کرد **مروان بن حکم** جلوسش شصت و چهار سال بود بعد از چهارده ماه
در غره رمضان سال شصت و پنج قالب تهی ساخت **عبد الملک بن مروان** در زمانش مختار بن ابو عبیده
ثقفی خروج کرد و بخونخواهی حضرت سید الشهدا برخاست عبد الله بن زبیر کشته شد حجاج بن یوسف ثقفی حکومت عراق یافت

در عساکر عبد الملک در شرق و افریقا فتوحات کردند و با دولت روم جنگیدند مدت بیست سال و شش ماه حکمرانی کرد در سال
هشتاد و شش از هجرت گذشته وفات یافت مدت عمرش چهل و شش سال بود **سلیمان بن عبد الملک**
در عهد او گرگان و طبرستان فتح شد هر سال صد هزار درهم برای حضرت باقر ع میفرستاد در سال نود و شش جلوس کرد
در نود و نه وفات یافت به پرخوری معروف بود و در دمشق مدفون گشت **عمر بن عبد العزیز** سیره نیکو داشت
زبان دشمنان علی را از سب و ناسزا گفتن به عترت طاهره بست لهذا معروف بعدل و نیکو منقبت شد در سال صد و
یک از هجرت گذشته وفات یافت **یزید بن عبد الملک** چهار سال و یکماه خلافت کرد در سال
صد و پنج وفات یافت در دمشق مدفون گشت **هشام بن عبد الملک** در عهد وی زید بن علی بن
الحسین بدعوت برخواست و شهید شد عبد الرحمن والی اسپانیا در عهد هشام از شارل مارتل که پادشاه فرانس
بود شکست خورد و پیشرفت و انبساط عرب از آنطرف متوقف گشت نوزده سال و شش ماه حکمرانی کرد سال
صد و بیست و پنج وفات یافت عمرش پنجاه و چهار سال بود **ولید بن یزید** بفعل و شرابخوار و زناکار بود
با حال مستی نماز جماعت میکرد و قرآن را سوزاند بعد از یکسال و دو ماه حکمرانی او را از خلافت خلع کردند و
بقتل آوردند ابتدای تنزل دولت بنی امیه از عهد او گشت و فوتش صد و بیست و شش مدت عمرش سی و شش سال بود
یزید بن ولید را یزید ناقص گفتندی بچند وجه یکی آنکه اعرج بود دوم آنکه مدت خلافتش پنجاه و چند روز بیش
نشد سیم آنکه علوفه و مرسوم سپاهیان را مقطوع کرد **ابراهیم بن ولید** مدت خلافتش هفتاد روز شد
مروان بن محمد پنجاه هزار سوار در ارمنیه جمع کرده بدمشق آمد او را مغلوب کرد امان طلبیده با او بیعت کرد
مروان حمار بن محمد بن مروان که آخر خلفای بنی امیه بود در دست سفاح مقتول و بنی امیه منقرض
گشت سال جلوسش صد و بیست و هفت سال وفاتش صد و سی و دو **تاریخ سلطنت بنی امیه**
قریب نود سال است از سال چهل و یک تا صد و سی و دو طول کشید در این مدت بنی هاشم همواره مترصد
بودند که خلافت را از خانواده بنی امیه بیرون آرند و خودشان دارای این رتبه بوده سلطنت ظاهری هم
داشته باشند مردم هم با ایشان بیشتر میل داشتند لکن هر وقت یکی از آنها سر می جنبانید بنی امیه او را نابود
مینمودند تا در اواخر که قدرت خلفای اموی روی بضعف گذاشت بنی عباس که بنی اعمام پیغمبر بودند
مردم را بقبول خلافت خود دعوت نمودند و اهل خراسان بخاطر محبت بنی هاشم با ایشان همراهی کردند
و از اطاعت مروان حمار که آخرین خلیفه اموی بود سر پیچیدند و ابو العباس عبد الله معروف بسفاح را
خلیفه خواندند مروان و سفاح با هم زد و خوردها کردند عاقبت مروان مغلوب و مقتول گشت و بنی امیه
منقرض بوده خلافت بر بنی عباس قرار گرفت

بهشت هفتم در ذکر مشاهد قاهره مصر و شرح حال مدفونین آنجا

قاهره مصر

قاهره دار الملک کشور مصر است قلعه بر دور آن کشیده اند بیست و سه هزار گز است و عدد نفوس قاهره پانصد و
نفس پنج هزار است و قریب صد و بیست و سه هزار خانه و سی هزار دکان و دو هزار مسجد جامع و دو هزار باب خانقاه و زاویه
و هفتصد حمام و چهار صد میخانه و دوازده هزار باب اللطف یعنی خرابات خانه است و جمیع بیوتات شهر از بوریه چهار
طبقه است همگی از سنگ رخام تراشیده و قریب دوازده هزار استون یکپارچه از سنگ مرمر در مساجد و مدارس آن کار
کرده اند رود نیل در سیم فرسخی در سمت شرقی آن واقع است خصوصیات شهر مصر بسیار و تفصیل آن موجب تطویل است و از
آثار قدیم آنجا **هرمان** است دو هرمان نام هفت گنبد بزرگ است که هرم های مصر گویند و بزرگترین آن گنبدها را هرم
سیدوم گویند و از رود نیل یکمیل دور افتاده حضرت ادریس آنجا را بنا کرده آن گنبدها و دخمه ها خوابگاه انبیاء و ملوک سلف است
از تاریخ بنیانش دوازده هزار و ششصد سال الی حال خواهد بود و چهار صد ذرع بلندی هرم سیدوم است چنان سنگهای
عظیم تراشیده بر هم چیده اند که گویا یک قطعه کوه است و در آن گنبدها سردابهای عظیم و عمیق است و در آنجا قبور
اموات میباشد بعضی اعضاء و استخوان ایشان برقرار است و در میان آن قبه ها جایی است مربع و عمق آن ده گز است
در یک چاه بر هر ضلعی دری است از اضلاع اربعه چاه دیگر کنده اند و در هر خانه قریب صد بدن بعضی برهنه بعضی جامها
پوشیده و آن جامه ها بمرور ایام سیاه و سوخته گشته اما اموات بحال خود باقی مانده بعضی با زره و شمشیر و تازه
مانده و برخی از هم فرو ریخته و بعضی چشمهای ایشان آماسیده طول قامت هر یک از آن مردگان بیست گز بود گویند
دفن ایشان از زمان نبوت حضرت ادریس بوده و مجموع آن مرده ها جوان و سیاه مو رسیده **شعر** بسیار ز کاران که در کوه
زمین گذشته است بسیار خواهد گذشت

امامزاده های مطهره و بقاع منوره آن

در جامع شریف در میان شبکه معظم سر مبارک **راس شریف حضرت حسین بن علی** ع
لما وجد راس الحسين ع في خزانة يزيد كفنوه ودفنوه بدمشق بباب الفراديس ثم نقله
الخلفاء الفاطميين من باب الفراديس الى عسقلان ثم نقلوه الى القاهرة المحروسة وهو فيها وله
مشهد عظيم يزار **بقعتين شريفتين** حضرت سیده **زینب** حضرت سیده **سکینه**
از بنات مخدرات حضرت امیر المؤمنین ع در اندرون شهر در قناطر السباع میباشد **بقعه**
مطهره حضرت رقیه خاتون بنت علی بن موسی الرضا ع در مشهد است نزدیک بجامع
سرای امیر المؤمنین ع الکون انقام معروف بجامع شجرة الدر است این کلام بر سنگی که بر در آن ضریح باشد
مکتوب است بقعة شرفت بآل النبي وبنت الرضا علي الرضية

بهشت مفتح قاهرهٔ مصر

حضرت نفیسه سیده نفیسه بنت الحسن بن زید بن حسن بن علی بن ابی طالب زوجهٔ اسحق بن جعفر الصادق بود
مرقد مطهر عبید الله بن علی بن ابراهیم بن حسن بن عبید الله مزارش در برابر مسجد شجرة الدر است
مزار امام زاده اسمعیل بن موسی الکاظم بن عباس بن امیر المؤمنین
فان اسمعیل اعقب من ثلاثة موسی واحمد وجعفر وولد جعفر بالمغرب وهم فی صح وولد احمد
من ولده محمد وفیه العقب الطیب واولاد موسی بن اسمعیل نقباء بنی حمدان ولهم انخاذ بمصر
والشام وبطبرستان وقیل ان لهم نقیة ببلخ والسید حسین المصری بن الحسن بن احمد
ابن محمد غزنی از اولاد زادکان حضرت سید الساجدین علیه السلام در قاهرهٔ مصر مدفون است مضجع ابو القاسم
حسین الاحول از اولاد عبد الله الباهر بن امام زین العابدین مزارش در انجاست
ابو الحسن علی الاشطر بن الحسین بن جعفر وامامزاده علی بن محمد بن عبد الله
بن الحسن المثنی بن الحسن المجتبی که بحکم منصور دوانقی در مصر محبوس و شهید گشت و عبد الرحمن
بن عباس بن عبد المطلب انجا در مصر مدفونند و محمد بن ابی بکر مادرش اسماء
بنت عمیس زوجهٔ جعفر بن ابی طالب بعد از جعفر بنکاح ابو بکر در آمد و در سال حجة الوداع محمد متولد
شد بعد از آن علی علیه السلام عقد کرد و محمد ربیب علی و از جملهٔ حواری آنحضرت بود و محمد بن
ابی بکر قتل بعد وقعة الصفین قتله عمرو بن العاص ووحشی حبشة فی جوف حمار میت
واحرقه وکان محمد هذا محبا لعلی علیه السلام رباه فی حجره صغیرا حین تزوجه
امه اسماء بنت عمیس فکان یقول هذا ابنی من ظهر ابی بکر وانه بایع علیا علی البراءة
من ابیه وانشد هذه الابیات شعر یا ابانا قد وجدنا ما صلح خاب من انت
ابوه وافتضح انما انقذنی منک الذی ینقذ الله من الماء الملح یا بنی الزهراء
انتم عدتی وبکم فی الحشر میزانی رجح انا قد صح ولائی فیکم لا ابالی ای کلب قد نبح
محمد بن ابی حذیفه از اصحاب امیر المؤمنین علیه السلام بود و فرمانگذار مصر گشت در پایان
کار بحکم معویه بدست هبیرة بن مالک الکندی امیر فلسطین شهید شد و عمر بن فارض
مقام سجن حضرت یوسف مابین رقه و شهر قاهره زیارتگاه دارند در میان
قلعه واقع است بقعهٔ امام شافعی در جبل جوشن که غزالیجه میگویند واقع است
و قرافهٔ صغری نیز میگویند اکنون زیارتگاه اعلا و ادنی است

السید

و ذکر مشاهد آن و شرح حال مدفونین آنجا

السید المذکور والمقتدی المشهور فی مذهب الجمهور محمد بن ادریس بن العباس بن عثمان الشافع بن
السائب بن عبید بن عبد بن یزید بن هاشم بن مطلب بن عبد مناف القرشی المشتهر بالامام الشافعی
قد اسلم جده السائب فی یوم بدر قال صاحب کتاب الوفیات ان الامام الشافعی کان مولده
فی بلدة غزة الفلسطین سنة خمسین ومائة وقدم بغداد سنة ١٩٥ فاقام بها سنتین ثم
خرج الی مکة ثم عاد الی بغداد فاقام بها اشهرا ثم خرج الی مصر وکان وصوله الیها فی سنة ١٩٩
ولم یزل بها الی ان توفی یوم الجمعة آخر یوم فی رجب سنة اربع ومائتین ودفن بعد العصر من یومه
فی قرافة الصغری وقبره یزار بها بالقرب من المعظم واحمد بن حنبل امام الحنابلة کان
یخدم الشافعی ویاخذ زمام دابته ویقول اقتدوا بهذا الشاب وللشافعی اشعار فاخرة
ونظمات شتی ونظم فی الولایة شیء کثیر ومدائح عترة من نزل فی شانهم آیة التطهیر
مانقله ابن حجر مکی فی کتاب الصواعق قال الشافعی مدیحه یا اهل بیت رسول الله حبکم
فرض من الله فی القرآن انزله کفاکم من عظیم القدر انکم من لا یصلی علیکم لا صلوة له
ایضا من کلامه لقد کتمت آثار آل محمد محبوهم خوفا واعداهم بغضا فابرز من بین
ذین الفریقین نبذة بها ملاء الله السموات والارضا ایضا سئله بعض الناس عن صفة
امیر المؤمنین وانشاء یقول شعر انا عبد لفتی انزل فیه هل اتی الی متی اکتمه الی متی
متی ومن المشهور المتواتر عنه نقله قوله شعر لو ان المرتضی ابدی محله لخر الناس طرا سجدا
له ومات الشافعی لیس یدری علی ربه ام ربه الله وقوله اذا فی مجلس ذکروا علیا
وشبلیه وفاطمة الزکیة یقال تجاوزوا یا قوم هذا فهذا من حدیث الرافضیة هربت
الی المهیمن من اناس یرون الرفض حب الفاطمیة علی آل الرسول صلوة ربی ولعنته لتلک
الجاهلیة العارف بالله ذو النون مصری کان اصله من النوبة توفی
سنة خمس واربعین ومائتین ذو النون در قرافهٔ صغرا با جماعتی از صالحین مدفون است الشیخ الفقیه
اسمعیل المزنی کان زاهدا عالما مجتهدا غواصا علی المعانی الدقیقة من خواص
اصحاب الشافعی واعرفهم وصنف کتبا کثیرا توفی فی شهر رمضان المبارک سنة اربع وستین
ومائتین بمصر ودفن بالقرب من تربة الامام الشافعی استاد ائمة العراق

ابو اسحق ابراهیم بن احمد المروزی الفقیه الشافعی امام عصره فی الفتوی والتدریس وصنف
کتبا کثیرة واقام ببغداد دهرا طویلا یدرس ویفتی ثم ارتحل الی مصر فی اواخر عمره فادرکه اجله
بها فتوفی لتسع خلون من رجب سنة اربعین وثلاثمائة ودفن بالقرافة الصغری بالقرب
من تربة الامام الشافعی **مولانا شیخ حسن عراقی** که عابد و زاهد و صاحب کرامات عالیه
و مکاشفات و مجاهدات بود و کرات با صاحب الامر ملاقات کرد در مصر وفات یافت مدفون است
بالای تپه ریش که مشرف است بر برکه رطلی در مصر محروسه از امام مهدی علیه السلام **سید علی خواص**
صاحب فضایل کرامات بود سنه نهصد و سی و نه وفات یافت در زاویه شیخ برکات بیرون باب
نصر و مقابل حوض طیار مدفون گشت **زهیر بن محمد بن علی بن یحیی** ملقب به بهاء الدین
از فضلای عصر بود تولدش در مکه معظمه سنه پانصد و هشتاد و یک هجری و وفاتش سنه ششصد و
پنجاه و شش مدفنش در قرافه الصغری در جوار امام شافعی است **القاضی ابو حنیفه**
النعمان بن محمد بن منصور بن حیون المغربی الشیعی ابن خلکان و ابن کثیر
نوشته اند که او بسیار فاضل و عالم و فقیه و عارف و عاقل بود در اصل مالکی مذهب بود بعد از آن بمذهب
امامیه انتقال نمود و او را مصنفات بسیار است از جمله کتاب اختلاف اصول المذاهب و غیره و در
مناقب اهل بیت چندین هزار ورق تالیف نموده اند تا از مغرب بمصر آمد همانجا فوت شد و با پسرانش ابو الحسن
قاضی علی و ابو عبد الله **قاضی محمد** قاضی القضاة مغرب و زمین مصر و شام و حرمین شریفین
خطابت و امامت و احتساب با ایشان مفوض بود تا در ماه رجب سنه ثلث و ستین و ثلثمائة در مصر وفات
یافت **و عارف کبیر ابن صباغ** در رباط قنای صعید مصر مدفون است الشیخ
ابو الحسن الطاهر الشهیر بابن بابشاذ النحوی المصری وله المصنفات المفیدة
توفی فی شهر رجب سنة تسع وستین واربعمائة بمصر ودفن فی القرافة الکبری قال الراوی
وزرت بها قبره وقرأت تاریخ وفاته علی حجر عند راسه کما هو ههنا **الشیخ ابو الحسین**
زین الدین یحیی بن معط المغربی الحنفی النحوی صاحب الالفیة انه
ماهر فی العربیة وعارف بالشعر واقرأ النحو بدمشق مدة ثم بمصر وتصدر بالجامع العتیق
وحمل الناس عنه وصنف الالفیة فی النحو والفصول له ولد ٥٦٤ سنة ومات فی سلخ ذی القعدة

سنه ٦٢٨

القرافة مقبرة اهل مصر وفیها ابنیة جلیلة ومحال واسعة وسوق قائم ومشاهد الصالحین وترب الاکابر کابن طولون وبها قبر الامام الشافعی وهی متنزهات اهل مصر

سنه ٦٢٨ بالقاهرة ودفن من الغد علی شفیر الخندق قریبا من تربة الامام الشافعی وقبره هنا ظاهر
الشیخ العالم الثقة **ابو الفتح محمد بن علی الکراجکی** فقیه اصحاب القراء علی السید المرتضی
وله تصانیف المفیدة وذکر صاحب امل الامل انه کان عالما فاضلا متکلما فقیها ثقة جلیل القدر
محدثا وهو من دیار مصر قال الیافعی فی تاریخه ابو الفتح الکراجکی راس الشیعة کان نحویا لغویا منجما حکیما
طبیبا متکلما من کبار اصحاب الشریف المرتضی توفی فی مصر سنة تسع واربعین واربعمائة وقبره
بها ظاهر **قاضی القضاة ابو عبد الله شمس الدین محمد** الطائی البساطی
ولد فی جمادی الاولی سنة ستین وسبعمائة تولی القضاء بدیار مصر وتصانیفه کثیرة
فی الفقه والاصول والمعانی والبیان والمنطق وغیره ومات بالقولنج ثانی عشر شهر رمضان
سنة اثنین واربعین وثمانمائة ودفن فی القرافة **مولانا شمس اصفهانی** در قرافه
کبری مدفون است **شیخ عبد الرحمن سیوطی** نزدیک بقبر شمس اصفهانی مدفون است
و زندیق البنوی **ابن ابی سرح** اسمه عبد الله بن ابی سرح الاموی عاش الی زمن
معویة وتولی مصر من قبل عثمان وهو ممن هدر رسول الله دمه یوم فتح مکة وکان یکتب
لرسول الله بدل الآیات ان الله عزیز حکیم ان الله علیم حکیم وکان یغیر ما ینزل به الوحی انه مات
بمصر ودفن فیها **در ذکر قبور سلاطین مصر و شرح ایشان** ابن کثیر صاحب
تاریخ و تفسیر گفته اول کسیکه بارض مصر در آمد **شیث بن آدم** بود و اما حسن بن محمد الهاشمی
المشهور بالصفدی در تاریخ خود از صاحب تاریخ کبیر نقل کرده است اول کسیکه بدان مکان رسید
و در تعمیر آن کوشید **مصرایم بن راویل بن قابیل بن آدم** بود و اولاد آن تا زمان طوفان
شانزده نفر حکومت کردند **فرعان بن ارمالینون** آخر ملوک بنی قابیل بود
بحضرت نوح ایمان نیاورده با آنحضرت عداوت عظیم داشت تا زمان طوفان سلطنت کرد بعد از طوفان
بیصر بن حام بن نوح بممالک مصر در آمد در معموری آن سعی موفور دهجد تا بمحصور بظهور
رسانید و بیست نفر از اولاد حام حکومت کردند پادشاه هیجدهم ایشان **تدارلیس بن**
صبا الملک خرری نام داشت بسیار عاقل و دانا بود و در زمان او حضرت صالح مبعوث شد
بآنحضرت ایمان آورد بعد از چند سال بعالم جاوید خرامید لاجرم **ولید بن دولع** از ملک شام

تاریخ ملوک مصر

خروج کرده لوای تسخیر مصر را برافراخت و اولاد وجهاد بیصر را از آنجا بار سعدوم و نابود ساخت هفت نفر از ایشان
پادشاهی کردند که ایشان را ملوک فراعنه میگفتند سلطان دوم ایشان ریان بن ولید بود
حضرت یوسف را تصدیق نمود و بطریق پسندیده زندگانی کرد هفتم ایشان قابوس بن لاطیس
بن مصعب لاطیس وارث او در تخت شاهی و دیهیم پادشاهی گشت و صیت انا ربکم الاعلی از ایوان
کیوان درگذشت گویند فرعونیکه در کلام مجید مذکور است اشاره باوست و اشهر بار با اهل دین
و اصحاب یقین طرفه عداوت داشت و از رسم ظلم و جور و عدوان هیچگونه مهمل نمیگذاشت آخر الامر
بحر قهاری حضرت باری بجوش آمده او را با لشکر بیحد در بحر قلزم بروایتی در رود نیل غرق ساخت
و خاندان آن کافر بدبخت را از ساحت گیتی برانداخت و آسیه بنت مزاحم امراة فرعون
رحمة الله علیها المقتولة والمدفونة بمصر روی انها لما عاینت المعجزة من العصا و غلبت
السحرة اسلمت فلما بال الفرعون ذلک نهاها فابت فوتد یدیها و رجلیها باربعة اوتاد
والقاها فی الشمس ثم امر ان تلقی علیها صخرة عظیمة فلما قرب اجلها قالت رب ابن لی
عندک بیتا فی الجنة فرفعها الله تعالی الی الجنة فهی فیها تاکل و تشرب و عن الحسن ان
فرعون اراد ان یمسها تمثلت له شیطانة یقال بها وکلت فی ام کلثوم سلام الله
علیها بعد از انقراض فراعنه سلطنت بمردمان قبطیه انتقال یافت و هشت نفر از ایشان حکومت
نمودند هشتم ایشان مرنیوس بن مناکیل بود بخت النصر که در زمان او بدان دیار
توجه نمود بعد از قتل و غارت ملک شام بکشور مصر درآمد مردم آنجا را قتل عام و غارت کرد
مدت چهل سال اقلیم مصر خراب مانده و در آنجا یار آدمی نبود بعد از چهل سال حکمای یونان و علمای
قبطیان و فهمای عمالقه در میان خودشان یکنفر سلطانی از قبطیان قرار دادند و در عمارت آنجا
کوشیدند بعده نفر از آنجماعت حکومت یافتند آخر ایشان مقوقس جریح بود در سنه بیست هجری
بامر عمر بن الخطاب عمرو بن العاص بدیار مصر آمده آندیار را مفتوح ساخت و خاندان قدیم را برانداخت
در زمان خلفا یکی از اولیاء ایشان در آنجا حاکم بود در ایام خلافت حضرت امیر علیه السلام بنی امیه
غلبه کردند و تصرف نمودند بعد از انقضاء دولت آنها امرای بنی عباس تسخیر نمودند همراه
کاشکان ایشان آنمملکت را متصرف بودند تا آنکه ملوک اخشیدیه خروج کردند و پنج نفر از ایشان
مدت سی حکمرانی نمودند آنگاه آفتاب اقبال بنی فاطمه از جانب مغرب طلوع نمود و ابتدای دولت
ایشان در سنه دویست و نود و شش بوده چهارده نفر از ایشان مدت دویست و هفتاد و چهار سال سلطنت کردند

اول

ملوک بنی فاطمه

اول ایشان السید امیر عبد الله ملقب به المهدی بالله نسب او را حضرت سلطان المحققین خواجه نصیر الدین طوسی
در فاتحه تقویم برین وجه مرقوم فرموده عبید الله بن محمد بن عبد الله بن احمد بن محمد بن اسمعیل بن
جعفر الصادق علیه السلام ولادت او در قریه سلمیه حمص در سنه ستین و مائتین و مدت خلافت
او بیست و چهار سال بود وفاتش سنه اثنین و عشرین و ثلثمائة و مدت عمرش شصت و دو سال بود و ولایت مصر
و افریقا و مغرب زمین را بحیطه تصرف آورده در حصار مهدیه از بناهای خود بود وفات یافت السید
امیر محمد ملقب بقائم بالله مدت خلافت قائم دوازده سال و هفت ماه بود و آنهم در حصار
مهدیه مدفون گشت السید امیر اسمعیل ملقب بمنصور بالله مدت هفت سال از خلافتش
منقضی شد عالم فانی را وداع کرد مدت حیاتش سی و هفت سال بود السید امیر معد ملقب بمعز
لدین الله یافعی گفته و کان مظهرا للتشیع معظما لحرمة الاسلام حلیما کریما وقورا
حازما سریا یرجع الی انصاف و یجری الامور الی حسن احکامها تمام اقصای ممالک
افریقا و جزایر خالدات و فلسطین و شامات را مسخر کرد مدت عمرش چهل و پنجسال و زمان خلافتش
بیست و پنجسال و سه ماه بود در سال سیصد و شصت و پنج وفات یافت نزار العزیز بالله
تاریخ مصر گفته بسیار کریم و شجاع و ادیب و فاضل و حسن خلق داشت جلوسش سال سیصد و شصت و پنج
وفاتش سال سیصد و هشتاد و شش بود السید امیر منصور الحاکم بامر الله بعد از بیست و پنجسال
خلافت و حکمرانی غایب شد و پیدا نشد و کسی را از بدن او اثری نیافت و فقدان او در شب بیست هفتم شوال
سنه احدی عشر و اربعمائة بود السید علی ملقب بقاهر لاعداء دین الله ولادتش در سنه
سنه خمس و تسعین و ثلثمائة و وفاتش سنه سبع و عشرین و اربعمائة بود السید امیر معد الملقب
به المستنصر بالله مولدش هژدهم جمادی الآخر سنه عشرین و اربعمائة جلوسش در خلافت
سنه سبع و عشرین و اربعمائة وفاتش هیجدهم ذی حجة الحرام سنه سبع و ثمانین و اربعمائة السید احمد
المستعلی بالله ولادتش سنه سبع و عشرین و اربعمائة جلوسش در خلافت روز عید غدیر
سنه سبع و ثمانین و اربعمائة فوتش شب سه شنبه هفدهم ماه صفر سنه خمس و تسعین و اربعمائة السید
منصور الآمر باحکام الله پدرش مستعلی ولادتش سنه تسعین و اربعمائة جلوسش
روز واقعه پدرش فوتش سنه اربع عشر و خمسمائة عبد المجید الحافظ لامر الله

پدرش محمد بن مستنصر این محمد در زمان پدر بعسقلان رفت عبد المجید در عسقلان سنه ثمان وتسعین واربعمائه متولد شد جلوسش در شب وفات آمر باحکام الله وفاتش در سنه ثلاث واربعین وخمسمائه

امیر اسمعیل الظافر بامر الله ولادتش سنه سبع وعشر وخمسمائه جلوسش سنه اربع واربعین وخمسمائه وفاتش سنه تسع واربعین وخمسمائه

السید عیسی ملقب بفائز بنصر الله پدرش ظافر مولدش سنه اربع واربعین وخمسمائه وفاتش سنه خمس وخمسین وخمسمائه

السید عبد الله ملقب بعاضد لدین الله پدرش ابو الحجاج یوسف بن عبد المجید بود روز فوت فائز جلوس بر تخت خلافت کرد آنوقت یازده ساله بود در ایام او اسد الدین بمصر آمد خواست مصر را تصرف کند اما زود درگذشت وصلاح الدین یوسف که از اکابر اصحاب اسد الدین بود بر ملک مستولی شد وعاضد از عجز او را وزارت داد یوسف دست جمله امرا را کوتاه کرده بر ملک مستولی شد وباستقلال حکم میکرد قضا را در این میان عاضد رنجور شد سنه سبع وستین وخمسمائه از دنیا درگذشت واصول آن طبقه بود منقرض شدند بعد از انقراض ایشان دولت **بملوک چراکسه** رسید بعد سلطان سلیم خان بن سلطان بایزید رومی در سنه نهصد ویازده هجری از چراکسه منتزع

۱۲۶۵

گردانید مدتی مصر در تحت حمایت عثمانی بوده ودر سنه هزار ودویست وشصت وپنج هجری محمد علی پاشا والی مصر داعی حق را لبیک گفت الحاصل در کشور مصر ملوک ذی جاه وحکمای سرفراز وپادشاهان عظام واولیای کرام واوصیای عالیمقام بسیار ظهور کرده اند وسکنه آنجا عموما عرب وشافعی مذهب ودیگر قبطی ویهودی ونصاری وقلیلی طایفه ترک وکمتر از جمیع فرق طایفه امامیه اند

سادات مصر ذریه محمد بن حنفیه بن امیر المؤمنین ع **اولاد جعفر بن ابی طالب** **اعقاب علی الطیب** **نسل ابراهیم بن اسمعیل طباطبا** **احفاد حسن مثنی** است وصلی الله علی محمد وآله

حرف الباء

سلسله مشایخ او را ملا عبد الصمد همدانی در کتاب بحر المعارف وفاضل نراقی در خزائن خود بدینگونه ذکر کرده اند میرزا محمد از شاگردان قاضی اسد الله قهپایی واو از شیخ درویش علی سدیری سبزواری واو از خرقه پوشان شیخ ملک علی جوینی واو از شیخ کمال الدین جوینی واو از حاجی از حاجی سید حسین ابرقوهی واو از سید محمد نوربخش واو از امیر سید علی شهاب همدانی واو از شیخ محمود مزدقانی واو از شیخ علاء الدوله سمنانی واو از شیخ نور الدین عبد الرحمن الکسرقی الاسفراینی واو از شیخ جمال الدین احمد جورفانی واو از ابو علی لالا واو از مجد الدین اسمعیل بغدادی واو از شیخ نجم الدین کبری معروف بشیخ ولی تراش واو از شیخ عمار یاسر واو از شیخ نجیب الدین سهروردی واز شیخ احمد غزالی واز شیخ ابو بکر محمد النساج واو از شیخ ابو القاسم محمد گرگانی واو از شیخ ابو عثمان مغربی واو از شیخ ابو علی کاتب واو از شیخ ابو علی رودباری واو از شیخ جنید بغدادی واو از سری سقطی واو از معروف کرخی واو از سلطان علی بن موسی الرضا علیه السلام

۲۸

بیروت

بیروت شهری است در کنار بحر روم واقع وبندر دمشق وشامات است مزار **خضر ویحیی پیغمبر** در آنجا است وذکر شهادت آنجناب در ضمن دمشق گذشت

پیر اسمعلی خان

پیر اسمعلی خان عبارت است از مرو کهنه همان شهر را پیر اسمعلی خان ساخته وبعد ورش بار دیگر شهید بود اکنون خراب است شاهد ومقابر آنجا در ضمن مرو ان شاء الله تعالی معروض ومسطور خواهد شد

بیضا

بیضا بلوکی است در طرف شمال شیراز ودر وسط بلوک تلی است او را تل بیضا نامند بمسافت دو فرسخ الحال بجز از تلهای خاک چیز دیگر مشاهده نمیشود گویند شهر قدیم بیضا را که گشتاسب بنا نهاده بود در محل آن شهرت که خراب بوده فضلا وعرفای بسیار از آن دیار برخاسته اند از جمله قاضی ناصر الدین بیضاوی وحلاج حسین بن منصور وعلمای دیگر شرح حال هر کدام را در مدفن خود ذکر نموده ایم **ابو الحسن سالبه معروف بشیخ الشیوخ** وفاتش در سنه چهار صد ویازده در بیضا مدفون است

باب سیم بلادیکه اوایل نامش تا است

باب سیم در مشاهد حرف التاء وذکر حال اهالی آنجا

تابیاد

تابیاد قصبه است از توابع هرات **بقعه مولانا شیخ ابو بکر** که عارف وعابد ومرتاض وزاهد بود در آنجا در کمال اشتهار است

تته

تته قصبه است در بکر نزدیک حیدرآباد سند مولانا **احمد بن نصر الله قاضی** که بغایت فاضل بود وتاریخ الفی را او بامر اکبرشاه تالیف نمود مزارش مطاف اهالی آن دیار است

تربت

تربت در سه منزلی مشهد مقدس است از بلاد خراسان چون قطب الدین سید حیدر از آنجا است وآباء

باب پنجم

و آباء و اجداد سید حیدر عم یا عامر در آنجا مدفون‌اند و کاملا سادات جلیل القدر بوده‌اند در آنجا مدفون‌اند لهذا المکان را ترمت
حیدریه گویند **و قاضی اختیار الدین حسین** پسر قاضی غیاث الدین در سنه ثمان و عشرین و تسعمایه
ترمد از بلاد توران
در قصبه تربت وفات یافت و در مقبره آبا و اجداد خود مدفون گشت
در قدیم شهر بزرگ بوده **بقعه مولانا شیخ برهان الدین** مرشد شیخ بهاء الدین که پدر جلال الدین
بلخی رومی باشد در آنجاست **و ابو عیسی السلمی الترمذی** و کان من تلامذة امام البخاری
توفی بترمد من بلاد ماوراء النهر و هو احد ارباب صحاحهم الستة المشهورة مات فی سنة
تسع و سبعین و مائتین **توپسرکان** قصبه‌ایست مابین همدان و نهاوند واقع است
مزار عارف ربانی **سید رضی الدین آرتیمانی** صاحب دیوان ساقی نامه و مرقد مظهر الطاف
خفی و جلی **سید محمد تقی** الملقب بمهدی علی و مضجع مولانا **آقا محمد علی** فاضل تویسرکانی در سنه
هزار و دویست برحمت ایزدی پیوست در آنجاست
تهامه شهری است از بلاد عربستان سکنه‌اش قوم عرب و زیدی مذهب‌اند **حضرت اسکندر** که
ذو القرنین اکبر است از جمله انبیاء نامرسل و پسر خاله حضرت خضر علیه السلام بود حالات او در کتب تواریخ
مرقوم داشته‌اند بعد از پانصد سال زندگانی در دومة الجندل برای جاودانی شتافت مدفنش در جبال تهامه
تنعیم موضعی است که چهار میل بمدینه مسافت دارد آنجا مسجد عایشه مشهور است

باب چهارم در بیان مشاهد حرف ثاء

ثعالب میقات گاه اهل نجد است مشهور است بقرن المنازل اهل نجد از آن مکان احرام می‌بندند
و اویس بن عامر القرنی از آنجاست و هو احد الزهاد الثمانیة و من السادات الاصحاب
ثلج قریه‌ایست در هشت فرسخی بیت المقدس ثلج بمعنای برف است چون آن قریه در دامنه کوهی واقع شده است
اکثر اوقات آن کوه از برف خالی نباشد بنابراین آن قریه را باین اسم نامیده‌اند گویند دو نفر از پیغمبران بنی اسرائیل
در آن کوه مدفون‌اند **باب پنجم در ذکر مشاهد حرف جیم**
جام قصبه‌ایست از بلاد خراسان شیخ عبد الرحمن جامی و خواجه ناصر الدین خلیل الله از اهل آنجا بوده‌اند

بقعه شیخ احمد جام زنده پیل بن حسن که از اولاد جریر بن عبد الله البجلی بود در آنجاست
جریر از اصحاب رسول الله بود شیخ احمد مولدش در نامق از اعمال ترشیز است در بیست و دو سالگی مجذوب
جذبات الهی گردید بجانب کوه شتافت بحضرت خواجه خضر رسیده تلقین ذکر یافت هجده سال در
کوه بریاضت مشغول بود در سنه ثمانین و اربعمائه که عمر شریف او بچهل رسید بنابر اشارات غیبی
از کوه متوجه ولایت جام شد و بارشاد خلایق مشغول گردید قریب ششصد هزار مرد در دست او توبه
یافتند بابا فغانی گفته مستان اگر کنند فغانی به توبه میل پیری با عتقاد به از شیخ جام نیست
جبل الروضه بقرب مصر واقع است در اخبار آمده هو روضة من ریاض الجنة آن کوه را
بحکم خلیفه ثانی متصرف شدند خلیفه گفت روضه است در دست مسلمانان باشد بهتر است اول کسیکه از اهل اسلام
در آن کوه مدفون شد **عامر بن مغافر** بود و مزار امام شافعی که در حضن قاهره مذکور شد در آنجاست
جبل الکواکب از بلاد مغرب زمین است **مزار امیر عیسی** بن ادریس بن علی بن ادریس
بن ادریس بن عبد الله المحض بن الحسن المثنی بن الحسن المجتبی علیه السلام که حکمران آنجا بود در آنجاست
جبیل ناحیه‌ایست از نواحی شام در چهار فرسخی شهر لاذقیه در شش فرسخی بلده طرابلوس و آن
در کنار دریا واقع است **بقعه سلطان ابراهیم ادهم** زمخشری در ربیع الابرار
گوید ابراهیم از ابناء ملوک بلخ است از سلطنت دست کشید و ترک دنیا نمود در طریق مکه رایش گرفت
در آنجا از حضرت امام محمد باقر استفاده نمود با فضل بن عیاض و با سفیان ثوری ملاقات کرده
با شام رفت در مکان مزبور در سنه احدی و ستین و مائة بجوار رحمت ایزدی پیوست
جحفه هی مکان بین مکة و المدینة محاذیة لذی الحلیفة من الجانب الشامی
قریب من رابغ بین بدیه و خلیص **قبر حماد بن عیسی الجهنی** فی جحفة و هو
من ثقات رواة الحدیث لقی الصادق و الکاظم و الرضا و دعا له الکاظم و لما
اراد ان یحج الحجة الحادیة و الخمسین غرق فی الجحفة حین اراد غسل الاحرام و کان
عمره نیفا و سبعین سنة و حدیثه فی الصلوة مشهور **چمنو** قریه‌ایست از نواحی
ساری مازندران مزار امام زاده **یحیی** بن عمر بن یحیی بن زید بن علی بن الحسین در آنجاست

جبل الروضه
جبل الکواکب
جبیل
جحفه
جلیان
چمنو

باب پنجم

جده بندریست درکنار دریای قلزم از مکه معظمه دو مرحله دور اهلش اکثر شافعی مذهب اند **بقعه مطهره حضرت**
ام البشر حوا علیها السلام واقع است درخارج شهر واقع و حصنی استوار دارد و قبر **مجنون عامر**
که نام اصلیش قیس بن ملوح و عاشق مشهور بود درمیان قلعه و قبر **لیلی** معشوقه آن درخارج قلعه است

جرجان در زمان قدیم شهری بوده فعلا خراب است و نام تختگاه ایالت بوده و اسم آن مملکت را جرجان
میخواندند بسطام که محل مدفن حضرت امام زاده محمد بن جعفر است در کتب انساب و تواریخ باسم جرجان مرقوم داشته اند
الحال جرجان یکی از قرای استراباد است رودخانه آنجا که مشهور بگرگان است به بحر خزر میریزد اگرچه شرح حال
امام زاده محمد را در بسطام نوشته ایم و در اینجام چند کلمه معروض داریم انّ **محمد بن جعفر الصادق**
یلقب بالدیباج الشیخ المقدم الشجاع النبیه الوجیه مات بجرجان سنة ثلاث ومائتین
وله تسع وخمسون سنة ومشی المامون بجنازته راجلا حتی بلغ القبر ثم دخل قبره وبنی
علیه قبة عالیة و دیگر از امام زادگان در اراضی جرجان مدفونند از جمله **ابو علی محمد السلیقی**
بن علی بن جعفر بن عبد الله بن حسین الاصغر بن امام زین العابدین ع در جرجان شهید شد
السید ابو جعفر محمد الکوکبی بن الحسین بن علی درددار و برادرش **عبد الله بن الحسین**
وایضا **السید مانکدیم بن علی درددار** و از علما و محدثین **زین المشایخ الامام**
الزمخشری صاحب الکشاف و هو ابو القاسم محمود الملقب بجار الله المحترم لکونه فی
اواخر عمره مجاورا للبیت والحرم کان واسع العلم کثیر الفضل غایة فی الذکاء وجودة القریحة
وکان معتزلیا فی مذهبه حنفیا و یقولون اکثر علماء الاسلام بتشیعه جاور بمکة
زمنا فقیل له جار الله وسقطت احدی رجلیه من ثلج اصابه فی بعض الاسفار ۳۸
فکان یمشی فی خشب ولد فی سنة ۴۶۷ وتوفی بجرجانیة خوارزم لیلة العرفة
وتلامذته کثیرون من اعاظم الفضلاء و اشخاص بسیار از فرقه علما و فضلا از آنجا برخواسته اند از جمله
میر سید شریف که شرح حالش در ضمن تبریز مذکور شد که آنجناب صاحب تصانیف کثیره از حکمای اسلامیه واز
قائلان طریقه ذوق المتالهین بوده گوی سبقت از ممکنان ربوده است و آن طایفه وجود را واحد و موجود
را متعدد دانند و این طریقه را بذوق المتالهین منسوب ساخته اند از جمله جلال الدین دوانی و علامه جلبی

حرف الجیم

در احقاق الحق و شیخ بهائی در کشکول و محقق خفری و مولانا احمد اردبیلی حاشیه در الهیات و شیخ محی الدین
در شرح مفتاح الغیب و صدر المتالهین در اسفار اینقول را اختیار کرده اند

جند شهری است در توران مولانا بابا کمال الدین جندی مرید شیخ نجم الدین خوارزمی از آنجاست مزار
سلجوقی که جد سلاطین سلجوقیان است مدت عمرش یکصد و هفت سال بود و بعد از وفات در جند مدفون گشت
جودن قصبه‌ایست از بلاد مولتان مزار **شیخ فرید الدین شکرگنج** در آنجا یادگار کمال اشتهار است
جودقان از دهات جرفادقان درکنار راه خوانسار واقع است مولانا الفاضل النحریر **میر ابو القاسم مجتهد**
در آنجا مدفون است **جوین** ناحیه‌ایست در مابین خراسان و قهستان واقع ارباب فضل و کمال از آنجا خاسته اند
از جمله **عبد الملک امام الحرمین** از فحول علمای شافعیه بود مدتی در مکه تدریس کرد و بعد ریاست مدرس
مدرسه نظامیه بود آخر بوطن اصلی مراجعت نمود در سال چهارصد و هشتاد و هشت وفات کرد قبرش در آنجاست
و خواجه شمس الدین وزیر هلاکو خان و پسرش اباقاخان و سعد الدین تفتازانی از آنجا بوده اند

باب ششم در بیان مشاهد حرف حاء

حاجر قریب بمدینه بطحا میباشد زید بن حسن بن امیر المؤمنین ع در آنجا وفات یافت حمل بمدینه کردند و در بقیع دفن نمودند
فاعقب زید ابنه الحسن ولا عقب لزید بن الحسن الا منه **حبه** از قرای بعلبک است
مردمش همگی شیعی مذهب و قوم عرب **بقعه حضرت شیث بن آدم** مطاف اهالی آنجا است
حصار مهدیه از بناهای ملوک فاطمیه در مغرب زمین است **امیر عبد الله** بن محمد المهدی بالله بن
احمد بن محمد بن اسمعیل بن جعفر الصادق ع ولادتش در قریه سلمیه حمص و مدفنش در حصار مهدیه است
حضرموت ولایتی است مشهور از دیار عمان محدود است بولایت یمن و دریای عمان و بادیه العرب و ولادتها
سقط وهود النبی علیه السلام بن شالخ بن ارفخشد بن سام بن نوح ع عاش ثمانمائة
وسبعا وهو بشر بنبوة نوح وهو بشر بنبوة ابراهیم فلما انتهت النبوة الی یوسف جعلت
فی اسباط اخوته حتی انتهت النبوة الی موسی بشر بمحمد ص وکذا عیسی بشر بمحمد ص
حضرت هود پیغمبر نوشته اند در بعضی کتب تواریخ که چهارصد و شصت و چهار سال زندگانی کرد در بلاد
حضرموت وفات یافت قبرش در تل کثیب در جبال حضرموت است و قبیله دفن کردند گنبد عالی برآورده و تختی از

جند
جودن
جودقان
جوین
باب ششم حرف حاء
حاجر
حبه
حصار مهدیه
حضرموت

باب ششم

ازرخام پیراسته وجسد پرفیض را بر آن نهادند ولوحی مکتوب نمودند در آنجا که سپردند اگرچه مدفن آنجناب را در
زمین مکه در میان دار الندوه و باب بنی سهم روایتی نوشته اند چنانکه در ضمن مکه مذکور گشت و حطیم

حله واقع است مابین کوفه و بغداد در سمت مشرق کربلا و شط فرات از قرب آن میگذرد مردمش قوم عرب
اکثر شیعه مذهب و قلیلی اهل سنت و جماعت اند و بسیاری از فضلا و مجتهدین امامیه از آنجا بوده اند از آنجمله
جمال الدین علامه و پسرش فخر الدین و شیخ ابو القاسم و ابن فهد صاحبان تصانیف کثیره از آنجا بوده اند
مزار امام زاده ها در ضمن نجف الاشرف مذکور [illegible] اما مقبره اجداد و طایفه علامه حلی در آنجاست
بقعة السید احمد بن موسی بن محمد بن طاوس صاحب البشری در آنجا زیارتگاه است
السید الجلیل الفاضل الکامل جمال الدین ابو الفضائل السید احمد بن موسی بن طاوس الفاطمی
الحسنی الحلی اخو السید رضی الدین علی بن موسی بن طاوس من ابیه وامه وکان مجتهدا
واسع العلم فی الفقه والاصول والرجال ومن اورع فضلاء اهل زمانه واتقاهم وکان
وفات السید فی حدود سنة ثلث وسبعین وستمائة ودفن بالحلة البهیة وقبره بها
معروف ومشهور تقصده الموافق والمخالف بالهدایا والنذور **الشیخ جعفر بن محمد
الحلی** کان من الفضلاء الاجلة وکبراء الدین والملة توفی بعد رجوعه من زیارة
الغدیر یعنی من النجف الاشرف الی الحلة فی شهر ذی الحجة سنة خمس واربعین وستمائة

حلب شهری است از بلاد شام مساجد خوب و مدارس مرغوب دارد خانهای آنجا را از سنگ تراشیده
در سه طبقه ساخته اند و باسلوب خوش طرح انداخته اند مردمش اکثر شافعی مذهب و قوم عرب بغایت متعصب اند
دیگر حنفی مذهب و عیسوی و یهودی و اقل قلیل شیعه امامیه بقدر دو هزار باب خانه سادات صحیح النسب و بعضی
سنی متعصب اند **جامع شریف وبقعه مطهر حضرت زکریا** علیه السلام در میان شهر در
غایت وسعت و با زیب و زینت است مزار آنحضرت در اندرون مسجد و بسمت شرقی آن در وسط
باب العراق مسجد غوث اتفاق افتاده و زکریا قیل هو من نسل یعقوب بن اسحق انه عاش
تسعة وتسعین سنة و در نزد باب الجنان **مقام امیر المؤمنین علیه السلام**
بسیاری از صلحاء در آن مکان آنحضرت را در خواب و آشکار دیده اند و در آن محل سنگی است نوشته شده
باعتقاد مردم آنجا گویند **خط شریف امیر المؤمنین** علیه السلام است و فی روایة مات **بلال**
مؤذن

حله

حلب

حلول
قریة بین بیت المقدس وقبر الخلیل بها قبر یونس بن متی

در ذکر مشاهیر حرف حاء

شیخ محیی الدین ابن [illegible]

مؤذن رسول الله بحلب و دفن علی باب الاربعین واما مشاهیر فضلا و محدثین ابو المکارم السید
حمزة بن علی بن ابی المحاسن زهرة الحسینی الامامی المعروف **بالسید بن زهرة الحلبی**
ینتهی نسبه الهمام الی الامام جعفر بن محمد الصادق ع باثنی عشرة وسایط وهو وابوه من
کبار فقهاء الاصفیاء وله تصانیف کثیرة وولد فی شهر رمضان سنة احدی عشرة و
خمسمائة وتوفی سنة خمس وثمانین وخمسمائة **وشیخ شهاب الدین** سهروردی
که حکیم دانشمند بود در حلب بجرم حکمت مقتول شد وفاتش بانصد و هشتاد و هفت است والشیخ
العارف الفاضل الحکیم الکامل الشهید السعید صاحب حکمة الاشراق **الشیخ یحیی بن
حبش** مقتول لتشیعه اهل الحلب **وابن شهراشوب** مازندرانی وهو ابو عبد الله
محمد بن علی کان عالما فاضلا ثقة محدثا محققا عارفا بالرجال والاخبار ادیبا شاعرا
جامعا للمحاسن له کتب مفیدة توفی رحمه الله لیلة الجمعة الثانی والعشرین من شعبان المعظم
سنة ثمان وثمانین وخمسمائة ودفن بظاهر حلب فی سفح جبل هناک یقال له جوشن **وشیخ
شهاب الدین یاقوت الحموی** سالها در بغداد تحصیل علوم نمود از آنجا بدمشق
از آنجا بخراسان از آنجا بحلب آمد شیعی مذهب بود تصانیف بسیار دارد پنجاه و یکسال عمر کرد وفاتش سنه ششصد و
بیست و شش قبرش در حلب است **وقاضی اسعد ابو المکارم** ابن مماتی المنصر
المصری فیه فضائل وله مصنفات عدیدة وکان قد هرب من مخافة بعض وزراء
مصر الی حلب المحروسة واقام حتی توفی بها فی سنة ست وستمائة عن نیف وستین سنة
ودفن بمقبرة المقام **ابو یحیی عبد الرحیم** بن اسمعیل بن نباتة الجذامی در سال سیصد و هفتاد
چهار وفات کرده در آنجا مدفون است ومرقد الشیخ الفاضل **شیخ عبد القادر جانی**
ومزار **ابن منیر** شاعر معروف ولادتش در شهر طرابلس بوده و در سال پانصد و چهل و شش فوت یافت

حلوان در قدیم الزمان اسم قریه ای بوده است اگر شخصی بخواهد از کرمانشاه به بغداد رود آنرا
در مابین کرند و قصر شیرین خواهد دید والحلوان بلد معروف ومشهور من سواد العراق وهو آخر
مدن العراق بینه وبین بغداد خمس مراحل وهی من طرف العراق من المشرق [illegible]

حلوان
فی الخان بظاهر حلب

باب ششم

والقادسیه من طرفه من المغرب وسمیت باسم بانیها وهو حلوان بن عمران بن الحارث بن قضاعه

مولانا الشیخ احمد بن اسحق قمی که وکیل حضرت امام حسن عسکری و از اصحاب خاص آنحضرت بود در منزل حلوان وفات یافت حضرت صاحب الامر با کافور خادم در یک طرفة العین در انمنزل حاضر شده و مباشر غسل و دفن و کفن وی گردیده بود غایب شد سعد بن عبد الله قمی که از اکابر محدثین بود گوید که امام عصر حضرت حجة الله قبل از وقت خبر وفات احمد را داده بود اکنون مزار آن بزرگوار در نزدیکی رودخانه ذهاب بفاصله هزار قدم تقریبا از طرف جنوب و بر آن قبر بنای محقری است و مخروبه است اهل ذهاب و سرپل بی حمیت آن قبر مطهر را تعمیر نمیکنند و از هزار نفر زوار یکی بزیارت آن بزرگوار نمیروند و بروی فاتحه نمیخوانند

حمیمه قریه‌ایست در راه شام **ابی هاشم عبد الله** بن محمد حنفیه بن علی بن ابی طالب مادرش نائله بود مزار فائض الانوارش در حمیمه است جماعت شیعه کیسانیه از مردم خراسان را گمان چنان بود که وارث وصیت پدرش محمد حنفیه اوست و محمد بن علی بن عبد الله العباس وصی اوست

حمص شهریست در میان حلب و دمشق واقع است در آنجا مشاهد منوره بسیار است از جمله مقام و مشهد **مرتضی علی** علیه السلام در آنمشهد عمودی است که موضع انگشت آنحضرت در آن نمایان است و مزار محترم بعضی از اولادهای حضرت جعفر بن ابی طالب در آنجا بسیار است و مردم آنحوالی از زیارات آنها بر شریعه فوز عظیم مینمایند و از اصحاب مزار **عبد الرحمن** بن خالد و مزار **اسود** غلام حضرت امیر المؤمنین علیه السلام **و احمد بن** علی بن معقل و مزار **امیر ابو الحارث** ادراشیا تا قبر کان بکشند قبر مزارش در بغداد است

۹ حمایه قریه‌ایست در شامات نام یکی از انبیا بوده در زمان داود علیه السلام آنجا را التغلبی در انجاست احداث کرده و خودش نیز در آنجا مدفون است آن قصبه باسم آن پیغمبر مسمی شده مزار شیخ محیی الدین و شیخ ولی الله هر دو از عرفا و مشایخ طریقت اند در آنجا واقعند

حوران در دو منزلی دمشق واقع و اول شهری است که بعد از طوفان بنا شده بر دوش قوم عرب اکثر شافعی مذهبند مزار **حضرت ایوب پیغمبر** در آنجاست آنحضرت در دولت و جاه شصت سال عمر کرد **چشمه** ایوب علیه السلام در آنجا مشهور است وقتیکه آنحضرت پای خود در انفرمان روح الامین بر زمین زد همان چشمه در آنجا ظاهر شد و ایوب در آنجا غسل کرد و از آلام و اسقام رست آنچشمه هنوز در زمین حوران شفابخش بیماران است

حرف الحاء

حوانیه قریه‌ایست در حوالی مدینه **شاهزاده محمد** بن عبید الله الاعرج بن حسین الاصغر بن الامام زین العابدین ع مزار و مشهدش در قریه مزبور است وله اعقاب کثیرة فی بلاد العجم والعراق والری وقزوین **حیدر آباد دکن** مدینه‌ایست معظم و شهریست مکرم از بلاد هندوستان سکنه آنجا هندوان و دیگر مسلمان حنفی مذهب و دیگر شیعه امامیه اند ارباب فضل و کمال و اصحاب وجد و حال از آنجا بار ظهور کرده اند از جمله سید معصوم علی شاه از اکابر فقرا و اشراف صوفیه بود از آنجاست **السید جلال الدین** بن سید نور الدین علی بن سید ابی الحسن الحسینی الابراهیمی الموسوی بسیار عالم و فاضل و محقق و مدقق و ماهر و ادیب و شاعر بود مدتی در مکه معظمه مجاور گردید پس از آن بمشهد رضا رفت از آنجا سفر هندوستان نمود در حیدر آباد دکن سکنا فرمود مرجع اکابر و فضلاء آنجا گردید قبرش در حیدر آباد است **الشیخ حسین بن الشیخ شهاب الدین محمد** بن حیدر العاملی الکرکی الحکیم انه کان عالما فاضلا ماهرا ادیبا شاعرا منشیا وله مصنفات کثیرة منها شرح نهج البلاغة سکن اصفهان مدة ثم حیدر آباد وفات بها سنة ست وسبعین والف وکان عمره سبعا وستین سنة **شیخ جعفر بن کمال الدین بحرانی** برفاقت شیخ صالح البحرانی که هر دو فاضل متبحر بودند بجهة ضیق معاش از بحرین بشیراز آمدند شیخ در شیراز سکنا نمود شیخ جعفر بجانب هندوستان رفت در حیدرآباد متوطن گشت و در آنجا مرجع خاص و عام گردید تا وفات یافت

باب هفتم در ذکر مشاهد حرف خاء و بیان حال ایشان

خابور از اعمال دیار بکر است **مزار شاهزاده حسین و مرقد شاهزاده حسن و بقعه شاهزاده احمد** از ذریه محمد العابد بن موسی الکاظم علیه السلام در آنجا بکمال اشتهار اند **خاوه** از توابع ولایت است **امام زاده عون** را در آنجا شهید کردند مزارش در آنجا است **خاز** از قرای استرآباد است **قاسم بن عوف** الشیبانی از اصحاب امام زین العابدین علیه السلام در آنجا مدفون است **خوار** ناحیه معروف است **امام زاده ابرهیم** بن موسی الکاظم در آنجا است معروف است امام زاده برمی

باب هشتم

خانقاه در عالم بسیار است لکن خانقاه معروف در محال خلخال قریه ایست **بقعه متبرکه حضرت**
سید دانیال ابن السید سید بابان بچند واسطه از اولاد حضرت موسی بن جعفر علیه السلام است آنجناب
سید جلیل القدر و عابد و زاهد بوده و از ترس اعدا متواری و فراری گشته گوشه کوه را خلوت یافته در آنجا بریاضت
مشغول بود اکنون صومعه و معبدخانه و چله خانه آنحضرت در آن قریه است و کراماتی از آنجناب نقل میکنند
فاطری داشته همه وقت بی صاحب وی بکاری کار کرده و از کیلان آذوقه برای آنجناب میآورد اکنون مزار
آن بزرگوار در میان امام زاده های خلخال مشهور و سطاف زایرین نزدیک و دور است و اهل قریه همه سادات اند
مدعی بر این هستند که از اولاد آنحضرت اند و اما عمر شریف آنحضرت هیجده سال بوده و عیالی نبرده و اولادی
از ایشان نرسته اند **امیر سید زکی** بن عبد الباقی بن محمد زکی بن محمد رضا که از اجله فضلای
سادات حسینی خلخال بود در اصفهان تحصیل در علوم معقول و منقول خود را تکمیل فرموده مدتی به دربند قفقازیه
رفته در آنجا سکنا نمود و بسبب مجتهد دربند را تزویج کرده در آنجا دارای اولاد گشت وقتیکه در عهد خاقان مغفور
خواستند عسکر روس آن ولایات متصرف آید از نظر محض از راه وطن پرستی سیحات کارگذاران ایران را
نگهداری و حمایت و رعایت کنند در آنوقت ولد ارشدش آقا سید فتح الله در دست لشکر روس شهادت رسید
بنی اعمام آنجناب رفته اهل و عیال او را بخلخال آوردند قریب نود سال عمر کرد بعد از وفات در جوار سید دانیال مدفون گشت

خوارزم ولایتیست مابین ترکستان و خراسان علمای عالیمقدار و عرفای کبار از آنجا بسیار
ظاهر گشته اند از جمله **مولانا شیخ نجم الدین کبری** نامش احمد بود و در خوارزم شهید گردید
ان شیخ نجم الدین کان اکمل الاولیاء المرشدین فی زمانه واعلم العلماء بین اقرانه وهو
مجتهد فی علوم الظاهر والباطن وقد صنف فی الشریعة والطریقة والحقیقة کتبا
کثیرة قتل غازیا بخوارزم فی صفر سنة ثمان عشر وستمائة وکانت ولادته سنة اربعین
وخمسمائة **مزار سید کمال الدین** در جوار شیخ شهید است **رشید وطواط**
که اسمش محمد بود از اولاد عبد الملک بلخی است بده واسطه نسبش بعمر بن خطاب منتهی میشود رشید در فضل و
ادب و منطق و حکمت و نحو و لغت و شعر و هیات نادره زمان و اعجوبه دوران بود وانه کان کاتبا ومنشیا
للسلطان خوارزمشاه ... وینشی فی حالة واحدة بیتا بالعربیة وبیتا بالفارسیة

حرف الخاء

وعلیها ما له من التصانیف حدائق السحر فی دقایق الشعر و رسائله بالعربی و فارسی کثیر و وفاتش بخوارزم ٥٧٣
وخواجه بهاء الدین باباکمال در اراضی خوارزم مدفون است **ملوک خوارزمشاهیان**
نه نفر بودند ابتدای دولت ایشان سنه ٤٩١ بود اول ایشان **قطب الدین محمد** بود بعد از آن **نوشتکین غرچه**
در جای وی نشست **پیلکاتکین** سلطان کیارق که از ملوک سلجوقیان بود او را بخوارزم فرستاد خوارزمشاه
نام کرد عادل و علما دوست بود مدت سی یکسال پادشاهی کرد سنه ٥٢١ وفات یافت **اتسز** بعد از او بعضی
ترکستان و دشت قبچاق متصرف آورد شش یکسال زیست در سنه پانصد و پنجاه یک وفات یافت بعد از آن پسرش
البارسلان مدت یازده سال حکمرانی کرد **سلطان شاه** مدت بیست و دو سال سلطنت کرد در تمام عمر
مشغول محاربه برادر خورد بود سنه پانصد و هشتاد نه وفات یافت **محمد تکش** با سلطان طغرل در سه فرسخی ری
مصاف داده طغرل مقتول گردید برادر اسعد ادسر نام ناصر خلیفه فرستاد مدت هفت سال پادشاهی کرد
آخر بمرض خناق وفات یافت **قطب الدین تکش** تمام بلاد ماوراء النهر را گرفت از همه ممالک فتوی
خواست خصوصا از مولانا فخر الدین رازی فتوی خواست که آل عباس خلافت حق نیستند و استحقاق خلافت
با حسینی نسب است سید علاء الدین ترمذی را نامزد کرد اید تا بخلافت نشاند تا بنا با تابک مصاف داد ظفر یافت
بعد از چنگیز خان منهزم گشت تا بجزیره بحر خزر متواری شد و در آنجا وفات یافت مدت بیست و دو سال حکمرانی کرد
و او را دو پسر بود جلال الدین و غیاث الدین **جلال الدین** بعد از پدر با لشکر مغول محاربات بسیار کرد
تاب مقاومت نیاورده بجانب هندوستان رفت **غیاث الدین** مدتی در کرمان حکمران بود
آخر براق حاجب او را در قلعه کوه در سنه ششصد و بیست و پنج او را هلاک کرد دولت خوارزمشاهیان بپایان رسید
خواجه خیران نور بهار بزرگ قریه است در چهار فرسخی بلخ واقع است در تاریخ چهار صد و
پنجاه سال قبل بر این لوحی در آنجا پیدا شد باسم علی بن ابی طالب در سنگ حک شده بود هذا قبر اسد الله
الغالب امیر المومنین علی بن ابی طالب گنبد عالی در آن مشهد برافراشتند اکنون در آنجا **بقعه حضرت مرتضی**
سطاف اهالی آن ولا میباشد **خواتونلر** قریه است از قرای شهریار ری **خواتون مجذره بی بی سکینه**
که یکی از خواهران حضرت رضا علیه السلام در آنجا با رنعه مطهره اش در غایت اشتهار است

ختن

ختن از بلاد چین است اولیای دین از آنجا برخواسته اند از جمله محقق و مجاهد شهید **مولانا علاء الدین محمد ختنی** نور الله مضجعه در سنه ششصد و سیزده در دست کوشلوک بشهادت رسید کوشلوک که از سلاطین قراختای بود ختن را بدین بت پرستی دعوت میکرد و متوجه ختن گشته آن ولایت را بحیطه تصرف درآورد بعد از سه هزار ارباب عمایم جمع کرد با امام علاء الدین مباحثه نمود امام پادشاه را ملزم کرد آن ملعون زبان بهذیان گشود نسبت بحضرت مقدس نبوی کلمات بی ادبانه گفت حکم کرد امام را بچهار میخ کشیدند تا شهید شد در همان نزدیکی خداوند منتقم حقیقی لشکر چنگیز خان را بر آن کافر ظالم مسلط کرد مغولان لشکر کوشلوک را بقتل آوردند و سرش را بریده بنزد چنگیز خان فرستادند اکنون مزار امام علاء الدین در آنجا مطاف اهالی روزگار است

ختلان

ختلان از ولایت توران و طخارستان است و از بلاد ماوراء النهر است مردمش ترک و تاجیک و قلیلی مذهب امامیه دارند **بقعه الشیخ الشهید الصدیق شقیق بن ابراهیم بلخی** از تلامذه حضرت امام موسی الکاظم علیه السلام بود و انجناب در سنه صد و هفتاد و چهار بتهمت رفض شهید کردند قرارش در آنجا است **الامیر النحریر الموحد الربانی مولانا السید علی الهمدانی** قدس الله سره السبحانی مولانا نور الدین جعفر بدخشی که از افاضل تلامذه او است نسب شریفش را در کتاب خلاصة المناقب برین وجه ذکر نموده است و هو السید علی بن شهاب الدین بن محمد بن علی بن یوسف بن محمد بن محمد بن جعفر بن عبد الله بن محمد بن علی بن حسن بن حسین بن علی بن زین العابدین علیه السلام و از جانب والده اش در هفده واسطه بحضرت پیغمبر میرسد در علوم ظاهر و باطن جامع بود و او را مصنفات مشهور است چون کتاب اسرار النقطه و شرح اسماء الله و شرح فصوص الحکم و شرح قصیده خمریه فارضیه و غیره و چون کسب طریقت و علوم حقیقت پیش صاحب السرین الاقطاب شیخ شرف الدین محمود بن عبد الله المزدقانی نمود گفت فرمان چنین و گفت فرمان آن است که در اقصای بلاد عالم بگردی سه نوبت ربع مسکون را سیر کرد و صحبت هزار و چهار صد ولی را دریافت سنه هفتصد و هشتاد و شش در ولایت کنر بود وفات یافت بنا بر وصیتش جنازه را بر ختلان که محل ولادتش بود نقل کردند بنا بر بعد مسافت و گرمی هوا مردم خیال کردن بود که جسد شریف بوی کرد چون تابوت را برداشتند بوی مشک بدماغ حاملین جنازه میرسید و حضرت درویشی از دوازده سالگی بسلوک طریق حق توجه نمود و در سن هفتاد سه رحلت فرمود **و خواجه اسحق** مرید سید علی و مرشد سید محمد نور بخش از آنجا است

خرجرد

خرجرد از توابع خراسان و از قراء جام است **عارف اسرار امیر قاسم انوار** نور الله مرقده نام اصلی آن سید معین الدین علی بن نصیر بن هارون تبریزی است و بچند واسطه بامام زاده هارون بن امام موسی الکاظم علیه السلام میرسد

در

در سن سالگی ابواب علوم بر او مفتوح گشت چنانکه این دو بیت را از آن خبر میدهد شعر مرا علم ازل در سینه دل اند عجب علمی و لدنی نهادند مرا ده ساله حالی گشت معلوم که در شیخ چله در شی بها دادند و چون خواب دید که قسمت انوار میکند و صورت واقعه را بعرض شیخ خود سلطان صدر الدین رسانید مسمی بقاسم انوار شد نقل کرده چهار بار پیاده برهنه پای بمکه و مدینه رفت و در خدمت شیخ خود ریاضات شاقه کشیده از جمله در یک اربعین بغیر وقت تشهد ننشسته و موی سر خود را بچوب سقف بسته و دیوان و اشعار او مشحون بحقایق و اسرار است که انوار کشف و عرفان و آثار ذوق و وجدان از آن لایح است هرکه آن را مطالعه کند داند که مجلس صدر اهل عرفان است در سمرقند میرزا الغ بیگ را مجذوب و مفتون خود ساخت در آخر عمر در مشهد مقدس مجاور گشت در سنه هشتصد و سی هفت وفات یافت در خرجرد جام مدفون گردید

خرقان

خرقان قریه است از توابع بسطام **العارف الموحد الممتحن مولانا الشیخ ابو الحسن** از اهل آنجا است و در زمان خویش اعرف عرفای عصر بود و یکی از مریدان او خواجه عبد الله انصاری است سنه سیصد و هفتاد و پنج وفات یافت

خرتنگ

خرتنگ از قراء سمرقند است **المولی الفاضل المحدث امام البخاری صاحب کتاب صحیح** در سال دویست و پنجاه و شش وفات کرد مزارش در آن ولایت مطاف اهل سنت و جماعت است

خجند

خجند از شهرهای خوارزم است مولانا **شیخ کمال الدین** معاصر خواجه حافظ شیرازی چنانکه خودش گفته شعر حافظ چو ترک غمزه خوبان نمیکنی دانی کجاست جای تو خوارزم یا خجند در شهر تبریز مقبور است

خواف

خواف از ولایت خراسان است **بقعه امیر قوام الدین** صاحب تصانیف کثیره **مرقد شیخ زین الدین** ابوبکر در آنجا است **مولانا شیخ فصیح الدین محمد** که از ارشد اولاد شیخ زین الدین خافی بود مدتی در سر مزار جد خویش بریاضت مشغول بود تا در سنه ثلث و عشرین و تسعمائه که سن شریفش نود بود وفات کرد و در آن بقعه مدفون گشت

خسروشاه

خسروشاه قریة من قراء تبریز و کانت هی بلدة کبیرة من بلاد آذربایجان علی راس مرحلة من تبریز **الشیخ الفاضل ابو یعلی حمزة بن عبد العزیز الملقب بسلار الدیلمی** احد الاعاظم المتقدمین من فقهاء هذه الطائفة و کان من کبار تلامذة المفید و المرتضی و من تصانیفه کتاب الابواب و الفصول فی الفقه و له رسائل کثیرة توفی فی یوم السبت السادس من شهر رمضان المبارک سنة ثلث و ستین و اربعمائة و دفن فی قریة خسروشاه ایضا مقبرة **قطب الراوندی** کان فی قریة المزبورة

خفر

خفر بلوکی است از کشور فارس در سه منزلی شیراز نهر بزرگی در وسط آن محال میگذرد و مردمش همگی شیعی مذهبند

خفر

باب هفتم

جاماسب حکیم از اجلهٔ حکمای عجم و کتاب فرهنگ ملوک و اسرار عجم است ظهور جاماسب چهار هزار و دویست و پنجاه و
نود و چهار سال بعد از هبوط آدم بوده است **وبقعه اش** در سمت غربی جلگه خفر واقع است و تا خود شهر
بمقدار فرسنگی کمتر دور است **خلخال** چون وطن مؤلف فقیر است انشاء الله در خاتمه کتاب مبسوطاً خواهد شد

خلخال

خوجین هم میگویند انفراء خلخال و در نیم فرسخی قصبه هر آباد واقع است علمای کبار و فضلای عالیمقدار
از آنجا بسیار برخاسته اند از جمله محدث فاضل و محقق کامل **الحاج ملا محمد صالح خلخالی** صاحب تصانیف

خوجین

کثیره است که در معرفه قبله و شرح بر قصیده میرفندرسکی و شرح حدیث در رد عزاء و غیره آنجناب و قتیکه بمکه رفت
هنگام مراجعت بجهة ناخوشی و با بندرات را از آمدن منسد و دکردند مدت دو سال و نیم در مدینه طیبه
اقامت فرمود مدرس طلاب و علمای آنجا مشغول بود و مسائل مذاهب اربعه را از آنجناب استفاده مینمودند و خود
اصلا تقیه نمینمود در مذهب جعفری راسخ و ثابت بود و در مباحثه علمای آنجا را ملزم و مجاب میکرد با وجود این
در میان ایشان موقر و محترم بود و برای ایشان در نماز جماعت امامت مینمود بعد از مراجعت بوطن خود
ردی در اصول و فروع ایشان نوشت قریب هشتاد عمر کرده سنه هزار و صد و یازده وفات یافت و برادرش
الحکیم المحقق و الفاضل المدقق **مولانا آقا سعید** حکیم الهی در حکمت و ریاضی تالیفاتش بسیار است
کتاب تذکرة الافکار از مصنفات اوست از جمله استاد الاولین و الآخرین **آقا حسین** نواده
حاجی ملا صالح آن مرحوم هم صاحب تصانیف کثیره و تعلیقات و غیره بود این آقا حسین جد مادری مؤلف
فقیر است آقا مهدی که از اجله فضلای بنی اعمام آن مرحوم بود در تاریخ وفات آن بعنوان مرثیه این چند
بیت گفته **نظم** دردا که رفت عالم دهر و وحید عصر اعنی که خامس آل عبا حسین در ماتمش غبار ملالت
بچرخ رفت افتاد در تمامی ذرات شور شین واحسرتا که رونق اسلام ثلمه یافت روز وفات آن خلف صدق
صالحین در شام رحلتش چه سیکشت چرخ ماه کم شد ره منازل تقدیر نیرین در هم شکست پشت فلک در عزای
او بکریست خون تا بکجهل چشم فرقدین آن جامع اصول و آن حاوی فروع کو بود همیشه در پی تکمیل نوعین چون
لایقش نبود از این منزل فنا بربست رخت جانب رضوان جنتین مهدی ز بهر گفتن تاریخ فوت او دایم بفکر بود دو بیاد
جانستین ناگه ندا زهاتف غیبش در رسید که بنویس بگو بحسین شمس مشرقین تاریخ آن ندرده محققین
در زبده ستا تهین آقا حسین هزار و دویست و سی است **میرزا سعید بن آقا حسین** وحید عصر و فرید
دهر بود **و میرزا محمد علی** در حکمت و عرفان وحید دوران بود **و آقا حسن** در علوم عقلی و نقلی اعلم
روزگار بود **و مولانا الحاج میرزا عبد الرحیم** مرد عالم و عارف و مرتاض و درویش مسلک و صوفی
مشرب بود و پیاده حج کرد قبور شریفه ایشان در قریه مزبوره در جوار جد خود شان حاجی صالح مدفون اند

وبقاع

حرف الخاء

وبقاع امام زاده های عالیمقدار در قریه خوجین و در محال شاهرود خلخال در قریه خرش و اسبو و دررد
و کلور و شال و غیره بسیار ند چون در کتب تواریخ و انساب و رجال بنظر فقیر نرسیده و نمیدانم که
ذریه کدام امام هستند و اکثر آنها کشف شده آثار رؤیای صادقه باشد یا کاذبه و آیا الواح داشته اند
یا نه همین قدر در قریه خوجین **سید قاسم و سید ابراهیم و سید هاشم** نام اند
هر سه بزرگوار از اولاد زادگان امام موسی الکاظم علیه السلام در آنجا بقعه دارند فقیر از آبا و اجداد
خود شنیده ام که میگفتند سید قاسم امام زاده عالم و فاضل و صاحب کمال و برادر حضرت سید و انیکل
العلم عبد الله و عبد الرسول **خونسار** محالی است از توابع اصفهان ارباب فضل و کمال

خونسار

از آنجا برخاسته اند **السید الفاضل الفقیه العالم ابو المفاخر السید حسین بن**
ابی القاسم جعفر بن حسین الموسوی الخونساری کان من اکابر
المحققین الاعلام و اعاظم علماء الاسلام صاحب الاجازات الجلیلة و المصنفات
الجمیلة و کانت وفاته یوم الاحد لثامن من رجب المرجب سنة احدی سنة احدی
و تسعین و مأة بعد الالف و دفن فی جوار منزله شرح حال آقا حسین و آقا جمال در اصفهان
مذکور شد **خوی** از بلاد آذربایجان است **الحاج محمد ابراهیم خوئی**

خوی

ادریس بن حریز ...

در علوم عقلی و نقلی و کمالات صوری و معنوی وحید زمانه بود مدتها در شهر اصفهان و در کربلا
تحصیل علم شریعت و حکمت کرده و سفر حجاز و یثرب و شام نموده و بحکم شهریار ایران طریق سفارت
روم پیموده گویند آنجناب را در شهر تبریز در سال هزار و سی و دو زهر دادند از اثر زهر وفات یافت
خیبر فاتح او حضرت حیدر و قصبه ایست معروف و اشهر در آنجا هفت قلعه حصین و معتبر بود

خیبر

نامهای آن **ناعم قموص کتیبه** حصن شق **نطاة وطیح سلالم**
از مدفونین آنجا **بشر بن براء بن معرور انصاری** از اصحاب کبار رسول
مختار بود علامه حلی در کتاب خلاصه او را در عداد مقبولان ذکر نموده و در اکثر غزوات حاضر
بود در بدر و احد و خندق و حدیبیه و خیبر جهاد مینمود در وقعه خیبر با حضرت پیغمبر از گوشت
گوسفند زهرناک خورده و از اثر آن در خیبر وفات یافت و در آنجا مدفون گشته

خیبر این قریه ... من المضافة ... بها قبر الامام ابی حنیفة النعمان بن ثابت و قبر محمد بن اسحق و غیرهما

باب هشتم در بیان مشاهد حرف دال

دارابجرد از بناهای داراب بن همای بود اکنون خرابست آثاری از آن باقی نیست مگر اینکه
مزار فیض آثار دحیة کلبی از اصحاب رسول الله در آن دیار در کمال اشتهار است دحیة
الکلبی بکسر الدال ویروی الفتح ایضاً وهو دحیة بن خلیفة الکلبی رضیع رسول الله
کان جبرئیل یأتی النبی صلعم فی صورته وکان من اجمل الناس مولانا پیر محمد نصیر ره
فاضل زمانه عارف یگانه از آنجا بوده سال هزار و دویست و بیست و شش در آن دیار برحمت ایزدی
پیوست دامغان از بلاد قدیمه طبرستان است مزار فیض آثار ناصر الحق
جد سید مرتضی علم الهدی در مرقد امام زاده حسن و بقعه امام زاده عون
و مضجع امام زاده سالم از ذریه موسی الکاظم علیه السلام در آنجاست رئیس مظفر
از داعیان اسمعیلیه از آنجا بوده دجیل مصغر دجله است قریه است مابین بغداد
و سامره واقع است امام زاده محمد بن الامام علی النقی علیهما السلام
از حسن عسکری بسن بزرگتر بود جمعی بودند که امامت داشته آنجناب در حیات پدر خود
وفات یافت حسن عسکری در موت برادرش بسیار جزع نمود با پای برهنه با جنازه او میرفت
ذکر بیان در دید والد ماجدش او را تسلی داد فرمود یا بنی قد بدا الله فی شانک یعنی ظاهر شد
بدای الهی و تقدیر حتمی او در تو بموت برادرت چنانکه در مردن اسمعیل بن جعفر الصادق ع
ظاهر شد بموسی کاظم ع بقعه امام زاده محمد مذکور در میانه سامره و بغداد در قرب شط دجله
معروف و مشهور است اعراب نهایت اعتقاد بزیارت او دارند و از قسم دروغ در آنجا
احتراز و احتیاط می‌نمایند و عبد الله بن شداد ابن الهاد گفته که او از خواص حضرت امیر بود
حضرت حسین در بیماریها او را عیادت و ببرکت قدوم آنحضرت فی الحال از او تب مفارقت نمود و در کتاب کامل بهائی
روایت کرده که عبد الله میگفت ای کاش بمنبر رفتم و از جمع الفضایل مناقب حضرت علی را بمردم میگفتم لیکن مرا از
منبر فرو کشیدند و گردنم را میزدند ذهبی گفته او ثقه بود و در واقعه روز دجیل بشهادت رسید و در مکان [illegible]
دزفول از بلاد خوزستان است مزار فیض آثار محمد بن جعفر طیار علیهما السلام در آنجاست

حرف الدال

آنحضرت را دار الفتی شوشتر و در دزفول شهید کردند بقعه منورش در نزدیکی دزفول مشهور و زیارتگاه اناث و ذکور است
آنجناب بعد از فوت عمر بن الخطاب حضرت ام کلثوم را که در حباله عمر بود تزویج نمود بعد در فتح شوشتر شهید گردید
و بقعه عون بن جعفر طیار در یکفرسخی دزفول واقع است او را نیز در آنجا شهید کردند
مزار این دو برادر عالیمقدار در آن دیار بکمال اشتهار مطاف اهالی روزگار است
دکن از بلاد کشور هندوستان است مولانا شاه طاهر الجندانی بدکن هندوستان رفت باعث ترویج
مذهب حقه امامیه گردید در سال نهصد و پنجاه و دو در ولایت دکن این دیر کهن را بدرود فرمود و ابو الفضل
صاحب تاریخ اکبری و فیضی شاعر از آنجا بوده اند دماوند کوهی است معروف در تواریخ مسطور است
که مدفن کیومرث و مقتل ضحاک که از ملوک عجم و پیشدادیان بودند در کوه دماوند است مزار
امام زاده هاشم از اولاد موسی الکاظم علیه السلام در دامنه کوه دماوند زیارتگاه مشهور است و مولانا
عبد الرحیم خلوتی صاحب مفتاح الاسرار از قصبه دماوند است و قبرش نیز در آنجاست دوان
از جمله توابع کازرون شیراز است قریه دوان مشتمل است بر چهار صد خانه اهالی آنجا اکثر شیعی مذهب اند
مقبره علامه دوانی ملا جلال رحمه الله نزدیک ده است بقعه دارد در علوم علامه را تصنیفات
بسیار دارد وفاتش در سنه نهصد و هشت اتفاق افتاده از هشتاد سال متجاوز عمر کرده بود و این رباعی
از اشعار فارسی اوست رباعی ای صحف آیات الهی رویت وی سلسله اهل ولایت مویت
چشمه زندگی لب دلجویت محراب نماز عارفان ابرویت دونج از قرای ماحوز بحرین است بقعه
شیخ میثم المعلی جد شیخ میثم علامه در آنجا واقع است و مولانا الفاضل النحریر ابو البحر شیخ سلیمان
بن شیخ عبد الله البحرانی در جوار شیخ میثم علامه مدفون است شیخ سلیمان را تالیفات بسیار است وفاتش در هفدهم
رجب سنه هزار و صد و بیست بوده شیخ سلیمان الی پنجاه سال عمر کرد و شیخ حسین بن شیخ محمد بحرانی
جامع معقول و منقول بود و از علما و مشایخ اجازه اجتهاد داشت مدت نود سال عمر کرد او نیز در قریه
دونج در جوار استادش ملا سلیمان مدفون است دوربست شاهدی در حق ری مذکور شد
دوربست از قریه های ری است اکنون درشت میگویند سید عارف زاهد شاه قاسم
فیض بخش فرزند سید محمد نوربخش بحلیه علم و زهد و تقوی متحلی بودند اهالی روزگار از باطن فیض بخش او منتفع [illegible]

در آخر عمر در ولایت ری متمکن گشت تا در سنه ... هشتصد و شش ... ندای یا ایتها النفس المطمئنة را بگوش هوش شنیده در ... ریاض قدس کردید و در شهر ری وفات یافت و در مقابر ری مدفون گشت

دهلی از بلاد هندوستان است مولانا الفاضل الجلیل **قاضی شهاب الدین** بن شمس الدین بن عمر الزاولی الدولت آبادی صاحب التالیف والتصنیف توفی فی سنة تسع واربعین وثمانمائة ودفن بجونپور فی الجانب الجنوبی من مسجد سلطان ابراهیم الشرقی ومولانا **خواجگی** و**قاضی عبد المقتدر الدهلوی** و**معین الدین العمرانی** وملک الشعراء **امیر خسرو** ومولانا **سید راجو** بن سید حامد الحسینی البخاری عموماً در دهلی صاحبان مقبره و بقعه اند

دیر سمعان از اراضی حمص است و از اعمال معرة النعمان میباشد اکنون به دیر النقره معروف است **عمر بن عبد العزیز** که از جمله خوبان بنی امیه بود محبت زیاده به بنی هاشم داشت در حیات خود مکان قبرش را از صاحب دیر سمعان بچهل درهم بخرید و مدت نه روز مریض گردید در روز جمعه پنج روز از رجب مانده سال یکصد و یکم از هجرت گذشته در خناصره وفات کرد و در دیر سمعان مدفون گردید چون او را در قبر نهادند باد سختی بوزید و صحیفه فرود افتاد و با خطی نیکو نوشته بودند بسم الله الرحمن الرحیم من العزیز الجبار لعمر بن عبد العزیز من النار پس نوشته را در کفنش بگذاشتند

دیر الجاثلیق از اراضی عراق است در کنار نهر دجیل **مصعب** بن زبیر با پسرش **عیسی** و **عروه** در آنجا مدفون اند

دیلمان بلده ایست از مضافات گیلان و از توابع لاهیجان ملوک دیالمه از آنجا برخاسته اند و اکثر ایشان بزیور مذهب امامیه پیراسته اند و اخلاص کامل به ائمه اطهار و اولاد ایشان داشته بنابر آن سادات عالیدرجات از اطراف آمده در آن دیار مقیم و برقرار شده اند و جمعی از امامزاده ها در آنجا توطن نموده و وفات کرده اند من جمله مزار **السید امیر محمد** بن حسن قاسم بن حسن بن علی بن عبد الرحمن الشجری بن قاسم بن قاسم بن زید بن حسن علیه السلام و مرقد مطهر **امیر سید حسین** بن احمد بن اسمعیل الارقط بن محمد بن حضرت امام زین العابدین علیه السلام در آنجا است

دیار بکر ولایتی است مابین ارمنیه و شامات و اناطولی و عراقستان واقع است از امامزاده های جلیل القدر مرقد مطهر **حضرت جعفر المؤید من السماء** ابن محمد بن عمر بن علی بن ابی طالب علیه السلام در آنجا است و در نزدیکی قصبه رقه در کنار رود خانه خابور مزار فایض الانوار **السید محمد الخابوری** بن ابراهیم المجاب بن محمد العابد بن موسی الکاظم علیه السلام چون تربت آنجناب در خابور واقع است

دیر ایوب قریة بحوران من اعمال دمشق کان یسکنها ایوب وبها ابتلاه الله عزوجل وبها عین التی ارکضها برجله والصخرة التی کان علیها وبها قبره

حرف الذال

بنابراین آنحضرت بمحمد الخابوری مشهور است **و مزار منصور بن سمرة بن الزرقان النمری** از جمله مخلصین ائمه اطهار و از محبین اهل بیت اخیار رسول مختار و معاصر هارون الرشید عباسی بود در قصبه رقه واقع است

باب نهم در بیان مشاهد حرف ذال

ذو الکفل قریه ایست از قرای بابل در ده فرسخی کوفه واقع است میانه نجف و کربلا در سمت شرقی نهر است چون بقعه منوره حضرت **ذو الکفل پیغمبر** در قریه مزبوره است بنابراین قریه معروف باسم آنجناب گردیده آنجناب نام اصلیش حزقیل از جمله پیغمبران بنی اسرائیل بود ولادتش چهار هزار و هشتصد و سی سال بعد از هبوط آدم بود و مادرش در کبر سن بحزقیل حامله شد وقتیکه مبعوث گشت خلق را بشریعت موسی دعوت کرد آنحضرت در بابل بود تا از جهان رخت بدر برد در همان قریه مدفون است و حزقیل را بدانسبب ذو الکفل میگویند که کفالت و وصایت انقیاد پیغمبر را کرد و ایشان را از قید ظالمان نجات داده و فی العیون ان ذا الکفل هو یوشع بن نون عن الرضا علیه السلام سمی به لانه کان ذا حظ من الله او تکفل امته او کان له ضعف عمل انبیاء زمانه و ثوابهم انتهی

باب دهم در بیان مشاهد حرف راء

رامه قریه ایست در نواحی بیت المقدس قبر مطهر **سموئیل پیغمبر** که از جمله انبیای بنی اسرائیل بود در آنجا است

ربذه نام زمینی است در بین الحرمین نزدیک مدینه واقع آن مکان در وادی صفرا که میگویند قریه ربذه در وادی صفرا اتفاق افتاده بود اکنون آن قریه خراب است آبش بد و هوایش گرم در اوایل غیر معمور و صحرای بی آب و علف بود چون عثمان بن عفان **ابوذر جندب بن سکن غفاری** را از مدینه اخراج کرد بدان مقام مکروه ارسال نمود اول زن و پسرش مردند بعد از آن آنحضرت بیکس و تنها در آن صحرا بسر برد تا در سال سی و دو بعد از هجرت برحمت ایزدی پیوست وکان ابوذر اسمه جندب بن سکن توفی فی سنة اثنین وثلاثین وصلی علیه ابن مسعود وقدم ابن مسعود المدینة فاقام عشرة ایام فمات غاشرة ابن مسعود براو نماز کرد و در همین صفرا دفن نمود بعد از ده روز دیگر ابن مسعود در مدینه وفات یافت با جمله ابوذر از اصحاب کبار رسید ابرار بود بعد از آنکه بشرف اسلام فایز شد جناب مقدس نبوی در حق وی فرمود ابوذر فی امتی شبیه عیسی بن مریم فی زهده و بار فرموده است ما اظلت الخضراء ولا اقلت الغبراء من ذی لهجة اصدق من ابی ذر و نیز فرمودند ابوذر صدیق هذه الامة رحمة الله علیه و دیگر ...

باب نهم حرف ذال

ذو الکفل

باب دهم حرف راء

رامه

ربذه

باب دهم

عبیدة بن حارث که پسر عم رسول الله بود در غزوهٔ بدر ضربت خورده وقت مراجعت بمدینه در وادی صفرا بحق واصل شد و در آنجا مدفون گشت **رستمدار** از بلاد مازندران بود اکنون خرابست **امیر سید علی** بن ابی الحسن بن احمد بن محمد بن احمد الکوکبی بن علی بن حسین الاصغر بن الامام زین العابدین علیه السلام که حکمران دار المرز گیلان و مازندران بود مزارش در آنجا زیارتگاه است **رستاق** از توابع رستمدار مازندران میباشد امامزاده **محمد** و امامزاده **عون** از اولاد حضرت امام علی النقی ع در آن مقام مقتول و مدفون شدند **رشت** ایالت نشین دار المرز گیلان و سواد اعظم آن مکان و در سه فرسخی بحر خزر واقع است **بقعهٔ** منوره خاتون مخدره **فاطمه صغرا** ابنت موسی بن جعفر علیه السلام که بخواهر امام مشهور است **بقعهٔ** مطهر امامزاده **عباس** بن موسی بن جعفر علیه السلام واما العباس بن موسی الکاظم فانه اعقب من القاسم وحده وقیل اعقب من موسی ایضا وهو صحیح لا شبهة فیه **الا ان** بنی العباس من موسی قلیلون **و بقعهٔ السید ابو جعفر و مزار کارکیا رضا** از سلاطین گیلان بود بالجمله امرا و ذوی الشان و عرفای عالیمکان از رشت و گیلان برخواسته اند در بر و عدل و معارف نفسانی آراسته اند از جمله از سلاطین ملوک دیالمه که از قریهٔ کلیس دیلمان بودند و ملوک علویه کیاکی و از عرفا مظهر تجلیات سبحانی **شیخ جمال الدین گیلانی** در زمان چنگیز خان مقتدای اهل توحید و تجرید بود و عارف و عالم و فاضل و زاهد مولانا تاج الدین **شیخ زاهد** و مولانا **شیخ ابراهیم** و از فحول علمای آنجا **سید کاظم رشتی** و **حاجی ملا صادق** که اعلم زمان و ازهد دوران بود و بعد از یکصد و بیست و شش سال زندگانی سنه هزار و دویست و هفتاد و هفت وفات یافت و استاد الاولین و الآخرین **حاج ملا رفیع** و جامع المعقول و المنقول الحاج **میرزا حبیب الله** اصولی و از حکما **مولانا شمسا** و از وزرا **امیر شمس الدین ذکریا** و مولانا **شیخ نجم** و از اطبا **حکیم ابو نصر** و مولانا **سید جعفر** حافظ الصحیفه و مولانا **محراب** اعلم و اعرف آنجا بودند و دیگر از حکمای آنجا الفاضل الحکیم العارف المتاله **حاجی امام جمعه** مرقد شریفش در گوشه مسجد جامعی که محقق آن طاب ثراه بود واقع است **رودبار گیلان** مابین رشت و قزوین واقع است **امامزاده محمد** در آنجا مقتول و مدفون گشت گویند در نزدیکی رودبار قریه ایست زرآباد و در قرب رود قزل اوزن در آنجا درختی کهن سالیست روز عاشورا اگر از آن درخت شاخه بشکنند از جای آن خون جاری میشود چنانکه شاعری گفته است **شعر** قیمتش بنامش

زرآباد

رستمدار

رستاق

رشت

رودبار کیلان

حرف الراء

زرآباد از محال رودبار و اندران دیدیم چناری عمرش افزون از هزار یوم عاشورا از وی یک شاخه گر بشکنند در عزای شاه مظلوم خون بگرید زار زار **رمله** قصبه ایست در شش فرسخی بیت المقدس در راه مصر واقع و احرامگاه بیت المقدس میباشد حضرت موسی پیغمبر از آنجا محرم می شد در آنجا معبدی بود از نصاری اکنون اهل اسلام تصرف کرده مسجد نموده اند و موسوم است **بجامع ابیض** انبیا و اوصیا و کبار بسیار در آنجا آسوده اند **رودبار** اصفهان در کنار زنده رود واقع است ده بوعلی بزسکوید چون **مولانا شیخ ابو علی** که یکی از مشایخ سلسلهٔ عرفاست از همین رودبار بوده و در آن قریه مدفون است بنابراین آن قریه بده بوعلی مشهور است

باب یازدهم در بیان مشاهد حرف زاء

زبید بلدة بدیار الیمن خرج منها جماعة من المحدثین الشیخ العلامة مجد الدین ابو الطاهر **محمد بن یعقوب الشیرازی الفیروزآبادی** صاحب کتاب القاموس فی اللغة قال تقی الدین الکرمانی کان الشیخ مجد الدین عدیم النظیر فی زمانه نظما ونثرا بالفارسی والعربی انه ولد فی سنة ۷۲۹ بکازرون فارس قال ابن حجر فادعی انه من ذریة ابی بکر الصدیق وتفقه ببلاده ودخل الشام ثم دخل القاهرة ثم دخل الروم ثم دخل الهند واقام بدهلی مدة ثم جاور بمکة عشر سنین وکانت له دار بمکة علی الصفا عملها مدرسة الاشرف صاحب الیمن وکان یرجو وفاته بمکة فما قدر له ذلک بل توفی بزبید وقد ناهض التسعین وذلک فی لیلة عشرین من شوال سنة سبع عشرة وثمانمائة ودفن بتربة الشیخ اسمعیل الجبرتی **زرقان** قریه ایست در شش فرسخی شیراز واقع است مزار فیض آثار **سید نسیمی** در آنجا بغایت اشتهار است **زنجان** بلد مشهوریست در مملکت ایران امامزاده های کبار و علما و فضلا و سادات صحیح النسب عالی مقدار در آنجا بسیار بوده از جمله **امامزاده ابراهیم العسکری** ساکن زنجان بود مزار فایض الانوارش در کمال اشتهار است و بقعهٔ مطهر ولد ارشد آن بزرگوار **السید محمد الزبعی** ابن ابراهیم العسکری بن موسی الثانی ابن الامیر الکبیر ابراهیم المرتضی ابن الامام موسی الکاظم علیه السلام نیز در آنجاست و از افاضل علما و سادات آنجا السید الفاضل النحریر المعتمد **آقا سید محمد** و استاد الاولین و الآخرین **میرزا ابو القاسم** و عالم ربانی و فاضل صمدانی **الحاج میرزا ابو عبد الله** الشیخ المحدث الفقیه **الحاج ملا علی** قرنوزی المرحوم فاضل اعلم و مجتهد مسلم بود در بلدهٔ زنجان سکنا داشت سنه هزار و دویست و نود وفات یافت

رمله

رودبار اصفهان

باب یازدهم مشاهد حرف زاء

زبید

زرقان

زنجان

باب دوازدهم

وعرفای بسیار از آنجا برخواسته از آنجمله **شیخ اخی فرج** مرشد شیخ نظامی صاحب خمسه از اهل زنجان بود

زیتون شهری است با شکوه از بلاد افریقا در مغرب زمین است مردمش عموماً شافعی مذهب اند **السید علی** بن ادریس بن ادریس بن عبدالله المحض بن حسن بن امام الحسن المجتبی علیه السلام بعد از آنکه جدش در واقعه فخ در سنه صد و شصت و نه فرار نموده بمصر رفت چون راضح که از قبل هادی عباسی والی مصر بود و شیعه مخلص و دوستدار اهل بیت بود او را مدد کرده باندلس روان داشت و او در اقصای مغرب از اراضی طنجه در مدینه ولیله آغاز دعوت کرده جمعی از قوم بربر باو گرویدند و او را خلیفه و پادشاه کردند هارون الرشید هر قدر لشکر فرستاد منهزم گشتند بعد از وی پسرش ادریس بن ادریس حکمران آنجا یار گشت وحصل له المملکة وخطب لنفسه بالخلافة وکان فاضلا فصیحا شاعرا بعد از آن علی بن ادریس در مدینه زیتون و توابع آن قایم مقام بود تا در سنه دویست و یازده در مدینه زیتون وفات و در آنجا مدفون گشت

باب دوازدهم در بیان مشاهد حرف سین

ساباط از قراء مداین است در آن قریه جراح بن سنان ملعون بحسن بن علی زخم زد و مزار **عمار بن موسی** که از رواة حدیث بود در آنجا است **ساری** در الملک مازندران است نقاع امامزاده و از سلاطین فاطمیه و از سادات مرعشیه در آنجا بسیار است از آنجمله **السید حسین** بن محمد بن جعفر بن عبدالله بن الحسین الاصغر بن الامام زین العابدین در ساری مقتول و مدفون گشت **السید کمال الدین السید شمس الدین السید احمد** از سلاطین مرعشیه بود در آنجا مدفون اند

ساوه از بلاد قدیمه عراق و مشهور آفاق است از آن ولایت ارباب معرفت بسیار ظاهر شده از جمله علاء الدین از وزراء و پسرش جمال الدین از اکابر شعرا و قاضی سیح الدین از آنجا بوده اند **مزار فیض آثار امام زاده اسحق** بن الامام موسی بن جعفر علیه السلام در آنجا است مطاف اهل روزگار است **مولانا خواجه سلمان** از اکابر عرفای دوران بود در هفتصد و هفتاد و هفت وفات کرد

سبزوار از بلاد قدیمه خراسان و مزار **السید شعیب** و مرقد **السید یحیی** و قبر **السید ابو الحسن** بن یحیی بن حسین النسابه بن احمد بن عمر بن یحیی بن حسین ذی العبره بن علی بن الحسین است فرزندان او را بنو زحل گویند

نفی نماناد آنانکه از مزارات متبرکه سبزوار ظاهر و آشکار است در وسط بازار سبزوار دو بقعه متلاصق باسم دو امام زاده بر پا است یکی **یحیی بن** موسی الکاظم علیهما السلام است که گنبدی پست تر و صندوق چوبی دارد و پیش روی صندوق امام زاده دیوار بازار است یعنی پنجره آهنین بجای دیوار قرار داده اند در بالای پنجره لوحی از سنگ مرمر میباشد رباعی بر آن منقور است بتاریخ هزار و دوازده از این بقعه داخل بقعه دیگر میگردند بعضی از اهالی را عقیده این است که **شاهزاده حسن** از اولاد و نوادهای حضرت امام محمد باقر علیه السلام در اینمحل مدفون است یکی دیگر از مزارات سبزوار مقبره **امامزاده فضل** بن زید علیه السلام است و آن در درم دروازه ارک داخل شهر در بالای تکیه گاهی است مرتفع الطاق روی این تکیه گاه ساخته اند در وسط الطاق صورت قبر و ضریح چوبی است و نیز از مزارات سبزوار بقعه است در داخله شهر معروف بمزار سبز در گنبد سبز و مدفون در اینمحل معروف **بشاه حبیب الله** میباشد یکی دیگر از مزارات **امامزاده شعیب** بن موسی علیهما السلام است در جنوب شهر در بیرون در پشت باره بفاصله عرض یک خندق این امام زاده بقعه دارد از خشت و گل مشتمل بر چهار در ارتفاع بقعه دوازده ذرع در وسط صورت قبر است و صندوق بر روی آن قرار داده اند در حوالی آن بعضی قبور است مزار دیگر در داخل شهر در سمت جنوب واقع است و معروف به **پیر حاجات** میباشد بقعه از خشت و گل دارد مشتمل بر چهار شاه نشین از چهار سمت و در بقعه از طرف شمال است و دیگر از سبزوار چون بطرف شاهرود حرکت نمایند و یک فرسخ راه طی کنند باثار خرابه خسروگرد میرسند در ابتدای اطلال خسروگرد بقعه است مثمن و گنبدی مقرنس دارد اهالی گویند **شاهزاده حسین و شاهزاده قاسم و شاهزاده ابراهیم** از اولاد حضرت موسی بن جعفر علیهم السلام در اینجا غایب شده اند بهر حال دیوار است بام بقعه دو مرتبه است دور بقعه صحن وسیع دارد اما از آثار خسروگرد که

که شهر سبزوار بوده چیزی فعلاً باقی است مناری میباشد ارتفاعش بیست و نه ذرع این منار
تعلق بمسجد معتبر جنب وی کرد داشته مزار دیگر یک فرسخ از خسروگرد گذشته قریه سدیر است
یک بقعه معروف به پیر استیر در آنجا است بقعه است طاق کوچک ارتفاع
گنبد تقریباً یازده ذرع است سه صندوق چوبی بموازی هم در وسط نهاده اند
و در زیر آنها صورت قبور است از قرار تقریر اهالی شش نفر از علمای اولاد کمیل بن
زیاد رحمه الله در اینجا مدفونند در زیر هر صندوقی قبر دو نفر است باین اسامی در زیر
صندوق اول شیخ علی و شیخ حسن و در زیر صندوق وسط شیخ محمد رضا
و شیخ کمال و در زیر صندوق سیم شیخ محمد مؤمن معروف بمغربی در بعضی
تذکره جات عرفا احیاناً اسم او مذکور میشود و حاجی مؤمن و جمعی از اولاد آن مشایخ
در قریه سدیر سکنی دارند بهرحال بعضی علما و فضلا و حکما در سبزوار بوده اند از قبیل
مولانا حاجی ملا هادی ولادتش در هزار و دویست و دوازده مدت عمرش هفتاد و
هشت سال بود سنه هزار و دویست و هشتاد و نه بریاض قرب خرامید تاریخ رحلت
آن مرحوم را از علمای سبزوار گفته اند اسرار چو از جهان بدر شد از فرش بعرش
ناله بر شد تاریخ وفاتش ار بپرسند گویم که نمرده زنده تر شد پس از ارتحال
جسد پاک آنجناب را در بیرون دروازه سبزوار معروف بدروازه نیشابور که بر سر
راه زوار است بخاک سپردند و دیگر از علمای سبزوار مرحوم حاجی میرزا ابراهیم
مجتهد طاب الله ثراه آن مرحوم در آغاز جوانی در مشهد مقدس در حوزه درس مرحوم حاجی
میرزا حسن مجتهد و مرحوم ملا محمد تقی و مرحوم ملا علی بروجردی پس باصفهان رفته در حضور
مرحوم حاجی محمد ابراهیم کرباسی تحصیل نموده و در نجف اشرف از خدمت مرحوم شیخ محمد حسن صاحب
جواهر الکلام و مرحوم شیخ مرتضی مستفیض شده و از برکات انفاس مرحوم ملا زین العابدین
گلپایگانی باجتهاد رسانیده در آنجا اعمال خیریه آنجناب بسیار بود یکی دیگر مولانا
حاجی میرزا محمد حسین مجتهد و دیگر از معاریف سبزوار حاجی ملا اسمعیل واعظ
بود و دیگر ملا محمد باقر فاضل سبزواری رحمة الله علیهم و غیره باری سایر امام زاده ها مزارش
معلوم نیست لکن در کتب انساب مزار ایشان را در سبزوار نوشته اند من جمله قبر مولانا
ابو الحسن السید محمد النقیب ملقب بنجاری و پسرش

حرف السین

۴۰

و پسرش سید حسن ملقب باصم عموماً در آنجا مدفونند و جمعی از علما و حکما و عرفا و شعرا از آنجا برخواسته اند
از جمله مولانا کمال الدین حسین الواعظ الکاشفی بسیار فاضل محقق و صاحب تصانیف
کثیره بود در سال نهصد و ده وفات یافت مزارش در سبزوار است مرقد امیر شاهی که از
اکابر شعرا بود و در فنون ریاضی و علم موسیقی ید طولی داشت از هفتاد متجاوز عمر کرد در بلده استراباد وفات یافت
نعش او را بدار المؤمنین سبزوار نقل نمودند و در خانقاهی که بیرون شهر بجانب نیشابور است مدفون گردید
و کان ذلک فی سنة سبع و خمسین و ثمانمائة و خواجه اوحد سبزواری مرثیه در حق گفته که یک بیت از آن
این است شعر کو بشو زیر و زبر از اشک و آهم سبزوار زانکه شهر شاه بی شاهی نمی آید بکار وحید الزمان
خواجه اوحد سبزواری حکیم صاحب فضل بوده و در فنون علم طب و حساب و هیئت و نجوم سرآمد
عصر بود با وجود حکمت و فضل و کمال شرب فقر و درویشی حاصل کرده بود و خواجه را بعد از آنکه مدت عمر به هشتاد رسید
دامن عصمت از این خاکدان تیره پر محنت برچید و بمعموره جاوید خرامید فی سنة ثمان و ستین و ثمانمائة
و خواجه مجرد گذرانید و تاهل اختیار نکرد از اولاد و احفاد محروم بلکه از عقبه اینجماعت مصون بود مولانا
حاجی ملا هادی المتخلص باسرار حکیم فاضل و عارف کامل بود و در علوم ریاضی و منطق و حکمت
و علم تصوف و عرفان و اشعار مشهور آفاق بود و تصنیفات بسیار دارد در سنه هزار و دویست و نود
وفات یافت مزارش در سبزوار در کمال اشتهار است و ملا محمد باقر مولف ذخیره و کفایه فاضل
یگانه بود در آنجا مدفون است و از علمای اهل سنت و جماعت احمد بن حسین بیهقی صاحب التصانیف
کثیره در سبزوار مدفون است ملوک سربداران دوازده تن در مدت سی و پنج سال حکمرانی کردند نخستین
ایشان سبزوار بود ۱ خواجه عبد الرزاق در سنه هفتصد و سی و هفت خطبه بنام خود خواند و سکه باسم
خود زد چون مدت یکسال و دو ماه حکومت کرد سنه هفتصد و سی و هشت بدست برادرش خواجه وجیه الدین کشته شد
۲ خواجه وجیه الدین بحکمرانی نشست مدت شش سال و چهار ماه کشید تا وفات یافت ۳ آقا محمد تیمور
بعد از دو سال و دو ماه حکمرانی سنه هفتصد و چهل و هفت بدست خواجه علی شمس الدین کشته شد ۴ کلو اسفندیار
بعد از یکسال و یکماه حکمرانی لشکر سربدار باستصواب خواجه علی سال هفتصد و چهل و نه او را بقتل رسانیدند ۵ خواجه
علی بعد از چهار سال حکمرانی در دست حیدر قصاب سنه هفتصد و پنجاه سنه بقتل رسید عمرش پنجاه سال بود ۶
خواجه یحیی بعد از مدت چهار سال و هشت ماه حکمرانی سنه هفتصد و پنجاه و نه در دست ... خود ... برادرش علاء الدوله

باب دوازدهم

بقتل رسید **حیدر قصاب** بعد از یکسال و یکماه حکمرانی در وقتیکه در سبزوار با نفر آنه باشتی در جنگ بود سرداران
قصد او کردند در طهارتخانه او را زخم زده بقتل رسانیدند و نقاره بنام خواجه لطف الله زدند و سر حیدر را به تبریز فرستادند
و این واقعه سنه هفتصد و شصت یک اتفاق افتاد ۸ **خواجه لطف الله** بعد از یکسال و سه ماه حکمرانی پهلوان حسن او را
دستگیر کرده نقاره بنام خود زد خواجه لطف الله را اول حبس کرد بعد در ماه رجب سنه هفتصد و شصت دو بقتل رسانید ۹
پهلوان حسن بعد از چهارده سال و چهار ماه حکمرانی خواجه علی مؤید با چند هزار لشکر بسبزوار آمد اهل سبزوار از ترس خود
سر پهلوان حسن را بریده برای خواجه علی مؤید فرستادند ۱۰ **خواجه علی مؤید** شیعه مخلص و محب اهل البیت اطهار بود در تعظیم
علما میکوشید تا سنه ثمان و سبعماة وفات یافت و آفتاب دولت سرداران غارب گردید ۹ **ستاره کرد** از توابع
... دراین بود **امامزاده جعفر** بن موسی الکاظم ع در آنمکان بدرجه شهادت رسیده و مدفون گردید **سرانديب**
عن کعب الاحبار اهبط الحیة باصفهان و ابلیس بجده و حوا بعرفه و اهبط آدم بجبل سرانديب و هو جبل
باعلی الصين فی ارض الهند براه البحرين من مسيرة ايام و فيه على ما نقل اثر قدم آدم عليه السلام مغموس
و يوجد به ياقوت الاحمر و الالماس و العود پس اثر قدم حضرت آدم الکنون در آنجا باقی است جمعی از هندوان در آنجا
مجاورند بمسافرین در آنجا خدمت میکنند **سرخس** از حدود خراسان و توابع آن است **شیخ لقمان** برنده
از جمله عرفا در ریاضین مجاهدین بعد **و یوسف بدیعی** در سنه هشتصد و نود و دو در آنجا وفات یافت
در بقعه شیخ لقمان مدفون گشت ۹ و از سلاطین **سلطانشاه** بن الب ارسلان خوارزمشاهی در
سرخس مدفون است و از وزرا **ذوالرياستين** صاحب اختیار مامون الرشید و فرمانفرمای خراسان
و از دوستان اهل بیت اطهار بود او را در حمام سرخس کشتند واقعه آن چنان است روزی در مجلس او تعریف از ابو مسلم
کردند یکی از کارهای او آن بود دولت را از بنی امیه منتقل کرده به بنی عباس ذوالرياستين در جواب گفت من خیال
دارم تدبیری کنم که خلافت و سلطنت منتقل بخانواده علی علیه السلام باشد بنا براین حضرت رضا را ولیعهد کرد
تا سلطنت در بنی هاشم قرار گیرد مامون را از تدبیر و سر باطن آن خبر دادند آنوقت تحریک نمود او را در حمام
سرخس خفه کردند و حضرت رضا را نیز در طوس زهر دادند ع زبان سرخ سر سبز را دهد بر باد **سرهند**
مابین دهلی و لاهور و ده مرحله از دهلی دور است **بقعه شیخ احمد فاروقی** که مشهور به مجدد الف ثانی
از اکابر سلسله نقشبندیه بود در آنجاست **سرخه کلا** قریه‌ایست از نواحی آمل مازندران **امامزاده**
عبدالحق نزدیک بقریه سرخه کلا در کنار رودخانه تالار واقع است **سعید آباد رویان**
از قرای مازندران است از بناهای سعید بن ربیع است **عمرو بن العلا** از جمله کریمان روزگار بود در عهد

منصور

ستاره کرد

سرانديب

سرخس

سرخه کلا

سعید آباد

٤١

حرف السين

منصور دوانیقی و پسرش مهدی بحکمرانی طبرستان و مازندران آمد و قریه عمرو کلا ساخته اوست مزار معروف سعید آباد
از عمرو بن العلا می باشد و در آنجا مدفون گشته و پشته در پای گنبد آن مقبره است مرجع زیارات در صندوق آن قبر
نوشته اند هذا القبر لعبدالله بن العمرو بن العلا بن عبد المطلب **سلما آباد** احد قراء البحرين
الشيخ الفاضل نصير الحق و الملة و الدين **حسين بن مفلح الصيمري** فاضل عالم محدث عابد
كثير التلاوة و قال صاحب كتاب مشايخ الشيعة فرأيت له خلقا حسنا و صبرا جميلا و كان له فضايل و مكارم
كان يختم القرآن في كل ليلة الاثنين و الجمعة مرة و كان كثير النوافل و كثير الصوم و لقد حج مرارا استعدده
توفي بسلماباد البحرين في شهر محرم الحرام سنة ثلث و ثلثين و تسعماة و عمره نيف على الثمانين و عمره
نيف على الثمانين سنة له المناسك الكبير و رسايل اخرى **سلطانيه** از بلاد عراق در
هفت فرسخی زنجان واقع است آنجا را سلطان غازان بنا نمود که الکنون جز قریه از آن باقی نمانده امامزاده و سادات
در آنجا بسیار است از جمله **السيد حاتم** بن سليمان بن حسين ذى العبرة بن زيد الشهيد بن الامام زين العابدين
در کنار جاده زنجان در میان قبرستان واقع است **و سید سیف الدین** که نسبش در چند واسطه بحضرت
موسی بن جعفر ع منتهی میشود سلطان ابوسعید در دولت دنی سلمان شد بعد سید سیف الدین سال هشتصد و یازده در
سلطانیه وفات یافت و در همان جا مدفون گردید **سلاطین مغول و چنگیزی** مدت حکمرانی ایشان
صد و پنجاه سال بود و بیست و یکنفر بودند ۱ **چنگیزخان** در سن پنجاه سالگی با لشکر مغول از ختا و تبت حرکت کرده تمام ممالک
بلاد ایران را قتل عام نمود و ایران و توران را متصرف شد بعد از بیست و پنجسال حکمرانی بوطن خود معاودت کرده سنه
ششصد و بیست و چهار بمرد چنگیزخان بت پرست و از فرقه کفار قبچاق بود و چند پشت اولادش بت پرست بودند قریب
هشتاد سال کفار بر اهل اسلام حکمرانی کردند آخر سلطان محمد خدابنده و سلطان ابوسعید در دست علما و سادات ایران
باسلام مشرف شدند ۲ **اوکتاقاآن** بعد از سیزده سال پادشاهی در ششصد و سی و نه از افراط شرب خمر در گذشت ۳
قربوک خان بعد از یکسال پادشاهی در حدود سمرقند فوت شد ۴ **هلاکوخان** ملاحده را مستاصل نمود
و قلاع اسمعیلیه را خراب ساخت بغداد را گرفت و معتصم را کشت و دولت بنی عباس را منقرض ساخت و شامات را مسخر کرد
مراغه را پای تخت خود قرار داد خواجه نصیر طوسی را بمشاورت خود خواند و آن بزرگوار زیج ایلخانی از خوانین مغول ایلخانیکان
سال جلوسش 651 مدت حکمرانیش دوازده سال وفاتش در آذربایجان 663 بوده ۵ **اباقاخان**
بن هلاکوخان جلوسش 663 مغولان از طرف آذربایجان و خراسان بایران حمله کردند دفع نمود بعد از دوازده سال

سلما آباد

سلطانیه

ذکر ملوک چنگیزیان

باب دوازدهم

۶ احمد اسم اصلیش نیکودار بود قبول دین اسلام کرد و خود را احمد نامید حکمرانی در همدان وفات یافت
سنه ششصد و هشتاد و سه برادرزاده‌اش ارغون بمخالفت برخواسته او را کشت ۷ **ارغون خان**
مولانا شمس الدین محمد جوینی وزیر کافی هلاکو را بکشت و سعدالدوله یهودی را وزیر کرد مدت پادشاهیش هفت سال
وفاتش سنه ششصد و نود بود ۸ **کیخاتو** عیاش و مبذر و بی کفایت بود خزانه را اتمام نمود خواست اسکناس
باسم خود چاپ زده رواج دهد نتوانست بایدوخان نواده هلاکو خان بضدیت او برخواسته وی را بقتل رسانید
و چهار سال حکمرانی نمود ۹ **بایدوخان** عادل و نیک رفتار بود قوانین نیکو داشت مسلمان شد و بسیاری
از مغول به پیروی آن اسلام قبول کردند با مصر و سوریه جنگید مدت نه سال حکمرانی کرد **غازان خان**
در اکنون مازندران جلوس کرد و در فشکلده قزوین وفات یافت نعش وی را تبریز حمل کرده در شنب غازان
دفن کردند ۱۱ **الجایتو خدابنده** سلطان شیعه بود شهر سلطانیه را ساخت و تختگاه خود قرار داد
بعد از مدت سیزده سال پادشاهی در سنه هفتصد و شانزده وفات یافت گنبد عظیم سلطان خدابنده مقبره
او است ۱۲ **سلطان ابوسعید** ولادتش در ماهی دشت طارم وفاتش در سلیقان
تابستان در سلطانیه و زمستان در بغداد نشستی سنه هفتصد و سی و شش وفات یافت نعش او را سلطانیه
نقل کردند در گنبدیکه قرب سلطانیه بود مدفون شد بعد میرزا امیرانشاه تیموری بتخریب آن گنبد
حکم کرده و او را از آنجا بیرون آورده بگنبد ابواب البر در پهلوی پدرش دفن کردند ۱۳ **آرپاخان**
و چندیکه بسلطنت جلوس کرد موسی خان در حدود جغتو با آرپاخان مصاف داد غالب شد او را در سجاس
گرفته باوجان آورده بقتل رسانیدند مدت سلطنتش پنجاه روز بود ۱۴ **موسی خان** در اوجان بر تخت
نشست محمد خان که از نسل هلاکو خان بود از روم و گرجستان لشکر جمع کرده با موسی خان جنگ کرد موسی خان
بهزیمت رفت ۱۶ **ساتی بیگ خاتون** دختر سلطان محمد الجایتو بعد از قتل محمد خان به تعیین
شیخ حسن کوچک در تبریز بسلطنت نشست بعد از مدتی او را معزول کرد سلیمانخان که نژاد هلاکوخان
بود بر تخت نشاند ۱۷ **سلیمانخان** ساتی بیگ خاتون را بنکاح خود در آورد ۱۸ **طغاتیمور خان**
الافرنگ بجنگ سلیمان خان رفته شکست خورد از سلطنت معزول کردند ۱۹ **امیر شیخ حسن**
بنیابت سلطنت در حکمرانی مستقل گشت ۲۰ **انوشیروان خان** چند روزی بسلطنت منصوب
گردید بعد از آن **سیورغتمش خان** تا زمان سلطنت امیر تیمور گورکانی حکمران ایران بود

۱۵ **محمد خان** در اوجان بر تخت نشست
با امیر شیخ حسن کوچک در حدود ... جنگ کرد محمد خان
انهزام یافته مقتول گشت
سنه هفتصد و سی و نه بود
مدت یکسال حکمرانی نمود

سمرقند در بیرون شهر سمت شمال شرقی محلات که ابتدا نقبه است میگویند مقام خضر نبی است و از مزارهای آنجا
قثم بن عباس است و اهالی آن را شاه زنده خوانند در ابتدا باغی است که قبرستانی بود و در روس آن را برای تصفیه
هوای شهر اشجار و گلها کاشته جای خوبی شده از آنجا باید از پله بسیار روند اول بصحن و مدرسه و چله خانه
میرسند که چهارده حجره دارد و از آنجا مرتبه بالاتر است و راسته است که از دو دست بعضی گنبد و آثاری است
که کاشیهای پر قیمت بدیوار دار از ازاره آنها نصب است و زمین آن راسته سنگ خوب فرش شده است از آنجا
بالا آمده داخل مسجد سرپوشیده شده که وصل بآن گنبد مزار شاه زنده است و دیگر در انجام از حضرت
دانیال پیغمبر نشان دادند چهل و نه ذراع طول قبر دلیلی دیگر نیافتم بدانکه قثم از اصحاب حضرت رسالت مآب
حضرت ابو تراب است بعد از آنکه امر معاویه قوت گرفت و امویه را روزگار اقتدار داد قثم بن عباس
با لشکریان اسلام بسمرقند آمده هم در آنجا وفات یافت و آثار نیکو از سلاطین اسلام بر مزارش ساخته اند
و درویشی هم در حفظ آنجا اهتمام دارند و اگر قدغن آنها نبود یک خشت کاشی باقی نگذارده بودند
و دیگر در سمرقند مزار امیر تیمور گرگان را دیدم روی بانهدام آورده ولی با همه کهنگی از دیده عبرت نگری
بنای عالی و سلطنتی است و رونقی دارد صحن و چشم بخط خوش بکاشی سر در کتیبه بخط محمد بن محمود استاد
الاصفهانی بکار برده در وسط صحن گنبد و رواق است چون داخل فضای گنبد شوند چند صورت قبر است
یکی سنگی است برنگ ماش دو ذرع طول آن است میگویند سنگ قیطاس است قیمتی دارد بخط ثلث بر آن منقور است
هذا مرقد السلطان الاعظم والخاقان الاکرم امیر تیمور گورکان ابن فلان تا آنجا که نسب بقراری القاب
ذکر نموده و نوشته است توفی فی لیلة الرابعة عشر من شعبان سنة سبع وثمانمائه و در پایان پای
امیر تیمور سنگی است که بعد از کلمات منقور است ولی العهد فی الزمان امیرزاده محمد سلطان بن جهانگیر
بن الامیر تیمور سنگی دیگر بود گویند از شیخ ارشاد است و قبور بسیار در بقعه تیموریه است سید در تمام قبور شاکی
از سنگهای مرمر است اصل قبور در سرداب است و محاذات آنها سنگی بروی سرداب است راه سرداب
از پله که پایین میروند سرداغ میبینی است خیلی محکم بر روی مزار هر یک آثاری مثل فرق بود و دیگر
از مزارهای آنجا **خواجه ناصر الدین عبید الله نقشبندی** است که وی از عظامی
مشایخ ترکستان و اکابر ماوراء النهر بمزید جاه و جلال و افزونی اتباع و اموال ممتاز و مستثنی بوده
وفات خواجه در سمرقند در سال هشتصد و نود و شش وقوع یافت امیر علیشیر وزیر در تاریخ وفاتش گوید

خواجه خواجگان عبید الله مرشد سالکان راه یقین
شد بخلد برین که در فوتش سال تاریخ گشت خلد برین

و دیگر مزار **شیخ ابو منصور ماتریدی** و دیگر مزار **شهاب الدین ابو حفص**
عمر نسفی میباشد

هذا الذی تعرف البطحاء وطأته والبیت یعرفه والحل والحرم
کم صارخ بک مکروب وصارخة تدعوه یا قاسم الخیرات یا قثم

حرف السین

سمرقند از بلاد ماوراء النهر است تختگاه سلاطین تیموریه بود **مشاهد آنجا** قثم بن عباس
اخو عبد الله بن عباس بن عبد المطلب کان عامل علی ع بمکة توفی فی سمرقند وقبره ظاهر یزار
قثم بن عباس برادر رضاعی حضرت حسین بن علی ع بود و شباهت تمام بحضرت سید الانام داشت
و از جانب علی ع والی مدینه بود در زمان معاویه با **سعد بن عثمان** بن عفان بجانب سمرقند
رفت و در آنجا بدرجه شهادت رسیدند الحال قثم و سعد رضی الله عنهما در سمرقند مدفون و مزار ایشان
محل زیارت است و قدوة الواصلین **شیخ نور الدین** و قبر امام ابو عبد الله **محمد بن اسمعیل** البخاری
در سمرقند است **و مولانا امیر سید برکه** که از عظمای مکه و از سادات اجله آنجا بود نقابت
در بیات حرمین شریفین باوی بود امیر تیمور گورکانی وی را بسمرقند خواست از وظایف و اعزاز و احترام او
دقیقه فرو نمیگذاشت بعد از وفات سید بزرگوار پادشاه امر کرد که گنبد عالی بر قبر او بنا کردند در سال هشتصد و
هفتاد و شش وفات یافت بعد از وی امیر تیمور نیز در آن مقبره مدفون گردید العلامة المحقق الفاضل المدقق
سعد الدین تفتازانی اسمه الشیخ مسعود عالم بالنحو والتصریف والمعانی و
البیان والاصلین والمنطق وغیرها وله تصنیفات وتحقیقات کثیرة وقال ابن حجر
ولد سنة ۷۱۲ وهو شافعی وکان فی لسانه لکنة وانتهت الیه معرفة العلم بالمشرق
مات بسمرقند سنة ۷۹۱ **و شمس الدین** حکیم سوزنی **و خواجه محمد و امیر معزی** شاعر
و عروضی فاضل و معین الدین اشرفی شاعر در آنجا آسوده اند الفاضل
الادیب المنطقی المتکلم عصام الدین **الشیخ ابراهیم بن محمد بن عربشاه**
الاسفراینی الحنفی الاشعری تلمیذ المولی عبد الرحمن الجامی صاحب التعلیقات الرفیعة
والمصنفات الرشیقة توفی فی سمرقند سنة ثلاث واربعین وتسعمائة **و مقابر**
شهدای قطوان صحرائی است از اراضی قطوان میگویند در آنجا هشتاد هزار لشکر اسلام از رعیه
سلطان سنجر سلجوقی در دست کفار قراختای بدرجه شهادت رسیدند **و اما سلاطین تیموری**
و گورکانی اول ایشان قطب الدین امیر تیمور بود **امیر تیمور** اکثر ممالک را مسخر نمود مدت سی و شش سال
پادشاهی کرد سنه هشتصد و هفت در ازار فاریاب وفات کرد نعش او را بسمرقند نقل کردند در گنبدی که جهت خود
ساخته بود دفن نمودند

باب دوازدهم

۴ **میرزا شاهرخ** بن امیر تیموری که هر یک تصرف نقطه بر درخت بود بر زد و خود درکرده بر ایشان غالب شد مدت چهل و سه سال سلطنت کرده در صبح یکشنبه نوروز سلطانی بیست و پنجم ذی حجه سنه هشتصد و پنجاه در ری وفات یافت

۳ **میرزا الغ بیک** فاضل و در علوم ریاضی مهارتی کامل داشت در سنه هشتصد و بیست با اتفاق صلاح الدین موسی و قاضی زاده رومی و علاء الدین علی قوشچی که شارح تجرید است و مولانا غیاث الدین جمشید و مولانا معین الدین در سمرقند رصد بست و زیج جدید خانی که مدار استخراج تقویم از آن است آخر بتوسط پسرش عبد اللطیف در دست عباس نامی بقتل رسید نعش او را بسمرقند نقل کردند در گنبد امیر تیمور دفن نمودند تاریخ قتلش هشتصد و پنجاه و سه بود

میرزا عبد اللطیف بعد از قتل پدر پادشاه شد و سال زالبر بر دو پیوسته از اشعار نظامی این بیت را میخواند **شعر** پدرکش پادشاهی را نشاید اگر باید بجز شش مه نپاید یکشب باتر بابا حسین نام مقتول گشته و سر او را از بدن جدا کرده بشهر آورده از پیش طاق

میرزا بابر با سلطان ابو سعید نزاع داشت آخر صلح کردند و خراسان او را رشد میرزا الغ بیک بیاد بخشید

میرزا ابو سعید در روز دوحوز کردن هفت سال حکمرانی کرد در سال هشتصد و هفتاد و یک وفات یافت

حسین میرزا بایقرا امیر علیشیر وزیر او بود با ترکان و آق قوینلو کشته شد مدت هفت سال حکمرانی داشت

بدیع الزمان میرزا از مجتهدان مدت هشت سال پادشاهی کرد در سنه نهصد و یازده وفات یافت او از بک شیبانی شکست خورده فراری شد و خراسان بدست او زبکان افتاد مدت ده سال سلطنت کرد در سنه نهصد و بیست وفات یافت

سمنان قصبه است از بلاد طبرستان و **بقعه مطهر حضرت امامزاده علی بن جعفر صادق** برادر حضرت موسی الکاظم در آنجا است و اهل آن دیار آن بزرگوار را علی العریضی گویند و اولادش را عریضیون نامند از ایشان در حجاز و یمن و شام و عراق و دینور و اهواز بسیار است و علی بن جعفر اصلح و اورع و افضل برادران و اقرب از ایشان بامام موسی علیه السلام بود و با آنحضرت اظهار عقیدت و محبت مینمود قال العمیدی وهو اصغر ولد ابیه مات ابوه وهو طفل وکان عالما کبیرا روی عن اخیه موسی الکاظم وعن ابن عم ابیه الحسین ذی الدمعة ابن زید الشهید وعاش الی ان ادرک الهادی علیه السلام ومات فی زمانه وخرج مع اخیه محمد بن جعفر بمکة ثم رجع عن ذلک وکان یری رای الامامة فیروی ان محمد الجواد دخل علی العریضی فقام له قائما واجلسه فی موضعه ولم یتکلم حتی قام فقال له اصحاب مجلسه اتفعل هذا مع ابی جعفر وانت عم ابیه

حرف السین

فضرب بیده علی لحیته وقال اذا لم یر الله هذه الشیبة اهلا للامامة اراها انا اهلا للنار ونسبته الی العریض قریة علی اربعة امیال من المدینة کان یسکن بها وامه ام ولد ویقال لولده العریضیون قال العمدة من اشیاخ اهل البیت السبب فی ذلک اذعان علی العریضی بامامة محمد بن اخیه

سنجار المشهورة بارض الجزیرة فی قرب النصیبین الشیخ ابو السعادات **سعد بن یحیی** السنجاری الفقیه الشافعی وهو الشاعر المنعوت بالبهاء واشعاره حسنة کثیرة فی ایدی الناس وقد توفی سنة ثلثین وعشرین وستمائة

سونقور قصبه ایست مشهور در محال کردستان

سویقه مکانیست از بادیه عرب **موسی بن عبد الله** بن الجون بن عبد الله المحض بن حسن مثنی بن حسن المجتبی علیه السلام در آنجا مقتول و مدفون گردید

سیوس از بلاد عثمانی و از مداین سپاسی صغیرست در زمان قدیم دار الملک کشور روم بوده اکنون دو ازده هزار باب خانه دارد

مولانا الشیخ العارف الموحد **عامر بن عامر البصری** از اکابر مشایخ زمان و در کار دانی و فضل و بلاغت آثار بود و قصیده ذات الانوارش مشهور آفاق و در روزگار است و از بعضی اشعارش چنان مفهوم میشود که هاشمی بلکه علوی نژاد مؤمن نهاد بوده و بواسطه ظلم مخالفان از اهل اوطان ناچار جدایی نموده و در سیواس روم اقامت فرموده تا وفات یافت و در آنجا مدفون گشت

سبلان نام کوهیست در آذربایجان در چهار فرسخی اردبیل واقع است مشهور عوام سولان گویند و معتقد آن که هرگز از برف خالی نباشد و در رشتی فرسخ است گویند پیغمبر از انبیا در آنجا مدفون است و در فضیلت آن کوه حدیثی از حضرت رسول روایت شده است من قرء آیة فسبحان الله حین تمسون وحین تصبحون وله الحمد فی السموات والارض وعشیا وحین تظهرون یخرج الحی من المیت ویخرج المیت من الحی ویحیی الارض بعد موتها وکذلک تخرجون کتب الله له من الحسنات بعدد ذلک الوهدة من جبال سبلان قیل یا رسول الله وما سبلان قال جبل بین الارمن والاذربایجان علیه عیون من عیون الجنة وفیه قبة من قبور الانبیاء

باب سیزدهم در بیان مشاهد حرف شین

شاهرود قصبه ایست

شبستر قریه ایست از دهات کوزنه تبریز الشیخ العارف الصالح الناصح للدنیا **شیخ محمود الشهیر بشمس شبستری** صاحب دیوان گلشن راز از جمله مشایخ اهل الطریقة و صوفیه بود در سنه

شوشه قریة بارض بابل اسفل من حلة بنی مزید
بها قبر القاسم بن موسی الکاظم علیه السلام **باب شین و میم**
و بالقرب منها قبر ذی الکفل و هو حزقیل ذکر
فی بر ملاحه

از نواحی رشت که گیلان است مزار **شفت** ... ششصد و بیست و هفت وفات یافت و در آنجا مدفون گردید
فیض آثار امام زاده **السید ابراهیم** بن محمد بن ابراهیم العسکری بن موسی الثانی ابن الامیر ابراهیم بن موسی الکاظم
علیه السلام مطاف اهالی آن دیار است **شوشتر** از بلاد خوزستان است در قدیم الزمان شوشی شهر بزرگ
بوده در ناحیه شوشتر از توابع حویزه اکنون خراب است و مشاهد و مقابر شهر شوشتر از انبیا و اولیا بسیار است
از جمله **بقعه حضرت دانیال** پیغمبر در جانب مغرب شوشتر است بنای کوچکی دارد جمعی درویش
در آن ساکنند دانیال از نسل یعقوب علیه السلام است بعضی نوشته اند آنحضرت از جانب بهمن بن
اسفندیار در بیت المقدس حاکم بود برخی گویند در زمان لهراسب بوده و گویند که حضرت دانیال و عزیر علیهما السلام
بخت النصر اسیر کرده بدان ناحیه آورد خداوند آنها را از دست او نجات داد تا در اراضی شوشتر وفات یافت
و دیگر مزار فایض الانوار امام زاده عبد الله بن حسن بن حسین الاصغر بن زین العابدین علیه السلام
در آن دیار در کمال شهرت است فعقب ابو محمد الحسن بن الحسین الاصغر ینتهی الی محمد السلیق و علی المرعش
ابی عبد الله بن محمد بن الحسن ولهم عقب کثیر ببلاد العجم و واسط و لعلی بن محمد اعقاب بالری
و قزوین و لمحمد السلیق عقب بهرات و نیشابور و بلخ و جرجان و منهم عبد الله المفقود ابن
الحسن المکفوف و فی بقیة العدد و المرایات لبنی الافطس بیت مثلهم و منهم السید الجلیل الشیخ
الورع عبد الله بن الحسین بن عبد الله بن العباس بن عبد الله بن الحسن الافطس بن علی الاصغر
بن علی بن الحسین علیهما السلام و الافطسیون اهل و ذیل طویل فی الحجاز و الحلة و بغداد و دینور و هرات
و نیشابور و غیرها کثرهم الله تعالی **بقعه براء بن مالک** از اصحاب رسول الله بوده و معروف است
و حال آنکه در تواریخ مسطور است که در روز فتح شوشتر شهید شد **و مقام حضرت خضر** در طرف شرق
شهر واقع است **بقعه بشر الحارث الحافی** در آنجا است مدفن بشر را در بغداد و در بیجا ذکر کرده نوشته اند
بموجب تواریخ در شوشتر است و کان تاریخ وفاته فی مدینة تستر یوم العاشوراء من محرم الحرام السنة سبع
و عشرین و مائتین ابن خلکان گوید جد پنجم بشر حافی که عبد الله بود در دست حضرت امیر علیه السلام اسلام آورده صلاح
مروی بوده است مولدش در بغداد شد اوایل حال بمناهی و ملاهی اشتغال می نمود پس خدا تعالی او را توفیق داده در دست
امام موسی کاظم علیه السلام توبه نمود بمرتبه رسید که از اولیاء روزگار و صاحب کرامات گردید چنانکه مشهور است طبیب نصرانی
از برکت دیدن آب و دار او مسلمان شد الحال مزار او در قصبه دولکشا از اعمال شوشتر است و همیشه پای برهنه می بود
تا بعالم بقا رحلت فرمود و بنابراین ملقب بحافی گشت **مزار الشیخ العارف المتأله محمد سوار قدس سره**

در آن دیار است

حرف الشین

در آن دیار است قال السید محمد نوربخش فی مشجراته محمد بن سوار کان من اکابر الاولیاء و اعیان العلماء محدثاً
مرشداً من اهل تستر انتهی **مزار مادر سهل** نوشته اند که منور خانهای سهل و مزار مادر او سجده گاه اهل شوشتر است
بحال خود باقی است و شبهای جمعه مردم آن دیار بزیارت مزار آن عابده مبادرت مینمایند **مزار شیخ شمس الدین**
و سید ضیاء الدین نور الله بن محمد شاه مرعشی در چند واسطه بحضرت علی بن الحسین نسبش منتهی میشود
در شوشتر مدفون است **سادات مشعشع والی خوزستان بوده اند** اول ایشان **سید محمد** بود
در سنه هشتصد و بیست ... خروج کرد بر تمامی خوزستان چون شوشتر و دزفول و حویزه استیلا یافت و خود را
ملقب بمهدی ساخت بعد از چهل سال حکمرانی در سنه هشتصد و هفتاد وفات یافت نسبش بر اینگونه است
سید محمد بن سید فلاح بن هبة الله بن حسن بن علی المرتضی بن السید عبد الحمید نسابه
بن ابو علی فخار بن ابو الغنایم بن ابو عبد الله الحسین بن محمد بن ابراهیم المجاب بن محمد الصالح
بن الامام موسی الکاظم علیه السلام **مولا علی** در اواخر ایام پدرش سید محمد استیلا یافت و زمام
اختیار از دست او بیرون برده سرور آن قوم شد و ایشان را بر این عقیده داشت که روح مطهر حضرت امیر المؤمنین در او
حلول کرده آنحضرت در حیات است لهذا تاخت بعراق عرب برد مشاهد مقدسه را غارت کرد آخر الامر در ورود خانه
کردستان خواست غسل نماید با تیری بقتل رسید **سید حسن بن سید محمد** بعد از برادر و پدر سلطنت کرده ولایت
جزایر و نواحی بغداد را بتصرف در آورد چون او کریم و فضیلت دوست بود علمای شیعه کتب و رسایل بنام او نوشتند و دیگر
سید علی با برادر خود **سید ایوب** در حکمرانی شرکت نموده سرور آن قوم شدند وکیل سلطنت و صاحب اختیار ایشان
شیخ محمد برادر قاضی عبد الله شوشتری بود که از آثار او در شوشتر طاق سنگی است که در برابر روضه امام زاده عبد الله واقع است
و این بیت بر او مکتوب است **شعر** تمام گشت بحمد الله این بنای حسین بسعی صاحب اعظم محمد بن حسین آن وقت شاه
اسمعیل ... عازم بغداد شده هر دو برادر را با اعیان آن طایفه در سنه اربع عشر و تسعمائه بقتل آوردند حویزه و شوشتر
و سایر الکای خوزستان بتصرف اولیای دولت صفویه آمد **سید فلاح** قایم مقام شده بعد از نهضت
شاه اسمعیل از شوشتر بجانب فارس خروج نموده حویزه را در تحت تصرف آورده تحفه های لایق بدرگاه شاه اسمعیل فرستاده
ولایت حویزه را باو مفوض داشتند **سید بدران** در شجاعت و کرم یگانه روزگار بود و پس از پدرش سید فلاح
قایم مقام گردید و اوامر و نواهی درگاه شاهی را مطیع و منقاد بود **مولا سجاد** حاکم حویزه و نواحی عربستان
شد و از مخالفت فرمان همیون بغایت هراسان بود و لکن مردش بهانه که تابع سلاطین روم اند حوالی شوشتر
و دزفول بیجا و بغارت رفتند **شکر آباد** از قرای قزوین است **امام زاده علی** بن عون بن
علی بن ابی طالب علیه السلام در آن دیار مقتول و مدفون است

مشعشع

شکرآباد

شهرستان دهی واقع علی نهر زنده رود فی بین الاصفهان والیهودیة بینها
وبین اصفهان میل واحد وبها قبر الامام الراشد المسترشد ؁

شهربان از قرای نهروانست ودر شانزده فرسخی بغداد واقع است ودر میانه قریتین یعقوبیه وقزل رباط
مزار فیض آثار شیخ مقداد صوفی وحلی عالیمقدار اسبار بحال دعا
اتفاق افتاده
وزاهد ومرتاض بود در نیم فرسخی شهروان در جاده زوار کربلا واقع است عوام وبعضی از خواص اشتباه کرده اند مزار
شیخ مقداد حلی را قبر مقداد بن اسود صحابه پنداشته اند غلط مشهور وخلاف واقع است بجهة اینکه مقداد صحابه در زمین
جوف که بمسافت سه میل مدینه راهست وفات یافت وبمدینه حمل کرده در قبرستان بقیع دفن نمودند پس قبر مقداد
در بقیع است اینکه در شهربان است مزار شیخ مقداد حلی است کما قال صاحب روضات الجنات ان الشیخ مقداد
بن عبد الله بن محمد بن حسین بن محمد السیوری الحلی الاسدی فاضل وفقیه ومتکلم است از کتب
نفیسه اوست نضد القواعد که شرح قواعد شهید اول است وکتاب شرح نهج المسترشدین در اصول دین وکنز
العرفان در تفسیر آیات احکام والتنقیح الرابع در شرح مختصر نافع وشرح باب حادی عشر وشرح مبادی الاصول
وغیره وتاریخ ختم نهج المسترشدین در سال هشتصد ونود بوده است وبرای اوست شرحی بر الفیه شهید اول
واو از شاگردان شهید اول است والبقعة الواقعة فی بریة شهروان بغداد المعروفة
عند اهل تلک الناحیة بمقبرة بغداد مدفن هذا الرجل جلیل الشأن بناء علی وقوع وفاته فی
ذلک المکان او ایصائه بان یدفن هناک لکونه علی طریق القافلة الراحلة الی العتبات العالیات
والا فالمقداد الاسود الکندی الذی هو من کبار اصحاب النبی مرقده فی ارض بقیع الغرقد انه
رضی الله عنه توفی فی ارضه بالجرف وهو علی ثلاثة امیال من المدینة فحمل علی الرقاب حتی
دفن فی البقیع ؁

باب چهاردهم در بیان مشاهد حرف صاد

صباعیه قریه است از نواحی جزایر که در اطراف شط العرب واقع است السید الفاضل
المحدث الادیب الکامل السید نعمت الله الجزایری صاحب انوار نعمانیه قریه مزبور مسقط
الرأس آنجناب است سنه هزار ویکصد ودوازده در قریه صباعیه وفات یافت ودر آنجا مدفون گشت
نسب باهره سید نعمت الله باینگونه است نعمت الله بن عبد الله بن محمد بن حسین بن احمد
بن محمود بن غیاث الدین بن مجد الدین بن نور الدین بن سعد الدین عیسی بن موسی بن عبد الله
ابن الامام موسی الکاظم علیه السلام

حرف الصاد

صالحیه در ضمن دمشق گذشت

صدیقی طایفه ساداتی است در هندوستان در لاهور وکشمیر ودهلی وغیره بسیارند سلسله خود را بحضرت
اسمعیل بن امام جعفر صادق میرسانند وقریب سی هزار باب خانه سادات صدیقی است عموما مؤمن ومتقی میباشند

صفین بکسر الفاء موضع علی الفرات من جانب الغربی بطرف الشام وکان هنالک وقعة
بین علی ومعویة وقعه آنجا در کتب تواریخ مسطور است شان را قاسطین گویند برای اینکه معویه واتباع آن
از حق عدول کردند وبا علی علیه السلام محاربه نمودند

اسامی شهدای صفین

عمار بن یاسر از صحابه عالیمقام واز مؤمنین قدیم الاسلام بوده در مبادی حال از کفار ایذای بسیار کشیده
وعمر عمار نود ویکسال بوده در سنه سی وسه هجری در واقعه صفین شهید شد وقال فی حقه رسول الله یا عمار
یقتلک الفئة الباغیة ویقول الحق مع عمار حیث دار وقتله ابو غادیه من اصحاب معویة
لما قتل احتمله امیر المؤمنین الی خیمته وجعل یمسح الدم عن وجهه ویبکی ویقول اجرک الله خیرا
مات فی سبیل الله حتی قضی صبرا اویس القرنی الیمنی قال فی حقه رسول الله نفس الرحمن
وخیر التابعین آنجناب ادراک جمال شریف حضرت رسالت پناه را نکرد وغایبانه بآنحضرت ایمان آورد
سید محمد نوربخش در شجره اولیا گوید اویس القرنی المجذوب قدس سره هو الذی وصفه رسول الله
بالولایة وقال انی لاجد نفس الرحمن من جانب الیمن وقال ایضا وهو سید التابعین فمن
وصفه النبی لا حاجة له الی وصف احد من الامة ابن جبله ابن جبار نقبا از اصحاب کبار رسول مختار
واز مخلصین ومجاهدین امیر المؤمنین حیدر کرار بودند در غزوه صفین بدرجه شهادت رسیدند
ابو الهیثم مالک بن التیهان الانصاری خزیمه بن ثابت الانصاری ملقب بذی الشهادتین بود
مالک بن الهیثم الانصاری عبد الله بن بدیل بن ورقا الخزاعی عبد الرحمن بن حنبل الجمحی ابی بن قیس
ابو ساسان ابو عمره انصاری هاشم بن عتبه عقبة بن هاشم شرحبیل ابو الفضاله ثابت نباتی
حارث بن قیس سفیان بن زید علقمة بن قیس عمرو بن محض ابو الشعثاء بجلی عمرو بن حصین
عمرو بن دینار الکوفی فاکهة بن سعید عتبة بن جویریه مالک بن مرة النهشلی کیسان غلام علی ابو عرفا
عقیل بن مالک صفوان وسعید پسران حذیفة الیمان خالد خلده احمر غلام علی علیه وعلیهم السلام

صوفی آباد سلطان المتألهین الشیخ امیر رکن الدین علاء الدوله احمد
بن محمد البیابانکی از ملوک سمنان بود وبعد از پانزده سالگی در خدمت سلطان غازان بسر برد ودر یکی
از جنگها که سلطان را باعد ابود و راجذبه رسید

بعد از آن سنهٔ ششصد و هشتاد و هفت در بغداد بشیخ نور الدین اسفراینی رسید در وقت مراجعت از حجاز ارشاد یافت
بعد از سنهٔ هفتصد و بیست در خانقاه سکاکیه در مدت شانزده سال صد و چهل اربعین معتکف بود در ریاضت
مشغول بود گویند فیض ارشاد او بجایی رسید که جامع جمیع سلاسل متاخرین گردید چون عمروی بهفتاد و هفت رسید
شب جمعه سنهٔ هفتصد و سی و شش در برج احرار صوفی آباد بجوار رحمت حق پیوست در حظیرهٔ **شیخ عماد الدین**
عبد الوهاب مدفون گشت **صور** از بلاد شام و دار الحکومهٔ جبل است از معابر انجاست
حکیم فیثاغورس بکسر اول حکیمی است در هندسه و هیئت و جغرافیا استاد است
آن گویند که عقیده‌اش این بود
ظهورش چهار هزار و نهصد و ده سال بعد از هبوط بوده آن کسی است
که آفتاب ساکن و زمین متحرک است و در سنهٔ نهصد و چهل و هفت هجری این سخن در میان اهالی
فرنگستان شایع شد بقول او اعتقاد کردند و همچنین علم موسیقی و وضع نغمات را از احساس هوا
و از صوت حرکات فلک از ذکاوت خود تدوین نمود **و حکیم اقلیدس** از حکمای
عالی مقدار شهر صور است و او را اقلیدس نجار نیز گویند علم ریاضی را دی(؟) منتشر ساخت و کتابی
در هندسه نوشته و نام خود را بر آن نهاده از اهل این فن کتاب او را بسیار شرح کرده اند
و مصنفات دیگر دارد ظهورش را پنجهزار و دویست و یازده سال بعد از هبوط نوشته اند
از کلمات اقلیدس است الخط هندسة روحانیة ظهرت بالة جسمانیة یعنی
خط صورتی در نفس دارد بآلهٔ جسمانی که قلم و انگشت باشد وجود خارجی پیدا میکند بقعه
و مدفن و مقبرهٔ این دو حکیم در شهر صور واقع است فیثاغورث یونانی بود اقلیدس صوری بود

باب پانزدهم در بیان مشاهد حرف ضاد

ضلع قصبه‌ایست از بلاد اناطولی در یک منزلی اماسیه واقع و اطراف آن واسع قریب بیزار باب خانه
در او است مردمش ترکی زبان و حنفی مذهب اند **مزار السید معالی** بن علی بن محمد بن ابی
الشایر الاکبر بن معالی بن علی بن حمزه بن سلیمان بن عبد الله بن حسن مثنی بن الحسن المجتبی
در آنجا زیارتگاه است **ضیعه** از قرای دمشق است **بقعهٔ زینب بنت یحیی بن حسن**
در آنجاست که مشتبه بزینب کبری بنت علی شده در ضمن دمشق تقدیم یافت

باب شانزدهم در بیان حرف طاء

طایف بلده‌ایست از حجاز مردمانش شافعی و حنفی مذهب اند الی مکة المعظمه نیم فرسخ دو منزل
مسافت

حرف الطاء

جمعی از اهلبیت اطهار و از اصحاب کبار در آنجا آسوده اند از جمله **ابن عباس** رضی الله عنه در شعب ابی طالب ولادت
یافت و هفتاد و دو سال عمر کرد در سنهٔ ثمان و ستین در طایف وفات کرد و دیگر مزار **محمد بن حنفیه** در طایف
نیز است اگر چه اصح روایات آن است که در بقیع است لکن در طایف نیز آنحضرت را زیارت میکنند در سال هشتاد و یکم از هجرت
وفات کرد **محمد الاکبر ابن الامام علی** علیه السلام و هو المشهور بابن الحنفیة و کنیته ابو القاسم و له اربعة
و عشرون ولدا و العقب فی ولده من رجلین قتیل الحرة فبقیة عقبه فمنقرض و من ولده بمصر و الصعید
و شیراز و اصفهان و قزوین و منهم بنو الصیاد بالکوفة و هم من اولاد الحسن بن الحسین بن العباس
بن جعفر بن محمد الاکبر بن علی امیر المؤمنین علیه السلام و مزار **السید سلیمان** بن عبد الله بن موسی الجون
بن عبد الله المحض بن الحسن المثنی بن الحسن المجتبی علیهم السلام **و جندل بن جناده** از اصحاب کبار بود
در موضعی از طایف که معروف بکورا(؟) مدفون است **و محمد بن مسلم** طایفی از اصحاب ابی جعفر
و ابی عبد الله علیهما السلام بود و از جملهٔ راویان ممدوح و صحیح گو و از آن هیجده نفرند که علمای رجال
ذکر نموده اند که اجماع است بر تصحیح ما یصح عنهم از آنجا برخاسته و در آنجا نیز مدفون است
طالش دولاب محالیست در دار المرز گیلان **بقعهٔ سید شرف الدین شاه** در آنجاست
در هفت واسطه از اولاد حضرت امام موسی الکاظم است در آنجا مدفون است و دیگر از بقاع آنجا مولانا
میر شمس الدین مشهور بمیر سه تنبه(؟) آنجاست عالم و عارف و عابد و زاهد و مجاهد و مرتاض بود
آنجناب جد سیمی فقیر مؤلف و جد سادات حسینی طالش است مزارش مطاف اهالی اندیار است
طبریه بلدة بقرب دمشق بینهما ثلاثة ایام مطلة علی البحیرة و جبل الطور مطل علیها
و هی مستطیلة علی البحیرة یخوفه سنح بناها ملک من ملوک الروم اسمه طباریه و بها البحیرة
عشرة امیال فی ستة امیال و کبرکما احاطت بها الجبال ینصب الیها فضلات الانهار
و بها معدن المرجان و فی وسط البحیرة صخرة منقورة طبقت بصخرة اخری تظهر من بعید
زعموا انها قبر سلیمان النبی و بطبریة قبر لقمان الحکیم بها نهر عظیم و الماء الذی یجری فیه
نصفه حار و نصفه بارد و ینسب الیها سلیمان بن احمد الطبرانی احد الفضلاء المعروفین
من تصانیفه المعجم الکبیر ولد سنة ستین و مائتین بطبریة الشام و سکن اصفهان الی

باب شانزدهم

طرابلس سفلی وهو غزة وان الغزة مدينة فی اقصی الشام من ناحية مصر بينها وبين القدس مرحلة وفيها مات هاشم وبها ولد الشافعی

طرابلس

الی ان توفی بها فی شهر ذی القعدة سنة ستين وثلاثمائة وعمره تقديراً مائة سنة ودفن الی جانب حممة الدوسی صاحب رسول الله وحممة رجل من اصحاب النبی خرج الی اصفهان غازيا فی خلافة عمر بن الخطاب ومات باصفهان **طرابلوس** شهری است درکنار دریای روم از شهرهای فلسطين است از مراقد فيض آثار **حضرت هاشم بن عبد المناف** در نخبات هاشم بقصد تجارت از مدينه بشام رفت سلمی وپسرش عبد المطلب که طفل رضيع بود در مدينه بودند هاشم بعد از خريد مال التجاره از شام حرکت کرده در حالتيکه مريض بود در بين راه مرضش شدت کرده در منزل طرابلس وفات يافت **الشيخ زيد بن علی بن عبد الله الفارسی الفسوی** قال ابن عساکر فی تاريخ دمشق کان فاضلاً عالماً بعلم اللغة والنحو عارفاً بعلوم کثيرة شرح الايضاح وحماسة ابی تمام اقام بحلب ثم سکن بدمشق ومات بطرابلس المرحوم فی ذی الحجة سنة سبع وستين واربعمائة **طی** سمعانی گفته که آن نام پدر قبيله ایست از عرب که سلسله نسب او بقحطان ميرسد چند کس از قبيله طی بيرون آمده اند که اوصاف سرآمد طوايف عرب اند حاتم در جود داود در فقه ابو تمام در شعر شيخ محی الدين در عرفان **بعضه حاتم عبد الله بن سعيد** در ميان قبايل جود در کمال اشتهار است وحاتم الطائی بکر الباء اسمه عبد الله بن سعيد الحشرج کان جواداً شجاعاً شاعراً مظفراً اذا قاتل غلب واذا سئل وهب واذا اسر اطلق واذا اسری انفق قال شاعر فی حاله **شعر** لو ان فی القوم حاتماً علی جوده ما جاد بالماء لبنی هاشم انتهی **طيبه** قريه ايست در عراق عرب قبر منور **دعبل خزاعی** در نخبات دعبل شاعر من خزاعة مشهور فی اصحابنا بالايمان وعلو المنزلة وعظم الشأن واليه ينسب کتاب طبقات الرجال وقصته مع الرضا مشهورة دعبل ابو علی بن علی الخزاعی اصلش از کوفه است تولدش در سال وفات حضرت جعفر صادق بود روزگاری در بغداد اقامت کرد ودو ديدار چهار ائمه را درک نمود وهمراه حضرت رضا به خراسان رفت بعد از وفات آنحضرت باز بعراق عرب برگشت ونود ودو سال عمر کرد سنه دويست وچهل وشش هجری در بلده طيب که ميان واسط واهواز وشوشتر واقع است وفات يافت قصيده اش در السنه وافواه مشهور وشرح صلش با حضرت رضا در کتب مسطور است

(حاشيه:) طرابلس ... والهاشم بين الرحلتين رحلة الشتاء الی اليمن والعراق ورحلة الصيف الی الشام ومات بغزة من ارض الشام

(حاشيه:) طی ... طور سينا ... قال المبرد ... والمراد هنا طور سينا ... الجبل

طيبه

حرف الطاء

طيسفون

طيسفون در زمان قديم شهر عظيم وتختگاه سلاطين ساسانيان بود ودجله از شرق آن ميگذشت شهر طيسفون مابين بغداد ومداين واقع بود ودر اراضی مداين هفت شهر بود که مداين سبعه ميگفتند يکی طيسفون ودر مقابل آن در ساحل يمين دجله شهر معتبر بود موسوم به سلوس اعراب طيسفون وسلوس را بر روی هم مداين ميگفتند يا اين دو شهر را با پنج شهر ديگر مداين سبعه ميگفتند وبعد محض تسهيل سبعه را انداخته اند در زعم بعضی مداين همان طيسفون است پس مفرد ميان آن اسم جمع داده اند باجمله شاپور ذو الاکتاف وپرويز بن هرمز وانوشيروان عادل بتکميل بنای آن شهر پرداخت تا معروف بايوان کسری شد وقبور اکثر ايشان در آنجا است وبنائی باستحکام طاق کسری در هيچ جائی از ايران ديده نشده سرای تشيد ومحکم بوده ظهير فاريابی گويد جزای حسن عمل بين که روزگار هنوز خراب مينکند بارگاه کسری را وشرف الدين در قصيده برده گفته وبات ايوان کسری وهو منصدع کشمل اصحاب کسری غير ملتئم شيخ سعدی گفته چو حيش در افواه دنيا فتاد تزلزل در ايوان کسری فتاد شخصی بديده عبرت ايوان مذکور را تماشا نمايد چنان حالی او را دست ميدهد که گريان ميشود مقدار کعبه هشتاد قدم طول آن عرض است وهشتاد قدم ارتفاعش ميباشد انسان که می بيند حيرت دست ميدهد خاقانی گويد **نظم** هان ای دل عبرت بين از ديده نظر کن هان ايوان مداين را آئينه عبرت دان يک ره ز ره دجله منزل بمداين کن وز ديده دوم دجله بر خاک مداين ران دندانه هر قصری پندی دهدت نو نو پند سر دندانه بشنو ز بن دندان گويد که تو از خاکی ما خاک توايم اکنون گامی دو سه بر ما نه اشکی دو سه هم بفشان اين است همان ايوان کز نقش رخ مردم خاک در او بودی ديوار نگارستان اين است همان درگه کورا ز شهان بودی ديلم ملک بابل هندو شه ترکستان ... زيرا که خورده است بجای می در کاس سر هرمز خون دل نوشروان پرويز بهر خوانی زرين تره بنهادی کردی ز بساط در زرين تره را بستان پرويز کنون گم شد زان گمشده کمتر گو زرين تره کو برخوان رو کم ترکو برخوان مرحوم رضوان جايگاه ناصر الدين شاه شهيد طاب ثراه وقتيکه بزيارت عتبات عاليات رفت بديدن طاق کسری تشريف برده بادست خود طول وعرض ايوان کسری را بدقت معين فرمود طول فرش انداز ايوان چهل وهشت ذرع قطر پايه ديوار دست راست هفت ذرع ويکچارک قطر پايه درگاه سمت شط چهار ذرع ونيم است قطر پايه درگاه دست چپ هفت ذرع ويکچارک عرض دهنه طاق سی وچهار ذرع ونيم ارتفاع طاق سی ودو ذرع دهنه بالای طاق از ابتدا تا انتهای سمت شمال نه ذرع طول درگاه سمت شمال نه ذرع عرض درگاه سمت شمال چهار ذرع

سلاطین ساسانی

باب شانزدهم

در ذکر ملوک ساسانیان ۱ **اردشیر** بابکان بود به احیای مذهب زردشت پرداخت و با روم
مصاف داد سال جلوسش دویست و بیست و شش میلادی و وفاتش دویست و چهل مدت سلطنتش چهارده سال بود ۲
شاپور اول امپراطور روم را اسیر کرد و ظهور مانی در زمان او کرد سی سال و وفاتش دویست و هفتاد و یک مدت سلطنتش
بیست و یکسال ۳ **هرمز** اول با مانی ملاطفت نمود بعد از یکسال سلطنت در سنه دویست و هفتاد و دو وفات یافت ۴
بهرام اول مانی را کشت بعد از سه سال پادشاهی سنه دویست و هفتاد و پنج وفات کرد ۵ **بهرام** دوم ارمنستان را
از دست داد ۶ **بهرام** سوم مدت سلطنتش چهار ماه بود ۷ **نرسی** قیصر روم را اول مرتبه شکست داد
بعد از آن شکست خورد و کردستان و بین النهرین را از دست داد مدت نه سال سلطنت کرد ۸ **هرمز** دوم عادل بود
و میل بآبادی مملکت داشت مدت هشت سال حکمرانی کرد ۹ **شاپور** ذو الاکتاف اعراب را مقهور نمود
با روم جنگ کرد بعد از مدت هفتاد سال حکمرانی سنه سیصد و نه وفات یافت ۱۰ **اردشیر** دوم مدت چهار سال
حکمرانی نمود ۱۱ **شاپور** سیم مدت سلطنتش پنج سال بود ۱۲ **بهرام** چهارم مدت یازده سال سلطنت کرد
۱۳ **یزدگرد اثیم** اهل مذهب را آزار کرد مدت بیست سال سلطنت کرد ۱۴ **بهرام گور** با روم جنگ کرد
خاقان ترک را شکست داد در باطلاق فرو رفت ۱۵ **یزدگرد** دوم ارامنه را زردشتی کرد هیاطله را مقهور
نمود آخر از آنها شکست خورد ۱۶ **هرمز** سیم دو سال سلطنت کرد ۱۷ **فیروز** بر ارامنه ستم کرد از هیاطله
شکست خورد و کشته شد مدت بیست و چهار سال سلطنت کرد ۱۸ **بلاش** با هیاطله صلح نمود ارمنستان را
منظم ساخت ۱۹ **جاماسب** مدت دو سال سلطنت کرد ۲۰ **قباد** قبایل خزر را مقهور نمود پیرو دین
مزدک شد باین جهة او را خلع نمودند بکمک هیاطله باز سلطنت یافت با روم مصاف داد مدت سلطنتش چهل و یکسال
بود ۲۱ **انوشیروان** مملکت را از حیثیت نظم دولتی بدرجه اعلا رسانید بزرگترین سلاطین ایران شد
نام نیکی در جهان بیادگاری گذاشت چنانکه شیخ اعلم شیراز گوید **شعر** زنده است نام فرخ نوشیروان بعدل
گرچه بسی گذشت که نوشیروان نماند در سال دوم سلطنت او حضرت خاتم الانبیا بولادت باسعادت خود
عالم را منور کرد و آن سنه معروف بعام الفیل است از قرار مشهور آنحضرت خود مباهات کرده فرموده است که
ولدت فی زمن الملک العادل شیخ سعدی نظر باین حدیث در مدح ابوبکر بن سعد گوید **نظم** سزد گر بدورش
بنازم چنان که سید بدوران نوشیروان در شب ولادت حضرت رسول الله دوازده کنگره از طاق کسری
ریخته خراب گردید مدت سلطنتش چهل و هشت سال بود ۲۲ **هرمز** چهارم ظالم بود بتوسط بهرام چوبینه خاقان
ترک را شکست داد بعد [illegible] در سال پانصد و نود کشته شد مدت ملکش یازده سال بود ۲۳

حرف الطاء

٤٦

خسرو پرویز از دست بهرام چوبینه بروم پناه برد بکمک امپراطور موریس بهرام را شکست داد مدت سلطنتش
هشت سال بود ۲۴ **قباد** دوم با شیرویه با هراکلیوس صلح کرد تمام برادران خود را کشت یکسال
سلطنت کرد ۲۵ پوراندخت ۲۶ ۲۷ آزرمیدخت ۲۸ یزدگرد سیم از اعراب شکست خورد در مرو کشته شد
و سلطنت عجم منقرض گردید **و مانی الحکیم** ظهر فی زمان شاپور بن اردشیر و قتله
بهرام بن هرمز بن شاپور و ذلک بعد عیسی ۲۷۰ اخذ دینا بین المجوسیة و النصرانیة
و کان یقول بنبوة المسیح و لا بنبوة موسی و المانیة اصحابه یقولون ان فاعل
الخیر النور و فاعل الشر الظلمة **و مزدک** در ایام قباد پدر انوشیروان ظاهر شد و گفت
نور و ظلمت هر دو قدیم اند خداوند مال و نعمت را برای اولاد آدم آفریده فقیر و غنی همه شریک در اموال
و فروج تصرف نمایند بر کسی حرام نباشد و وطی با محارم را حلال دانست و مواسات در ملک و مال و زن واجب
ترغیب کرد قباد فریب مزدک را خورده بعقاید سخیفه او معتقد شد مزدک چون گستاخ شد خواست
بمادر انوشیروان در آمیزد شاهزاده مانع شده کینه مزدک در دلش بماند پس از زمانی فساد کار بجائی
رسید که هیچ پدر پسر خود را نمیشناخت و هیچ پسر نمیدانست پدرش کیست و قباد خواهر با برادر
بشرع مزدک با برادرش بهم رسید چون انوشیروان بر تخت سلطنت نشست با وزیر خود بوزرجمهر در قتل
مزدک و مزدکیان مشورت کرد آنوقت مزدک را بقتل رسانید در یک روز هشتاد هزار نفر از ایشان
بقتل آورد و صحن زمین را با آب عدالت از لوث مزدک و مزدکیان پاک ساخت **و حکیم**
بزرجمهر یا بوزرجمهر پسر سوخرا است سوخرا در عهد قباد کشته شد بالجمله بوزرجمهر وزیر
انوشیروان بود حکیمی بود بحکمت معروف و تدبیر مشهور او بوزرجمهر در قتل مزدک و مزدکیان ساعی شد
روز بروز جلالت قدر آن وزیر پر تدبیر بحضرت انوشیروان در ازدیاد بود تا کوکب بختش از برج
اول رسیده با تهامی انوشیروان بر آن حکیم خشم گرفته او را بکشت ظهور بوزرجمهر در شش هزار و یکصد و
سی و چهار سال بعد از هبوط آدم بود قبر او و قبور اکثر سلاطین ساسان در اراضی طیسفون واقع است

باب هفدهم در بیان مشاهد حرف ظاء

باب هفدهم حرف الظاء

ظفریه از بلاد یمن است و قلعه محکم دارد و ذخایر ملوک در آنجا مخزون است سکنه اش قوم عرب
عموماً زیدی مذهب اند شرفا و عرفای یمن در آنجا مدفون است **ظهران** اسم قصبه است مابین مکه و [illegible]

ظفریه

ظهران

باب هیجدهم در بیان حرف عین

عدن شهر عدن را عدنان بنا عذب بن اذا بن الیسیع بن همیسع بن سلامان بن نبت بن حمل بن قیدار بن اسمعیل بن ابراهیم علیه السلام که جد حضرت رسول الله بود بنا نهاد در بنام خود موسوم نمود گویند **قبر شریف عدنان** در شهر عدن واقع است

عریش قریه است مابین مصر و بیت المقدس واقع است ده نفر از انبیاء بنی اسرائیل در آنجا مدفون اند **عکه** بندری است از بنادر شام قریب هزار خانه در اوست **قبر مطهر حضرت صالح** پیغمبر در خارج شهر قریب بدروازه واقع و زیارتگاه ساکنان آنموضع است اقول ان هذا الصالح لیس صالح النبی ابن ثمود بن عاد بن ارم بن سام بن نوح لانه توفی بمکة عن ثمان وخمسین سنة **علی آباد** قریه است مابین یعقوبیه و جزانیه واقع و بقعه در حوالی آن است **مالک دینار** مشهور کرده اند که قبر مالک اشتر است غلط مشهور است زیرا که مالک اشتر را در راه مصر مسموم کرده حمل بمدینه نموده در بقیع دفن کردند **عین الورد** از اعمال قرقیسیا در مابین حدیثه و رقه واقع است **سلیمان** بن صرد خزاعی **مسیب بن نجبه** **عبدالله** بن سعد ازدی **عبدالله** بن والی التمیمی **رفاعة** بن شداد بجلی از اصحاب علی علیه السلام بودند و از اشخاصی بودند که حضرت حسین را بکوفه دعوت کردند بعد از تشریف آوردن حضرت بکربلا از ترس ابن زیاد نصرت و یاری بر امام نکردند بعد از واقعه کربلا خروج کردند و در محل مذبور بدرجه شهادت رسیدند **عین وزران** از توابع دماوند است **امام زاده عبدالله** بن جعفر صادق علیه السلام در آنجا مدفون است

باب نوزدهم در بیان مشاهد حرف غین

غجدوان بلده است از توران **الشیخ عبدالخالق** غجدوانی از اکابر عرفا و فقرای نقشبندیه و مرید خواجه یوسف همدانی بود **و خواجه عطاء الله** از مشایخ سلسله نقشبندیه در آنجا مدفون اند **غدیر خم** موضعی است مابین مکه و مدینه نزدیک جحفه

در ایلی

باب هیجدهم حرف عین
عدن
عریض
عریش
عرفات
عکبرین
عکه
علی آباد
عین الورد
عین وزران
باب نوزدهم حرف غین
غجدوان
غدیر خم

عباس آباد قریه است از محال تنکابن مزار حضرت ایوب پیغمبر در آنجا در کنار کاظم رود واقع است بطاق بقعه اش قبری سنگ بواسطه زلزله رسیده در لوح بر صندوق آویزان است چنین نوشته اند ایوب بن موص بن تارخ بن عیص بن اسحق بن ابراهیم و در حوالی آنجا قبور بسیار است و این اشعار نجکیته بد در آن ایوان نوشته شده خطی آب طلا مشی قضا و قدر نوشته بر در این کاروانسرای دو در که ای ز قافله واماندگان ره پیما اگر کنید درین کاروانسرای گذر ز نیک و زشت چو نسیم صبا درون آید برون روید چو خورشید از در دیگر همین رواق زراندود در اکه می بینید نشیمن جم کاوس بود و بانو در ز هر چو جان عزیزش بلب رسید بگفت یکی نصیحت من گوش کن تو جان پدر بهر دیار که در چشم خلق خوار شوی سبک سفر کن از آنجا برو بجای دگر درخت اگر متحرک شدی ز جای بجای نه جور اره کشیدی و نه جفای تبر و چشمه در آن نزدیکی است که کرم ایوب در آنجا است گویند این همان چشمه است که بدن را در آن شست اکنون در میان آن چشمه بشکل خراطین به کلفتی انگشت بزرگ و کوچک بروی سنگهای نرم و سفید پیدا میشود و تحقیق آن است که ایوب بن عیص بن اسحق که در قرآن مجید مذکور است و نام زنش لیا دختر یعقوب بود بعد از هفت سال ابتلا و طول مرض عرض کرد انی مسنی الشیطان بنصب و عذاب و حضرت باری فرمود ارکض برجلک هذا مغتسل بارد و شراب الآیه منزل آنحضرت در قریه نوا از مضافات حوران در منزل دمشق بود قال فی المراصد نوا بلیدة من اعمال حوران وقیل هی قصبتها وهی منزل ایوب وبها قبر سام بن نوح وقال ایضا دیر ایوب قریة بحوران من اعمال دمشق کان یسکنها ایوب وبها ابتلاه الله عز وجل وبها العین التی ارکض برجلک والصخرة کان علیها وبها قبره صاحب طرائق از کتاب زیارات نقل میکند از جمله مزار جناب ایوب را در سمرقند نشان میدهند و محل طواف مردم و زیارتگاه مشهور است و در آن حوالی نیز قریه است نام آن نوا باشد قال فی المراصد نوی من قری سمرقند علی ثلثة فراسخ بقرب دوان

ذکر مشاهد حرف الغین

در اینجا گو داکی است که غدیر الجحفه نامند حضرت رسول در حجة الوداع هجدهم ذی الحجه امیر المؤمنین امامت و خلافت حضرت علی را در آن مکان فرمود و مسجد غدیر الکرون دیوارش باقی است و علامتش معلوم است **غری** نام زمین نجف الاشرف است در ضمن حرم مطهر درج شد **غزنین** قصبه ایست از بلاد زابل و افغانستان مابین قندهار و کابل واقع است الشیخ العارف الکامل مجدود بن آدم الشهیر به **حکیم سنائی** از اشراف روزگار و کبرای شعرای صوفیه عالیمقدار بود سنه پانصد و بیست و پنج هجری در قصبه مزبور بجوار رحمت ایزدی پیوست و در آنجا مدفون است و کتاب حدیقة الحدیقه و چند کتاب مثنوی دیگر دارد شیخ بزرگوار محب خالص العقیده بر ائمه اطهار است و از اشعار آنجناب این یک رباعی در نظرم بود **رباعی**

ای سنائی ز قوت ایمان   مدح حیدر بگو پس از عثمان   با مدیحش مدایح مطلق   زهق الباطل است جاء الحق

و شیخ رضی الدین لالا ابن عم حکیم سنائی نیز در جوار حکیم سنائی مدفون است الفاضل المحدث المتکلم **علی بن الحسین واعظ غزنوی** واعظ خوش تقریر و محب خالص العقیده بود ابن الجوزی در کتب خود از مقالات وعظ او نقل کرده سلطان مسعود تعظیم او می نمود و به مجلس وعظ او حاضر می شد چون سلطان وفات یافت مخالفین بمقام اهانت و آزار او بر آمدند و او هم در همان ایام بیمار شد در محرم الحرام سنه پانصد و چهل و شش وفات یافت و در رباطی که در باب الرج واقع و ماوی خود بود مدفون گردید و اما مقبره ملوک غزنویه که مدت سلطنت ایشان دویست سال بود در قصر فیروزه غزنین واقع است

ذکر ملوک غزنوی

اول ایشان **ناصر الدین سبکتکین** اکثر ممالک را متصرف شد و در هندوستان فتوحات کرد امیر نوح سامانی را یاری نمود مدت سلطنتش نوزده سال در سنه سیصد و هشتاد و شش هجری وفات یافت ۲ **اسمعیل** با برادرش سیف الدوله نزاع کرده مقهور شد و مدت هفت ماه سلطنت کرد ۳ **محمود** ابتدا ملقب بسیف الدوله بعد بیمین الدوله و امین الملة شد در هندوستان فتوحات نمود و ماوراء النهر و خوارزم و عراق را مسخر کرد و شعرا و فضلا را مروج بود و احسان میکرد مدت چهل و چهار سال سلطنت کرد سنه چهار صد و بیست و یک وفات یافت در قصر فیروزه غزنین مدفون گردید ۴ **مسعود** محمد او را کور کرد و از سلطنت انداخت کریم و نیکوکار و دانش دوست بود سلجوقیها خراسان را از او گرفتند در سال چهار صد و سی و دو وفات یافت مدت یازده سال حکمرانی کرده ۵ **محمد** بعد از مسعود سه ماه سلطنت کرد مودود بن مسعود او را کشت ۶ **مودود**

غری

غزنین

سلاطین غزنویان

رشید ۷ در هندوستان تسلط یافت اما ایران را از دست داد در سنه چهارصد و چهل و یک وفات یافت
بدست غلام خود کشته شد مدت چهار سال سلطنت کرد سنه چهارصد و چهل و چهار وفات یافت
فرخزاد ۸ با سلاجقه زد و خورد و هفت سال سلطنت کرد سنه چهارصد و پنجاه و یک وفات یافت
ابراهیم ۹ با سلجوقیان صلح کرد از ایران چشم پوشید در چهارصد و نود و دو وفات یافت مدت حکمرانیش
چهل و یک سال بود ۱۱ ارسلان از سلطان سنجر شکست خورد مقهور شد مدت سه سال پادشاهی
کرد ۱۲ بهرام در هندوستان ظفر کرد با غوریان زد و خورد در عهدش دولت بود کتاب کلیله و دمنه
و مخزن الاسرار باسمش اوست ۱۳ خسرو از غوریها شکست خورد و بهند گریخت لیکن غایت بود
غوریها او را کشته غزنویان را مستقرض ساختند مدت هشت سال سلطنت کرد در سنه پانصد و
هشتاد و سه وفات یافت

باب بیستم در ذکر مشاهد حرف فاء

فاس از بلاد مغرب مردمش قوم عرب و اغلب مالکی مذهب اند **شیخ ابو عمرو** مشهور بحری البحری
از اکابر فضلا بود در بلد مذکور در داخل باب جدید مذکور مشهور است
فتح آباد قریه است از نواحی بخارا و در نیم فرسخی آن واقع است بقعه **شیخ سیف الدین باخرزی**
که او را شیخ العالم میگفتند در قریه مزبور واقع است **و مولانا میر علی مشهدی** در حسن خط
در شهر مشهور آفاق بود در جوار مزار شیخ العالم مدفون است ۹
فخ چاهی است در مسافت دو فرسخی مکه و در آنمکان اطفال را محرم میکردانند **امامزاده عبد الله
بن عمر الاطرف بن علی** ع در سال صد و شصت و نهم هجری در فخ مدفون گردید و مقتول و مدفون جمعی از امامزاده
که شهدای فخ گویند در یوم ترویه در آنجا شهید شدند قال الواقدی الفخ اسم الشعب الذی فیه محمد
الحنفیة بلیه و بین مکة ستة امیال والمقتولین فیه **الحسین** بن علی بن حسن بن
حسن بن علی ع **و سلیمان** بن عبد الله بن حسن بن حسن **و عبد الله** بن حسن
مثلث که افطس میگفتند **و ابراهیم** بن اسمعیل طباطبا **و عمر** بن حسن بن علی بن حسن
بن حسن ع **و عبد الله** بن اسحق بن ابراهیم بن حسن مثنی بن الحسن المجتبی ع و مادر آنجا مقتول
و مدفون شدند و قاتلهم موسی بن عیسی فی ایام موسی الهادی سنة تسع و ستین و مائة
۱۶۹ **فدک** صاحب معجم البلدان نوشته است که قریه ایست در حجاز با کفار خیبر بود

باب بیستم حرف فاء — فاس — فتح آباد — فخ

الفخ بفتح اوله وتشدید ثانیه وادی بمکة قتل به حسین بن علی بن الحسن العلوی یوم الترویة سنة تسع وستین ومائة

فدک — وقتل جماعة من اهل بیته وفیه دفن عبد الله بن عمر وجماعة من الصحابة

بطریق

بطریق صلح در تحت تصرف حضرت خیر البشر آمد بموجب وحی الهی خالصه حضرت رسالت پناهی شده بود و چون آیه وآت
ذا القربی حقه نازل شد یعنی اعط فاطمة فدکا پس حضرت بفاطمه فدک را تفویض فرمود و در تصرف خواتون
بود بعد از وفات حضرت فدک را از فاطمه بقهر و غلبه غصبا گرفته و متصرف شدند در کتاب حبیب السیر مسطور است که هارون
الرشید بموسی بن جعفر عرض کرد فدک را محدود نماید تا بشما واگذارم حضرت فرمود حد اولش عدن و حد ثانی
سمرقند حد ثالث افریقیه حد رابع ارمینیه است رنگ از صورت هارون پریده اول از استماع این سخن کرج شد
بعد از دو بعد سیاه کردید گفت ای کاظم حدود مملکت و قلمرو سلطنت ما را نام بردی که همه حق بنی فاطمه بوده است
بنی امیه بنی عباس غصبا تصرف کرده ایم بعد از آن هارون از حضرت بردل شده بقصد قتلش در افتاد تا محبوس و مسموم شد
فرغانه بفتح اول نام شهری است از بلاد ما وراء النهر ترکستان **قتیبة بن مسلم** که مردی شجاع و
دلیر بود و از جانب حجاج بن یوسف ثقفی امارت خراسان داشت قتیبه تمام بلاد مشرق زمین را از خوارزم و سمرقند
و بخارا و کاشغر فتح نمود آخر الامر در شهر ذی الحجة الحرام سال نود و ششم در فرغانه کشته شد قبرش در بلد مزبور است
فرما شهری است نزدیک بفسطاط مصر **بقعه جالینوس حکیم** در آنجاست جالینوس از حکمای
یونان بوده و از اهل ماکادونیه از آنجا بروم آمد بعد در مصر و اسکندریه ساکن شد در فن طب او را خاتم
الاطبا نامیده اند قریب چهار صد جلد کتاب تالیف نموده با جمله او را از جمله فلاسفه شمرده اند فقط طبیب
خوانند میگویند ماورای طبیعت بعالمی معتقد بوده پس هشتاد و هفت سال از عمرش گذشته بود در بحر اخضر
در کشتی وفات یافت جسدش را از شهر فرما بخاک سپردند و این قضیه هجرار و هفتصد و یک سال بعد از هبوط آدم
واقع شد
فرهاد آباد قریه است در چهار فرسخی قصبه بجار کردستان بقعه **سیده خواتون**
مشهور بشهیده خواتون از دختران حضرت موسی الکاظم ع در آنجاست و مقامی است که **خضر زنده**
میگویند کرات حضرت خضر را در آنمکان دیده اند **فیروز کوه** از مازندران مشهور اهالی ایران است
امامزاده محمود در موضع جاران **و امامزاده محمد** هر دو از اولاد موسی الکاظم علیه السلام
در موضع دربان مدفون میباشند ۹

باب بیست یکم در بیان مشاهد حرف قاف

قادسیه از مداین عراق عرب است در زمان قدیم قصبه بود اکنون مخروبه است والقادسیة
قریة قریبة من الکوفة من جهة المغرب على طرف البادیة على نحو خمسة عشر فرسخا وهی آخر
ارض العرب واول حدود سواد العراق اذا خرجت منها اشرفت على النجف فربها ابراهیم

حسین الاصغر — فرغانه — فرما — فرهاد آباد — فیروز کوه — باب بیست یکم حرف قاف — قادسیه

قبر النذور ... بغداد وقال علی بن ... له ... بغداد وحزب ما حوله وصار فی البریة وبین
مشهد نظاهر بغداد ... النذور ... بغداد وبین سور بغداد قریب
نصف میل من النذور ... محمد بن عمر بن زید بن علی بن ... کان اولاً
وهو قبر عبد الله بن محمد بن ... علی بن ابی طالب علیه السلام

باب بیت یکم

نصف فرسخ

صح

ودعا بها بالقدس وهناک کانت وقعة مشهورة فی خلافة الثانی **عمرو بن ام مکتوم** از اصحاب رسول
در قادسیه شهید شد و در انجا مدفون گردید **قدم** از قرای بحرین است **الشیخ الفاضل المتبحر**
العالم الربانی شیخ علی بن سلیمان بحرانی ملقب بزین الدین در دیار عجم مشهور
بام الحدیث بوده و در بلاد بحرین رئیس و متولی امور حسبیه بود در سال یکهزار و شصت و چهار وفات
کرد مزارش در قدم است انجناب اول کسی است که نشر علوم و احادیث امامیه را در بلاد بحرین
و ترویج شریعت و دین فرمود و حواشی بر کتاب تهذیب و استبصار نوشت و دفع بدعات
و اختلافات کرد آن بزرگوار سه پسر داشت یکی **شیخ صلاح الدین** بسیار فاضل بود
و در علم حدیث و اخبار جامع بود بعد از مدتی متولی امور حسبیه شد و بجای پدر در مجلس قضا و مجلس درس اوست
نماز جمعه و جماعت مینمود لکن بعد از پدر چندان باقی نماند آن هم وفات یافت در مقبره پدرش
مدفون گشت پسر دوم آن شیخ **حاتم بن شیخ علی** و او فقیه فاضلی بود سیم **شیخ جعفر بن شیخ علی**
و او در امر بمعروف و نهی از منکر کمال عصبیت داشت بعد از پدر امام جمعه و جماعت بود قرن المنازل
قراباغ در دو فرسنگی شیراز واقع است **سید محمد و شیخ احمد اقطع** هر دو در انجا
قریة العنب از بناهای شاپور ذو الاکتاف مسکن بنی اسرائیل بود حضرت
مدفونند
عزیر پیغمبر با شریعت حضرت با ایشان مبعوث شد با برادرش **عزیز** توام زائیده بودند
در یکوقت وفات کردند و در یکقبر در قریه مزبور دفن گشتند **قسطنطنیه**
که اکنون اسلامبول یا استانبول نامند شهر دار الملک سلاطین آل عثمان است و قلاعیه که
میان آن و اسلامبول خلیج است که عرضا قریب بچهارصد گز میرسد و ابو ایوب انصاری که
طرف شمال اسلامبول بمسافت نیم فرسخ دور است و فیما بین شهر و ابو ایوب قبرستانی وسیع
و دریائیست که عبارت از کنار خلیج است طول آن دوازده فرسخ و هر دو طرفش معمور و جمعیتش
نامحصور است و ارک دار الاماره دور حصارش یکفرسخ است و جمیع عمارات و بیوتات آن اکثر
سه چهار طبقه همگی از سنگ تراشیده شده و سطح بامهای **بصفایح** رصاص مرصوص کرده اند
من العجایب در میدان مسجد سلطان محمد خان سنگی است مربع تصاویر حواریون حضرت
عیسی در آن کنده شده **من الغرایب** مسجد ایاصوفیا الحال سه هزار و سیصد و پنجاه سال

بنا

قدم
صحابی سعد بن عبید الانصاری
کنیت او ابو عمرو و قاری بود
بدر بود در قادسیه مقتول گشت
معروف شد لعبه القاری است
و این از صحابه چهار تن القاری است
که در زمان رسول خدا قرآن
جمع کردند

قراباغ

قریة العنب

قسطنطنیه

... الدین ... ساخته
... در ... سید ...
در ضمن ... بود

حرف القاف

۵۲

بناشده هجری از احجار آن متحیر گشته و آن یک گنبد در طاق مانند رواق است و از اندرون تا قبه در ارتفاع آن هفتاد
گز میشود تقریباً با هزار کس در آن مسجد نماز توانند کرد عمارات از سنگ رخام است و با آهن و سرب محکم و مرصوص کردانیده اند در ماه
رمضان ده هزار قندیل چراغ در الجامع آویخته اند و ده شمع بزرگ از موم کافوری بر یسار و یمین محراب وضع کرده اند
بلندی هر یک تقریبا پنج گز است و قطر آن یک گز میباشد و تمام سال سوخته میشود و در اول سال دو شمع دیگر بجای او
نصب میشود در آنجا از طوایف بسیار سکونت دارند ۱ حنفی مذهب و اینطایفه بیشمارند ملوک آل عثمان نیز مذهب
ابوحنیفه دارند ۲ شافعی اینقوم نیز از شماره بیرون اند ۳ مالکی ۴ حنبلی ۵ نصاری ۶ یهودی ۷
جماعت علی اللهی ایشان قریب ده هزار خانه دارند حرفت قنادی و سراجی در آنجا مخصوص آن طایفه است ۸
شیعه امامیه تخمینا هفت هزار خانه میشوند و از سلاسل درویشان و مشایخ سلسله بکتاشی ابدالی موسائی
جلالی قادری رفاعی نقشبندی عجمی مولوی شطاری حمزوی عشاقی در آنجا بسیار است
دار شاه انجا **بقعه ابو ایوب بن زید الانصاری** اسم او خالد است از اصحاب کبار
در غزوات با رسول مختار و در جمل و صفین و خوارج در ملازمت حیدر کرار مجاهد مینمود ابو ایوب در زمان
معویه بغزای روم رفت و در اثنای وصول بآن دیار بیمار گردید و چون وفات یافت وصیت نمود که هر جا
با لشکر خصم ملاقات واقع شود او را دفن کنند بنابراین ظاهر استنبول نزدیک بسور آن بلده او را مدفون
ساختند و مرقد منور او محل دعای استسقای و استشفای مسلمانان و نصاری است صاحب استیعاب نوشته
که چون اهل شام از حرب فارغ شدند قصد آن کردند که نبش قبر او نمایند مقارن الحال باران بسیار که خبر
از قهر پروردگار رسید از برایشان واقع شد و ایشان متنبه شده دست از او برداشتند و در جامع مصطفی پاشا
مزار **جابر بن عبد الله** بن جابر انصاری و در ایوان سرای معروف **قبر ابو سعید خدری** مزارش
در معبد قدیم است **و ابو شیبه** خدری **و جعفر** بن عبد الله انصاری **و حمد الله** انصاری
و حسام الدین بن عبد الله از قبیل اصحاب او لیا و فضلا در آنجا مدفونند و در میدان
جامع **حسنین بوقوشی** و مقام **حضرت زهرا** و مقام حضرت حسین بن علی است و
معبد خانه **ابوذر غفاری** و قبر **خالد بن ولید** و ابو درداء **و کعب** و عبد الصادق
حاضر در جامع شریف **عمرو عاص و وهب** و سفیان در آنجا مدفونند در چشمه خیار او مقام مدرس خانقاه بزرگ ای

باب بیست یکم

وابوفراس الحارث بن ابی العلاء حمدانی فرید دهر و وحید عصر خود بوده و در فضل و علم ادب و شجاعت مشهور و اشعارش در گیتی معروفست و او آل حمدان را مداحی نموده در مدح اهلبیت علیهم السلام نیز مناقب بسیار دارد قصیدهٔ الحق معتصم والدین محترم و فی آل رسول الله متقسم قام النبی بها یوم الغدیر لهم والله یشهد والاملاک والامم اول قصیدهٔ مطولست تولدش در سنه سیصد و بیست هجری بوده در سال سیصد و پنجاه بشهادت رسید قرش در قسطنطنیه

وانا مشهد و مقتل المولی السعید الشهید الفاضل الربانی الشیخ زین الدین بن شیخ نورالدین علی بن شیخ فاضل احمد بن جمال الدین بن تقی الدین الصالح العالی الشهیر بالشهید ثانی از اجلهٔ از فقهای امامیه و صاحب کرامات عالیه بود ولادتش سنه ۹۱۱ بود در سن سالگی قرآن را ختم کرد مدت مدید در خدمت پدرش مشغول تحصیل بود تا در بیشتر علوم بسر حد کمال رسید بیست پنج سال داشت که والدش وفات یافت پس در خدمت شیخ علی بن عبدالعالی پس از برای تحصیل علوم مسافرت بسیار کرد و بمصر و دمشق و غیره رفته و کرات سفر حج نمود و مردم را بحقیقت اثنی عشریه ارشاد مینمود و مدرسهٔ نوریه که در بعلبک بود با تولیتش گشت بعد به بعلبک آمد در انجا در مذاهب خمسه تدریس میکرد و بتالیف و تصنیف کتب مذهب باهر جعفری مشغول گشته کسی بر ترتیبش واقف نبود تا علمای عرب بروی حسد بردند بسلطان سلیم که پادشاه روم بود رسانیدند که شیخ زین الدین رافضی است پادشاه هفت نفر فرستاد که او را زنده بحضور من بیاورید آمدند شیخ را بزیارت حج مشرف شده بود و در مکه اقامت و قصد مجاورت داشت در مسجد الحرام او را گرفته مدت چهل روز در مکه حبس کردند پس از راه دریا بقسطنطنیه آوردند و سرش را بریده از برای سلطان بردند و جسدش را بدریا انداختند و وقوع این قضیه نهصد و شصت پنج هجری بود و مقبرهٔ سلاطین آل عثمان که اکنون سی و شش طبقه از آن سلسله در کمال اقتدار حکمرانی کرده اند قیصر اسکندر خصال سلطان عبدالمجید خان پادشاه ممالک عثمانی که سی سیم پادشاه ایشند و در مان بود و چهل سال و چهار ماه الا دو روز از عمرش گذشته بود در هفدهم ذی حجه الحرام سنه هزار و دویست و هفتاد و شش از این سرای سریع الزوال فانی بعالم باقی ارتحال نمود مدت سلطنتش بیست و دو سال و هفت ماه الا دو روز بود سلطان عبدالمجید خان سنه هزار و دویست و هفتاد و هفت وفات یافت و سلطان عبدالعزیز خان در وفاتش هزار و دویست و نود و دو سنه بود قمیشه قصبه است در ممالک فارس بقعهٔ معروفهٔ السید الجلیل

شاه

قطانیه

قطانیه قال ابن الاثیر هی مدینه بجزیرهٔ صقلیه بها شهداء فی مقبرة شرقیها

قمشه

الاصل
خاصه

حرف القاف

52

شاه سید علی اکبر در کمال شهرت الفاضل الفقیه الآقا محمد علی بن الآقا محمد باقر الهزارجریبی المازندرانی المشهد لی النجفی کان من فقهاء الباهرین و علماء المعاصرین ولد بی الله من لنا حرمین ولد فی النجف الاشرف سنة ثمان و ثمانین و مائة و الف و توفی فی سنة وقوع الوباء بقصبة قمشة فارس و قد کان قاطنا بها فی اواخر عمره مشتغلا بترویج الدین و هو الجناح الحرکة منها الی بعض ابناء الائمة المدفونین بقربها فاخذته المنیة فی عین تلک البقعة المعروفة بشاه سید علی اکبر فی لیلة السبت الثامن عشر من شهر ربیع الثانی احد شهور سنة خمس و اربعین و مائتین بعد الالف و دفن ایضا هنالک فی الجهة الیسری من ضریح تلک الحضرة المکرمة و کان وصیه فی المعاملة علی نفسه و ماله و القائم بعده بکفالة اهله و عیاله مولانا حاجی الکرباسی المجتهد المشهور و از سلاطین محمد قاسم خان بن سلیمان خان بن اعتضاد الدوله قوینلو و عماد الدین احمد و یحیی بن مظفر هر دو در الحکم امیر تیمور دستگیر نموده در قصبه مزبور بقتل رسانیدند قندهار از بلاد افغانستان است نادرشاه بعد از انکه قندهار را تسخیر نمود خراب کرده آثاری باقی نگذاشت در نیم فرسخی شهر قدیم شهر جدیدی ساخت و آن را نادر آباد نام نهاد بعد احمد شاه ابدالی از جماعت افغان نادر آباد خراب کرده در نیم فرسخی آن شهر دیگر ساخت آن را اشرف البلاد نام نهاد جهته مدفن خود مقبره ساخت در همان بقعه مدفون گردید و مولانا الجلیل خلیل الله فاضل سمرقندی و المولی نورالدین محمد زیارت کن وفاتش در سنه ثلاث عشر و تسعمائه در قندهار مدفون است و میر مرتضی مدرس ریاضی و شیخ جلال الدین ابوسعید پورانی نبیرهٔ ملا جلال الدین ابویزید پورانی بود در سنه احدی و عشرین و تسعمائه شی از بام افتاد در قندهار مدفون است قنوج از بلاد هندوستان است السید الجلیل العارف بالله سید عبدالله از اولاد سید کمال الدین ترمذی از کیتهل بشهر قنوج آمد و در آنجا سکنی نموده تا وفات کرد قبرش در آنجاست قوچان از بلاد خراسان است بقعهٔ امام زاده واجب التعظیم شاهزاده ابراهیم بن حضرت رضا علیه السلام در آنجا با الطاف المهی روز کارست مزار شیخ حاجی محمد مرید شیخ شاه علی اسفراینی وادم مرید شیخ رشید الدین محمد و ادم مرید امیر شهاب الدین عبدالله برزش آبادی وادم مرید خواجه اسحق بوده

قندهار

قنوج

قوچان

باب بیست یکم

قودجان

قودجان قریه‌ایست از قرای جوشقان متصل است بارض جونسار در آن قریه ساکن بوده المولی الجلیل النجیب العالم
السید ابوالقاسم جعفر بن الحسین قاسم بن محب الله بن القاسم المهدی النجار همشیره زاده آقا حسین
معروف بود تولدش سنه هزار و نود وفاتش سنه هزار و صد و پنجاه در ماده تاریخ وفاتش گفته‌اند سال تاریخ
وفاتش زخرد پرسیدم گفت دانای ادب عالم ربانی رفت ودفن المرحوم علی ظاهر بلد القریة فی جانب
الطریق فمرقده الی الآن ملجأ کل فریق ومطاف من کل فج عمیق **قونیه** از بلاد روم است
در قدیم الزمان شهری بزرگ بوده ملک سلاجقه قریب دویست و شصت سال در غایت جاه و جلال آنجا را دار الملک
نموده اند در رعایت علما و تربیت حکما و خدمت عرفا سعی بلیغ نمودند چنانکه در زمان علاء الدوله کیقباد
مشایخی که در آن دیار بوده اند ازانجمله شیخ بهاء الدین بلخی پدر جلال الدین رومی وشیخ حسام الدین
چلبی وشمس الدین تبریزی و محی الدین اعرابی وشیخ صدر الدین قونوی وشیخ صلاح الدین زرکوب
وشیخ شهاب الدین سهروردی وشیخ نجم الدین صاحب کتاب مرصاد العباد وشیخ مؤید الدین جندی
وشیخ سراج الدین قیصری صاحب شارح فتوحات وشیخ فخر الدین عراقی وشیخ بسنوی صاحب تفسیر
از علمای عامه و امثالهم قریب هفتاد نفر از اعاظم عرفا همگی در یک زمان در آن مکان جمع بودند لاجرم شهر قونیه را
دار الموحدین میگفتند وقبور اکثر ایشان در آنجاست **مولانا بهاء الدین محمد** والد ماجد مولوی
ابا عن جد از فضلای عالیمقدار دیار بلخ بود و در نزد سلطان محمد خوارزمشاه کمال اعتبار داشت و اکثر
از خواص و عوام دست ارادت بدامن او زده بودند کثرت مریدین و جمعیت معتقدین مایه تحسد سلطان
گردید بنای سعایت و اذیت نهاده بهاء الدین از سلطان رنجیده از بلخ بعزم بیت الله الحرام با اهل و عیال
هجرت کرده تا وارد نیشابور شدند و با شیخ عطار فرید الدین ملاقات نمودند از قریحه ملای رومی خبر داد
که این فرزند دلبند تو از نفس گرم خود آتش در سوختگان عالم زند بعد از زیارت مکه و مدینه مراجعت شامات کرد
شهر قونیه را انتخاب نمود در آنجا اقامت کرده بسلطان ده وارشاد در انگیز اند تا در سنه
بهاء الدین بخلد برین انتقال کرد پس از وی **مولانا جلال الدین محمد** صاحب مثنوی بر مسند افادت
تمکن گردید ولادت مولوی در بلخ در ششم ربیع الاول سنه اربع وستمائه در فنون سخن و عرفان از اکابر اهل
ذوق و وجدان و در علوم ظاهری و باطنی وحید عصر و یگانه دوران بود قریب چهارصد از فضلا و حکما و عرفا
در مجلس درس مولوی جمع می‌شدند و صحبت بزرگان دین را یافت اکثر اوقات با شمس تبریزی مصاحب بود

تا در سنه

قودبال از نواحی شیروان است سلطان جنید با قومی از غازیان بنواحی طبرسران رفته [illegible] بهیئت غزا [illegible] شیروان [illegible] در آنجا با خلیل الله [illegible] والی آنجا با لشکر در قلعه [illegible]

قوت

[illegible] سلطان جنید رسید سنه اربع وستین وثمانمائه [illegible] در موضع قودبال مدفون ساختند

قزوان از قرای [illegible] امام [illegible] جعفر [illegible] صاحب گنبد و صندوق و بارگاه است

حرف القاف

تا در سنه ششصد و شصت یک **مولانا شمس الدین تبریزی** بدست علاء الدین محمد که فرزند ناخلف
مولوی بود مصداق انه لیس من اهلک بدرجه شهادت رسید و در جنب مولانا بهاء الدین مدفون گردید مولانا
از فراق شمس زاری میکرد تا در سنه ششصد و هفتاد و دو وفات یافت در جوار پدر مدفون گشت و جمعی از عرفای بزرگ
در بقعه مولوی مدفون اند از جمله **شیخ فخر الدین** وکان الشیخ فخر الدین العراقی المعروف صاحب
کتاب اللمعات من جملة تلامید حضرة الرفیعة **و امیر حسام الدین چلبی** القونوی
وهو الذی یقول فی صفته مولانا الرومی فی المثنوی گر نبودی خلق محجوب و کثیف ور نبودی
حلقها تنگ و ضعیف در مدیحت داد معنی دادمی غیر ازین منطق دری بگشادمی مدح تو حیفست با
زندانیان گویم اندر مجمع روحانیان **و بقعه افلاطون حکیم** در قونیه است لکن بعضی او را در ماکادونیه
از شهرهای یونان نوشته اند چنانکه در حرف میم شرح حالش معروض خواهد شد **قیدار** در دشت فرنحی زنجان
واقع است چون **قیدار پیغمبر** بن اسمعیل بن ابراهیم ع در آن قریه مدفون است لهذا القریه باسم آنجناب مسمی
ومشهور است و نبینا صلی الله علیه وآله بنسب الحقیقة **قیروان** من بلاد العرب مدینة
بافریقیة بناها عقبة بن عامر الصحابی رضی الله **الشیخ ابی اسحق** ابراهیم بن علی المعروف بالحصری
القیروانی الشاعر المشهور صاحب التصانیف الکثیرة وتوفی بالقیروان سنة ثلث عشرة واربعمائة
قیصریه از بلاد روم و سپاهی صغیر است در آنجا مقام و زیارتگاه مشهور است از محمد بن محمد حنفیه
بن امیر المؤمنین علیه السلام و بقعتین **شیخ داود** شارح فصوص **و سراج الدین** شارح
فتوحات که از اکابر حکما و عرفا در روزگار بودند در میان دیار است

باب بیست دوم در بیان مشاهد حرف کاف

کابل دار الملک افغانستان است مزار فیض مدار **ابو خالد** کابلی که نامش کنکر از اصحاب
کبار حضرت زین العابدین علیه السلام در آنجا است **و شیخ نور الدین** محمد بن شیخ قطب الدین
از افاضل روزگار بود در سال نهصد و هشت در کابل وفات یافت و در آنجا مدفون گشت
کاشان مابین قم و اصفهان واقع است **بقعه امامزاده علی بن محمد الباقر** ع
مشهور است مشهد باب کرش یا بابا کرس بابا کرز مجد الدین راد ستانی گنبدی بر سر مزار آن بزرگوار برافراشت

قهجاورستان قریة قدیمة کبیرة کان بها حصن فتحها ابو موسی الاشعری قبل فتح اصفهان بها مشهد وقبر [illegible]

قیدار

قیروان

قیصریه

باب بیست دوم حرف کاف

کابل

کاشان

باب بیست و دوم

بقعه مطهر حضرت امام زاده حبیب بن الامام موسی الکاظم در آندیار رسطاق الی روزگار
والمولی محمد بن مرتضی المدعو بمحسن فیض الکاشی قال صاحب امل الآمل ان محسن
الفیض کان فاضلا عالما حکیما محدثا فقیها شاعرا ادیبا حسن التصنیف من المعاصرین
له کتب منها کتاب الوافی الا ان فیه میلا الی بعض طریقة الصوفیة ملا محسن منقول را در نزد
سید ماجد بحرانی و معقول را در نزد ملا صدرای شیرازی تحصیل کرد و بهترین تلامذه آخوند بود در فقه و حدیث
و حکمت و عرفان جامع بود شاه عباس ثانی او را از اصفهان طلب نمود در زمان بد واقعه ای فرمود مرقدش
در دار المؤمنین مزار عارفین و مطاف عاکفین است السید القاضی ابو الرضا فضل الله
بن علی العلوی الحسینی القاشانی از سادات عالی درجات کاشان و از زمره اکابر فضلای
ایشان بود در وعظ و ورع و تقوی سلمان زمان بود المولی العارف الحکیم غیاث الدین جمشید
از اهل کاشان از اجله علمای ریاضی و عرفان بود در هشتصد و چهل وفات یافت الفقیه الفاضل
المتکلم الکامل المولی فتح الله بن المولی شکر الله الکاشانی و هو صاحب تفسیر
منهج الصادقین و کانت وفاته سنة ثمان و ثمانین و تسعمائة در تاریخ وفاتش
گفته اند شعر مفتی دین متین کاشف اسرار مبین واقف سر قدر عالم اسرار قضا هادی وادی
تفسیر که در حل کلام خاطرش بود ز اسرار یقین پرده گشا ملکی ذات و ملک مرتبه فتح الله که بود از
قوت و درایت ایمان بپا قدوه اهل فقاهت که بمفتاح درس همه را بود بارشاد بحق راهنما
فقها را چه ملاذی بجز آن قدوه نبود بهر تاریخ نوشتند ملاذ الفقها و بابا افضل
صاحب رسایل کثیره که عارف ماهر و فاضل شاعر بود و مولانا عبد الرزاق مؤلف تاویلات
و غیره و مولانا محتشم از شعرای معروف دانشمند خوش سخن در مراثی دار و از وزرا آن معین الدین
ابو النصر و فخر الدین طاهر و بقعه ابا لولو شجاع الدین در شهر واقع است الکرمه
اصح روایت آنست که او در مدینه کشته شد اما قولی است که بعد از قتل خلیفه ثانی بمملکت ایران فرار کرد
و بکاشان آمد و در آنجا مخفی بود تا وفات یافت کبش از بلاد سمرقند است السید الادیب ذو المجد
النجیب السید عبد الله علم الدین بن سید مجد الدین از نسل زید بن علی بن الحسین بود در زمان
امیر تیمور گورکان بسمرقند آمد پس در شاه نام مکی بابه هاشم و ملقب بشمس الدین سید عبد الله در کبش وفات

کبش

لد

حرف الکاف

55

کتل کبود

کتل کبود از نواحی نور مازندران است بقعه خواجه کرود در برش سید ابو هاشم بسوی عراق شد
صالح بن عبد السلام که از شریف ابن خواجه بزرگوار در خواجگان سابقه آندیار به اباصلت رضی الله عنه
منتهی میشود و مزارش در قریه مزبور رسطاق الی قریب جار است کتهل قریه است از بلاد هند السید العارف
الربانی کمال الدین ترمدی از ترمد بهند آمد در قریه کیتهل توطن اختیار کرده تا در آنجا وفات یافت

کتهل

نسب باهره اش بدینگونه است السید کمال الدین ابن السید عثمان بن السید ابی بکر بن عبد الله بن السید
ابی طاهر بن زید الشدید بن یحیی بن حسین ذی العبرة بن زید الشهید بن علی بن الحسین

کجه رستاق

کربلا

کجه رستاق از توابع دار المرز مازندران است امام زاده عبد الله و امام زاده جمشید بن عون
از ذریه موسی الکاظم علیه السلام در آندیار مقتول و مقبورند کردمین از قرای شهریاری است در
قریه مزبور بقعه است از امام زاده هارون بن موسی الکاظم علیه السلام کرکان رود

کردمین

محالی است از دار المرز گیلان جمعی از امام زاده های کبار در آندیار بدرجه شهادت رسیده اند منجمله مولانا
سلطان سید محمود ~~ابن ابی القاسم المجتبی ابن السید علی النقیب ابن حسن بن حسین~~
~~بن علی الاصغر بن زین العابدین علیه السلام~~ مزارش در محال و ناحیه خطه سرابیان جکل است علاقش
ارضی است در هوا مانده بمیل گردان مشهور است قبر علاقش نیز در بلکوینجی واقع است و مزار امام زاده
ابراهیم بن یحیی در لسار در محله حاجیلار میباشد و محمد بن ... مشهور بجهه ترکش بند در محله
طوله رود واقع است وسینکی در محله سینکی در کنار رودخانه کرکان رود مزارش واقع است

کرکان رود

القریه باسم آن بزرگوار مسمی گشته که عوام سینکی گویند و کان اسمه ابو محمد الحسن و کان عابدا
زاهدا جلیل القدر فقتلوه فدفنوا جسده الشریف فی شفیرة نهر کرکان رود

کرک نوح

کرک نوح قریه است قریب جبل عامل در آنجا مقام و زیارتگاه حضرت نوح علیه السلام و مزار
السید الفاضل النجیب الکامل الادیب السید حسن بن نجم الدین الاعرج الحاجب قبل از وفات
از جهت خودش مقبره ساخت تا در آن بقعه مدفون گردید و خاتم المجتهدین علی بن عبد العالی از آندیار است

کرمان

کرمان شهریست مشهور از بلاد ایران و در الحکومه ولایت کرمان است و در آنجا بسیار صاحبان مذاهب بسیارند
از جمله اصولی و اخباری و شیخی و صوفی و از اهل سنت و جماعت و طایفه اسمعیلی و علی اللهی و زردشتی
و بابی و بهائی **بقعه مطهره امامزاده عباسعلی** در خارج شهر کرمان در غایت اشتهار و معظم
اهالی آنجا است و مرقد الشیخ الفاضل البارع الجلیل **السید احمد** بن علی بن الحسین بن
علی بن مهنا بن عتبة الداودی الحسینی در سال هشتصد و بیست و هشت وفات یافت و مولانا
خاجو کرمانی شاعر فصیح و عارف ادیب بود در سال هفتصد و چهل و دو وفات یافت والعالم
الفاضل المحدث الجامع **الحاج کریمخان** بن ابراهیم سنه هزار و دویست و هشتاد و دو وفات یافت
و ولد ارشدش **آقا محمد خان** از افاضل بود پدر و پسر هر دو مؤسس طریقه شیخیه بودند و در
مقبره مشتاقیه در آنجا از مطاف عرفا و فقرا در اویش است چنانکه سنه هزار و دویست و ... بفتوای
ملاعبدالله واعظ **مشتاقعلی شاه** درویش را در کرمان بقتل رسانیدند و مشتاقعلی فقیر کامل بود
عارف و سالک و صوفی و شاه نعمت اللهی و از اهل ریاضت و صاحب دیوان اشعار است اکثر فقرا و مشایخین
طریقت در جوار مشتاقعلی آسوده اند از جمله **رونق** علیشاه و **کوثر** علیشاه و **آقا فتحعلی**
مولانا سلطان الفقرا **محمد رضا** ابن محمد امین عموماً در مقبره مشتاقیه مدفونند **کرمی**
قصبه ایست در مملکت فارس از ناحیه فسا الی شیراز بیست و پنج فرسخ است **مزار فیض آثار**
امامزاده **ابوالقاسم علی بن احمد** ع در سال سیصد و پنجاه و دو وفات کرده در آنجا
مطاف اهل روزگار است السید الشریف ابوالقاسم علی بن احمد بن موسی بن محمد
التقی بن علی بن موسی الرضا ع وله کتب عدیده صنفها علی طریقة الشیعة الامامیة
توفی بموضع یقول لها کرمی من ناحیة فسا بین هذه القریة و بین فسا خمسة فراسخ
و بینها و بین شیراز نیف و عشرون فرسخا توفی فی جمادی الاولی سنة اثنین و خمسین
و ثلثمائة و قبره بکرمی قرب الخان والحمام اول ما یدخل کرمی من ناحیة شیراز

کرمانشاهان

کرمانشاهان از بلاد قدیمه کردستان است المولی الفاضل الفقیه الجامع المحدث العابد

الشیخ

شیخ عبدالله تونی صاحب وافیه از افاضل دهر و از اجله کاملین عصر بود در سال هزار و هفتاد و یک
عازم زیارت عتبات عالیات بود در کرمانشاهان وفات کرده آن غفران پناه را در کنار قبرستان سبیل دفن
کردند بعد عالیقدر و السعادة شیخعلی خان گنبد عالی بر سر قبرش بنا کرد در سمت راه جاده واقع است
و شیخ **ابراهیم بن شیبان** که از مشایخ عظام و صدر اهل فضل و عرفان بود در سال
سیصد و بیست و دو هجری در زمان خلافت القاهر بالله عباسی در آنجا مدفون گردید **و جناب**
آقا محمد علی مجتهد در سمت غربی شهر در سر راه عابرین عتبات عالیات مدفون است العالم
البارع والفاضل الجامع آقا محمد علی صاحب المقامع بن آقا محمد باقر البهبهانی و قد ذکر تلمیذه
المیرزا محمد الاخباری فی کتاب رجاله الکبیر بهذه العبارة محمد علی بن محمد باقر بهبهانی
المعروف بابن آقا سکن بقرمیسین و بها دفن کان فاضلاً متبحراً و کان صنیعاً للناو کان
شدید العناد بالصوفیة و موضع دفنه الذی هو معرب کرمانشاهان و هو من کبار مدن
العراق و من بلاد الایران و هو واقع علی ظهر الملة المذکورة من جانب الغربی فی شفة طریق
السائرین الی عتبات آل النبی و یلتجی ذلک الموضع المحترم عند جبل العرب بالعجم المسمی قبر آقا و ...
و از جمله مشایخ سلسله علیه و مروج طریقه رضویه القتیل فی سبیل الله **سید معصوم علیشاه**
از اشراف روزگار و از اکابر صوفیه عالیمقدار و لادتش در حیدرآباد دکن هندوستان بود در ریعان جوانی
و در عنفوان زندگانی آنجناب را جذبه من جذبات الحق رسیده دست از امور دنیوی کشیده پای طلب بوادی جستجو
نهاده مرید العارف بالله شاه علیرضای دکنی گردیده وی را بدست خود خرقه پوشانید و صاحب اجازت
گردانید و فرمود اکنون بکشور ایران رفته اهل آن دیار را بسداد و طریق رشاد ارشاد کن آنجناب حسب الفرمان در اواخر
دولت کریمخان از راه دریا با زوجه مکرمه سیده بشیراز تشریف آورد در آنجا بر فیض علی و نور علیشاه را تلقین و ارشاد
و تربیت نموده بعد از مدتی از راه اصفهان بخراسان عزیمت نمود و بعد از تشرف بزیارت قطب الاولیاء و سایر قبور
مشایخ عازم زیارت عتبات عالیات بوده مدتی در نجف و کربلا مجاور گشت در آنوقت بسیاری از درویش
در خدمتش بودند منجمله جناب نورعلیشاه و حسینعلیشاه و مشتاقعلیشاه و درویش نقیعلیشاه و سید مظهر علیشاه و صفاعلی
و رشوعلی و درویش نقیعلی و مجذوبعلی و رضاعلی و عونعلی و حیدرعلی و بوسطه جناب مجذوبعلی مولانا عبدالصمد همدانی و مولانا
ابراهیم خوئی و ملا محمد نصیر دارابی و مولانا شیخ زاهد گیلانی مرید گردیدند و بواسطه مشتاقعلی و درویش نقیعلی و مظهر علی
و مسعود علی و هدایت علی بفیض ارادت رسیدند جمعی از زمره حسد و عناد و بسبب حب ریاست آنجناب را انکار نمودند

در زمره از طریق اشتباه نسبت بآن سید والاجاه را غفلت و جهالت بیمود دند دیگر باره عازم زیارت
مشهد رضوی گردید چون بشهر کرمانشاهان رسید جناب آقا محمد علی بن آقا محمد باقر بهبهانی آنجناب را
گرفته محبوس گردانید بعد از چندگاهی به نیروی حاجی ابراهیم خان شیرازی بامداد مصطفی خان که نخسه
که حاکم آندیار بود در خفیه آن بحر عرفان را در رود قره سو غرق نمود این قضیه در سنه هزار و دو صد و
دوازده روی داد جمعی گویند که آنجناب را در باغ عرش برین شهید کردند و در همانجا که اکنون
عمارت است دفن نمودند **کرین** قریه ایست از دهات کرمانشاهان مردمش علی اللهی اند
قبر نصیری در آنجا است اسم آن مزار را سر لگاه علی گویند و سبب کفر محمد بن النصر بن
النمیری الشهیر بالنصیر ان امیر المؤمنین لما اراد العبور علی الفرات قال له ناد
یا جلندی یقول لك امیر المؤمنین این المخاصمة فاجابه من القبور ستمائة وكلهم جلندی
فرجع هارباً فقال له ناد یا جلندی بن كركر فاجابه وقال لبیك مولای انی دفنت ههنا
منذ ثلثة آلاف سنة ولا یعلم احد فی الدنیا ان ههنا مقبرة فمن یعلم حالنا ویحیی
له بعد البلی اوصالنا انتزعت عنه المخاصمة فقال له نصیر هنا الیامولای الا الله
الواحد القهار وهذا مقالته ان الله لا یظهر الا علی ثم اظهر الائمة اشخاصاً
لسکر از نواحی رشت گیلان است بقعه **امیر حسن بن سید جلال الدین شرف**
در آندیار است **و مرقد مطهر السید ابو المرجاء النجفی** که جد دوازدهم مؤلف فقیر است
در آنمحال است حالات آنجناب در خاتمه کتاب در شرح حال فقیر مسطور است **کلبر**
قصبه ایست از توابع دکن هندوستان مزار فیض آثار **سید محمد گیسو دراز** ابن
سید یوسف بن علی بن محمد بن علی بن حمزة بن داود بن ابی الحسن بن الحسین الجندی
بن ابی عبد الله الحسین بن القداس بن ابی منصور **محمد الاکبر** بن یحیی بن الحسین
ذی الدمعة بن زید بن علی زین العابدین ع در آندیار مطاف اهالی روزگار است
کلاک مشهد از توابع حلب و رفیروزکوه مازندران است **امام زاده طاهر**
و امام زاده طیب هر دو در آنمکان مقتول و مدفونند **کلار** قریه ایست از قرای
خلخال دیلم قریه کهجی هر ابادر واقع است **امام زاده اسمعیل** از اولاد موسی الکاظم ع در آندیار در شهرت است

کمال آباد قریه در محال ساوجبلاغ عراق در آنجا **بقعه امام زاده محمد** از اولاد های حضرت زین العابدین
در چمن کمال آباد قرب بقعه امام جمعه واقع است **کمره** بلوکی است متصل بناحیه گراز مزار فایض الانوار امامزاده
سهل بن علی بن ابی طالب ع در طرف شمال آنجا واقع است و مرقد **محمد بن مالک اشتر**
در موضع علیای آنجا است از کرامات آن بعد از دفن کردن از زیر مرقدش بدرد آسیا گردان آب
جریان یافته هیچوقت ناقص و زاید نمیشود **کمهر** از نواحی شیراز است **شیخ قطب الدین مبارک**
که بعلو مقامات و سمو درجات مشهور و معروف است در غار کوه آنجا ریاضت میکشید میگویند چند روز
با دامان بار بیهوش افتاده بود و سنج در دهانش آشیانه ساخته الله اعلم وفات وی در سنه ششصد و
هفت هجری قبرش در کمهر است و بقعه دارد زیارتگاه مردم آنجاست **کنجه** شهری است مشهور از
بلاد گرجستان مزار **شیخ نظامی** صاحب خمسه بر شیخ فرج زنجانی در آنجا صاحب بقعه است نظامی از قهستان قم
بوده چنانکه خود گفته است **شعر** چو در گرچه در بحر گنجه گم وطن از قهستان شهر قم بعضی گویند مسقط الرأس آن
از قریه طاران از دهات محال تفرش است و مزار **ابو العلاء** که از شعرای معروف دارای عرفانی مشهور است در آنجا است
کنکان قریه ایست از اعمال توبلی بحرین **سید هاشم بحرانی** معروف علامه بن سید سلیمان
بن سید عبد الجواد آن بزرگوار صاحب تصانیف کثیره و تالیفات جمیله جلیله بود وفاتش در سال یکهزار و صد و هفت بوده
السید هاشم البحرانی وهو عالم فاضل محقق ماهر فقیه عارف بالتفسیر والرجال ومحدث
وجامعاً للاخبار کما نقل السید رضی الدین بن طاوس ان السید هاشم قام بالقضاء فی البلاد
وتولی الامور الحسبیة احسن قیام وقمع ایدی الظلمة والحکام ونشر الامر بالمعروف والنهی عن المنکر
وکان من الاتقیاء المتورعین وتوفی فی قریة نعیم فی بیت الشیخ عبد الله بن الشیخ حسین
بن علی بن کنار ونقل نعشه الی قریته توبلی ودفن فی مقبرة ماتی من مساجد القریة
المشهورة وقبره مزار معروف **کنکور** قریه ایست در بکیرلی کرمانشاهان مزار امام زاده السید
ابراهیم از فرزندان ~~محمد حنفیه~~ در آندیار مطاف اهالی روزگار است **کهف** از قرای عراق عرب است
امیر ابو الحسن سنان بن سلیمان الملقب براشد بن امیر جلیل و فاضل و رئیس شجاع و باذل بود و قلعهای اسمعیلیه
در تصرف او بود اصل او از قرای بصره بود که آنرا عقر السدان میگفتند در محرم سنه تسع و ثمانین و خمسمائه در کهف
در کهف متوفی و مدفون گشت

حرف لام مشاهد

باب بیست سیم در ذکر مشاهد حرف لام

لاهور شهری است مشهور در مملکت هند مقبره جهانگیر شاه در انجا از غرایب روزگار است مشایخ کبار و فضلای
اخیار در آنجا بسیار است **مولانا السید حسن** بن السید زین العابدین بن السید راجو در ولایت هند
انتشار مذهب حقه امامیه فرموده و مؤسس و مروج طریقه جعفری گردید مزارش در آنجا است **و مولانا شیخ**
احمد بن نصر الله الدیبلی التتوی السندی رحمهما الله پدرش قاضی تته در رئیس سند و از اعیان
ابو حنیفه دار بود اخوان او پیر هند بود شیخ احمد را در عنفوان جوانی خضر توفیق هادی طریق او گردیده
دین حنیف امامیه را قبول کرد و از دوستان فدائی و از شیعیان برزائی گردید در سن بیست و دو سالگی
از تحصیل مقدمات علمیه در ولایت تته فارغ گردیده قلندروار سفر گزیده بزیارت مشهد مقدس مشرف
شده اقتباس انوار هدایت از روضه منوره نموده در خدمت علمای امامیه از علم کلام و حدیث و فقه و رجال
بهره ور گردید بعد از آنجا بقزوین و از قزوین بزیارت عتبات عالیات و حرمین شریفین و بیت المقدس
عازم شد و توفیق بعضی تالیفات جمیله و تصنیفات جلیله شده از دلایل حسن عقیده ادا که آخر
بحسن خاتمه نیز فایز گردید در عهد جلال الدین محمد اکبر پادشاه در لاهور بدرجه شهادت رسیده و در حظیره
مرحوم **میر حبیب الله** مدفون گردید و مزار **ایاز** که وزیر سلطان محمود سبکتگین بود نیز در آنجا است

لاریجان از نواحی مازندران است **ابو جعفر حسن** بن احمد بن حسن بن علی بن حسن بن علی
بن عمر الاطرف بن الامام زین العابدین ع که از سلاطین طبرستان و صاحب قلنسوه بود در موضع
دلاره رود لاریجان با ماکان بن کاکی قتالی سخت واقع شد سید حسن مقتول و در اراضی لاریجان
مدفون آمد **لاهیجان** از توابع دار المرز گیلان است و شهر قدیم بوده مزار چهار پادشاه در آنجا از
سلاطین اهالی آنجا است **السید احمد** برادر سید جلال الدین اشرف که نعشش در سبزه میدان لاهیجان
واقع است از جمله **السید حسین** کارکیا از سلاطین بود و از جمله سلطان **سید اشرف**
از ذریه موسی الکاظم ع و مولانا **عبد الرزاق** صاحب شوارق و گوهر مراد حکیم کامل و متکلم فاضل
و از تلامذه آخوند ملا صدرای شیرازی بود در سنه هزار و پنجاه یک وفات کرد و از اجله فضلای آنجا
ملا صفر علی و حاجی محمد کریم مجتهد بودند **لار** از توابع دار المرز مازندران امام زاده **عمران**
بن موسی بن جعفر ع در آنجا مدفون است **لار** ولایتی در مملکت فارس مرقد سید **فیروز شاه**
جد شیخ صفی و مزار الشیخ العارف **نجیب الدین حبیب** در آنجا است **لاوطه** قریه‌ایست در طارم

سفلی قریب برحمت آباد طالش مرقد امام زاده **سید حمزه** و مزار **سید محمد** علوی که مشهور است بهاشم
بن محمد بن حنفیه بن امیر المؤمنین **و سید اسمعیل** بن سید فیروز شاه در رزنه دره کوه نزدیک
نجم دشت در سر تپه در یک بقعه دو نفر مدفون شدند **لنکران** در شرقی بحر خزر و در کنار آن
ما بین گیلان و مغان واقع است بقعه شیخ تاج الدین مشهور **بشیخ زاهد گیلانی** که از جمله
مشایخ طریقه صوفیه و مرتاض و عارف ربانی بود در شیخه گران در دو فرسخی لنکران مطاف اهالی
آنجا است وفاتش سنه هفتصد هجری است و در این لنکران زمینی که سادات حسینی هستند
خودشان را بسلسله جلیله سادات خلخال نسبت میدهند آنحال ملک ایشان است و ساکن لنکران اند

باب بیست چهارم در بیان مشاهد حرف میم

ماران از قرای خراسان است بقعه مطهره جناب **امام زاده ابو الفضل** در غایت اشتهار
مطاف اهالی آنجا است **ماکادونیه** از بلاد یونان است بعضی نوشته اند که عبارت است از
مدینه قونیه از شهرهای روم و بنای صغیرت در آنجا **بقعه افلاطون حکیم** بدانکه
افلاطون پسر ارسطی بن ارسطو بن اسقلیبوس است از حکمای اشراقیه بود پس از وی ارسطوی
معلم اول رسم مناظره و مباحثه را بمیان آورد و ابو نصر فارابی افلاطون را تمجید یا کرده افلاطون
در نزد سقراط بتحصیل حکمت الهی مشغول شده در الهیات و در طب مهارت تمام داشته و تصانیف بسیار
بسیار دارد و افلاطون با رباب انواع قایل بوده که از اینرو افلاطونی گویند و کان تلامذتها افلاطون
ثلاث فرق وهم الاشراقیون والرواقیون والمشائیون فالاشراقیون هم الذین جردوا الواح
عقولهم من النفوس الکونیة فاشرقت علیهم لمعات انوار الحکمة من لوح النفس الافلاطونیة من غیر
توسط العبارات وتحمل الاشارات والرواقیون هم الذین کانوا یجلسون فی رواق بیته ویتلقون
منه فوائد الحکمة فی تلک الحالة وکان ارسطو من هؤلاء والمشائیون هم الذین کانوا یمشون
فی رکاب ارسطو لا فی رکاب افلاطون بالجمله ظهور افلاطون در یونان پنجهزار و پانصد و هفتاد و نه
سال بعد از هبوط آدم ع بوده پس از هشتاد و یک سال وداع اینجهان فانی را گفته در ماکادونیه مدفون گردید
ماهان از قرای کرمان است مزار فیض آثار **شاه نعمت الله ولی** در قریه مزبور مطاف اهالی آنجا است
مذکور است آنجناب را نسبت عالی و اوصاف حقانی و صاحب کرامات عالیه بود بسیار نود و هفت سال زندگانی نموده در سنه هشتصد و

لاهور
لاریجان
لاهیجان
لار مازندران
لار فارس
لاوطه
لنکران
باب بیست چهارم حرف میم
ماران
ماکادونیه
ماهان

باب بیست چهارم

بعد رحلت داعی حق را لبیک گفت از این دار غرور بسرای سرور ارتحال نمود در قریه ماهان مدفون گردید الحال
بقعه و مقبره و خانقاه او معبد اکابر و فقراست نسب باهره اش بدانگونه است السید نعمت الله
بن عبدالله بن محمد بن عبدالله بن کمال الدین یحیی بن هاشم بن موسی بن جعفر بن
صالح بن احمد بن محمد بن جعفر بن حسن بن محمد بن جعفر بن محمد بن اسمعیل بن ابی عبدالله
بن الامام محمد باقر علیه السلام **مداین** در زمان قدیم شهر عظیم از مداین عراق عرب بود
اکنون خرابست مزار فایض الانوار **حضرت سلمان الفارسی** در آنجا بر درجات
اشتهار مطاف اهالی روزگار است آنجناب از مردم فارس بود بدفعات او را فروختند آخر خواجه
کاینات او را از قوم یهود بمبلغی خرید اخلاص وی در آستان مقدس بجائی رسید که از جواری
رسول الله گشت بمصداق السلمان منا اهل البیت سرافراز گردید **شعر** کانت مودة سلمان له
نسبا ولم یکن بین نوح وابنه رحما چنانکه جماعتی از اصحاب با هم نشسته بودند و ذکر نسب خود
نموده و بآن افتخار میکردند سلمان نیز در آنمیان بود خلیفه ثانی روی بجانب سلمان کرد و گفت ای سلمان
اصل و نسب تو چیست فقال سلمان انا سلمان بن عبدالله کنت ضالاً فهدانی الله بمحمد و کنت
عائلاً فاغنانی الله بمحمد و کنت مملوکاً فاعتقنی الله بمحمد فهذا حسبی و نسبی یا عمر در کتاب
درج الدرر و تاریخ گزیده مسطور است مدت عمر سلمان بروایت اقل دویست و پنجاه و بروایت اکثر
سیصد و پنجاه بود در سنه ثلثین از هجرت در مداین وفات یافت و چنین مرویست در کتب که از
مدینه بمداین رفته بغسل و تجهیز سلمان پرداخته باز در همان شب بمدینه مراجعت فرمود گویند این رباعی را
علی علیه السلام بر کفن سلمان نوشت وفدت علی الکریم بغیر زاد من الحسنات والقلب السلیم وحمل
الزاد اقبح کل شیء اذا کان الوفود علی الکریم **و حذیفة بن الیمان** از صحابه ذی شان
حضرت خاتم پیغمبران و از دوستان خالص العقیده امیر مؤمنان بود و از خلافت آنحضرت چهل روز که گذشت
در سال سی و ششم هجری در مداین وفات کرد و قبر **عبدالله الانصاری** نیز در مداین است
مداین را ملوک اشکانیان بعد از همدان تختگاه قرار دادند و آبادی آنجا را بدرجه کمال رسانیدند
ذکر سلاطین اشکانیان مذهب ایشان در اصل بت پرستی و آفتاب پرستی بوده
بعد از معاشرت با ایرانیها پرستش یزدان و اهرمن نیز ضمیمه آن شد بعد مذهب اشکانیان را اجزای مختلفی
بدانسته و ترکیبی از اصول و فروع مذاهب مختلفه بوده است و حدود ممالک اشکانیان فرات و جیحون
و قفقاز و خلیج فارس و هندوستان بوده و وضع سلطنت اشکانی مشروطه بوده بانیمعنی که

پادشاه

حرف المیم

پادشاه در امور مملکت اختیار مطلق نداشت و مجلسی شبیه بمجلس شوری از بزرگان و نجبا منعقد میشد و در آنجا در مهام مملکت
مشورت مینمودند صاحبان مناصب و عمال دولت را این مجلس انتخاب میکرد بلکه گاهی عزل و نصب سلاطین نیز مرجوع
بنجبا و بزرگان بود تا اقتدار کلی داشتند و پادشاه را بر آنها تسلط کامل نبود هر یک از این سران بر حسب ارث
بحکمرانی ولایتی برقرار و در ولایت خود بدرجه مستقل که میتوانستند او را شاه بخوانند منتهی آنکه خراجی بپادشاه
میدادند و در وقت جنگ تهیه قشون برای او میکردند انیست که مورخین مشرق زمین محض قلت آگاهی و اطلاع
از وضع سلاطین اشکانی مینویسند بعد از اسکندر در ایران ملوک الطوایف سلطنت نمودند یعنی هر قطعه زمینی پادشاهی
داشت همین است که ما نوشتیم اشک اول **سلوکوس** مورخین سال سلطنت اشکانی شد سال جلوسش
قبل از میلاد دویست و پنجاه و شش چهار سال حکمرانی کرد **اشک بن اشک** یازده سال کشور
داری نمود **تیرداد** سلوکوس دوم را شکست داد مدت سی سال پادشاهی کرد **فریاپاتوس** پادشاه
عادل و نیکو رفتار بود **شاپور** شصت سال در مداین شهریاری نمود **فرهاد** استرآباد و مازندران را
مسخر کرد **مهرداد** دولت اشکانیان را بمنتها درجه اعتبار رسانید خود را شاهنشاه خواند **بهرام**
نزدیک اسلامبول شهری بنا نمود دری را پای تخت نمود و پنجاه سال شاهی کرد **اردوان** در جنگ
با تورانیان کشته شد **بلاش** شانزده سال فرمانروا بود **هرمز** ملقب بالاردار الملکش ری بود
قادسیه از بناهای اوست نوزده سال سلطنت کرد **نرسی** چهل سال فرمان راند **انوش** حضرت
عیسی در عهد وی از مادر متولد شد چنانکه جرجیس و ذکریا و یحیی در عهد اشکانیان ظهور کردند همچنین واقعه اصحاب
کهف در زمان اشکانیان بود **فیروز** هفده سال پادشاهی کرد و ستمکار و ظالم بود سرانجام کشته شد
خسرو بن بلاش بدکار بود دوازده سال شاهی نمود
بلاش بن فیروز بلده لار در فارس را او بنا نهاد **اردوان** که پیری بود
جلو طاران لشکر خود بین النهرین از دستش رفت در ری باسهال مرد حاصل آنکه
آخر سلاطین اشکانیان میباشد کاراکالوس او را فریب داد ماکرینوس را منهزم کرد لذا از اردشیر ساسانی شکست
خورده و اردشیر بابکان او را بکشت سال دویست و بیست و شش میلادی این واقعه روی داد سلطنت اشکانیان
بچهار صد و هفتاد سال یعنی قریب پنج قرن رسیده بود منقرض گشت **مدین** شهری است در کنار بحر قلزم
مقام **حضرت شعیب** در آنجا است و هو ابن میکیل بن یشجر بن مدین و کان یقول له خطیب الانبیاء
لحسن مراجعته قومه و کان شعیباً بعث الی امتین اصحاب مدین و اصحاب الایکه فاهلکت مدین

ذکر ملوک اشکانیان

بجعفة جبرئیل واصحاب الایکة بعذاب یوم الظلة قبل عاش شعیب دهراً طویلاً وتزوج بنت لوط النبی

۹ **مراغه** از بلاد آذربایجان است مرلانا **شیخ اوحد الدین** مرید شیخ اوحد کرمانی از انجاست

و کتاب جام جم از تخیلات اوست سنه هفتصد و سی است در مراغه وفات یافت و در مراغه مدفون است

و شیخ اوحد الدین اصفهانی غیر از این است که ذکر شد **و مؤید الدین العروضی الدمشقی**

و کان متبحراً فی الهندسة والآلات الرصد توفی بمراغة فجاة فی سنة اربع وستمائة

و سید قاج بن سید علی صاحب کتاب عبادین در فقه از جمله فضلا و از اکابر فقها بود و از شعرای ترک

ملاحین **دخیل** دیوانی در سعت دارد **والمرشد بالله** ابو منصور فضل بن المستظهر العباسی

وقتیکه بخلافت رسید بقتال عجم آمد و در پنجشنبه شانزدهم ذی قعده در سال پانصد و بیست و نه در مراغه کشته

و در انجا مدفون کردید **و هلاکو خان** مراغه را تختگاه خود قرار داده بود و قبرش نیز در انجاست

مرو از بلاد خراسان و خوارزم و ترکستان است مراقد و خطایر اولیاء الله در مرو قدیم و جدید بسیار است

از جمله **بریدة بن الحصیب الاسلمی** که از اصحاب کبار حیدر کرار بود در مرو شهید شده در خبر است

رسول خدا فرمود بعد از من نزول خواهی کرد در شهری از شهرهای خراسان که آنرا ذو القرنین

بنا کرده و امروز مرو گویند تو در محشر قاید اهل شرق و نور و چراغ ایشان خواهی بود بریده

بعد از پیغمبر با غازیان اسلام بمرو آمد در انجا شهید شد و در محله سوزگران و در جوار حکم مدفون کردید

و حکم بن عمر غفاری که از جانب اسلام امیر و قاضی آنشهر بود نیز در انجا مدفون است و از

امام زاده ها **مظهر القهر الجبار زید النار بن الامام موسی الکاظم** علیه السلام چون

ابو السرایا در کوفه خروج کرد و محمد مشهور با بن طباطبا را از پیش خود نایب حضرت امام رضا ساخت برخود

و بر سایر تابعان امیر گردانید و زید را تسخیر بصره فرستاد و زید چون شعله نار بر بصره مستولی شد

خانهای بنی العباس را بسوخت و نخلستانهای ایشان را آتش زد و بدین سبب او را زید النار گفتند در آخر

او را گرفته نزد مروان بردند و در انجا مسموما وفات یافت **والشیخ ابو اسحق علی** بن اسکویه

بن ابراهیم المراغی انه کان شاعراً ادیباً لغویاً توفی بمرو فجاة وهو ماش سنة

ست عشرة وخمسمائة و از سلاطین **یزدجرد** که پدر شهربانو و آخر ملوک ساسانیان بود

وقتیکه لشکر اسلام از جانب خلیفه ثانی مملکت ایران را فتح کردند شیرازه اوراق سلطنت ساسانیان گسیخت

یزدجرد

حرف المیم

٦٠

یزدجرد بخت برگشته از مداین و قادسیه و نهاوند با لشکر خود هزیمت و فرار اختیار کرده بری آمد با اولاد

و زنان و خدم و حشم راه اصفهان پیش گرفت از اصفهان بکرمان و از کرمان بمرو رفت در انجا فرخزاد

برادر رستم فرخزاد ایشان را تسلیم ماهویه پادشاه هیاطله را از حال یزدجرد خبردار کرده آنوقت

بمرو آمد که شهریار ایران را بگیرد یزدجرد از ترس وی بآسیا رفت آسیابان او را بطمع جواهر در چاه در سال

هفتم خلافت عثمان بود در آنجا کشته در دم آسیای مرو بخاک سپرد و دیگر بسیاری از ملوک سلاجقه

در مرو مدفون اند **ذکر ملوک سلجوقیان** طایفه سلاجقه سنه چهارصد و شانزده از

ماوراء النهر بخراسان آمدند در سنه چهارصد و بیست و نه بمنصب سلطنت رسیدند اول ایشان

طغرل بن میکائیل بود بر مملکت ایران استیلا یافت روز جمعه غره رمضان سنه ۴۳۳ در

در نیشابور خطبه بنام او خواندند قضا را در همان روز شیخ ابو علی سینا در همدان متوفی شده بود

و بغداد را گرفت و آل بویه را منقرض کرد و دفع بساسیری را نمود و دختر قائم خلیفه عباسی را خواسته

بری آمد تا زفاف کند در هشتم رمضان سنه ۴۴۲ رعاف بر طغرل طاری شد مستولی شده وفات یافت

و از و فرزندی نماند برادر کوچک او **جعفر بن میکائیل** بلخ را دار الملک خود ساخت و آل

سبکتکین را مغلوب گردانید و در سنه چهارصد و پنجاه یک وفات یافت و در مرو مدفون گشت

الب ارسلان از آب جیحون تا فرات در تحت حکمرانی آن بود و با قیصر روم مصاف داد

و خراج بر قیصر نهاد و آخر برای تسخیر ماوراء النهر نموده در کنار قلعه برم یوسف کوتوال خوارزمی

که حاکم قلعه بود زخم کاردی بسلطان زد سال چهارصد و شصت و پنج بدان زخم درگذشت

و در مرو نزد پدر مدفون گشت شاعری در مرثیه او گفته **شعر** بالای چرخ دیدی الب ارسلان

بقدر در مرو تاکنون که زیر تراب شد **ملکشاه بن الب ارسلان** بدلالت خواجه نظام الملک

بر تمام آسیای غربی استیلا یافت دولت سلاجقه را بمنتهای رفعت و رعایا را بکمال رفاه رسانید

از یمن تا سرحد ختن تصرف آورد و ابنیه خیریه بسیار ساخت ترویج علم و فضل نمود و حسن صنایع

در عهد وی خروج کرد سنه چهارصد و هشتاد و پنج وفات یافت و بیست سال سلطنت کرد **برکیارق**

بن ملکشاه با برادران محاربات بسیار کرد و مدت دوازده سال حکمرانی نمود **غیاث الدین**

پسر ملکشاه سیزده سال سلطنت کرد با غلامان پدر زد و خورد آخر در دست عبد الملک عطاش هلاک گشت

باب بست چهارم

سنجر بن ملکشاه چون در سنجار شام ولادت یافته بود بنابراین ملکشاه او را سنجر نام نهاد مدت چهل سال
حکمرانی کرد در عمر خود فتوحات بسیار نمود در باشاهزادگان سلاجقه با ترکان غزان زد و خورد بسیار کرد
آخر از ترکان غز شکست یافت سه سال در قلعه ترمذ اسیر و محبوس بود سنه پانصد و سیزده وفات
یافت و در مرو مدفون گشت محمود با عم خود سلطان سنجر جنگ کرده مغلوب شد و باز از جانب
آن سلطنت یافت مدت سلطنتش دوازده سال وفاتش سنه پانصد و بیست و پنج طغرل ثانی
با برادرش مسعود در زد و خورد بود در سوالی و اعیان ایشان دم استقلال زدند مثل اتابک ایلدگز
در آذربایجان و جهان پهلوان در عراق و سلغریان بفارس مدت سه سال سلطنت کرد
در سال پانصد و بیست و [illegible] وفات یافت مسعود مسترشد خلیفه را شکست داد و او را خلع کرد
مدت حکمرانیش هیجده سال [illegible] وفاتش سنه پانصد و چهل و هفت ملکشاه ثانی بعد از جلوس خلع شد
و در نزاع بود تا مرد مدت ۲ دو سال حکمرانی داشت محمد بن محمود با خلیفه جنگ کرد
و بغداد را محاصره نمود اما پیش نبرد مدت حکمرانیش هفت سال بود سلیمان بن محمد بن
ملکشاه بزودی خلع گردیده و محبوس گشت بعد از هشت ماه حکمرانی در سنه ۵۵٦ او را خفه کردند
ارسلان بن طغرل ثانی بمعاونت اتابک ایلدگز بر یاغیان و دشمنان ظفر یافت مدت
پانزده سال سلطنت کرد طغرل ثالث بن ارسلان بزد و خورد با قزل ارسلان و سایر امرا گرفتار
بود عاقبت در جنگ تکش خان خوارزمشاه کشته شد نوزده سال سلطنت کرد در سال پانصد و نود
وفات یافت و سلطنت از سلاجقه منقرض گشت مریان از قرای ییلاق گرگان رود گیلان
قرای است مشهوره پیر علی مستجاب الدعوه چون حسب و نسبش در لوح سنگش محکوک
نبود و در کتب اخبار و رجال و انساب و تواریخ نام و نشانش را نقل نکرده بودند هرچه کتب را
تفحص کرده تا معلوم نمایم که این پیر علی کیست اولاً از امامزادهای کرام هیچکدام بمکان مزبور نیامده
و در آنمحل اقامت نکرده ثانیاً چون این اسم بنام سالکین طریقت صوفیه شبیه بود بنابراین حالا
فقرای سلسله علیه نعمت اللهیه و نوربخشیه و صفویه و بکتاشیه و خلوتیه و شطاریه و ذهبیه و قادریه
و نقشبندیه و رفاعیه و طیفوریه را تجسس نمودم اشخاصیکه علی نام بولایت گیلان آمده اند بتفصیل آ

مریان

حرف المیم

که ایراد میشود از مشایخ طریقت پیر علی بزرگ صفهانی است قبرش در هرات است پیر علی بابا یادگار قبرش در خراسان است
سید علی همدانی قبرش در ختلان است خواجه پیر علی شمس الدین قبرش در بخارا است سلطان پیر علی سوید قبرش
در خرم آباد لرستان است پیر علی ساوجی از خرقه پوشان سلسله شاه نعمت الله در ساوه مدفون است بوعلی
رودباری در مزار مشاقیه کرمان بوعلی کاتب در خراسان پیر علی بسطامی از سلسله طیفوریه در بسطام
در جوار بایزید مدفون است پیر علی هکاری از سلسله قادریه در طرسوس در جوار مرشدش ابوالفرج
مدفون است خواجه پیر علی رامینی از سلسله نقشبندیه قبرش در محال ماوراء النهر است در سلسلهای دیگر
چند نفر علی نام است در سلسله ذهبیه سه نفر پیر علی قاری پیر علی عظام پیر علی فارقانی هیچکدام بگیلان
نیامده اند در سلسله صفویه علی نام نیز یکنفر از سادات صفویه خواجه سید علی است که در اردبیل در مقبره شیخ
مدفون است لکن از سلاطین علویه گیلان چهار نفر علی نام است یکی در رستمدار و دیگری در قسام مدفون است
یکی هم از ترس برادرش به بغداد فرار کرد دیگر برنگشت چهارمی که کارکیا علی بن سلطان احمد است
قبرش معلوم نبود بموجب تاریخ بعد از دقت کامل تعیین شد که مزار آن بزرگوار است در تواریخ مسطور است که
آن سید جلیل القدر سلطانی بود فاضل و متقی و عادل و سادات و موالی از فواضل احسان او بهره مند بودند
و اخلاص و حرارت و حمایت در رعایت و تربیت آنجناب بحضرت شاه اسمعیل مرحوم بر عالمیان ظاهر است
احتیاج به بیان ندارد شاه اسمعیل که در حفظ و حراست سید علی بود در سال نهصد و پنج هجری آنجناب را
در لاهیجان وداع نموده از راه ییلاق گرگان رود به اردبیل رفته بعد از زیارت قبر جد بزرگوارش بنای
خروج گذاشت تا در سال نهصد و ده کارکیا حسین کیا فریدون وکیل کارکیا علی را بقتل رسانید کارکیا علی
بالضروره سلطنت گیلان را بدو تفویض کرده روی بگوشه عزلت آورد مدت یکسال منزوی شد چون خواص
گیلان بسلطنت کیا علی مایل بودند جمعی بر آن متفق شدند سلطان حسین را بقتل رسانیدند امرای سلطان خواستند کیا علی را
در عوض بکشند آنجناب از شورش ایشان ترسناک شده راه فرار اختیار نمود خواست خود را به اردبیل باردوی
شاه اسمعیل رساند و در تحت حمایت آن خود را از ورطه هلاک خلاصی دهد شبانه براه افتاده از راه گرگان رود
بقریه مریان رسید امرای سلطان حسین از عقب آمده بآنجناب رسیده بعد از قتال و جدال او را شهید کردند
پس در آنمکان در سر جاده آق اولر و مریان دفن کردند شاه اسمعیل بعد از استماع این واقعه تمام قاتلین
آنجناب را بقتل رسانده و حکام رشت و گیلان را تادیب نمود و حاکم طارم و خلخال در اوان بقتل رسیدند وفات
سید علی کیا در سنه نهصد و یازده سال ششم خروج شاه اسمعیل بود پس بحکم شاه اسمعیل بر سر مزارش گنبد و [illegible] بنا بندی
نمودند پس بمرور دهر کیا علی به پیر علی تبدیل گشت

مشرق بالضم وفتح الراء وتشدید ها وادی بین العذیب وعین شمس فی غزوة الزبیر منها الی العذیب والقصوی منهما من العذیب دفن فیها شهداء

القادسیة

باب بیست چهارم

۹ من یلیه

نسب بابره آنجات بدانکه نسب السید علی بن احمد بن حسین بن محمد بن ناصر بن محمد بن رضا بن علی بن امیر بن حسن بن احمد علی الغزنوی بن محمد بن ابو یزید بن حسن بن احمد بن عیسی الکوفی بن علی بن الحسین الاصغر بن الامام زین العابدین علیه السلام ۹ **مزداخان** از قرای هرات است **الامام فخر الدین رازی** صاحب تفسیر کبیر وکان ولادته فی خامس عشر شهر رمضان سنة اربع وخمسمائة بالری وله مصنفات کثیرة وتلامیذ النحریر فوتش در ششصد و شش در قریه مزبور در کوه مصاقب مدفون است بعضی از اولادهای امیر تیمور گورکانی در مقبره امام فخر رازی مدفونند **مسیب** قریه است در کنار شط فرات در چهار فرسخی کربلا است مزار فالفین الانوار پسران حضرت مسلم بن عقیل **محمد و ابراهیم** در آنجا با نهایت لطافت زوار در اهالی از زیارات ۹ **مشهد مادر سلیمان** معروف است بمشهد ام النبی در چهار منزلی شیراز در کنار قریه شیخان در سر راه اصفهان واقع است طرفه بنای در سر مزار آن خاتون بنا کرده اند مورخین فرنگستان را عقیده آن است که آن مقبره پادشاهی است نامش کورس بوده از سلاطین عجم است بتاریخ ایشان دو هزار و چهار صد و پنجاه سال قبل از این زمان سلطنت داشته یکی از مورخین گوید چون برخی جمشید را سلیمان دانند شاید مادرش در آنجا مدفون باشد و بدین اسم خوانده شده اما در یکی از تواریخ اروپا مرقوم است سلیمان بن جعفر برادر هارون الرشید وقتی از جانب خلیفه بحکومت فارس آمده و مادرش همراه بوده در آنجا در گذشته و مدفون گشته از آنوقت مشهور بمادر سلیمان گردیده و بطول زمان گمان نموده اند که سلیمان نبی است پس مشهد ام النبی نیز گفتند والله اعلم **مشاهد طالبیه** در عهد متوکل خراب بود در زمان مستنصر بالله خلیفه که دعوی تشیع مینمود داعی محمد بن زید از طبرستان مالی فرستاده مشاهد را عمارت کردند **مشهد امام زاده بابا احمد** در یکفرسخی بهبهان با لطافت اهالی آنجا بزیارت است **مشهد امام زاده اسمعیل** در نواحی شیراز واقع است **مشهد امام سعید** در نواحی رامهرمز از بلاد خوزستان واقع است **مشهد امام زاده بابا حیدر** در نواحی بختیاری نزدیک بیک بالادرود است اگر بخواهیم مشاهد روی زمین را بنویسیم مثنوی هفتاد من کاغذ شود بهمین اکتفا کردیم **مصلی** از قرای بحرین است مزار فیض آثار **الشیخ عز الدین حسین بن عبد الصمد** بن محمد الحارثی الهمدانی است بعجالت همدانی مرسد بالمغات جبلی است از بلاد جبل عامل ببلاد عجم آمده در آخر عمر در بحرین اقامت کرده تا وفاتش در رسید در قریه مصلی مدفون گشت. شیخ حسین مرحوم

مزداخان

مسیب

مشهد مادر سلیمان

مشهد مقدس

مشاهد طالبیه

مشهد بابا احمد

مشاهد

مصلی

بهار

حرف المیم

پدر شیخ بهائی معروف است آنجناب بسیار عالم محقق و فاضل مدقق و متبحر در فنون بود و از فضلاء تلامذه شهید ثانی دفتی سفر خراسان کرده مدتی در هرات ماند و در آنجا شیخ الاسلام بود و قضاوت مینمود و شیخ بهائی پسرش هفت سال داشت آنوقتیکه از دیار عرب به بلاد عجم آمده بود بالجمله از هرات بمکه رفت و قصدش آن بود تا زمان وفات در مکه اقامت کند در عالم رؤیا دید که قیامت قیام کرده و امر خداوند تعلق گرفته که زمین بحرین را بسوی جنت بلند کنند چون این خواب را دید عزیمت بحرین نمود ما در آنجا رحلت فرمود عمرش هفتاد و دو سال بود ولادتش در غره محرم نهصد و دوازده هجری وفاتش در هشتم ربیع الاول سنه نهصد و هشتاد و چهار در زمان وفات آن مرحوم ولد ارشدش شیخ بهائی در اصفهان بود در حرم ائمه علیهم **مطیرآباد مزار الشیخ احمد بن علی النجاشی مشهور بابن الکوفی** در آنجا است شیخ علامه در خلاصه گفته احمد نزد من ثقه و معتمد است و از کتابهای مشهور در معرفت احوال رجال مولدش در صفر سنه اثنین وسبعین وثلثمائة بود و وفاتش در مطیرآباد در جمادی الاول سنه خمس و اربعمائة وکان الشیخ الجلیل ابو العباس احمد النجاشی المعروف بابن الکوفی وکان فضله و دینه وحسبه غایة اشتهارها بین طایفة الامامیة من غیر نکیر انه قدس سره کان شیخا ثقة صدوق اللسان عند الموافق والمخالف رضی الله عنه ان وفاته کانت بقریة مطیرآباد فی جمادی الاولی من شهور سنة خمسین واربعمائة وعمره اذ ذاک ثمان وسبعون سنة وصارت مادة تاریخ ذلک رحمه الله سلام ۹ **موق آباد** از قرای بحرین است **الشیخ محمد** بن شیخ یوسف بحرانی مقابی ماهر بود در علوم عقلیه ونقلیه وریاضیه وهیئت وهندسه ونجوم وعربیت ومنطق وحکمت سنه هزار و صد و سه در قریه مزبوره وفات و مدفون گشت ۹ **معرة النعمان** بلدی است از شامات **معری ابو العلاء التنوخی** از شعرای مشهور و فضلای معروف است تصانیف بسیار دارد و در هفتاد سالگی در سنه چهار صد و چهل و نه هجری در معره وفات یافت از خصال اوی بوده که گوشت حیوان نمیخورده شل بعضی هنود که این داب را دارند وبلغنی انه اوصی ان یکتب علی قبره هذا جناه ابی علی وما جنیت علی احد وهذا متعلق باعتقاد الحکماء فانهم یقولون ایجاد الولد واخراجه الی هذا العالم جنایة علیه لانه یتعرض بالحوادث والآفات قلت وفی هذا الشعر دلالة علی کونه عقیما بلا ولد وایضا لم یکن عنده حین موته غیر نجاسه وکان

مطیرآباد

موق آباد

معرة النعمان

مقام صاحب الزمان

مقام راس الحسین

مکن پور

عمرو در جنگ موته شهید گشت

حارث بن سعد گشته ابو سعید است در جنگ موته شهید شد

عبادبن قیس در یوم موته شهید شد

مکن پور از بلاد هندوستان است مزار فیض آثار **شیخ معین الدین** از مشایخ مرضیه ثلاثة ایام وازاکابر روزگار بود در اندیار است سالی یکمرتبه بزیارت جمعیت بسیار آیند گویند هر سال بابد صد و پنج هزار نفر درویش کسوت بیرون در آن مزار جمع شوند

موصل

موصل شهری است از بلاد شامات مزار فیض آثار **حضرت یونس** ع وذالنون لقب یونس بن متی انه نبی ارسله الله تع الی اهل موصل **حضرت جرجیس پیغمبر** ع جرجیس نبی کان من اهل فلسطین بعثه الله تع ودر قدم مطهر بعد المسیح الی ملک موصل واز امامزاده ها مزار **السید ابوهاشم احمد** بن حسین الاحول بن عیسی بن یحیی بن زید الدمعة بن زید الشهید بن الامام زین العابدین ع کرنقیب موصل بود در آنجاست **بقعه ابوتمام طائی** نام او حبیب بن اوس است نجاشی گوید ابوتمام امامی مذهب وشیعه متعصب بود ودر مدح اهلبیت اظهار اشعار بسیار گفت ولادتش سال یکصد ونود ودو در قصبه جبدر از اعمال دمشق ودر دمشق نشو ونما یافت از تالیفات اوست کتاب حماسه وکتاب مختار شعر قبایل در سنه دویست وسی ویک در حیات امام محمد تقی علیه السلام وفات یافت وابو نهشل بن حمید طوسی بر سر او گنبدی بنا نمود وقبر **عمرو بن الحسن الخزاعی** ع در آنجاست والعلامة الادیب ابو السعادات المبارک الشهیر **بابن اثیر الجزری** الملقب بمجد الدین صاحب النهایة فی اللغة الحدیث وله المصنفات البدیعة والرسائل الوسیعة کانت ولادته بجزیرة ابن عمر فی احد الربیعین سنة اربع وخمسین وخمسمائة وتوفی بالموصل یوم الخمیس سلخ ذالحجة سنة ست وستمائة ودفن برباطه بدرب دراج داخل الموصل **وعلی بن الحسین** جامع باقولی مزارش در موصل است وابو البرکات **شرف الدین** کان عارف وذا الفن والعلوم توفی بالموصل فی محرم سنة سبع وثلثین وستمائة ودیگر **ضیاء الدین ابو نصر** صاحب کتاب کامل التواریخ توفی فی شعبان سنة ثلاث وستمائة وقطب العارفین **نور علیشاه** مرشد معروف اصفهانی در قرب مزار یونس علیه السلام مدفون است **وشیخ عبد العزیز** الحسنی العلوی العارف الصوفی ابن شیخ عبد القادر ابی محمد الجیلانی در جبل حیال از اعمال موصل مدفون است دفین بغداد است

موته

موته جنگگاه معروف غزوه مشهور است نزدیک بزمین بلقا آخر خاک حجاز میباشد در زمین بلقا ما بین شام و وادی القری واقع است از آنجا تا بیت المقدس دو منزل مسافت است در آنمکان اصحاب رسول الله

حرف المیم

باهر قلی پادشاه سیای صغیر بود جنگ کردند از امرا آن لشکر **جناب جعفر بن ابی طالب وزید بن حارثه وابن رواحه** شهید گشته ودر آنجا مدفون گردیدند وفی روایة قال رسول الله رأیت جعفر یطیر فی الجنة بجناحیه ولذا سمی بجعفر الطیار جعفر بن ابی طالب اکبر بود از علی علیه السلام بده سال عقیل اکبر بود طالب اکبر بود از عقیل بده سال واز مهاجرین دیار حبشه بود قدوم جعفر بمدینه در سال هفتم از هجرت ودر سال هشتم در غزوه موته بدرجه شهادت رسید وعمر شریفش در وقت شهادت چهل ویکسال بود رحمة الله علیه

میانج

میانج قصبه ایست ما بین تبریز و زنجان واقع است مزار فایض الانوار **امامزاده اسمعیل** بن جعفر بن الامام علی النقی علیه السلام مطاف اهالی آن دیار است

میمند

میمند قصبه ایست در فارس میان مشرق وجنوب شیراز واقع است بمسافت هفده فرسخ از شیراز دور است حاصلش غله وبرنج وانگور وبادام وگل سرخ وگلابش بعالم مشهور است انجا را اتابکی خواتون مادر شیخ شاه ابو اسحق بن محمود شاه که مالک بوده وقف بر بقعه شاه چراغ نموده ودر روضه آن عمیر وقبه عالی ومدرسه بنیاد کرده وانجا تختگاه سلاطین مظفریان بود واکثر ایشان در آنمکان مدفونند ومقبره ایشان در آنجا ظاهر است

ذکر سلاطین آل مظفر

ملوک مظفریان هفت نفر بودند مدت هشتاد ودو سال حکمرانی کردند وجد اعلای ایشان **امیر غیاث** از اهل سجاوند خواف خراسان بود در زمانیکه لشکر اسلام تسخیر خراسان کردند اجداد او از دیار عرب بانجا بیامد وخود امیر غیاث الدین مرد قوی هیکل وبلند بالا بود وشمشیرش سنگ بزد بقدر سه من وینم میآمد اول ایشان **امیر مظفر** بن منصور بن امیر غیاث بغایت پاک دامن ونیک اعتقاد بود ودر زمان سلاطین چنگیزی مرتبه او بالا رفت تا فرمانفرمای فارس وعراق گردید در سال هفتصد وسیزده وفات یافت نعش او را در میبد در مدرسه که خود بنا کرده بود دفن کردند ۲ **امیر مبارز الدین** بن امیر مظفر مردی دیندار وشجاع بود ودر تقویت دین اسلام وتعظیم شرع وتربیت علما ورعایت رعایا جدی بلیغ داشت الی چهل ودو سال حکمرانی کرد در سنه هفتصد وشصت پسرانش شاه شجاع وشاه محمود شبانه گرفته محبوس کردند وبقلعه سیرک برده او را میل کشیدند بعد بقلعه سفید فارس حمل کردند بعد از مدتی بقلعه بم نقل نمودند تا آنکه سنه هفتصد وشصت وپنج در آنجا وفات یافت مدت عمرش شصت وپنجسال بود ۳ **شاه شجاع** چون پدرش مکحول ومحبوس گشت او بجای پدرش ودیگر برادران حکومت کرمان واصفهان را داد مدت

باب بیست پنجم

مدت بیست شش سال سلطنت کرد برادرش محمود در سر مملکت با وی در نزاع بود شاه شجاع بعد از وفات وی
این رباعی را گفت **نظم** محمود برادرم شه شیر کمین میکرد خصومت از پی تاج و نگین کردیم دو بخش تا
بر آساید خلق او زیر زمین برفت با روی زمین و این رباعی مشهور نیز از تخیلات شاه شجاع است **نظم**
افعال بدم ز خلق پنهان میکن دشوار جهان بر دلم آسان میکن امروز خوشم بدار و فردا با من آن کن که کرم
میسزد آن میکن شاه شجاع سنه هفتصد و هشتاد و شش وفات یافت مدت عمرش پنجاه و سه سال و سه ماه بود دم
شاه زین العابدین بر تخت پدر نشست شاه منصور با وی یاغی شده او را میل کشید و در قلعه
سفید محبوس ساخت بعد امیر تیمور گورکانی او را از قلعه بیرون آورده بماوراء النهر فرستاد و در آنجا وفات
یافت **شاه منصور بن مظفر** مدت پنج سال سلطنت بدو تعلق داشت تا سال هفتصد و نود و پنج
با امیر تیمور گورکانی در حدود شیراز مصاف داد شکست یافت چند زخم کاری بوی رسید سرش را بریده برای
امیر تیمور بردند و مملکت ایشان بتصرف تیمور آمد **واحمد** بن امیر مبارز الدین **وابا یحیی** بن مظفر با آل مظفر
در سنه هفتصد و نود و پنج در سر حد قمشه اصفهان بحکم امیر تیمور بقتل آمدند

باب بیست پنجم در ذکر شاه حرف نون

ناصر آباد از توابع دراین است امام زاده عون از اولاد موسی الکاظم علیه السلام در آنجا مقتول و مدفون گشت

ناقوره در زمان قدیم نام آن بلده افسوس و تختگاه دقیانوس بود که دعوی خدائی میکرد و اصحاب کهف
از آن شهر ظهور کردند و ایشان شش نفر بودند تملیخا مکسلمینا مثلینا مرنوس دبرنوس شاذنوس
قوله تعالی ان اصحاب الکهف والرقیم الآیة قیل ان اصحاب الکهف کانوا من ابناء ملوک
الروم رزقهم الله الاسلام کانوا فی زمن دقیانوس فی الفترة بین عیسی بن مریم ومحمد انهم
هربوا من ملکهم لیلا ودخلوا الکهف غدوة وانتبهوا ظهیرة وظنوا انهم فی یومهم
فلما نظروا الی طول اظفارهم واشعارهم فتعجبوا وقالوا فابعثوا احدکم الی المدینة ان المبعوث
لما دخل السوق واخرج الدراهم وکان علی اسم دقیانوس اتهموه بانه وجد کنزا فذهبوا
به الی الملک وکان نصرانیا موحدا فقص علیه القصص فقال بعضهم ان آبائنا اخبرونا ان فتیة
فروا بدینهم من دقیانوس فلعلهم هؤلاء فانطلق الملک واهل المدینة فلما دنوا من الکهف
استوقفهم الفتی لیدخل اولا لئلا یفزعوا فدخل فدعوا الله ان یمیتهم فماتوا وطمس فلم
یره الناس فمر معویة مع اصحابه بالکهف الذی فیه اصحاب الکهف فقال معویة لو کشف

حرف نون باب بیست پنجم

ناصر آباد

ناقوره

حرف النون

لنا عن هؤلاء فنظرنا الیهم فقال بعض اصحابه فقد منع الله تعالی من هو خیر منک قال الله تعالی لو اطلعت
علیهم لولیت منهم فرارا فلم یسمع وبعث ناسا فلما دخلوا جاءت ریح فاحرقتهم **ناورود**
از محال گیلان است مزار فایض الانوار **امام زاده ابو العشایر المشتهر بسید عاشور** بن محمد بن الحسن بن الحسین بن احمد الاکبر بن موسی الثانی ابی سبحة بن الامیر الکبیر ابراهیم المرتضی
ابن الامام موسی الکاظم در بارفه محله اسالم گیلان واقع است **و شیخ نور الدین** مشهور به سپهر تنی
ابن برهان الدین خواجه عبد الله الانصاری سنه پانصد و چهل پنج بآن نواحی آمد و مرده بسیار رجوع کرد
قواعد سلوک فتوح و رباط از ایشان بیاموخت تا در آنجا وفات یافت و حاجی جان بابا اصلا از قرا خلخال
بود در اصول اشعری و در فروع شافعی و در سلوک نقشبندی بود در جوار سپهر رات مدفون است **نخف**
نخیله قریه ایست در اراضی کوفه **مزار یهودا ابن یعقوب اسرائیل الله** در نخیله واقع است چنانکه
اصبغ بن نباته روایت میکند که در نخیله قبر بزرگی بود و قوم یهود مردگان خود را در جوار آن قبر دفن میکردند
چون حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام بآن مکان تشریف آوردند فرمودند مردم در حق این قبر چه میگویند
حضرت حسن علیه السلام عرض کرد یقولون هذا قبر هود حضرت فرمود کذبوا فانا اعلم به منهم
هذا قبر یهودا ابن یعقوب بن اسحق بن ابراهیم علیه السلام این قبر یهودا پسر یعقوب پیغمبر است 9
نسف از بلاد توران است **شیخ عز الدین** مرید شیخ سعد الدین حموی صاحب کتب کثیره
در آنجا مدفون است **نطنز** قصبه است در دو منزلی شهر کاشان مولانا **شیخ عبد الصمد** مرشد مولانا
عبد الرزاق صاحب تاویلات در آنجا مدفون است **نعمانیه** بلدی است از عراق ما بین واسط و بغداد
واقع است **مقام حضرت مهدی** قائم عجل الله فرجه در آنجاست **و شیخ ابن جعفر** النعمانی
و شیخ ابو عبد الله معروف بابن ابی زینب صاحب تفسیر و تصانیف از تلامذه ثقة الاسلام کلینی
بودند در آنجا مدفونند **نقشبند** قریه ایست از قراء بخارا چون مولانا **شیخ بهاء الدین**
نقشبندی از آنجا بوده و مزارش نیز در آنجاست و سلسله نقشبندیه بوی منسوب است گویند شیخ بهاء الدین
از کثرت ذکر بمرتبه رسید که در قلب او ذکر تهلیل نقش بست لاجرم مشهور به نقشبندی گردید **شعر** ای برادر
در طریق نقشبند ذکر حق را در دل خود نقش بند مروج آن سلسله خواجه احمد بود آن سلسله منتهی میشود بقاسم

ناورود

نخیله

نسف

نطنز

نعمانیه

نقشبند

باب بیست پنجم

محمد بن ابی بکر واو مرید سلمان فارسی بوده وخواجه ابویعقوب یوسف همدانی وخواجه عبدالخالق غجدوانی
وخواجه علاء الدین عطار مولانا نظام الدین وخواجه ناصر الدین عبدالله احرار وخواجه سعدالدین
کاشغری وملا عبدالرحمن جامی که صاحب رشحات است عموما در طریقه نقشبندی بوده اند

نهاوند

نهاوند از بلاد قدیمه عراق عجم است اولا در انجا زیارتگاهی معروف است **بقعه قبور الشهداء**
درعهد خلیفه ثانی که لشکر اسلام با لشکر یزدجرد بن شهریار جنگ کردند عرب فتح نمودند وعجم منهزم
گشتند جمعی از لشکر اسلام در آنمکان شهید شدند ازجمله **نعمان بن عمرو بن مقرن
المزنی ومعقل برادر نعمان وسوید بن مقرن وعمرو بن معدی
کرب وطلیحه** درسنه نوزده از هجرت بود در موضعی که قبور الشهدا نامند دفن کردند
وطلیحه بن خویلد تنبا فبعث الیه رسول الله فهرب بعد القتال الی الشام ثم اسلم
وحسن اسلامه وقتل فی غزوة نهاوند ودیگر مزار فیض آثار **عبدالجبار بن مبارک**
که از جمله اصحاب ووکلای حضرت امام محمد تقی الجواد علیه السلام بود مطاف زایرین آن دیار است
عبدالله در سنه دویست وبیست وپنج از هجرت گذشته وفات یافت وامامزاده بسیار در نواحی
نهاوند بسیار است ازجمله **امامزاده احمد** بن جعفر بن موسی الکاظم علیه السلام در قریه
فیناباد نهاوند مدفون است **وامامزاده قاسم** در قریه خاوه آنسر از قرای نهاوند است

نهرس

نهرس رود ارس در نقطهای آذربایجان از اراضی ارمنیه واز کوه آرارات جاری بوده از
اراضی مغان گذشته به بحر خزر میریزد ودر زمان قدیم دوازده شهر در کنار نهر مذکور بود وپادشاه آنها
از اولاد نمرود بن کنعان بود سکنه آن شهرها همه بت پرست بودند واسامی تلک المداین
کانت اسامی الشهور الاثنی عشریة الفرسیة المشهورة فروردین اردیبهشت
خرداد مرداد تیر شهریور مهر ابان آذر بهمن اسفندار
دی اهالی آن شهرها دختران باکره را می پرستیدند مردان لواط وزنان بسحق مشغول میشدند
وکانوا یعبدون شجرة الصنوبر بعث الله الیهم نبیا من بنی اسرائیل فلا یتبعو

فالقوه

65

حرف النون

فالقوه فی بئر فالقموا فاها صخرة عظیمة یعنی خدا تعالی **حضرت حنظله نبی را**
برایشان مبعوث فرمود هرچه موعظه کرد ونصیحت داد گوش نکردند پس انبوبه از آهن مثال
چاهی در آب گذاردند از میانش آب وگل را بیرون کشیدند ودر تگ رودخانه چاهی کنده شد
حضرت حنظله را در آنچاه انداختند وانبوبه را برداشتند وآنجناب را شهید کردند حقتعالی
زمین را چون گوگرد افروخته همه سوختند وآن دوازده شهر همه سرنگون گردید الحال مزار
فیض آثار حنظله در چهار فرسخی رود ارس در غایت اشتهار مطاف اهالی آن دیار است
وفی الکافی عن الصادق ع سئلته امراة عن السحق فقال حدها حد الزانی
وهن فی النار وادخل فی اجوافهن وفروجهن اعمدة من النار فقالت لیس
فی القرآن قال علیه السلام هن اصحاب الرس وکانت نسائهم سحاقات

نهروان

نهروان ازمداین سبعه عراق الحال بکلی خراب است **بقعه ابراهیم** بن مالک اشتر
در صحرای نهروان مابین بغداد وسامره از گنبد ومرقدش معلوم است **نیشابور**
شهری است دو مرحله از مشهد رضوی دور قبور بعضی از امامزاده واولاد ائمه واصحاب
وعلما وعرفا در نیشابور بسیار است ازجمله ابوالحسین **محمد زاهد** از اولاد حسن مکفوف بن
حسن افطس بن علی الاصغر بن زین العابدین علیه السلام وفرزندان آن بزرگوار ابو محمد یحیی
نقیب النقباء نیشابور ملقب **بشیخ العترة** وابومنصور ظفر بن ابی الحسین ملقب
به پلاس پوش در نیشابور مدفون اند واز اصحاب مزار فیض آثار ابومحمد **فضل
بن شاذان الازدی النیشابوری** که از اصحاب کبار حضرت رضا علیه السلام
بود یکصد وهشتاد جلد کتاب تصانیف جمیله وتالیفات مفیده دارد ودر آن دیار در کمال اشتهار است
شیخ نجاشی گفته که فضل ثقه وفقیه ومتکلم وجلیل القدر ومحب خالص العقیدة فاضل ودر حقایق مذهب حقه
امامیه کامل بود از سهل بن فارسی روایت است که گفت در آخر عهد از فضل بن شاذان شنیدم که میگفت من خلیفه
جمعی از اکابر ماورثه ان استفاده نمودم هشام بن سالم چون بگذشت یونس بن عبدالرحمن خلیفه او بود چون
یونس وفات یافت منم خلیفه ایشان **واسحق بن اسمعیل** علامه حلی توثیق او نموده وفرموده که او از اصحاب

واحمد بن محمد بن جعفر بن حسن بن عمر بن علی بن حسن بن علی بن علی علیهم السلام

ابی محمد عسکری است و در کتاب مجالس توقیع شریف از آنحضرت نقل نموده در آنجا با سحق و بجمیع شیعه نیشابور عتاب
بر ترک بعضی از فرایض و سنن فرموده و جمیع شیعه نیشابور را دلالت بر طریق هدایت و احکام شرع سید انام
و مودت ذی القربی در رعایت حقوق ایشان نموده و حواله اخذ حقوق و جبه موالی آنجا با براهیم بن عبده که یکی از
وکیل وجوه شیعه نیشابور است فرموده اند **ابوزرعه** **و محمد بن اسلم طوسی** از اصحاب
حضرت رضا بودند **و عبدالله مبارک** **و یحیی بن معاذ الرازی** از مشایخ و
و بحر معارف و واعظ عصر و حکیم دهر و شیخ واصل و مجاهد بود قال اهل التاریخ خرج یحیی بن
معاذ الی بلخ واقام بها مدة ثم رجع الی نیشابور و مات بها سنة ثمان و خمسین و مائتین
و شیخ ابو علی دقاق در سنه پانصد و چهل و پنج در نیشابور رحلت یافت و مزارش در آنجاست
و دیگر از مدفونین آنجا **ابن فورک الاصفهانی** و کان عارفا اهدا اصولیا متکلما
عالما فاضلا واعظا ادیبا نحویا لغویا و بلغت مصنفاته فی اصول الفقه والدین و معانی
القرآن قریبا من مائة مصنف و کان شدید الرد علی اصحاب ابی عبدالله بن کرام لما قصد
الی نیشابور فسم فی الطریق فمات هناک و نقل الی نیشابور و دفن بالحیرة والحیرة محلة کبیرة
بنیشابور و مشهده بها ظاهر یزار و یستشفی به و یستسقی به و تستجاب الدعوة عنده
و کانت وفاته سنة ٤٠٦ **و ابو القاسم قشیری و صوفی** صاحب الرساله و مولانا
ابو سعید **محمد بن یحیی الملقب بمحیی الدین** کان ولادته سنة ٤٧٦ نظر ثبت من
اعمال نیشابور و کان یدرس بنظامیة نیشابور ثم درس بمدینة هرات فی المدرسة النظامیة
واستفاد منه خلق کثیر و توفی شهیدا فی شهر رمضان قتله الغزان لما استولوا علی
نیشابور فی وقعتهم مع السلطان سنجر السلجوقی اخذته و دست فی فیه التراب حتی مات
محمد بن یحیی که فاضل و متقی بود در دست لشکر غزان خان ترکان با چندهزار علما و فضلا و مشایخ نیشابور
سنه پانصد و پنجاه و دو بدرجه شهادت رسیدند خاقانی در شان آن بزرگوار گوید در ملت محمد مرسل
نداشت کس فاضل‌تر از محمد یحیی فدای خاک آن کرد کاه تهلکه دندان فدای سنگ وین کرد روز
قتل دهان را فدای خاک **و ابوبکر الخوارزمی** فاضل و ادیب و متبحر شاعر انه کان فاضل
فی اللغة والانساب اقام فی الشام مدة و سکن بنواحی حلب و لما رجع من الشام سکن نیشابور

وفات

همه [illegible] سبکیا [illegible] اسم ابوه
الی نیشابور ظاهرت [illegible]
[illegible]
و توفی [illegible]

٩٦

شاهد حرف النون

و مات بها فی منتصف شهر رمضان سنة ثمانین و ثلثمائة بحر الحقایق والاسرار
نجم نماناد در نسب و حال امام زاده محمد که بمحمد محروق معروف است و مزارش نزدیک شهر نیشابور
در طرف دست چپ در نیم فرسخی در سمت جنوب و شرقی دروازه مشهد واقع است اختلاف کرده اند
بنا بر روایتی که قاضی سعید نورالله شهید نوشته و صاحب ناسخ التواریخ گفته اند آنجناب باید
ابوالحسین محمد زاهد از اولاد حسن مکفوف بن حسن افطس بن علی الاصغر بن زین العابدین
بوده باشد اولاد آنجناب را شیخ البررة میگفتند و ابو محمد یحیی نقیب النقباء نیشابور بودند لکن صاحب کتاب
مطلع الشمس از سنگ مزارش و از کتاب شجرة الاولیاء که از تالیفات سید احمد یزدی اردکانی است
روایت میکند که آن بزرگوار **امام زاده محمد المحروق** بن محمد بن حسین ذی الدمعة
بن زید الشهید بن الامام زین العابدین علیه السلام است گویند این امام زاده چون [illegible]
یزید بن مهلب حاکم خراسان مقتول ولیس از قتل محروق گردید بسبب آنکه ظاهرا یکی
از بنات بنی امیه عاشق شده و او را داخل در طریقه تشیع کرده بود یزید بن مهلب که
حاکم خراسان عامل خلیفه اموی که با فرقه بنی هاشم عداوت داشت حکم کرد عاشق و
معشوق را بسوزانند بطوریکه از تواریخ معلوم میشود با جمعی از فرزندان و فرزندزادگان
زید شهید همان معامله از شهادت و احراق جد محمد شده است همانا با امام زاده
محمد هم بهمین رفتار شده باشد فلذا الملقب بالمحروق پس بنا بر این محمد محروق
معروف شد و در مغرب روضه امام زاده محمد محروق روضه **امام زاده ابراهیم** بن
موسی بن جعفر علیهما السلام واقع است و دو روضه بهم وصل است چنانکه از روضه امام زاده
محمد بروضه امام زاده ابراهیم میروند در سمت قبله مواجه امام زاده محمد جائی است که آن را
دار الحفاظ میگویند و در میان آن جائی است بزعم مردم دخترش در اینمحل غیبت کرده است
و بروایت خدام زن امام زاده محمد محروق در اینجا غایب شده و شاه طهماسب صفوی بقعه
و ایوان عالی برای آن امام زاده ها افراخته و مقبره فضل بن شاذان طاب ثراه در طرف شرقی
بقعه امام زاده محمد محروق واقع است

و دیگر از امام زاده ها
و در نیشابور مدفون است
و ضجیع بالبری محمد بن
جعفر بن الحسن بن عمر
بن یحیی بن الحسین بن
یدعو الی الحسن بن زید
فی خلع عبدالله بن طاهر
فحبسه بنیشابور فلم یزل
فی حبسه حتی هلک
و محمد بن عبدالله بن زید بن عبدالله
بن حسن بن زید بن الحسن
توفی فی حبس یعقوب
نیشابور و کان اسره
بطبرستان و توفی فی حبسه
فی ایام المعتمد
کما ذکره ابو الفرج
فی المقاتل

٦٧

مشاهد حرف النون

وفات یافت فی منتصف شهر رمضان سنة ثلاث وثمانین وثلثمائة بمجمع الحقایق والاسرار
شیخ فرید الدین محمد بن ابراهیم العطار انه ولد فی شعبان سنة ٥١٣ و مرقده
الشریف فی بلدة نیشابور و ادرک صحبته علی الکبر مولانا الرومی و اعطاه بیده کتاب اسرار نامه
وله مصنفات کثیرة شیخ عطار از عرفای روزگار بود در فتنه چنگیزی اسیر مغول شده وقتیکه اتجاب او را بشهادت
رسانیدند اتجاب سر خود را به دو دست خود گرفته بقدر نیم فرسخ دوید تا آنجا که مرقد او است ایستاد آنگاه از پای در آمد
قاتل اتجاب آن کرامات را دید نادم و پشیمان شد شیخ را بطرز اسلام غسل داده و کفن کرده و دفن نمود و تا آخر
در سر مزارش مجاور گشت قتل شیخ عطار در سال ششصد و بیست هفت اتفاق افتاده یکصد و چهارده سال
عمر کرده بود و قبرش در نیشابور است و قبور **ابراهیم** بن عبده **و یحیی** بن یحیی **و اسحق** بن راهویه
و محمد بن رافع **و احمد** بن حرب عموماً در نیشابور واقع است **و یعقوب** لیث سیستانی
که از سلاطین صفاریان بود در سال دویست و چهل و چهار در آنجا وفات یافته و در نیشابور مدفون گشت
نیل شهری بود در کنار دجله حجاج بن یوسف آن را احداث نموده بود در ایام خراب شد **ابو سعید**
از اکابر دانشمندان و فضلای شعرای ایام بود در آنجا مدفون است و دیگر نیل رودی است مشهور در کتب اخبار
مسطور است که چهار رود است از بهشت بر آنها جاری میشود آن رود نیل ٢ فرات ٣ جیحون ٤
سیحون قال علی بن ابی طالب ع ماء نیل مصر یمیت القلب ولا تغسلوا رؤسکم من طینها فانه
یورث الزمانة وقال علیه السلام فی ماء الفرات اشربوا ماء الفرات فانه طهور البدن
ویدفع الاسقام قال ابو عبد الله ع لو انی عندکم لاتیت الفرات کل یوم فاغتسلت

باب بیست ششم در ذکر مشاهد حرف واو

واسط از بلاد خوزستان است حجاج بن یوسف بنا کرد اکنون خراب است
السید احمد بن یحیی بن حسین ذی العبرة بن زید الشهید بن الامام زین العابدین علیه السلام در آنجا است
و سعید بن جبیر بصفت علم و زهد و عبادت و حدیث و تفسیر و فقاهت و کرامات و خارق عادات
معروف بود و در شعبان سنه خمس و تسعین بامر حجاج شهید شد در کتاب کشی مذکور است سبب قتل حجاج او را
آن بود که بر طریقه تشیع اقتدا بحضرت زین العابدین مینمود و اهل بیت طاهره را دوست میداشت و حجاج بعد از
شهادت جبیر زیاده از چهل روز زنده نبود در ایام مرض الموت بارها بیهوش میشد و باز بهوش میآمد و در آن اثنا

باب بیست پنجم

خلاصه مقابر اصحاب و رجال علما در نیشابور بسیار است از جمله **ابو سهل صعلوکی** محمد بن سلیمان الحنفی
العجلی اصلاً اصفهانی است لیکن در نیشابور می زیست در میان فقهای شافعیه از مشاهیر است ابو الطیب
فقیه نیشابوری عم او بود صاحب بن عباد میگفت ابو سهل الصعلوکی لا نری مثله ولا یری مثل نفسه
فوتش در آخر سال سیصد و شصت و نه در نیشابور اتفاق افتاد و آنجا در مسجدی که نماز میکرد در آنجا
مدفون شد **ابن شاهویه** فارسی و فقیه شافعی جنیدی در نیشابور مقیم بود از آنجا به بخارا
رفت مدتی در فارس قاضی بود آنگاه به نیشابور مراجعت کرد تا در سیصد و شصت و یک درگذشت
ابو النضر ارغیانی محمد بن عبد الله فقیه شافعی در سال پانصد و بیست در نیشابور درگذشت **محی الدین**
محمد بن یحیی الفقیه الشافعی استاد کافه فقها متأخرین نیشابور است در سال پانصد و چهل و هشت
که اتراک غز بر نیشابور مستولی شده قتل عام کردند این فقیه بزرگوار را کشتند و دهانش را از
خاک بینباشتند تا هلاک شد **معین الدین** محمد بن ابراهیم جاجرمی الفقیه الشافعی
در نیشابور می زیست و تدریس میکرد و تصنیف مینمود در ششصد و سیزده در شهر نیشابور وفات
یافت **حاکم نیشابوری** ابو عبد الله محمد بن عبد الله الطهمانی در عصر خود امام علما حدیث
و استاد اعظم رواة آثار بود مشایخ و اساتید آن نزدیک دو هزار کس شد و قریب دو هزار و پانصد جزو
تصانیف دارد فوتش در نیشابور سال چهارصد و پنج واقع شد **مؤید طوسی** از کبار محدثین
بود و در نیشابور می زیست فوت مؤید در سال ششصد و هفده در نیشابور اتفاق افتاد
شیخ ابو اسحق اسفراینی از جمله فقهای شافعیه بود در کلام و اصول از اساتید بود
کافه مشایخ نیشابور این فن را از او آموختند همیشه آرزو میکرد که در نیشابور بمیرد تا اهل
نیشابور بروی نماز گذارند از قضا در سال چهارصد و هیجده روز عاشورا در نیشابور
وفات یافت **ثعلبی مفسر نیشابوری** یگانه روزگار خویش بود تفسیر کبیری نهایت
اشتهار دارد در سال چهارصد و بیست هفت از دنیا رفت **جوهری** صاحب صحاح
اللغه از مشاهیر علمای اسلام است آخر عمر در نیشابور به تصنیف و تدریس مشغول بود تا در سال سیصد و
هشتاد و شش وفات یافت **حکیم عمر خیام** پیشوای حکمای خراسان بود با خواجه نظام
الملک وزیر و حسن بن صباح حمیری پیشوای اسمعیلیه از عهد شباب احباب بودند و همه در خدمت
امام موفق نیشابوری تحصیل میکرده اند و وی مذهب تناسخ داشت فوتش در چهارصد و نود

باب بیست پنجم

بیکفت که چه میخواهد ازین سعید بن جبیر در هر کاه که بجناب میرفت سعید را میدید که دامن او را گرفته میکوید ای دشمن
خدا ایتعالی بچه جهة مرا کشتی عمر سعید چهل نه سال بود و قبر او در واسط مشهورست وابو طالب **عبدالله**
بن ابی زید الانباری از اصحاب خاص دثقه و عالم و عابد و زاهد بود و اول واقفی بعد اثنی عشری
مذهب بود یکصد و چهل کتاب در عمر خود تصنیف کرد در سال سیصد و پنجاه شش در واسط وفات یافت
وادی حمرا در یکفرسخی وادی صفرا الی انجا عرب و شافعی مذهب اند ما بین مکه و مدینه واقع است
قبر **ابو عبیده جراح** در انجاست وابو عبیده اسمه معمر بن المثنی البصری النحوی
العلامه کان یعرف انواعاً من العلوم وکان مع معرفته بالشعر یکسر الشعر اذا انشد
ویلحن اذا قرء القرآن وکان رای رای الخوارج

باب بیست هفتم در بیان مشاهد حرف ها

هرات الهرات بالفتح مدینة مشهورة بخراسان والنسبة الیها هروی ومنها ابو الصلت
اصحاب الرضا ع ومنه معاذ الهرا لانه کان یبیع الثیاب الهرویة والجراب الهروی
هرات شهریست جنت آثار بس خوشکوار و هوایش سازکار در خوبی هوای انجا کفته اند **لو جمع تراب الاصفهان**
وشمال الهرات وماء الخوارزم لم تمت فیها احد ابدا وقتی در هرات حادثه و لشکر کشی و محاربه
رخ نمود جمع کثیر از دو طرف بقتل رسیدند آن مقتولان را در معتب چاه دفن کردند مردم بزیارت آنمقام رفته
تبرک میجستند بتدریج در انجا خانها ساخته و کاریز کندند تا وقتیکه شیخ اسمعیل صوفی مشهور بشیخ عمو مسجد
ورباطی متصل بکدیکر بنا نهادند چون تقرب الباری خواجه عبدالله انصاری بدان مقام میل تمام داشت
مردم بموافقت آنجناب مردکان خود را در انمکان دفن کردند و خود آنجناب نیز در انجا مدفون کردید بعد
در انمکان بمرور زمان بسیاری از سادات و اهل فضل و عرفان آسوده کشتند از سادات عالیدرجات
شهر هرات ابو محمد **السید اسمعیل** بن ابی القاسم احمد بن ابی عبدالله جعفر خطیب بن
احمد مسکین بن جعفر بن محمد بن محمد بن زید بن علی بن الحسین و جلال الدین
السید محمد وصدر الدین **السید احمد** فرزندان برهان الدین **السید حسن** بن علی بن محمد
صاحب وامیر الحاج ایشان را بنی الجده میکویند **وحضرت عبدالله** بن معویة بن عبدالله
بن جعفر طیار که در زمان ابو مسلم خروج کرد عبدالله در دست مالک خیثم در هرات بشهادت رسید

نهی نهاد جمعی از بزرگان و اولیا که در عرصه قبة الاسلام هرات و توابع مدفون کشته اند از قدیم الایام
وابتدای فتح اسلام تا این زمان و اسامی شریفه ایشان در تاریخ هرات و طبقات شیخ خواجه عبدالله
انصاری و غیر آنها از کتب و رسایل مسطورست بدانکه اسعدک الله بنیل المقاصد الدنیة والدینیة
که اقدم انجماعت و اکمل ایشان اسوة العترة الطاهرة وقدوة الاسرة الباهرة والامام الهمام
العالم المشهور بین الانام معتقل الملک الجبار **عبدالله بن معویة بن جعفر طیار** است
المشهور بسید السادات از اکابر اولیا و اقطاب زمان خود بوده در علم ظاهر و باطن سر آمد بود و ثروت
فراوان و شجاعت بیپایان داشت و پنهانی خلق را بطریق حق دعوت میفرمود و با وضیع و شریف طریق مهر
و شفقت و کرم مسلوک میداشت بسیاری از اهالی اطراف و اکناف بخدمت او میل کردند تا بمرتبه رسید که در
نواحی فارس و اصفهان خطبه بنام او خواندند بضرورت حکام از راه حسد و عداوت برفع و قمع او اشتغال نمودند
و لشکر انبوه برسر او فرستادند و قوم او را متفرق ساختند و او با بزرگان خواص خود بکریخت و بقهستان آمد ابو مسلم
مروزی به جانب شبل بن طهمان که از قبل او در هرات حاکم بود نامه نوشت که بهر نحو بمکر و حیله که میسر شود
سید را بنزد یک خود طلب کن پس شبل هدایای تمام ترتیب ساخت و مکتوبی در غایت تعظیم و احترام بجناب او فرستاد
و با مدن هرات او را ترغیب نمود در مقام استمالت نموده و تحف بطرف او روانه میکرد و قریب آن بزرگوار ناچار
از انجا بهرات آمد و در رب خشک او بزرک دین را فرود آوردند و از برای اقامت وی عمارت و منزلی بجهة وی
تعیین نمودند تا خاطرش تسکین یابد پس شبل خبر با بو مسلم فرستاد که انچه مقصود تو بود چنان شد ابو مسلم
پنهانی نشان نوشت که کار او را آخر کن و سرش را روانه کن آخر الامر سید بزرگوار بدانست که شبل قصد
او دارد و خواست که بکریزد میسر نشد اول او را بند کرد و بعد از چندروز بقتل رسانید و سر مبارکش را بنزد ابو مسلم
فرستاد و بدنش را در کهندز بصحن که محل مشهور و معروف است مدفون ساختند و این واقعه عظمی در سال
صد و سی و چهار از هجرت بود بعد از وی قاتل آنجناب به بلای عظیم مبتلا شده و با قبح وجود بسقر رسید
و جناب ولایت مآب مولانا زین الدین بن محمد شاه تایبادی فرمود که شبی در سر مزار سید عبدالله
بسر بردم و در ارواح اولیاء نظر کردم از مشرق تا مغرب روحی بزرگوار تر از روح او ندیدم و متوارث است
نزد اصحاب کشف و ولایت که هر شب جمعه ارواح و اقطاب و اوتاد در آن مزار تبرک میشوند و در
تاریخ هفتصد و هفتاد شش از هجرت سلطان محمد کرت کنبدی بر تربت ایشان بنا کرد
و بحال روی در انهدام دارد و عمر الله بفضله

باب بیت هفتم

امامزاده ابوالقاسم بن جعفر بن محمد بن زین العابدین علیهم السلام

هم در مصرخ مدفون است شیخ عمار که استاد و مربی خواجه عبدالله انصاری بود همواره با خواجه صحبت میفرمود که پیوسته بزیارت قاسم بن جعفر بروید و از روح مقدس او استمداد و همت بطلبید خواجه عبدالله بکرات میگفت که در شب جمعه هر دعائیکه در مصرخ هرات بتقدیم رسانند امید چنان است که باجابت مقرون شود و در هرات پیران هستند که از پیران ما تقدم شنیده اند که قبر امامزاده بتحقیق کجاست و اکثر مردم بتعیین نمیدانند اما معین در مصرخ است پس طریقهٔ زیارت قبر او چنین باشد که در مقبرهٔ مذکوره درآیند و از روح بزرگوار او استمداد و همت طلبند و به نیت او فاتحه و اخلاص بخوانند و ثواب آنها را هدیهٔ روح آنها سازند و بآن وسیله مرادات و مقاصد خود را از قاضی الحاجات طلبند والله الموفق والمعین **عابدهٔ عصر بی بی ستی** از مشاهیر دوستان حق و مستجاب الدعوة بوده و نظر تمام با بومسلم مروزی داشته و بهمت آن عارفه کارهای شگرف در نیشابور و هرات از دست ابومسلم برآمده و در اول شوهر داشت که او را ابونصر شروخی میگفتند هر دو باتفاق عیاری میکردند و در اواخر حال دری از غیب بر روی او بگشودند و از خلق گوشه گرفته و متوجه راه حق شد و کارش بالا گرفت و در سال یکصد و پنجاه از هجرت بجوار حق پیوست و در بازار خشک اندرون شهر هرات مدفون شد و قبرش معروف است و پیوسته اهالی مملکت شمع و نذر بدانجا برند و در ایام سلطنت امیر تیمور گورکانی بر سر قبر او عمارت ساخته اند و زیارت او آزموده مثل تریاق فاروق مجرب است **امام المشایخ شیخ عبدالله الواحد ابن مسلم** در علوم ظاهره و باطنه خصوصا در فن حدیث و تاریخ بنهایت کامل بوده و در زمرهٔ اولیای کبار معدود گشته منقول است که ابوالفضل اسحاق گفت که در واقعه دیدم که دو مرغ عظیم بر فصیل شهر هرات نشسته بودند یکی از آنها با دیگری گفت که سر خود را در زیر این شهر هرات درآور و آنرا زیر و زبر کن و ویران ساز جواب داد که نمی توانم و از روح شریف شیخ عبدالله الواحد شرم میدارم و در طبقات مشایخ آورده که یکی از پیران طریقت گفت که در سر تربت الشیخ عبدالله الواحد نشسته بودم ناگاه سگی پای شکسته درآمد و در پای قبر امام عبدالله الواحد بایستاد و زاری تمام و ناله میکرد و میگریست و پای خود را بر خاک قبر او میمالید اندک زمانی گذشت پای وی خوب شد و بیرون رفت قبر شریفش بیرون درب فیروزآباد است در محلهٔ خنجه باد و پیوسته اکابر اولیای هرات مثل سید عبدالله مختار و شیخ عمو و شیخ ابوعبدالله مالانی و غیرهم بمجاور قبر او بوده و بتحقیق قبلهٔ دعا و کعبهٔ عاکفان است **قطب المحدثین خواجه ابوالولید بن ابوالرجا عبدالله بن ایوب الهروی** از بزرگان علمای ظاهر و باطن بوده و از هروی الاصل است از قریهٔ آزادان که در

شمال قلعهٔ هرات واقع است در سال دویست و سی از هجرت وفات یافت و در قریهٔ آزادان مدفون گشته و قبر مبارکش مشهور است و سلطان محمد کرت بر سر قبرش گنبدی بنا نموده مشهور است که سی هزار نفر بر جنازهٔ او نماز خوانده اند و چنان شهرت دارد که خواجه ابوالولید هر جمعه نماز آدینه را در مسجد الحرام میگذارده اند و شب بمنزل خود مراجعت فرموده و امیر تیمور گورکانی مادامیکه در هرات میبود هر چهارشنبه بمزار او میرفت و برف و باران مانع نمی شد و بی عذر هرگز ترک نمیکرد و خواص و عوام قبة الاسلام هرات از زیارت مزار او منافع کلیه یافته اند و می یابند اللهم حصل مرادنا بهمة العلیة عارف دایرهٔ علم و حلم و آزادی **علی بن موفق البغدادی** از اکابر مشایخ عراق بوده اند و با ذوالنون مصری و اقران ایشان صحبت داشته و مشهور است که هفتاد و چهار حج و مدفنش در اندرون دیوار مسجد خانقاه است که واقع است در غرب باغ سفید و مورخان هرات آورده اند بعضی میخواستند که جسد او را به بغداد برند اهالی هرات محض ممانعت دیواری بر روی قبر او کشیده اند اگر زایران محل مزبور بصدق نیت توجه نمایند بروح خواجه علی بن الموفق جد او هر جا که باشد از روحش امداد و مراد طلبد بهدف اجابت رسیده اعانت خواهد نمود دیگر عارف و عابد ارجمند قطب الحق والدین **خواجه رخ بند** پیوسته نقابی بر روی خود میآویخت تا چشم بر دنیا و مافیها نیفتد از آنجهت او را خواجه رخ بند میگفتند شهرت دارد که در هرات هرکس بیمار شدی یک کرباس و یک من نیاز نذر ایشان کردی صحت یافتی و در قدیم الایام هیچکس سواره نمیتوانست گذشت تا روزی پیر هرات خواجه عبدالله انصاری سواره بسر مزار او رفت دیر توقف نمود بعد از آن سوار شد دیگر سواران را میسر شد که از آنجا گذشتند مدفنش در اندرون شهر هرات است قریب بمحلهٔ قضاة و اهالی مملکت از زیارت مرقد او فیض تمام می یابند **شیخ ابوالحسن کرتی** محدث و فقیه و زاهد و متقی و حفاظ و مرتاض روزگار خود بود و مشهور است که هشتاد هزار حدیث در حفظ داشته وفاتش در سال دویست و پنجاه و پنج از هجرت و مدفنش غیر معین است نزد ما **شیخ ابوالهیثم رازی** در علم لغت و ادبیات و قرائت بی نظیر بوده وفاتش در سال دویست و هفتاد از هجرت مدفنش در مقبرهٔ درب خشک و مراد طلبیدن از مزارش تریاک مجرب خوانده اند افتخار آل طه و یس **ابوعبدالله سید مختار** سید و پیشوای مشایخ هرات بوده در علم صورت و معنی بی نظیر بوده وفاتش در سال دویست و هشتاد و هفت از هجرت و کرامات و مکاشفات فراوان داشت مدفنش در کوه شمال هرات مشهور از سادات حسینی بوده و پیوسته اهل قبة الاسلام بزیارت او توسل جویند و بمقاصد حاجات فائز میآیند **خواجه عثمان داولی** در فقه و اصول و تفسیر و حدیث و حکمت و منطق و ریاضی ماهر بود علما و مشایخ هرات از آن استفاده نموده اند و در سال دویست و هشتاد از هجرت وفات یافت مدفنش در مقبرهٔ خدایان اکنون قبرش معین و معلوم نیست

باب بیست هفتم

مقتدای زاهد و محدث **ابو سعید مهین** پیشوای اهل هرات بوده زاهد و متقی و متورع و مرتاض و در علوم ظاهر و باطن ید طولی داشت و مصنفات او اکنون در میان است وفاتش در سال دویست و نود از هجرت مدفنش مقبره درب خشک در جوار قبر وی بسیار از اکابری که از اقارب و اولاد وی بوده اند مدفون گشته اند رحمهم الله تعالی **شیخ عبد الرحمن بن محمد طهمانی** مشهور است که در هرات هفتاد سال در مسجدی روز بروزه و شب باحیا بسر رسانیده و وجه معاش از دست رنج خود حاصل میکرد سال وفاتش معلوم نیست اما از طبقه ثالثه شمرده اند مدفنش در مقبره درب خشک نزدیک قبر شیخ ابو سعید مهین است نقاوه خاندان طیبین طاهرین **سید ابو علی بن مختار** از اکابر دین و افاضل اهل یقین و کرامات بلند داشته سال وفاتش معلوم نشده اما در مابین قبر پدرش دفن کرده اند **فقیه زاهد شیخ ابو عثمان مرغزی** از جمله فرزندان سید ابو عبد الله مختار بود و از غلبه شوق حضرت حق میگفت در رعایت آداب نهایت راسخ بود که هرگز بطرف هرات آب دهن خود نینداخت بجهت آنکه پیر او در هرات بود مدفنش در جمجه باد در زیر قدم عبد الله الواحد است **شیخ محمد بن اسحق** از زهاد و اتقیا روزگار بود و مزار او قبله حاجات میخوانند وفاتش سال سیصد و پنج از هجرت مدفنش در قریه ازادان از بلوک انجیل است عارف اسرار و عاشق حضرت کردگار **عبد الله عروه** بانواع علوم ظاهر و باطن معروف بود مدت هشتاد سال در زهد و ورع و ریاضت گذرانیده وفاتش سیصد و یازده از هجرت مدفنش در مقبره درب خشک **شیخ محمد بن عثمان داودانی** در علم و ادب قائم مقام پدر رشد وفاتش سال سیصد و سی مدفنش قبر پدرش در مقبره خیابان است واقع گردید امام متورع **مجتهد ابو علی حامد بن محمد** مجموعه علوم منقول و معقول پیوسته بتدریس و مواعظ مشغول و در نزد خاص و عام مقبول بود وفاتش سال سیصد و پنجاه و شش مدفنش در اندرون شهر هرات مقتدای زاهد و عابد **حامد بن ابو احمد شیارکی** از اکابر حکما و فقه و تفسیر و حدیث بود و تصنیفات بسیار دارد وفاتش در سال سیصد و پنجاه و هشت در مقبره درب خشک قطب الموحدین شیخ الابدال **ابو لیث قوشنچی** از عرفا بوده در طبقات خواجه انصاری مسطور است که پیوسته پای برهنه در خرقه ژولیده راه میرفت یک شبانه روز منزل میگذرانید فرد و حید گرد عالم را قدم زد سال وفاتش معلوم نیست اما مدفنش در مقبره که محل قطبیان مشهور است واقع شده فیض از زیارت تربتش از ایشان بالا تر دیافته اقطاب همصحبتان در میدان او بوده اند و هر که را اندک صفای باطن باشد زود یابد که چه مقدار فیض حضور در آنجا بهم میرسد

خواجه کار

مشاهد حرف الهاء

۷۰

خواجه محمد قصار هروی الشهیر بخواجه کازر شیخ زاهد متورع و از اکابر زمان بود خرقه از دست شیخ ابو لیث قوشنچی پوشیده تاریخ وفاتش معلوم نیست لکن در اقران مهر نغمه و شیخ عمو معدود گشته قبرش در خیابان معروف و مشهور است از مزارش بسیار فیضها یافته اند **شیخ فرهاد محمد بن ابو العباس عوروانی** خواجه انصاری قدس سره در مصنفات خود گوید از بزرگان دین بود قبرش در عوروان از بلوک کداره است قدوة المشایخ و المحققین **خواجه ابو زید بن محمد مرغزی** از اکابر اولیا و ارباب کشف و یقین بود و در علم فقاهت و زهد و ورع کمال تمام داشت و کرامات از و ظاهر شد مدفنش در اندرون شهر هرات در غربی مسجد آدینه و قبر و مزار او معروف و مشهور است **شیخ ابو عبد الله مالینی** از بزرگان مشایخ هرات بود و در اقران شیخ عمو بود و با یکدیگر رفیق تمام اهل هرات مرید او بود مدفنش در طلقان مالینی است و مرقدی معروف و مشهور دارد خواجه انصار هر هفته بزیارت قبر او میرفت و بهر حاجتمندی که زیارت او کنند مقصود حاصل است شیخ الموحدین قطب الحق و الدین **شیخ قرسنج الهروی** در قریه قرسنج بیری باصلابت و شکوه بود وفاتش سال سیصد و هشتاد داشت قبرش در کازرگاه است شیخ ابدال العارفین کمال الحق و الدین **خواجه خیرجه** از اکابر اقطاب از ابدالهای هند و مستجاب الدعوه بود و خواجه انصار از وی کرامات نقل کرده قبر او در کازرگاه است بالاتر از مزار مشایخ از طرف شمال مایل بمشرق است در ذکر قطب المشایخ **خواجه طاق** ابو عبد الله محمد بن فضل الطاقی الهروی در علوم شریعت و حکمت و حقیقت استاد علم تصوف بود و صاحب کرامات عالیه بود وفاتش سال چهارصد و شانزده بود مدفنش در مقبره درب خشک از طرف جنوب و خاقان سعید انار الله برهانه بر سر مزار او گنبدی ساخته همواره بزیارت میرفت **شیخ ابو عبد الله محمد بن الیمان** محدث و زاهد زمان خود بود وفاتش سال چهارصد و شانزده از هجرت مدفنش در هرات است **شیخ یحیی بن عمار سجستانی** پیشوا و هادی و ناصح اهل هرات بود قریب شصت سال ایشان را ارشاد و هدایت فرمود در تربیت خواجه عبد الله انصاری کوشید و با اصحاب خود میگفت گرامی دارید عبد الله انصاری را که او سر آمد روزگار خود خواهد بود وفاتش سال چهارصد و بیست و دو از هجرت و مدفنش در مقبره خدایان است **خواجه عبد الرحیم دشتیلان** از استادان خواجه انصاری است مراتب و مقامات او فوق الحصر و البیان است مدفنش دشتیلان میان زیارتگاه و مرغاب **شیخ الکبیر ابو اسمعیل احمد صوفی المشهور بشیخ عمویه** او از شیخ المشایخ خراسان یگانه و در علم

باب بیست هفتم

سلوک و فقر و فتوت بکمال بود منزل او اندرون شهر هرات داشت آنجا که اکنون خانقاه قاضی جلال الدین کوینه منزلش مجمع فقرا دائم الصوم و قائم اللیل بود عمرش نود و دو سال وفاتش سنه چهارصد و چهل و یک از هجرت قبرش در کازرگاه مشهورست نزدیک رباط و مسجد جامع که در قدیم الایام بوده که در ایام سلطنت امیر تیمور مرحوم مولانا رکن الدین خافی بنیاد و تجدید آن بنا را فرموده و دیگر شیخ الاسلام کعبة الانام مهبط الخیر و البرکات اعنی مولانا **خواجه عبدالله انصاری پیر هرات** کمالاتش بمرتبه رسیده که شرح او در نتوان گفت و در کهندز هرات متولد شد چون بسن چهارده سالگی رسید بوعظ و نصیحت اشتغال نمود بخدمت سیصد شیخ رسیده و از هفتصد نفر حدیث شنیده و مصنفات نفیس او در عالم انتشار دارد و در تربیت از شیخ ابو الحسن خرقانی یافته بود اکثر عمر خود در ریاضت و اذکار صرف نمود در گیاه تناول میکرد و خشتی زیر سر مینهاد وفاتش غروب آفتاب یوم جمعه بیست و دوم ذیحجه سال چهارصد و هشتاد و چهار روی نمود بقعه او تاریخ هشتصد و سی و دو از هجرت خاقان سعید عمارات عالی بنا فرموده هر پنجشنبه بزیارت مزار متبرک او میروند اهل هرات بمرقدش توسل میجویند و بمقاصد دین و دنیا میرسند و فی الواقع در آن موضع فیض الهی بسیارست **شیخ ابو حفص عوروانی** پیر کامل و صاحب کرامات عالیه داشت مدفنش در عوروان است از بلوک کداره **خطیب کورتی** بسیار مجاهد و مرتاض بود قبرش در کورت است **امام ابو سعید مالینی** در علم و احادیث استاد خواجه عبدالله بود قبرش در زیارتگاه مشهورست **شیخ ابو منصور سوخته** صاحب فضل و کمال و ارباب وجد و حال بود قبرش در حذیان است **شیخ ابو الهادی** خلف صدق خواجه عبدالله انصاری بعلم ظاهر و باطن آراسته و بورع و تقوی شهرت داشته وقتی که باطنیه و ملاحده و بد مذهبان بر هرات استیلا یافتند تنوقه باو رسانیدند تا آخر در کهندز بکشتند در همانجا مدفون ساختند و بعد از چند روز که آن قضیه تسکین یافت از قبرش بیرون آوردند و بکازرگاه در پیش روی پدر بزرگوارش دفن کردند و الحال قبرش ظاهر و هویداست دیگر قطب المحققین و سلطان المدققین **سید مجد الدین طالبه** در طریق توکل و تجرید یگانه عهد خویش بود و در سلک کمل اولیاء معدود گشته و کرامات غریبه از او نقل کنند امام فخر الدین رازی پیوسته بزیارت قبر او میرفت مدفنش در اندرون شهر مشهورست و عمارتی بر سر قبر او ساخته اند و خاقان سعید هر سال دو نوبت که بمزار قبة الاسلام تردد می نمود بآنجا نیز تشریف میبرد

شیخ

مشاهیر حرف الهاء

شیخ علاء الدین کرمانی در هرات بتربیت بیکه راند تا وفات یافت سنه سبع و تسعین و خمسمائه مدفنش در مقبره درب خشک زیارت قبرش مجرب است **خواجه ترازودار** شیخ الفقرا قدوة الاولیاء ابو یزید الوزان المشهور بخواجه ترازو دار از اجله اصحاب مشایخ هرات بوده وجود را از خلق پنهان میداشت بعد از وفات او در اندرون دکان که در بازار فیروزآباد است دفن کردند **امام فخر الدین رازی** از فحول علماء عصر بوده تصنیفات بسیار در معقول و منقول در جهان انتشار دارد پادشاه عصر سلطان غیاث الدین مسجد جامعی در هرات برای آنجناب بنا کرد در آنجا بتدریس و مواعظ و نماز جماعت مشغول شد روز عید فطر سنه اربع و ستمائه وفات یافت در حین وفات این رباعی انشا فرمود **رباعی** هرگز دل من ز علم محروم نشد کم ماند ز اسرار که مفهوم نشد هفتاد و سه سال جهد کردم شب و روز معلومم شد که هیچ معلوم نشد مدفنش در خیابان مشهورست **سلطان غیاث الدین** در سند علم و فضل و یقین عادل و زاهد سلاطین روی زمین بود در رعیت پروری و مسلمانی او شهرت دارد در تربیت علماء و تقویت فضلا و تمشیت شرع مصطفی اشتغال مینمود مسجد جمعه هرات از بناهای اوست قبرش در صفه شمال مسجد واقع شده دیگر شیخ الاصفیا **محمود بن محمد سرمقی** سرمق از بلاد فارس بوده بسیار زاهد و متقی و مرتاض بود در قریه که بخواجه سرمق مشهورست مدفون شد قبرش ظاهر و هویداست و سلاطین ماضیه بر سر تربت وی گنبدی ساخته اند **ذکر مولانا سیف الدین ترک** از ابنای ملوک بود و مجذوب گشته و نظر از شیخ قطب الدین وحید زاده یافته و کرامات و خوارق عادات از آن بسیار ظاهر شده اهالی هرات بوی عموما معتقد بودند اول در احداث نزدیک خواجه علمدار بسر میبرد و از بسیاری تردد مردم هرات بتنگ آمدند آنگاه بکاریزگاه نقل کرد چنانچه خانه ساخت و آنجا بعبادت مشغول شد چون اجلش نزدیک رسید بحوض و بحوض در آمد و غسل بر آورد و بمنزل خود رفت و جان تسلیم مریدان پیش او حلقه زده صف کشیده و میگفتند اکنون نشسته است **دیگر** عارف ربانی محقق صمدانی السید الکبیر **حسین بن عالم بن** ابی الحسین المشهور **بسید حسینی العلوی** آن عارف موحد آن واصل مجذوب و محقق از نوادر غور بود مصنفات امیر حسینی دلیل بر کمال اوست هیچ سخنش خود معروف است وفاتش در سال هفتصد و هفده قبرش در سمت جنوب پشت گنبد خطیره حضرت امیر سید عبدالله بن معاویه بن جعفر طیار

مولانا شیخ عبدالرحیم مجتهد خافی الشهید به پیر تسلیم از ائمهٔ دین و اجلهٔ اهل صدق و یقین
از اقران شیخ علاء الدوله سمنانی و شیخ قطب الدین جامی و شیخ محمد خلوتی خوارزمی و شیخ قوام الدین
بسطامی اصلش از ماترآباد خاف است و قصهٔ شهادتش بواسطهٔ مخالفت غوریان با ملوک
مشهور است القصه خود را فدای اهل هرات کرد در سال هفتصد و سی و هشت مقتول شد قبرش
در خیابان معروف و ظاهر است و زیارت مرقدش مجرب و مراد دهنده است مولانا شیخ محمد
ظهیرالدین شیخ الاسلام غوری در غور تولد نموده بعد از واقعهٔ هلاکو بهرات رفت
و مرجع اکابر گشت هفت نوبت حج بیت الله گذارد اکثر حفاظ و قاریان خراسان قرائت کلام الله را
از آن اخذ کردند و سلسلهٔ نسبش با بوبکر صدیق میرسد وفاتش سنهٔ تسع و ثلاثین و سبعمائه
مدفنش در جنب پیر تسلیم در مقبرهٔ خیابان است ابونصر شیخ قطب الدین یحیی
جامی اصلش از جام ولادتش در نیشابور و نشو و نما در هرات یافته علم فقه و تفسیر را
در نزد پدر خود شیخ ابوالفضل خواند با شیخ علاء الدوله سمنانی و شیخ صفی الدین اردبیلی
و شیخ شرف الدین درجزینی و جلال الدین عتیقی مصاحب و معاصر بود هفت نوبت حج کرد
وفاتش هفتصد و چهل از هجرت مدفنش بیرون فیروزآباد در خانقاهی که معزالدین ابوالخیر کرت
بجهة وی بنا فرموده میباشد شیخ قوام الدین بسطامی صاحب فضایل و کرامات عالیه بود
در سال هفتصد و چهل از هجرت متوفی شد در خدایان در خطیرهٔ امام فخر رازی او را دفن
کردند مولانا جلال الدین محمود زاهد مرغابی از اکابر عصر و یگانهٔ دهر و عالم بعلوم
ظاهریه و باطنیه بود از وی مکاشفات و کرامات نقل میکنند وفاتش سال هفتصد و هفتاد
و هشت مدفنش در قریهٔ مرغاب مشهور است مولانا شیخ محمود الامامی قاضی القضاة
مملکت هرات و خراسان بود وفاتش در سال هفتصد و هفتاد و دو مدفنش در مقبرهٔ قضاة
در اندرون خطیرهٔ خواجه انصاری واقع است شیخ سیف الدین خلوتی
کرامات بسیار از وی منقول است وفاتش سال هفتصد و هفتاد و پنج مدفنش مزار خلوتیان
قرب پل کازرگاه واقع است اخی محمد و اخی محمود پسران صاحب وقت و مجذوبان
عالی وجد بوده اند هر کس بدیدن ایشان میرفت مافی الضمیر ایشان را میگفتند مدفن اخی محمد

مشاهد حرف الهاء

در مقبرهٔ خیابان پهلوی مدرسهٔ فرمان شیخ و مدفن اخی محمود در شمال کوه مختار واقع شده پیر کامل عارف
درویش مسافر مرد مرتاض و اهل حق بود و مدت چهل سال از بهر هر نمازی غسل بجا میآورد و در خدایان
در خطیرهٔ سعد که از صحابهٔ حمزة بن عبدالمطلب است محاذی مدرسهٔ گوهرشادیه مدفون شده مولانا
سید برهان الدین اشرف بارکشاه فاضل و فقیه عصر خود بود مدت شصت سال در هرات فتوی نوشت
در سال هشتصد و سه وفات یافت قبرش در مقبرهٔ خیابان است مولانا هشام الدین محدث و فقیه
و فاضل بود وفاتش سنهٔ سبع و ثمان مائه و مدفنش اندرون گنبد سید السادات امیر عبدالله در سفح واقع
خواجه عبدل مصری از مستغنیان اولیاء و اکابر اتقیا بوده و در قضیهٔ هلاکو او را شهید کردند
و زیارتش عظیم الفیض و مجرب است مدفنش غاری است متصل نماز و مسجدی که در برج قیرلغ واقع شده
خواجه مخفی در عصر خواجه عبدالله انصاری بوده و کسی از حال او وقوف نیافته بعد از وفات کراماتش
آشکار شده مدفنش باردی در درب قپچاق و محلهٔ غیبان آستانهٔ مرادات است مقام اولیاء
مسجدی است مشهور بمسجد چهارشنبهی در گوشهٔ آن مسجد از جانب جنوب ظاهر است جمعی از اولیاء الله آنجا
مقبورند و بآن خانه کسی نمیرود و بغایت مهیب جائی است در روزهای چهارشنبهی اهالی هرات بزیارت آنجا
مشرف میشود و آستانهٔ مرادات است خواجه نور در نواحی جای چشمه مسجدی است که او را مسجد گنبد میخوانند
و در پهلوی او مزاری است که بخواجه نور مشهور است شبهای جمعه شمع و نذر آنجا میبرند دو رکعت در آن مسجد
نماز حاجت گذاردن و مراد طلب کردن و بمقصود رسیدن از مجربات است گویند بنای آن مسجد چهار هزار
و پانصد سال است شیخ زین الدین خافی معتکف بوده میگفت در این مسجد شرایع مختلفه و ادیان متنوعه
طاعات و عبادات خدا را بتقدیم رسانده اند در اینجا فیض تمام بخواص و عام واصل میگردد خواجه
امانت دار مشهور است قریب بدرب فیروزآباد از قدمهای مشایخ هرات و استمداد و همت از آن اثر
تمام دارد خواجه مراد بخش در محلهٔ قالی بافان قریب درب عراق است خواجه چهارشنبهی
در محلهٔ برسلانی قریب سمعان است پیر غازانی در محلهٔ غازان قریب درب عراق مزار چهل دختران
در محلهٔ کالار متصل بفصیل شهر خواجه مظفر در طرف جنوب مسجد جمعه خانه خرابی است و در آنجا دو قبر
ظاهر است از دو مزار یکی خواجه مظفر شهید است مزار شهیدان در رکن شرقی مسجد جمعه قریب آب خضر
مشهور است آچه و پاچه قریب درب فیروزآباد در مزارات متصل بیکدیگر نزدیک محل مزبور ملجاء نیازمندان است

بی بی نور در محلهٔ شماعان در جوار مسجد عابده و زاهده بی بی نور است میگویند پل مالان بنا کرده اوست
شیخ محمد مکی در اندرون دروازهٔ قپچاق در جوار اخی زرگر مزار شیخ محمد مکی است مزار شهدا
برشمال جای اسدان مسجدی است در دیوار آن مسجد شهدا مدفون اند مزار طفلکان اطفال
آنجا مدفون اند در میان درب فیروزآباد و درب خشک خواجه خاموش از فقرای مشایخ است
مدفنش در محلهٔ طفلکان است مزار سادات گنبدی است قریب محلهٔ طفلکان و سه قبر در آنجا
موجود است و از کبار سادات بوده اند و اما جمعی که در ظاهر هرات و بلوکات
قریب شهر در پرده اند بعضی از ایشان در طبقات خواجه عبدالله انصاری بنظر رسید
ذکر میشود خواجه کاتب نزد اهل هرات چنان شهرت یافته که کاتب وحی آسمانی بوده اما
در کتب محدثان او را از جملهٔ کتاب وحی نوشته اند شاید که از کاتبان خلفاء راشدین بوده
باشد مدفنش در محلهٔ شرابان از باغ زبیده واقع شده گنبدی در سر تربت ساخته اند خواجه
کله مرقدش در بیرون هرات میان درب ملک و درب عراق معروف است خواجه یافته زری
قریب حمام شاه سلیمان در اندرون دیواری که متصل راه کوچه باغ زاغان است خواجه چهل گز
در پشت باغ زاغان است خواجه سبزپوش در محلهٔ کنگجی بر کنار خندق درب عراق آن
خواجه مروارید بر کنار خندق درب عراق در پشت عمارت مجدد واقع است خواجه مراد
بخش بر کوچه باغ زبیده از آن راه که بدرب عراق میروند مدفنش در کنار راه واقع شده
سید محمد مغربی در قبرستان غریبان در شرقی باغ زبیده واقع است از مشاهیر مزارات
میباشد و فیوضات متواتره از مزار متبرکش ریزان است خاک صندوقی بر سر کوچه
که بمحلهٔ نو میروند میان درب عراق و فیروزآباد مشهور است خواجه مراد بخش در نواحی جمجه باد
در اندرون محوطه قبری است بخواجه مراد بخش مشهور شاه ابوالغیث از بزرگان دین
بوده مرقدش بر بلندی واقع شده بر کنار راه بر جنوب درب خشک و مسجدی در نزدیک او بنا
کرده اند پیوسته درویشان پیوسته فقرا در او بشب و کملین در آنجا بسر برده اند و شیخ زین الدین
خافی مکرر شبهای جمعه آنجا رفته و مریدان و خواص خود را بزیارت او تحریص مینمودند

مزار سید فخر نائی از جملهٔ ملامتیان بوده مدفنش در بیرون درب خشک میان بازارچه متصل براه و در دست چپ
و خوارق و عادات از وی نقل کنند مزار دختران در بیرون درب خشک نزدیک کاروانسرا
خانه تنگی است و چند قبر متصل بیکدیگر واقع میگویند بعضی از دختران صالحات بوده اند که از خوف اشرار
بآنخانه رفته اند ناپیدا شده اند سید محمد ماه روی از اعزهٔ اهل دل بوده مدفنش در سر کوچهٔ
سر میدان هیزم فروشان متصل همین مقبرهٔ دختران و اهل هرات بآن مقبره بازگشت تمام دارند
خواجه روشنائی در نواحی باغ سفید مسجدی و لنگری نزدیک آنجا ساخته اند و شهرت تمام
دارد و بسیاری از حاجتمندان بزیارت مرقد او میروند و بمراد و مقصود میرسند بابا غریب مجذوب
بیرون درب خشک آنجا سقایان آب برمیدارند از مشاهیر مجانین بوده و خوارق
عادات از آن بسیار ظاهر شده مولانا حاجی ابدال مجذوب پیر طریقت بوده و هر چه
بر زبان او گذشتی البته همان شدی مدفنش در بازارچه درب خشک معروف است شیخ منصور
عمار از اکابر علماء و افاضل قدماء و ائمهٔ دین بوده و کمالاتش بدرجهٔ علیا رسیده مدفنش
گوشهٔ میدان سعادت متصل باغ اخی زرگر خواجه آدینه بعلم ظاهر و باطن آراسته و جامع
صورت و معنی بود مدفنش در حوض چهارباغ قریب مقبرهٔ طاق مقبرهٔ گازرگاه چندان اکابر
و اولیا و اقطاب در آنجا مدفون اند شرح نگنجد اکثر محدثین خبر داده اند که چهار هزار ولی در گورستان گازرگاه
در قبر اند مزار هفت چاه شرحش مرموز خواهد بود هفت چاه در جوار خواجه انصاری واقع است
اهل هرات بعد از زیارت خواجه بآنجا میروند و هفت نوبت گرد او میگردند و بر سنگ ریزها سورهٔ اخلاص
میخوانند در آنجا میریزند امام محی السنه چون از شهر بیرون رفته در گورستان خدایان بر دست
راست نزدیک مقبرهٔ معماران قنبر سرخ در کوهی است متصل به بند قاروت علی مشهور و صورت
قبری در آن ظاهر است بابا موزی مجذوب از زبردستان مجانین بود در ایام ملوک کرت بجذبه
رسیده و حکایت غریب و عجیب از وی نقل کنند در مقبرهٔ خدایان است خواجه ابو الولید
در کوچهٔ شادی پره بر طرف شمال باغ زاغان متصل براه که از دست راست بروند مزاری است
بر بلندی واقع شده خواجه ابو العلا در خارج گنبد خواجه ابو الولید از جانب قبله هر دو از
بزرگان اولیاء بودند پیر سرخ از کبار درویشان مدفنش در قریهٔ سیرنان از بلوک گذاره

شیخعلی کاکو از کبار درویشان و خوارق فراوان ازاو منقول است قبرش در مقبره زیارتگاه **سید سراج الدین**
بلخی الاصل بوده در علوم فقه و تفسیر و حدیث ید طولی داشت همت عالی داشت اهل حق و تسلیم بود مدفنش در قریه
شمعان است **پیر ترک** از مجذوبان و اهل کمال بوده مدفنش در قریه سوزان **شیخ ابو اسحق**
از کبار محدثان و ائمه سلف بوده مدفنش در قریه شکیبان سفلی است **شیخ ابو نصر** از اعزه اولیا و معاصر
شیخ الاسلام احمد جامی بوده مدفنش در شکیبان علیا **شیخ شهاب الدین بسطامی** از
اولیای عصر بود بعد از تحصیل علوم فقه و اصول و حکمت بریاضت و سلوک فقر و درویشی مشغول شده
چندانکه بمرتبه ارشاد رسیده و تصانیف او در علوم ظاهره و باطنه در میان است ملک معز الدین
جهة مریدان آنجناب خانقاهی در خیابان بنا کرد و خانزاده بیگم که بانوی امیر تیمور گرگانی در محله
بازار خشک خانقاهی علیا بنام آن شیخ ساخت و مدارس بسیار بجهة شیخ بنا فرمودند اما شیخ بهیچکدام
اعتنا نکرد رحلت شیخ بعد از وفات صاحبقران امیر تیمور گرگان به پنجماه در اواخر سنه سبع و ثمانمائه
واقع شده مدفنش در حظیره امام فخر الدین رازی معروف و مشهور است **شیخ عبد الحق طوسی**
از علمای صورت و معنی بوده و اقران شیخ شاه فراهی و شیخ علی رافعی و شیخ اسمعیل خوارزمی بوده و پیوسته
در معرفت سخن میراند مدفنش در قریه سرمتق در پیرامن شهید جلال الدین محمود سرمتقی واقع است
شیخعلی یافعی از مشاهیر متاخرین بوده و عالم بعلوم ظاهره و باطنه و زاهد و متقی و ناصح
و واعظ بوده و با امیر سید علی همدانی و شیخ سیف الدین خلوتی و شیخ زین الدین تایبادی صحبت
داشته سنش بشصت سال رسیده قبرش در خیابان است **شیخ شمس الدین بخاری**
از اهل کمال و سر حلقه عارفان ابدال بوده اصلش از بخاری و در شیراز بسلوک مشغول شده بعد از سلوک
بدرجه ارشاد منتقل شده در قریه مردستان بسر میبرد و دیوان در حقایق از گفته های اوست صبح روز جمعه
هفدهم جمادی الاول سنه ثلث عشر و ثمانمائه جامهای که در روز عید می پوشید در بر کرده
خرقه پشمین بر بالای آنها پوشید و بدست مبارک خود کنده و جامه آخرت راست کرد و از
عقب غسال فرستاد چون غسال بیامد بفرمود تا آب گرم کردند و غسال را تعلیم غسل آموخت و از
حاضران مجلس استمداد همت طلبید گفت وقت رحلت ما رسیده چون بخلوت رفتم مترصد باشید
تا سه نوبت بگویم یاهو بعد از آن در آیید و بغسل و تکفین من مشغول شوید بهمان منوال چون
بخلوت رفتند قبض روح شده بود بکارش پرداختند و او را در آنجا اکنون قراوت دفن
و از لطایف اتفاقیه آنکه از بخاری که تخلص اشعار اوست تاریخ وفاتش معلوم میشود ۸۱۳
شی

مولانا شمس الدین بن محمد ظهیر از جمله مشاهیر علمای هرات بود پیوسته بهدایت و وعظ قوم قیام مینموده
و مرجع اکابر و اهالی مملکت گشته با طعام مسکینان به بذل وجود شهرت داشت و حنفیان در تسخیرش بودند
و در سنه اربع و ثمانمائه از دنیا رحلت نمود و قبرش در خیابان در جوار پیر تسلیم و زیارتش مراد دهنده است
شیخ اسمعیل خوارزمی بخدمت بزرگان دین رسیده سیاحت عالم را نموده و چند مرتبه
حج گذارده و مشایخ حرمین شریفین را دیده و بریاضت مشغول بوده مشهور است که بیست و چهار سال آب نیاشامید
و کشف و کرامات بسیار داشت وفاتش در سنه اربع عشر و ثمانمائه بوده مدفنش بیرون دربند ملک
قرب خانقاه شیخ چاوش در گنبدیکه منزل او می بود متصل بطریق عام است **شیخ ابو سعید خلوتی**
از مرتاضین مشایخ هرات بود عمرش به نود سال رسید در آخر عمر نابینا شده و در غره ذو الحجه سنه
عشرین و ثمانمائه وفات یافته در حظیره خلوتیان مدفون گشته قبرش معروف است **سید قدسی**
در علوم ظاهر و باطن آراسته بود از جانب بیت المقدس آمده چند وقت در هرات توقف نمود پس
مدتی بسیاحت هند و سایر ممالک رفت پس از چندی بهرات برگشت تا وفات یافت مدفنش در کوه مختار
مولانا شمس الدین محمد کلان زیارتگاهی از اکابر عباد و زهاد خراسان و از اصحاب شیخ
زین الدین تایبادی بود از خلق انزوی و از صحبت حکام احتراز داشت هر چند خاقان سعید خواست
بصحبت او مشرف شود بجائی نرسید عمرش بهفتاد و دو سال مدفنش مقبره زیارتگاه از بلوک گذاره
مولانا جلال الدین افتخار از جمله علمای هرات بود در فن قرائت و علم حدیث مهارت داشت
و کتابخانه خود را وقف طلاب نمود وفاتش سال هشتصد و بیست و سه از هجرت مدفنش در خیابان
بر سر کوچه امام فخر الدین رازی **بابا ارسلان دیوانه** درویش مجذوب و عارف محبوب
از مستغیان مجانین بوده و از آن خوارق عادات نقل میکنند مدفنش در بازارچه درب خشک در
میر فخر الدین ثانی متصل بشارع عام واقع شده **بابا یوسف اندرونی الشهیر به پیر سیصد ساله**
شیخ سالک و مرتاض بود در کوهها با وحوش صحرا و با آهوان بسر میبرد و معمر شده چنانکه شهرت
یافته که سیصد سال از عمرش گذشته بود و وفاتش هشتصد و بیست سنه از هجرت و مدفنش در قبرستان
خیابان در حظیره که مشهور است به پیر سیصد ساله **خواجه لطف الله عزیز** واعظ با علم و فضل
بود در هشتصد و بیست سنه بجوار حق پیوست مدفنش در خیابان در جوار مقبره امام فخر الدین رازی حظیره
و گنبدی مختار دارد **مولانا سیف الدین حلاج** از اکابر ائمه دین و افاضل اجله

صدق و یقین بوده اکثر علمای هرات در علم منقول و معقول شاگرد او بودند مدفنش در حظیرهٔ فخر الدین رازی است
مولانا عطاء الله بکمال علم و تقوی و فضل اشتهار داشت مدتها بنشر علوم دینی مشغول بود
مدفنش در حظیرهٔ امام فخر الدین رازی است مولانا ناصر الدین کوسوی از متقیان
روزگار بود فقیه و متقی و واعظ بود مدفنش در حظیرهٔ مزبور است سید یونس
از اعزهٔ سادات و اشرف و محدث یگانه و فصیح زمانه بود مدفنش در حظیرهٔ فخر رازی است مولانا
شیخ جمال الدین ابو اسحق مرشدی از اقطاب روزگار در علم و فضل و فقر و سلوک
بذل وجود و کرم در کمال اشتهار بود عمرش بشصت و نه رسید سال ششصد و بیست وفات یافت مدفنش
در جوار حظیرهٔ شیخ الاسلام خواجه عبد الله انصاری است شیخ قوام الدین تبریزی در طریق
تجرید و توکل و تفرید یگانهٔ عصر بود و پیوسته با اوراد و اذکار ماثوره قیام داشت وفاتش در صفر
سنه ثمان و عشرین و ثمانمائه مدفنش در طریق زیارت خواجه ابو الولید احمد در حریم نهر انجیل بر کنار
راه واقع است مولانا جلال الدین واعظ از فحول متکلمین بود مدت مدید
به پند مسلمانان اشتغال داشت و تفسیری در هفت مجلد جامع جمع کرده که تمام شد چنانکه در
آخر از سخن گفتن باز ماند در سنه ثلاث و ثلاثین و ثمانمائه از دنیا رحلت کرد در صحرای
گازرگاه که تبل کنج مشهور است مدفون شد شیخ عبد الله خلوتی پیر نورانی و با صفا
بوده و در خانقاه خلوتیان بذکر و سلوک مدتهای مدید گذرانیده و در سنه ثلاث و ثلاثین
و ثمانمائه از دنیا نقل کرد و در حظیرهٔ خلوتیان میان در جوی مدفون است مولانا
رکن الدین خوافی بعلوم ظاهر و باطن آراسته بود یوم الاحد سابع و عشرین شوال
سنه اربع و ثلاثین و ثمانمائه بجوار رحمت پیوست و در اندرون حظیرهٔ شیخ الاسلام انصاری
در پیش روی مرقدش مدفون گردید مولانا فصیح الدین علاء الغوری
از متقیان زهاد و فقهای هرات بود مدتها فتاوی و احکام شرع بادی بود پیوسته
بنشر علوم اصول و فروع اشتغال می‌نمود و عمر عزیزش از هشتاد بگذشت و در سنه تسع و ثلاثین
و ثمانمائه فوت شد مدفنش در حظیرهٔ خواجه انصاری در پایان فراز الخیابان واقع شده

مولانا

مولانا رکن الدین بسطامی خلف صدق شیخ شهاب بسطامی یگانهٔ روزگار و بعلوم ظاهر و باطن
آراسته بود وفاتش در سنه ثمان و ثلاثین و ثمانمائه مدفنش در حظیرهٔ امام فخر رازی در جنب قبر پدر خود
شیخ کامل ربانی شیخ زاده شکیبانی از جملهٔ بارنشینان عهد خود بود و سلوک کرده رنج
کشیده و در وعظ کرم و تقوی شگفت وفاتش در سنه ثمان و ثلاثین و ثمانمائه مدفنش در قریهٔ شکیبان سفلی
معروف است سید علی شرقانی آن سالک ربانی آن کامل صمدانی مرتاض و زاهد و متقی
و مجاهد بود وفاتش سال طاعون سنه ثمان و ثلاثین و ثمانمائه مدفنش قریب باغ آهو در خانه و باغچه
که خود عمارت کرده بود شیخ زین الدین خوافی از اکابر مرشدین و از اعاظم
مرتاضین و سالکین بود در قلع و قمع لامذهبان کوشید و بسیاری ولایت را سیاحت فرموده
تصانیف و مکاتیب و رسائل او در میان است و از خاص و عام مرید بسیار داشت اکثر اوقات
در مشاهد مقدسه بسر میبرد در اواخر حال گوشه گیری در کوهی که در نواحی گذاره بود بسر می برد و زاویه
ساخت و درویش آباد نام کرد تا زیستن نشست و عمرش از هشتاد گذشته بود در سال طاعون سنه ثمان
و ثلاثین و ثمانمائه وفات یافت و در محل دفن او در جوار عیدگاه هرات مدفون است شیخ ابو سعید
کازرونی فقیه و مفسر و محدث و زاهد و متقی بود در سال طاعون در هرات وفات یافت و مدفنش
در حظیرهٔ خواجه انصاری است جمال الدین محمد بن عبید الله قاضی وفاتش
سنه ثمان و ثلاثین و ثمانمائه مدفنش در قریهٔ چغرتان قریب مسجد جامع که در آن قریه جدید
بنا کرده اند شیخ محمد بن مولانا سعید تفتازانی عالم و فاضل و خلیق و کریم و یگانهٔ روزگار بود
عمرش قریب بهشتاد رسید و در سال طاعون وفات یافت مدفنش در حظیرهٔ خواجه انصاری
در مقبرهٔ قضاة انام مولانا نور الله الخطیب الخوارزمی از متبحران علما و از متعینان
فضلا بود در علم فروع و اصول و حکمت و ریاضی ذی فنون بود مدتی بنشر علوم و خطابت مسجد جامع با
انجذاب بود در سال طاعون وفات یافت مدفنش در حظیرهٔ در جوار خواجه انصاری متصل بقبر
فصیح الدین علا واقع است درویش محمد لواف درویش سالک ناسک فیاض و تارک دنیا
از نظر خلق نهان و اکثر اوقات در اعتکاف و در ریاضت بود و کرامات و خوارق عادات از آن بسیار

عمرش بهشتاد رسیده و در سال طاعون وفات یافت مدفنش در خطیرهٔ خلوتیان است **سید زین العابدین مجذوب**
در ان فضل روزگار بود آخر مجذوب شد مدتها در کوهها می‌گشت عمرش بصد و بیست رسید باز وفات یافت مدفنش در تل
تفکیان **بابا ذکریا** درویش مجذوب حیران حق مدفنش در سر خیابان **مولانا سعد الدین فارسی**
شاگرد سید شریف جرجانی دارای علم معقول و منقول بود مدفنش در خطیرهٔ امام فخر رازی است **بابا جمال**
مجذوب لا ابالی و مجنون ربانی بود مدفنش در نزدیکی میدان اسب فروشها **بابای خیبر کبیر** از بدلای وقت بود
در گورستان خیابان لب جوی مدفنش در شرق خیابان است **سراج الدین** عالم زاهد و عالم و عامل
و سالک و مرتاض بود مدفنش در خطیرهٔ شیخ زین الدین ابو بکر خافی است **سید محمد شریف** از اکابر سادات
زاهد و متقی و خوش خلق و خوش صورت بود وفاتش سنه خمس و ثمانمائه مدفنش در خیابان محاذی عمارت فرقون
مولانا سعد الدین کاشغری از اکابر اولیاء الله بود در طریقهٔ خواجه بهاء الدین نقشبند سلوک
مینمود معتقد فیه جمیع خاص و عام بود مدفنش در بیرون خطیرهٔ شیخ زین الدین خافی واقع است **سید غیاث**
مجذوب عارف با تمکین نظرش حکم کیمیای احمر داشت کشف مغیبات میکرد وفاتش سنه اثنین و ستین
و ثمانمائه مدفنش در خطیرهٔ خلوتیان میان دو جوی **مولانا بایزید پورانی** نظرش شیوه اقطاب و ابرار
در بر نهج صحابهٔ کبار سلوک می‌نماید فضایل و منقبت و حسن خلق و جود و کرامات او بکمال بود عمرش بنود رسید سنه
اثنین و ستین و ثمانمائه وفات یافت مدفنش مقبرهٔ قریهٔ پوران در تحت کاریز که خود بنا شده واقع است
مولانا شیخ محمد المشهر بخواجه کوسوی از اقطاب روزگار و مشایخ کبار و صاحب کشف و کرامات
و مشهود و عارف بحقایق قرآن و حدیث بود در هنگام وجد نظر مبارک او بر هر کس افتادی البته اکثر بیخود گشتی
وفاتش در سنه ثلث و ستین و ثمانمائه و مدفنش در قبلهٔ مسجد جمعه شهر در همان خانه که منزل ایشان است
در جوار مرغزی واقع است **قاضی محمود امامی** از اکابر و قضات الاسلام و بقیهٔ اماجد قضاة انام و مقتدای
قبایل و اقوام و خلیفه تابع پدر پیر سید احمد کبیر رفاعی عمرش به نود رسیده وفاتش در ثلث و ستین
و ثمانمائه مدفنش در خطیرهٔ امام فخر رازی در جوار مشایخ بسطامی واقع **بابا کوکی** مجذوب دیوانه
کرم بود و سخنان بلیغ میگفت وفاتش در سنه اربع و ستین و ثمانمائه قبرش در خیابان است **مولانا**
محمد جاجرمی از فحول علما و اعیان فضلا و استاد فحول خراسان و کامل و متبحر بود مدت سی سال
تدریس میفرمود عمرش از هشتاد متجاوز شده بود وفاتش در سنه اربع و ستین و ثمانمائه مدفنش در تحتگاه شیخ
زین الدین خافی در جوار عیدگاه

شاهد حرف الهاء

٧٦ **و سید غیاث الدین** محمد **و امیر شمس الدین** سید یوسف **و امیر اصیل الدین** سید عبد الله حسینی
الدشتکی **و السید جمال الدین** عطاء الله المحدث الدشتکی الشیرازی در مدرسهٔ شریفهٔ سلطانیه در جوار حضرت
خاقان منصور مدفون است و السید نظام الدین مشهور **بمیر خواب بین** و مولانا **خواجه عبد الله**
معاصر شیخ ابو سعید ابو الخیر بود و تاریخ تولد و وفات او در این قطعه اشعار رفته **نظم** شیخ عالم خواجه
عبد الله انصاری که او مفخر اقطاب عالم از قران تا قران سیصد و پنج و نود سال آمده اندر وجود چون گذشت
از چار صد هشتاد و یک رفت از جهان و پیر مجرد **خواجه ابو الولید احمد** مزار در مرقدش صاحب بقعه در
گنبد است **و شیخ عبد الهادی** خلف خواجه عبد الله الانصاری و فاضل ربانی **صاین الدین**
اصفهانی که در سنه هشتصد و سی وفات یافت مولانا **فصیح الدین** نقی فریقین و جامع مذهبین
در مزار خواجه عبد الله مدفون است **و شیخ فرید الدین** لقمان نواده شیخ ابو سعید ابو الخیر الحکیم
الماهر **میمون بن البخت الواسطی** المعاصر لابی علی بن سینا ذکره الشهرزوری
فی تاریخ الحکما فقال کان طبیبا فاضلا حکیما انه کان یحفظ المنطق و الطبیعیات و الالهیات
من الشفاء و قیل کان واسطی الاصل خوزی المولد مقیما بهراة الی یوم الوفاة حتی توفی
فیها **و حافظ غیاث** قدوهٔ ارباب عرفان و عمدهٔ محدثان بود وفاتش سنه سبع و تسعین در
مزار **شیخ بهاء الدین** عمر مدفون است **و شیخ صوفی علی** در خطیرهٔ خواجه **جمال الدین**
در سر خیابان مدفون است **و خواجه افضل الدین** محمد و مولانا **شمس الدین** محمد روجی
در کازرگاه هرات نزدیک مزار خواجه انصاری مدفون است **و نور الدین** عبد الرحمن جامی مدت
هشتاد و یکسال عمر کرد و در عهد سلطان حسین بایقرا و امیر علیشیر بود وفاتش در تاریخ روز جمعه هجدهم محرم الحرام
سنه ثمان و تسعین و ثمانمائه روی نمود در هرات در پیش روی قبر سعد الدین کاشغری مدفون است مولانا
امیر جلال الدین محمد و شمس الدین محمد سمرقندی **و شیخ نجم الدین** و خواجه غیاث الدین
محمد و محمد ارزاهدی و امیر صدر الدین ابراهیم **و نور الدین** محمد و خواجه **شیخ بایزید**
و مولانا **قطب الدین** لاذر و سیف الدین **احمد تفتازانی** و شیخ جلال الدین **ابو یزید پوران**
و امیر سیف الدین الرازی و قاضی صدر الدین **محمد امامی و قاضی اختیار الدین** حسن

باب بیت هفتم

وقاضی نظام الدین محمد برادرش معین الدین که فراهی بودند در مزار خواجه مدفونند وقاضی
نور الدین امامی در مزار خواجه است و مولانا خواجه مسعود قمی در مزار پیر سعید ساله مدفون است و خوجه
کمال الدین حسین ابیوردی در گنبد مدرسه که مدرسه در جلو قبله مسجد جامع هرات مدفون است و مولانا
کمال الدین مسعود شیروانی در مزار پیر سعید ساله مدفون است و مولانا شمس الدین محمد بادکانی و خوجه
رضی الدین احمد جامی و مولانا کمال الدین ابو الواسع النظامی مولانا میر حسین
معمائی و مولانا کمال الدین حسین الواعظ و از قبور سلاطین و وزراء سلطان حسین میرزا بایقرا
در گنبد مدرسه هرات و میرزا بایسنقر و میرزا جلال الدین و میرزا خلیل سلطان و میرزا الغ [illegible]
و میرزا شاه محمود که از سلاطین تیموریه اند در مدرسه گوهرشاد بیگم مدفون اند و امیر علیشیر
جغتائی نوائی در گنبدی است در مسجد جامع هرات وفات امیر علیشیر سنه نهصد و یازده بود و خواجه
شمس الدین محمد مروارید وزیر سلطان ابو سعید در مزار شمس الدین محمد بادکانی مدفون است و سلطان
غیاث الدین از سلاطین اتابکان که شافعی مذهب بود و در ترویج دین مصطفوی سعی کرد مدفن او گنبدی است
که در مسجد جامع هرات که ساخته اوست میباشد و سلطان شهاب الدین در گازرگاه هرات
مدفون است

ذکر ملوک آل کرت

تختگاه ایشان هرات بود هشت نفر از ایشان در مدت یکصد و
سی سال حکمرانی کردند اول ایشان ملک شمس الدین ابی کرت است مولانا نسقی شاعر در تاریخ وفات
گفته شعر بسال ششصد و هفتاد و شش مه شعبان قضا زشعله دوران چو شکرت لقال بنام صفدر ایرانیان
محمد کرت برآمد آیت والشمس کورت در حال بعد از وی ملک رکن الدین بن ملک شمس الدین مدت
بیست و چهار سال حکمرانی کرد تا وفات یافت مولانا حکیم غوری گفته شعر روز پنجشنبه از صفر ده و دو سال
هجرت رسیده هفتصد و پنج رکن دین ابن شمس الدین آنکه شد بفردوس زین سرای سپنج بعد از آن ملک
فخر الدین بعد از چند سال پادشاهی در هفتصد و یازده وفات یافت قلعه اختیار الدین
متصل شهر هرات را او ساخته است و بازار ملک در هرات منسوب به اوست بعد از آن ملک غیاث
الدین بعد از چهارده سال حکمرانی در سنه هفتصد و بیست و نه در هرات وفات یافت بعد از آن ملک
شمس الدین مدت دو ماه حکمرانی کرد لفظ خلد ملکه تاریخ جلوس او بود و وفاتش در سنه هفتصد و سی بود

امیر علیشیر [illegible] المتخلص به نوائی [illegible] در تمام علوم مهارت [illegible] دائما بخیرات و مبرات [illegible] در تاریخ [illegible] نهصد و شش [illegible] رفت و قبرش در [illegible] مسجد جامع [illegible] که [illegible] در رحمت الحق [illegible]

نعم

در شاهد حرف الهاء

۷۷

بعد ملک حافظ بن ملک غیاث در هرات بر سر حکمرانی تا در سال هفتصد و سی و دو غوریان او را در قلعه حصار اختیار الدین
بقتل آوردند بعد از آن ملک معز الدین حسین در ترویج شریعت و تربیت علما و فضلا جد تمام داشت ملا سعد الدین
تفتازانی کتاب مطول بنام او در سنه احدی و سبعین و سبعمائه در گذشت در تاریخ وفات او گفته اند شعر
تاریخ وفات شاه اسلام پناه سلطان جهان معز الدین ظل الله از بیست و سیم ذی قعده و لیکن سال آن معلوم شود
زطیب الله ثراه ملک حسین مدت سی و سه سال حکمرانی کرد ملک غیاث الدین با خواجه علی موید از
ملوک سربداران محاربه نمود و نیشابور را از دست ایشان بیرون آورد امیر تیمور گورکانی ملک غیاث را
به برداری خود طلب نمود و ملک با طاعت نیامد امیر تیمور بقصد تسخیر خراسان افتاد در حدود هرات نزول فرمود
در سنه هفتصد و هشتاد و سه بعد از قتال و جدال ملک غیاث را با پسرش ملک محمد گرفته بقتل آوردند دولت ملوک
کرت بپایان رسیده ملک ایشان بتیموریان انتقال یافت هراباد وطن مؤلف و قصبه جلال
جمعی از اولیا و کبار و علمای عالی مقدار در آنجا مدفونند از جمله امام زاده صفی الله و برادرش امام زاده
امیر احمد و خواهر ایشان السیدة المعصومه ام کلثوم در یک بقعه واقعند و در جوار ایشان مولانا شیخ قطب الدین
دانیالی مشهور بحاجی پیاده که از خرقه پوشان و شاگردان حضرت سید دانیال بود و کرات پیاده حج کرده
و صاحب کرامات عالیه بود در جوار امام زاده های مزبور واقع است و والد ماجدش شیخ جمال الدین خواجه سلمان
مزارش در میان قصبه در محله گوچه واقع است که بسلمان بری مشهور است و از فحول علما و اجله مجتهدین که در
قبرستان کورعرش مدفونند السید الاجل میر محمد رضا قاضی القضاة بود در سنه هزار و صد و شانزده وفات یافت
و آن مرحوم دو پسر داشت بزرگش میر محمد باقر شیخ الاسلامی لقب داشت سنه هزار و صد و پنجاه و هفت وفات
و پسر کوچکش میر محمد زکی سلطان العلما و الافاضل بود و شیخ الاسلامی [illegible]
و آن مرحوم سه پسر داشت عموما عالم و فاضل بودند العالم النحریر میر علی اصغر بن میر جلال بن میر محمد باقر
الفاضل النبیل میر عبد العظیم بن میر محمد صادق
العالم النبیل و المحقق الجلیل میر عبد الفتاح بن میر محسن
و سید الفقهاء میر فاضل بن میر عبد العظیم سال هزار و دویست و دو وفات یافت
و پسران مرحوم سلطان المجتهدین میر شیبة الحمد و سید المجتهدین میر علی اصغر بن میر عبد الواسع و میر عبد الغفار
بن میر محمد طاهر الحاج صلة العلماء و العارفین و صلة السالکین سید مهدی السید صالح حکیم الهی
بن السید محمد مستجاب الدعوة و الحکیم الفاضل و العلامة الکامل السید سمیع بن میر محمد علی الشمائی و العالم
الفاضل المجتهد میرزا رضی نواده میرزا ابو طالب شیخ الاسلام فی الحقیقة قبرستان کورعرش از قدیم بقاع صالحین
و مزار علما و سادات صحیح النسب در آنجا مدفون هستند

سلطان العرفا [illegible] صالح [illegible] استاد المجتهدین [illegible] الشیخ [illegible] حکیم الهی [illegible] صاحب الدعوه [illegible] صاحب المکارم [illegible] میرزای جلوه [illegible] مدرسه [illegible] فقه و کلام [illegible] اصول [illegible] از آثار او شرح [illegible] محیی الدین اعرابی [illegible] شرح رسائل [illegible] تجدید [illegible] ازو الدوله [illegible]

باب پنجم

هرموز از بلاد جزایر خلیج فارس در دریای عمان است وفی التاریخ بناها ملك الهرموز من ملك آخر من هو ملك الاهواز اسلم وقتله عبدالله بن عمر برای همین بود که خلیفه ثانی خواست بردی دختر یزدجرد بکرد وغطت وجهها عنه فقالت (اف بیروج باز اهرمز) وهو کلام یشعر بالتانیف منه والدعاء علی اهلها **مولانا میر مخدوم** آن سید مرتاض مظلوم از سادات مدینه طیبه است جدش امیر بهاء الدین بعزم زیارت حضرت رضا بخراسان آمده در نیشابور متاهل شد و میر مخدوم در انجا متولد گردید و لیعه امیر قاسم الانوار رسیده در تصفیه باطن کوشیده و بکمالات صوری و معنوی آراسته گردید و اهالی خراسان بخدمتش اعتقاد تمام داشتند آخر الامر ارباب غرض اورا تکفیر نموده میرزا شاه رخ روغن داغ کرده بر سرش ریختند و مدتی در ولایت کازرون شیراز محبوس ساخته بعد از آن از قلمرو خود اخراج نموده روانه هرموز نمود جناب میر نور الله مرقده با آن صدمه باندک زمانی بیش از میر قاسم انوار در آمد یار از ی دار فنا بجانب دار بقا توجه فرمود رحمه الله

هزار خال قریه ایست در نزدیکی کجور مازندران واقع است **مزار امام زاده طاهر و امام زاده محمد** در آنجا بار در کمال اشتهار است **بلتا** از قرای بحرین است بقعه منوره فاضل محقق علامه مدقق فیلسوف النحریر **شیخ میثم بحرانی** در انجا است در سنه ششصد و هفتاد و نه در انجا وفات یافت

ان میثم بن علی بن میثم البحرانی شیخ ثقة له تصانیف منها شرح نهج البلاغة لم یعمل مثله وله کتاب القواعد فی اصول الدین وله کتاب استقصاء النظر فی امامة الائمة الاثنی عشر لم یعمل مثله وله کتاب القواعد فی اصول الدین وله کتاب استقصاء النظر فی امامة الائمة الاثنی عشر لم یعمل مثله وله کتاب الاستغاثة فی بدع الثلاثة حسن جدا وله رسالة فی آداب البحث وهو شیخ نصیر الدین فی الفقه وله مجلس عند المحقق الشیخ نجم الدین ره وصاحبه واقر له بالفضل وشیخنا ابو السعادات رضوان الله علیهم اجمعین

همدان

از بلاد قدیمه ایران در دامنه کوه الوند واقع است والهمدان بفتح الهاء والمیم بلد من عراق العجم قیل سمی باسم بانیه همدان بن الفلوج بن السام وهمدان بسکون المیم قبیلة من الیمن منها الحارث الهمدانی المخاطب بالابیات المشهورة ولها یا حار همدان من یمت یرنی من مومن او منافق قبلا پس در شهر همدان قبور و بقاع امام زادگان و سادات علماء و مشایخ عظیم الشان فراوان است از جمله امام زاده **اسمعیل بن موسی الکاظم** ع فانه اعقب من ثلاثة موسی واحمد وجعفر وولد جعفر بالمغرب وولد احمد من ولده محمد وفیه العقب الطیب وولد موسی نقباء دولة بنی حمدان ولهم افخاذ بطبرستان ومصر والشام وقیل ان لهم بقیة ببلخ آن سید جلیل امام زاده اسمعیل در ظاهر شهر در طرف جنوب

مدفون است

در شناسه حرف الهاء

78

و امام زاده حسین بن علی النقی علیه السلام در وسط شهر قریب بمسجد جامع مدفون است و مزار **امام زاده یحیی** بن محمد بن ابو عبدالله الحسین بن علی بن یحیی بن الحسین ذی الدمعة بن زید بن علی بن الحسین ع در انجا جمع مؤلف عمدة سادات طالبی منتهی میشوند آن بزرگوار در عهد سلاطین چنگیز نقیب قاضی و شیخ الاسلام همدان بود بتاریخ ششصد و چهل و پنج در همدان وفات یافت و از اصحاب کبار **ابا اسحق عمرو بن عبدالله السبیعی** صلی اربعین سنة صلوة الغداة بوضوء العتمة وکان یختم القرآن فی کل لیلة ولم یکن فی زمانه اعبد منه ولا اوثق فی الحدیث عند الخاص والعام وکان من ثقات علی بن الحسین وولد فی اللیلة التی قبض فیها امیر المومنین ع وله تسعون سنة وهو من همدان توفی بها ومزاره فیها رضی الله عنه **و ابو العباس محمد بن جعفر حمیری** قمی از وکلای حضرت حجة الله امام عصر محمد بن عسکری ع بود در وقت مراجعت از سر من رای در همدان وفات یافت و در انجا مدفون گشت **و میرزا ابراهیم همدانی** مشهور بقاضی زاده از سادات طباطبا بود و تصانیف در حکمت و معقولات بسیار دارد و مزارش در انجاست **و شیخ الرئیس شرف الملك ابو علی حسین بن سینای بخاری** در فلسفه و حکمت کسی برو مقدم نیست بکر ابو نصر فارابی که سر سلسله حکیمان است فی الحقیقه کتاب قانونش در ایران بلکه در فرنگستان نیز ماخذ طبابت بوده و شفای او نیز لیس در ردیف رسائل است ولادت این حکیم علم در سنه چهار صد و بیست و هفت بوده تاریخه من کلمتین جزء وولادته شجع ووفاته تکز ومدت پنجاه و چهار سال عمر کرد گویند چون مراتب علوم بو علی سینا را کسی نداشت براو حسد بردند و کلمات و مطالب او را نفهمیدند اورا تکفیر کردند پس شیخ در جواب این رباعی را گفت **شعر**

کفر چو منی گزاف و آسان نبود / محکمتر از ایمان من ایمان نبود
در دهر چو من یکی و آنهم کافر / پس در همه دهر یکی مسلمان نبود

~~و در جنب شیخ الرئیس ابو علی مدفون است و در بعضی تواریخ مزار او در همدان~~ **قبر شیخ ابو سعید ابو الخیر** ~~در انجا نوشته اند~~ رباعی از حکیم عمر خیام

ای آنکه نتیجه چهار و هفتی / وز هفت و چهار دائم اندر تفتی
ما یم بلطف حق تولا کرده / وز طاعت و معصیت تبرا کرده
انجا که عنایت تو باشد باشد / ناکرده چو کرده کرده چون ناکرده

جواب شیخ ابو سعید ابو الخیر

ای نیک نکرده و بدیها کرده / وانگه بخلاف خود تمنا کرده
بر عفو مکن تکیه که هرگز نبود / ناکرده چو کرده کرده چون ناکرده

و عین القضاة مؤلف زبدة الحقایق در همدان آسوده اند

باب بیست هشتم

و **بدیع الزمان** صاحب مقامات بدیعی فوتش در سنه سیصد و نود و شش بوده و در همدان مدفون است
و نقل ان بدیع الزمان کان من اجلاء الشعراء الامامیه صار مسکوتاً فعجل فی دفنه فلمّا افاق
سمعوا صراخا منه باللیل من تحت الارض فنبشوا قبره فوجد واقابضا علی لحیته وقد مات
من هول القبر فی هذه السنة بعینها و از سلاطین سلطان **محمود** سلجوقی و سلطان **مسعود** سلجوقی
و **سلیمان** شاه بن ملکشاه سلجوقی و **ایلدکز** شاه و برادرش **نصیر الدین** عموماً در همدان مدفونند
و **ابقاخان** بن هلاکو خان در سال ششصد و هشتاد در گذشت و قبرش در همدان است

باب بیست هشتم در بیان مشاهد حرف یاء

یارکند از بلاد ختن است **مقام امام جعفر صادق** علیه السلام در آن دیار مابین یارکند
و قرا قزوان واقع است سالی جمع کثیری بولایت آن زیارت رفته و طلب حاجت نموده بمراد میرسند **یزد**
از مداین کرمان و از بلاد قدیمه ایران است فضلای کبار از آن دیار بسیار برخواسته از آنجمله **شرف الدین**
علی یزدی صاحب ظفرنامه تیموری در سنه ششصد و پنجاه وفات یافته و میر غیاث الدین مشهور بمیر میران
فرزند شاه نعمت الله یزدی بود الفاضل المتبحر **ملا محمد صادق** مجتهد العالم النبیل **ملا محمد باقر** مجتهد
و مولانا الجلیل **ملا محمد شریف مجتهد** و فاضل المحدث **ملا عبد الخالق** صاحب کتاب مصایب
المعصومین و مولف بیت الاحزان **والحاج محمد حسن** نائنی این جمله در یزد مدفونند
و سلاطینی که تختگاه ایشان دار العباد یزد و کرمان از جمله ملوکی که با سامانیان و غزنویان معاصر بودند
اول ایشان **ابو علی بن الیاس** در سال سیصد و پنجاه شش بمرض فالج درگذشت و دوم **الیسع**
بن محمد میان او و معز الدوله دیلمی محاربات روی نمود بعد از آن عضد الدوله یزد و کرمان را متصرف
شد الیسع در سنه سیصد و پنجاه هشت راه بخارا پیش گرفت از آنجا بخوارزم شتافته در راه او را
درد چشمی گرفته و از غایت صعوبت وجع او دو حدقه خود را بر دن آورده بدان درگذشت ۳
سلیمان بن الیاس در سنه سیصد و پنجاه نه سپاه عضد الدوله با او حرب کرده او را
کشتند این دولت ختم شد و دیگر از سلاطین که تختگاه ایشان یزد و کرمان بود آل کاکویه
بودند اول در اصفهان بعد در یزد و کرمان حکمران بودند **ذکر ملوک کاکویه** اول ایشان محمد بن

در ذکر مشاهد حرف الیاء ۷۹

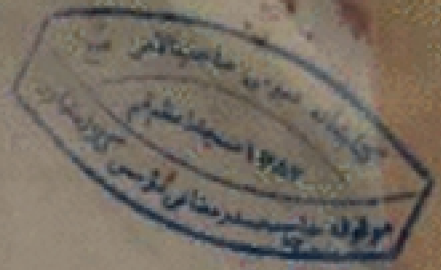
دشمن الملکی **با بو جعفر علاء الدوله کاکویه** چون او پسر خال والده مجد الدوله دیلمی است کاکویه گویند
بآن اشتهار یافت ابو جعفر مردی عاقل و عادل و سائس و فاضل بود از جمله شیخ الرئیس ابو علی سینا وزارت و قیام
میفرمود و دختر سلطان محمود غزنوی خواهر او را عقد کرده و صفهان را بوی سپرد بعد بیست سال حکمرانی در سنه چهار صد و سی و سه
باجل طبیعی درگذشت **ابو منصور** بن علاء الدوله ابی نهادند و توابع آن متصرف گشت طغرل بیک سلجوقی اصفهان را
از ابو منصور گرفته یزد را در عوض باو داد **گرشاسف** بن علاء الدوله در زمان پدر حکمران همدان بود و قبیله
سلاجقه او را از وی گرفتند ابو منصور او را بحکومت آنجا فرستاد گرشاسف در سنه چهار صد و چهل سه در اهواز وفات
یافت **ابو علی** نواده علاء الدوله بحکمرانی در قزوین کارزاری که سلمانان از آن منتفع و محظوظ اند
احداث نموده آخر در محاربه برکیارق در ختن بقتل رسید **امیر فرامرز** بن امیر ابو علی و الده اش ارسلان خواتون
از سلاطین سلاجقه بود و مصنفات نفیسه داشت در نزد سلاطین سلجوقی منزلتی تمام داشت در حرب قراختای بشهادت
رسید **اتابک سام** حکمران شد در درب مهرالجرد مدرسه عالی ساخت در سنه چهار صد و پنجاه نه وفات
یافت بعد از وی برادرش **عز الدین** بهادر حکمران بود در سنه چهار صد و شصت چهار وفات یافت
در دان روز ملقب بقطب الدین بعد از پدر برادر چند روزی حکمرانی کرد بعد غربت اختیار کرده
و در بلاد ترکستان بمرتبه اولیاء رسید تا سنه چهار صد و شصت شش وفات یافت **یاء**
قصبه ایست از بلاد ترکستان الشیخ الفاضل الامجد الاوحد المولی **السید احمد یسوی** که
از فرزندان محمد حنفیه بن حضرت امیر المومنین ع در آن دیار مزارش در کمال اشتهار است امیر تیمور
گورکانی بر سر مزار او عمارت وسیع و رفیع طرح انداخته و طاق بسیار بلند بنا نهاده و منار و گنبدی
مربع سی گز در سی گز و در دو طرف دیگر گنبد طاقهای بلند و چهار صفه دیگر دوازده گز در دوازده گز ساخته
از حجرات و عمارات زیاد بنا نموده و در سر قبر اش سنگ سفیدی نهاده و نقوش غریب و بدیع نگاشته اند **بقعه**
یمامه ولایتی است مشهور مشتمل بر نواحی چند و قراء دلپسند مردمش قوم عرب اکثر شافعی مذهب
ثابت بن قیس الانصاری مطاف اهالی آن دیار است ثابت بن قیس خطیب رسول الله بیشتر در غزوات
با پیغمبر حاضر بوده در خلافت ابو بکر در جنگ مسیلمه کذاب در سال دوازدهم هجری در یمامه شهید شد و ثابت بن مالک
بن امرء القیس کان خطیباً للنبی و شهد له بالجنة و شهد بالیمامه والیمامة مدینة من الیمن علی مرحلتین
دون الحدیبیة فی وسط الشرق عن مکة علی ستة عشر مرحلة من البصرة و عن الکوفة نحوها

باب پنجم ششم

وصاحبها مسیلمة الکذاب تنبا بیمامة فحاربه ابوبکر بجند المسلمین وقتله الوحشی قاتل حمزة فی سنة
عشر من الهجرة وسجاح بنت المنذر المتنبیة زوجة مسیلمة الکذاب **وجریر بن عطیه**
شاعر معروف در سال یکصد ودوازدهم بمرد جریر شش ماه بعد از فرزدق وفات کرد وهم حسن البصری وابن سیرین
درین سال بمردند زنی از اهل البصره گفت چگونه نجات یابند مردم شهری که در یکسال دو فقیه ودو شاعر شان
هلاک شوند وقبر جریر در یمامه است وقبر **اعشی بن قیس** بن ثعلبه نیز در یمامه است **یمن**
والیمن بلاد العرب فی الحدیث الایمان یمان والحکمة یمانیة لان الایمان بدا من مکة وهی
فی تهامة وتهامة من ارض الیمن ولهذا یقال الکعبة الیمانیة وهو بتبوک ومکة والمدینة بینه
وبین الیمن اراد بهذا الاتصال لانهم یمانیون وهم نصروا الایمان الیهم بدا کهه یمن ملکی است قدیم
وکشوری است عظیم محدود است از شرق بملک حضرموت واز مغرب ببحر قلزم واز شمال بولایت حجاز واحقاف
واز جنوب بدریای عمان همگی قوم عرب از نسل عدنان وبعضی از اولاد قحطان ومذاهب مختلفه بسیار ند اما طایفه
زیدیه در غایت کثرت واقد ارند واحادیث چند در تعریف یمن واهلش وارد است الایمان یمانی از انجمله انی لاجد
نفس الرحمن من قبل الیمن درباره **اویس القرنی** فرموده‌اند **وابرهة بن الحارث** ملک من ملوک
الیمن **وابرهة بن الصباح** کذلک **وابرهة بن الاشرم** وهو ابویکسوم صاحب الفیل کلهم
من ملوک الیمن **وبلقیس** زوجه سلیمان بنت ملک الیمن کلها ملکة السبا ابنة الهدهاد من
ملوک حمیر وهی التی نقل قصتها مع سلیمان بن داود علیه السلام **وذو الخمار الاسود** بن کعب
تنبا بالیمن قتله فیروز الدیلمی لیلة قبض رسول الله **والحسن النجار** ظهر فی الیمن سنة ...
وادعی انه الباب فلما اجابه الناس ادعی الربوبیة وصار المهدی حل فقال له فضل الخیاط یدعوا الی
النجاة فصلوا فطافوا بها اسبوعا وحلقوا رؤسهم وکان النجار والخیاط یجمعون بین الرجال
والنساء ویحکمون بعض علی بعض فاذا ولدت المراة من ابیها واخیها وسموه صفوة والنجاة
کانوا اصحاب حسن النجار **وعبید الله بن عباس** بن عبد المطلب مرقد ومزارش در دیار
یمن واقع است عبید الله از اشراف صحابه حضرت پیغمبر وسادات اصحاب امیر المؤمنین حیدر بود حضرت امیر او را در ایام
خلافت خود حاکم یمن ساخت وسه سال امارت حج را بامفوض گردانید آخر عبید الله با همه نسب وقرابت که بخاندان نبوت
داشت بواسطه طمع زخارف دنیا علم بیوفایی با امام حسن علیه السلام برافراشت در کشف الغمه مسطور است که چون معویه بعد از وفات
حضرت امیر متوجه کوفه شد امام حسن علیه السلام بجهت دفع او از کوفه بیرون آمده ولشکری جرار بعبید الله بن عباس وقیس بن سعد بن عباده

در شاه حرف الیاء

داده باستقبال معویه فرستاد تا مکه ارند که او بولایت عراق درآید ومقرر فرموده بود که امیر لشکر عبید الله باشد واگر او را
حادثه پیش آید امیر قیس باشد آنحضرت در ظاهر کوفه با گروهی مختلف از موافق ومخالف از لشکریان مانده بود ناگاه کتابت
قیس رسید مضمون آنکه چون لشکرهای معویه نزدیک رسیدند معویه کتابتی بعبید الله نوشت واو را بمتابعت خود ترغیب
وبا او وعده نمود که هزار هزار درهم باو دهد نصفی فوری ونصفی در حین دخول کوفه عبید الله بآن فریفته شد در شب بجیر کوچ
نموده با خواص خود بمعویه ملحق شده وچون آن کتاب بامام حسن علیه السلام رسید فساد لشکر خود در الیقین فرمود ودانست که او را
مخذول خواهند گذاشت وخواص وشیعه او اقل قلیل رسیدند که بجرب اهل شام قیام توانند نمود لاجرم بمصالحه معویه وتسلیم خلافت
بآن مضطر گردید وفات عبید الله در سنه ثمان وخمسین بود وبعضی گویند در سنه سبع وثمانین بود در زمان عبد الملک
مروان **والامیر الکبیر السید عبد الله** بن محمد بن عبد الله بن محمد بن علی بن عبد الله بن جعفر
بن ابی طالب علیه السلام در زمان خروج ابی السرایا در یمن بدرجه شهادت رسید قبرش در دیار یمن واقع است **در ذکر**
ملوک بنی فاطمه مدتی در یمن سلطنت وحکمرانی داشته‌اند اول ایشان **یحیی** المکنی بعبد الله بن
قاسم الرسی بن ابراهیم طباطبا بن اسمعیل دیباج بن ابراهیم غمر بن حسن مثنی بن حسن المجتبی علیه السلام
در زمان معتضد عباسی در سنه ثمانین ومائتین در یمن ظهور کرده ملقب بهادی گردید آخر در صعده ششت سالگی
وفات یافت قریب هفت سال در مکه معظمه خطبه بنام او خواندند واورا کتابیست در فقه زیدیه موسوم باحکام
۲ **السید محمد** بن یحیی المرتضی پس از پدر والی دار یمن گردید واو فقیه وعالم بود در اصول وفروع اورا تصانیف
بسیار است ولادتش در سنه ثمان وتسعین ومائتین ووفاتش در سنه خمس عشر وثلثمائه **السید احمد** بن یحیی که
ملقب بناصر لدین الله بود قایم مقام گشت ودر سنه اربع وعشرین وثلثمائه فوت شد **سید حسن** بن احمد الملقب
بمستجب ولی شد تا مقتول گشت **السید یحیی** بن احمد بعد از قتل برادر بحکمرانی رسید منصور لدین الله لقب داشت
السید یوسف پس از مدت حکمرانی وفات یافت **السید ابو محمد**
واو معاصر معز الدوله بن بویه بود ... صاحب حزم وعظیم الناموس وعاقل ومدبر بود واهل یمن اورا بسیار
عبد الله بن محمد یحیی موردی نوشته که صاحب حزم وعظیم الناموس ... خطبه باسم وی خواندند وخود در یمن
دوست میداشتند داعیان بولایات ایران وخراسان فرستاد در جمیع بلاد خطبه باسم وی خواندند وخود در یمن
بر سریر سلطنت متمکن بود وناصر عباسی که معاصر او بود از بغداد مال بسیار بطوایف عرب یمن فرستاد وایشان را
تحریص بر قتل او نموده ووعده‌های خوب میداد چون ابو محمد در کار خود غفلت نمی‌ورزید واز اخبار اطراف
تفتیش مینمود وکسی براو ظفر نیافت تا وفات یافت بعد از وفات او پسر او را قایم مقام او ساختند وچون دیدند
که جاهل وقاصر است او را از مرتبه امامت انداخته وخطبه بنام وی نخواندند **السید احمد بن الحسین** را که از بنی اعمام



باب بیست هشتم

عبدالله بود امام و خلیفه قرار دادند و حال آن بزرگوار در میان مردم مشهور و در فضل و کمال و علم و زهد معروف است
و هرگز در هیچ قلعه قرار نمیگرفت و همیشه در بیابانها و کوهستان بسر میبرد و صلی الله علی محمد و آله

ینبوع بندر مدینه است در کنار بحر احمر واقع است از فرضه مذکور الی مدینه چهار مرحله است بدین موجب
وادی خبط ده فرسخ قریه جدیده ده فرسخ نازیه هفت فرسخ مدینه منوره یازده فرسخ از ینبوع الی مدینه
سی و شش فرسخ است والینبع بالفتح والسکون قریة کبیرة بها حصن علی سبع مراحل من المدینة
نقل انه لما قسم رسول الله الفیء اصابه علی ارضا فاحتفر عینا فخرج منها ماء ینبع فی
السماء کهیئة عنق البعیر فسماها عین ینبع **مرقد عمر الاطرف** بن علی ابی طالب
در ینبوع است مدت هشتاد سال از عمر شریفش گذشته بود در ینبوع وفات یافت و در آنجا مدفون گشت جمعی
آنجناب را توصیف و تمجید و بعضی تقبیح و تکذیب میکنند چنانکه سالم بن قتیبه بعد از وفات عمر بن علی بدین شعر
او را مرثیه گفت صلی الاله علی قبر تضمن من نسل الوصی علی خیر من سئلا قد کنت اکرمهم
کفا و اکثرهم علما و ابرکهم حلا و مرتحلا جماعتی گویند که عمر بکربلا نرفت پس از شهادت امام حسین میگفت
من مردی با خرم بوده ام که اگر بکربلا میرفتم کشته میشدم و گروهی گویند عمر در سفر کربلا با حسین علیه السلام همراه بود
در شب عاشورا فرار کرد در جوالیق منزل گرفت بنابراین اولاد او را جوالیق خواندند این درست نباشد
بلکه این وقت در مکه بود با عبدالله بن زبیر العوام بیعت کرد بعد از او با حجاج بیعت کرد بنابراین فرزندان
او را جوالیق خوانند و فی صحاح الاخبار ان العمر بن علی بن ابی طالب آخر من مات من بنی الامام
علی اعقب من رجل واحد وهو محمد ویقال لولده بنو الایله و منهم الشریف نقیب البطایح وله بقیة
بسواد البصرة و منهم علی الطبیب شیخ ابو طالب فی زمنهم بمصر ولعمر الاطرف اعقاب ببلخ و حران
و واسط والیمن و طبرستان والهند و ملتان والسند

یونان شبه جزیره است در کنار
بحر ابیض و کشوری است معروف و اهلش بتربیت و فهم و ادراک موصوف آب و هوایش مقوی ادراک و حافظه است چنانکه
مشهور است تجار بهمان سکان عبور کنند فراموش کرده ایشان بخاطر آید و حکمای فلاسفه و فضلای مشائی و اشراقی و متکلمین
از آنجا بار ظهور کرده اند و ارسطالیس که معلم اول است در علم حکمت او را او بنا کرد از اهل یونان است در فضیلت حکمای یونان
احادیث نبوی بسیار است از آنجمله ان النبی اذا کمل واحد من آهله قال لماء رسطوطالیس هذه
الامة وذلک وصف له بالمعرفة و روی ایضا فی بعض الکتب ان عمرو بن العاص قدم من الاسکندریة
علی رسول الله فقال یا رسول الله رایت اقواما یتطیلسون و یجتمعون حلقا و یذکرونک جلا یقال له ارسطو

ینبوع

۹ برنکلی امام قریه است از بلوک ... شهر که مابین قزوین و طهران واقع است چون دو نوع امام زاده که نام یکی امام زاده ادریس و دیگری امام زاده جعفر النقی از اولاد حضرت امام رضا علیه السلام در آنجا هستند آن ملوک ... امام کنند و آثار امام زاده کان گنبد و صحن و طاق و رواق است

یونان

[illegible]



